



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ:
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، کلید هر نوشته ای است.

مکتب الرسول ج ۱، ص ۵۶

راهبرد

- اراده ما قوی تر است | ۶
- آرایش جنگی ۴۰ ساله | ۷
- ما را ز سر بریده می ترسانی؟ | ۸
- بلوف؛ تو خالی اما پرصدا | ۱۰
- درهای بسته | ۱۱
- ترس از قدرتی فراتر از بمب اتم | ۱۲
- افول موربانه ای | ۱۴
- یکی به نعل یکی به میخ | ۱۷
- شبح جنگ | ۱۸
- چرا مذاکره نمی کنیم؟ | ۱۹
- پایان قدرت نمایی غولهای آهنی | ۲۰

اندیشه

- در چرایی حوادث غرق نشویم | ۲۲
- با تغییرات نجنبیم | ۲۴
- تاب آوری باحافظه تاریخی
معنا می یابد | ۲۷
- ما انسان را در رنج آفریده ایم | ۲۸
- خدا با بردباران است | ۲۸
- ویژگی های اصلی
افراد تاب آور چیست؟ | ۲۹



۱۰

- تبدیل اضطراب به فرصت رشد | ۳۰
- راهنمای تاب آوری | ۳۱
- تاب آوری، پیش نیاز
توسعه پایدار است | ۳۲
- خودآزمایی تاب آوری | ۳۳



۲۰

خم می شوندا ما شکسته نمی شوند | ۳۴

درپرتو معنا

- جانب اهل خدا | ۳۸
- پیروزی درخشان | ۴۰
- آئینه عبرت | ۴۲
- سالار شهیدان | ۴۵
- او با شماست هر جا باشید | ۴۶
- هیچ عبادتی بالاتر از خدمت به مردم
نیست | ۴۸
- تفسیر خطبه ۸۷ نهج البلاغه | ۵۰
- مرا در روزهای خوشی خود یاد کن | ۵۲



۲۲

فرهنگ و هنر

- تیشه به ریشه | ۵۴
- نگران زبان فارسی هستم | ۵۷



۲۷

زیر نظر شورای سیاست گذاری

● سردبیر:

یاسر احمدوند

● معاون سردبیر:

محمد مهدی بیگلری

● همکاران:

مجید صالحی، محمد جواد کسمایی، شایان ضیایی
 محمد رضا بختیاری، فرناز رخشنده، حمید پورصمیمی
 محمد جهان شاهی، نازنین رشیدبیگی، محمود اورعی
 مهتاب هاشم زاده، فریده خان محمدی، علی پورمحسنی
 حمید جواد، بهرام جلال وند، بهاره فرج پور



جمعیت هلال احمر
 جمهوری اسلامی ایران
 حوزه نمایندگی ولی فقیه

مروبان
 ماهنامه فرهنگی، اجتماعی بارویکرد دینی

شماره ۴۴ . خرداد ۹۸ . سال پنجم
 رمضان - شوال ۱۴۴۰ . می - جون ۲۰۱۹

۴۸



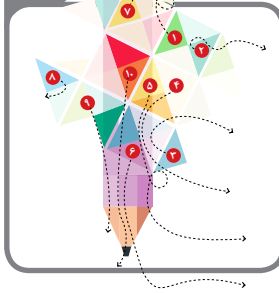
قدردانی از خیرین گلپایگانی | ۸۹
 سفره‌ای خالی نماند | ۹۰
 سفره‌های مهربانی جمعیت هلال احمر
 در استان قم | ۹۱
 امداد در هزارتوی ذهنیت ایرانی | ۹۲
 قاب مظلومیت | ۹۶

۵۴



در این صندوق پول نریزید | ۹۷
 انقلاب اسلامی به پشتیبانی
 ملت بزرگ ایران متکی است | ۹۸
 رمضان امسال خدمت‌رسانی به مردم
 با عطر معنویت درهم آمیخت | ۹۹
 تجلیل از فعالان قرآنی جمعیت هلال
 احمر استان آذربایجان شرقی | ۹۹
 مسئله فلسطین اولویت اصلی
 جهان اسلام است | ۹۹

۷۳



خبر خاموش شد اما
 آتش سیل هست هنوز | ۱۰۰
 همکاری هلال و
 کانون طلاب امامیه شهرکرد | ۱۰۲

۹۰



نشست‌های قرآنی در قم | ۱۰۲
 حضور مبلغان دینی در
 پایگاه‌های هلال | ۱۰۲
 ظهرانه هلال | ۱۰۳

عشق بردند و باور آوردند | ۵۸
 اسیر سایه این ابرهای تیره مشو | ۶۰
 دگردیسی هولناک یک ذهن پاک | ۶۲
 یک لگه سرخ نور | ۶۴
 الف قامت دوست | ۶۶

کتاب

سنگ دلانی که دریا شدند | ۷۰
 دفن جهل | ۷۲
 شفاف، صمیمی و طبیعی باشید | ۷۳
 نورا، ستاره‌های بی‌شمار را می‌کاوید | ۷۴
 هم‌نشین فرشته‌ها | ۷۶
 مقاومت؛ مسیر سعادت | ۷۸
 از عاشورا تا جان جهان | ۸۰
 هیچ چیز جای کتاب را نمی‌گیرد | ۸۲

هلال

قرآنی زندگی کنیم | ۸۶
 اعضاء هلال احمر، بسیجیان عرصه
 امداد و نجات هستند | ۸۸

مهروماه از نوشته‌ها، پیشنهادهای و انتقادهای شما استقبال می‌کند.
 لطفاً مطالب خود را به نشانی
mehromah.helal@gmail.com ارسال فرمائید.
 سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴
 تلفن: ۸۸۲۰۱۱۳۶

● مسئول پشتیبانی: فیروز شیخی
 ● مسئول توزیع: علی اصغر خلیج رحیمی
 ● باسپاس از همراهی:
 حامد جبلی، فاطمه صادقی، فرزین صالحی
 و مسئولان محترم دفتر نمایندگی ولی فقیه
 در جمعیت هلال احمر استان‌ها

● مدیر هنری:
 روح اله یاقوتی
 ● صفحه‌آرایی:
 دفتر مشكاة هنر
 ● ویراستار:
 زهرا عزیززی

جنگ و صلح و چنبره معانی

گاهی به نظر می‌رسد دو مفهوم یا دو کلمه، به ظاهر متضاد و در مقابل هم‌اند؛ مانند جنگ و صلح.

این صورت کلمه است بدون ملاحظه باطن آن. اما اگر بیشتر در بطن کلمه غور کنیم و مفهوم آن را بکاویم کمی ماجرا متفاوت می‌شود. گاهی این دو معنا ناگزیر از هم‌اند. اصالت صلح و صلح‌اندیشی که جانمایه فعالیت‌های بشردوستانه است به تحقق حق و حقیقت است. صلح زمانی احساس می‌شود که عدالت جاری شده باشد. صلح یعنی نفی زور و تزویر. صلح را نمی‌توان از هزارتوی بی‌منطقی جستجو کرد. صلح فقط به جنگیدن یا نجنگیدن محدود و محصور نیست. صلح شاید مقابل خشونت است؛ خشونت جاری در منطق و رفتار که گاهی زیر نقاب صلح‌طلبی پنهان می‌شود و نادیده می‌ماند. بنابراین آن‌گاه که عدل و تعادل، منطق و نطق معقول، تضييع حق و حقوق و این قبیل حقایق از جریان تعاملی بشر نادیده گرفته شود باید فقدان صلح را در جهان فریاد زد و برایش سینه چاک کرد. اما آن‌چه جنگ را مقابل صلح قرار می‌دهد، آن صورت‌هایی از جنگ است که یا ناشی از رفتار خشن و بی‌منطقی باشد یا حاصل ناحقی و نادیده گرفتن حقوق و یا برآمده از بی‌عدالتی و بی‌انصافی؛ آنجا که جنگ آمیخته با زور و زورگویی است. این‌ها جنگ‌هایی است که بنیان‌های صلح‌اندیشی را ویران می‌کند و نمی‌توان ادعای صلح‌طلبی کسی را که چنین صورتی از جنگ در رفتار و نیت‌اش مشهود است باور کرد و جنگ‌جویی‌اش را برای تحقق صلح دانست.

اما وقتی عمیق‌تر می‌نگریم و از این صورت‌ها عبور می‌کنیم در باطن، جنگ‌هایی هست که عین صلح‌طلبی است. جنگ، زمانی نبرد است و رسم‌اش، لشکرکشی و زیاده‌طلبی و ناعدالتی و به یک معنی مصداق بارز خودخواهی.

گاهی نیز جنگ، ناخواسته و از سر عدالت‌طلبی و حق‌خواهی است و رفتاری است ناشی از اندیشه صلح‌طلبانه. گاهی صلح ناگزیر است از جنگ. منطق و منش این رفتار، جنگ‌جویانه نیست بلکه جنگاورانه است. گاهی جنگ جریان دارد اما یک سوی آن جنگ‌جویی و جویای جنگ بودن است، چرا که منطقی‌ناحقی و رفتارش خشونت است؛ و سوی دیگر، صلح‌اندیش است و برای تحقق صلح ناگزیر از جنگاوری است. گاهی جنگ، نبرد است و حمله و زیاده‌خواهی. گاهی نیز جنگ، مقاومت است و دفاع و حق‌ستاندن و عدالت‌خواهی.

اگر یک طرف به نفع بی‌منطقی و زور و خشونت از حق مشروع و عدل معقول چشم‌پوشی کند لزوماً به تحقق صلح کمکی نکرده بلکه در حقیقت، مفهوم و باطن صلح را لگدمال و مخدوش کرده است. زمانی که بین «نبرد» و «مقاومت» تفکیک قائل می‌شویم، تفاوت نگاه صلح‌طلبانه و رویکرد صلح‌جویانه از پس این صورت تقابلی بیرون می‌زند و آشکار می‌شود و در این تفریق و تمییز دادن کلمه‌ها است که صلح‌اندیشی متبلور می‌شود. در نتیجه آن طرف نزاع که شهوت جنگ دارد و باطن رفتارش آمیخته به خشونت است صلح را نادیده می‌گیرد در حالی که سمت دیگر نزاع، مقاومت است اما این رویکرد در حقیقت جانمایه صلح و نشانه صلح‌اندیشی است.



« راهبرد

ماه گذشته را می‌توان ماه دیدارهای رهبر معظم انقلاب با قشرهای متفاوت نام نهاد. در این دیدارها از هنرمندان، دانشگاہیان، طلاب تا مسئولان بخش‌های مختلف نظام علاوه بر طرح دغدغه‌ها و نظرات خود از بیانات راهبردی معظم‌له بهره بردند. یکی از مهم‌ترین این دیدارها، ملاقات با کارگزاران نظام بود و در این دیدار ایشان درخصوص مسأله مهم سیاست خارجی ایران و یکی از موضوعات پدمانه بین‌المللی یعنی شیوه مقابله ج.ا.ایران با زورگویی‌های آمریکا، نکات ارزشمندی را از جمله این نکته کلیدی را که «نه مذاکره می‌کنیم و نه جنگ می‌شود» بیان فرمودند. بخش راهبرد این شماره با مطالبی درباره برخورد اراده‌ها، آرایش جنگی چهل ساله، افول موریانه‌ای آمریکا، شیوه تصمیم‌گیری دشمنان و... به همین موضوع اختصاص یافته است.



ترس از قدرتی فراتر از بمب اتم

افول موریانه‌ای

چرا مذاکره نمی‌کنیم؟



سرانجام رویارویی آمریکا با ایران

اراده ما قوی تر است

اول

چندی پیش خبری در صدر اخبار رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت: هواپیمای مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا، از صفحه رادار ناپدید شد. پمپئو که تا پیش از آن، طبق برنامه قرار بود به آلمان سفر کند، در اقدامی غیرمنتظره سفرش را به سمت مقصدی نامعلوم لغو کرد. «کیتلن کالینز»، خبرنگار شبکه «سی ان ان» در کاخ سفید، در توییتهای نوشت که به خبرنگاران همراه پمپئو گفته شده است که تا پایان سفر و بازگشت، حق اعلام مقصد سفر را ندارند. ساعاتی بعد اما مقصد سفر ناگهانی پمپئو مشخص شد: عراق!

راديو فرانسسه درباره هدف پمپئو از این سفر چنین نوشت: «مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، در اقدامی غیرمنتظره، سفرش به آلمان را نیمه تمام گذاشت و عازم بغداد شد. وی گفته که برای امنیت نیروهای آمریکایی مستقر در این کشور به بغداد رفته است. او پس از ترک عراق به خبرنگاران همراه خود گفت که نخست وزیر و رئیس جمهوری عراق، مسئولیت کشور خود در تأمین امنیت نیروها و مراکز آمریکایی در خاک این کشور را جدی تلقی کرده و در این باره به او اطمینان داده‌اند.»

کاملاً واضح بود که این هدف اعلام شده از سوی پمپئو، با چنان اقدام غیرمنتظره‌ای همخوانی نداشت و مسئله می‌بایست مهم‌تر از این‌ها باشد. چند روز اما از این سفر نگذشته بود که ابعاد جدیدی از آن برملا شد. «میدل ایست‌آی» از طریق منابع آگاه فاش کرد که سفر پمپئو به عراق، در واقع حامل پیامی برای ایران بود. پمپئو در این سفر، به «عادل عبدالمهدی»، نخست وزیر عراق صراحتاً گفته بود که کشورش خواستار جنگ با ایران نیست و از او خواسته این پیام را به تهران برساند که همه آن چیزی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا می‌خواهد، فقط یک توافق هسته‌ای جدید است. به نوشته این رسانه، «عادل عبدالمهدی» که انتظار داشت با سخنان آتشین پمپئو درباره ایران روبه‌رو شود، از این لحن نرم و آرام پمپئو شوکفت زده شده بود.

دوم

خود مقامات آمریکایی بهتر از هر کسی می‌دانند که جنگ با ایران، بیش از همه بر ضرر کشورشان تمام خواهد شد. برای همین، موجی از اعتراضات منفی علیه اظهار نظرهای اخیر دونالد ترامپ و نزدیکان او به راه افتاده است. «تیم کین»، سناتور ایالت ویرجینیا، هفته گذشته اعلام کرد: «در یک سال گذشته، پس از خروج آمریکا از برجام، دولت ترامپ به اقدامات جدی برای افزایش تنش با ایران دست زده است از جمله اعلام نادرست جابجایی معمولی ناو ابراهام لینکلن به عنوان اخطار به ایران. آشکارا می‌گوییم: دولت ترامپ فاقد هرگونه اختیار قانونی برای اقدام به جنگ علیه ایران بدون مجوز کنگره است. دیوید پترائوس، رییس سابق سازمان سیا نیز گفت: «در مورد این اظهار نظر که ممکن است دولت آمریکا به جنگ با ایران ترغیب یا وسوسه شود، من فکر می‌کنم چنین احتمالی کاملاً منتفی است. همانطور که قبلاً گفتم، فرصتی که برای وارد کردن آسیب جدی به بخش‌هایی از برنامه ایران در دسترس‌های کشورهای دیگر در منطقه بود، به سال‌های ۲۰۱۰ یا ۲۰۱۱ محدود می‌شد. به نظر من اکنون چنین فرصتی وجود ندارد و اینکه کسی دوباره بخواهد محاسبه کند که چه اتفاقی رخ می‌دهد، سؤال برانگیز است. من فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی رخ دهد.» شاید به همین علت هم بود که مایک پمپئو نیز در دیدار اخیر با سرگئی لاوروف، همتای روسی خود در مسکو صراحتاً تأکید کرد که «آمریکا در پی جنگ با ایران نیست.»

سوم

حال سؤال این است که اگر گزینه نظامی، غیرمتمثل‌ترین گزینه است - که هست - پس هدف مقامات آمریکایی، از جنجال‌ها و هیاهوهای اخیر رسانه‌ای چیست؟ جواب آن مشخص است: «کشاندن مجدد ایران به میز مذاکره». یعنی همان چیزی که دونالد ترامپ نیز چند روز

پیش صراحتاً آن را اعلام کرد: «دوست دارم ایرانی‌ها به من زنگ بزنند... کاری که باید می‌کردند این بود که به من زنگ بزنند، بنشینیم و توافق کنیم... درخواست زیادی نیست. «در واقع آمریکایی‌ها تصور می‌کنند که با دو گزینه «تحریم» و «بلوف جنگ» می‌توانند ایران را وادار به مذاکره مجدد برای دریافت امتیازهای بیشتر کنند.

موضوعی که رهبر انقلاب، در دیدار با کارگزاران و مسئولان نظام، صراحتاً آن را رد کرده و راهبرد ایران در قبال این اقدامات را نیز چنین بیان کردند: «آدم می‌بیند و می‌شنود که او (ترامپ) که می‌گوید مذاکره، در داخل هم بعضی‌ها می‌گویند «حالا مثلاً مذاکره چه عیبی دارد»؛ مذاکره شرم است. تا وقتی آمریکا همین است که الان هست - به تعبیر امام، تا وقتی آدم نشده: امام این جوری تعبیر کردند - مذاکره ما و آمریکا شرم است، و با این دولت کنونی [آمریکا]، یک شرم مضاعف است... مذاکره یعنی معامله؛ یعنی یک چیزی بدهی، یک چیزی بگیری. آنچه در این معامله مورد نظراوست، درست نقاط قوت جمهوری اسلامی است... هیچ ایرانی غیرتمند و باشعوری نمی‌رود راجع به نقاط قوت خودش با طرف مقابل معامله کند... خب بنابراین اصل مذاکره غلط است. مذاکره با کسی که آدم حسابی باشد غلط است، حالا این‌ها که آدم حسابی هم نیستند؛ [مذاکره با] آدم‌هایی که زیر حرفشان می‌زنند، تعهدشان را به هم می‌زنند، بایند به هیچ چیز نیستند - نه یک چیز اخلاقی، نه یک چیز قانونی، نه یک عرف بین‌المللی؛ به هیچ چیزی بایند نیستند - بنابراین مسخره است. البته در عقلای ما کسی نیست که دنبال این مسئله باشد... بنابراین گزینه قطعی ملت ایران مقاومت در مقابل آمریکا است و در این رویارویی، در این مقاومت، او وادار خواهد شد به عقب‌نشینی... این برخورد، برخورد اراده‌ها است؛ این رویارویی، رویارویی اراده‌ها است؛ و اراده ما از آن‌ها قوی تر است.»



آرایش جنگی ۴۰ ساله

بهبروز پورسینا

وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، دونالد رامسفلد وزیر دفاع اسبق، کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه اسبق، دیک چنی معاون اسبق رئیس جمهور، جان بولتون سفیر اسبق آمریکا در سازمان ملل، نماینده مجلس پیتر کینگ، سناتورهای لیبندی گراهام، مارکو ریبیو و سناتور فوت شده مک کین.

اگرچه گروه‌های مختلف در آمریکا در نوع تعامل با رژیم اسرائیل تفاوت ماهوی نمی‌کنند؛ اما شاید از برخی جنبه‌ها، نومحافظه کاران را بتوان مطلوب‌ترین گزینه‌ها در حاکمیت آمریکا برای رژیم اسرائیل دانست. کوتاه سخن اینکه علائم کاملاً مشهودی از ابتدای سال ۲۰۱۹ وجود داشت که ارتش آمریکا در تدارک گرفتن آرایش جنگی در منطقه خلیج فارس است. این فرایند در چند هفته اخیر سرعت گرفته است. با آنکه گرفتن آرایش جنگی، لزوماً به معنی اقدام برای حملات نظامی نیست؛ اما مشکل و ظرفیت امنیتی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه را قطعاً تغییر می‌دهد.

به نظر می‌رسد حمله نظامی به تمامیت ارضی ایران از سوی آمریکا دست‌کم تا پایان دوره اول ریاست جمهوری ترامپ منتفی است؛ اما این جمله به معنای منتفی بودن احتمال درگیری‌ها در این منطقه نیست. ارتش آمریکا برای شروع هرگونه درگیری نظامی، نیاز به مجوز شورای امنیت سازمان ملل یا کنگره آمریکا دارد. آمریکا حتی برای درگیری‌های نقطه‌ای به این مجوزها نیاز دارد؛ مگر آنکه به دروغ مدعی شود که آرایش جنگی ارتش در منطقه و در حال حاضر خلیج فارس، آرایش جنگی از نوع تدافعی است و نه تهاجمی؛ بنابراین، در شرایط جاری، در عین ضرورت حفظ هرچه بیشتر اقتدار نظامی کشورمان لازم است با رفتارهای ماجراجویانه جدید آمریکا بسیار هوشمندانه و حساب شده برخورد کرد. از خصوصیات مؤمنان، کیاست است که شرط لازم و رمز پیروزی در این برهه بسیار حساس، همین امر است. □

«شرق» با درج یادداشتی اشاره کرده است که با آنکه بروز و ظهور دشمنی آمریکا با انقلاب اسلامی از همان زمان شکل‌گیری در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ مشهود بوده است، اگر آرایش جنگی را در معنای اعمال دشمنی از نوع جنگ‌های اقتصادی و دیپلماتیک و نظایر آن که سرفصل‌های متعددی را در برمی‌گیرد، در نظر بگیریم، این آرایش جنگی با فراز و فرودهایی همواره از سال ۱۳۵۸ ادامه داشته است. ادامه این مطلب را می‌خوانیم: □

با این حال شاید اولین مرحله از شکل‌گیری یک آرایش نامتعارف جنگی - نظامی آمریکا علیه کشورمان را مربوط به حملات ارتش این کشور به سکوها نفتی ایران و حمله به هواپیمای مسافربری در سال ۱۳۶۶ در دوران جنگ تحمیلی بدانیم. پس از آن در دوره‌های بوش‌های پدر و پسر، به آشکالی ضعیف از آرایش‌های جنگی می‌توان اشاره کرد.

با روی کار آمدن اوباما، شکل‌گیری آرایش جنگی نظامی آمریکا، در حمله سایبری به تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۹ از طریق بدافزار استاکس نت، بروز و ظهور یافت. با این همه، روی کار آمدن ترامپ را شاید بتوان برهه‌ای متفاوت در تفکرات دشمنی‌ورزی آمریکا با ایران ارزیابی کرد. آمریکا در این مدت، نه تنها درباره ایران؛ بلکه در برابر جهان، برهه بی‌سابقه و پرچالشی را پشت سر می‌گذارد.

پوپولیستی به اسم ترامپ، کرسی قدرت را به دست گرفته است و با شعار بازگرداندن دوباره عظمت و ابرقدرتی مطلق به آمریکا، چنان جهان و حتی خود آمریکا را از ژانویه ۲۰۱۷ با گونه‌هایی از رفتارها و تصمیم‌های سیاسی - حقوقی، اقتصادی و اجتماعی و حتی نظامی متخلخل، سطحی و متناقض درگیر کرده که وجهه آمریکا را به لحاظ عظمت و قدرت، به مراتب کریه‌تر و ضعیف‌تر از گذشته کرده است.

در این میان برخی جریان‌ات عمده‌تأ پشت پرده قدرت در آمریکا اینک در دولت ترامپ به صورت عربان ترخ‌نمایی می‌کنند. در رأس این جریان‌ات، ضد مسلمانان و اسلامی بسیار تندرو به نام جان بولتون، مشاور امنیت ملی آمریکا از گروه نومحافظه کاران قرار دارد. برای اینکه با نومحافظه کاران و تفکرات‌شان بتوان سریع آشنا شد، باید نظری به فهرست نام افراد سرشناس این گروه خشن از دارودسته نیویورکی‌ها افکند.

برخی از سیاستمداران سرشناس نومحافظه کار عبارت‌اند از پال ولفوویتز قائم مقام اسبق





مقاومت در برابر ظلم؛ تنها راه رستگاری است

ما را ز سر بریده می ترسانی؟

شعبیه بهمن

خروج ایالات متحده آمریکا از توافق برجام و متعاقب آن، اعمال تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی برای کشاندن ایران به پای میز مذاکره، فضای فکر برخی از نخبگان و افکار عمومی را به سمت سوق داده که ایران باید وارد گفتگوی جدی و بی‌واسطه با دولت ترامپ شود و حتی به توافق جدیدی دست یابد. استدلال این عده بر این اساس استوار است که اگر ایران وارد مذاکره نشود، سایه جنگ بر سر کشور سنگین تر خواهد شد و باید هر لحظه منتظر شروع تهاجم نظامی آمریکا به ایران بود.

با این حال بررسی دقیق تر سیاست‌های آمریکا در قبال ایران حکایت از آن دارد که کاخ سفید به بازی دوگانه و مزورانه‌ای روی آورده است. زیرا از یک سو با اعمال تحریم‌های اقتصادی و گسیل داشتن ناو و جنگنده‌های خود به منطقه با زبان تهدید سخن می‌گوید و از سوی دیگر به صورت مستقیم و غیرمستقیم به ارسال پیام برای مذاکره می‌پردازد و وعده بهبود اوضاع اقتصادی ایران را می‌دهد. با توجه به اهمیت مسئله، نوشتار حاضر تلاش دارد به بررسی گزینه‌های موجود و محتمل بپردازد و ضمن ترسیم فضای مذاکره با آمریکا، احتمال تهاجم نظامی آمریکا به ایران را مورد بررسی قرار دهد.

مذاکره یا جنگ؟

بررسی تجارب تاریخی و همچنین رویکردهای حاکم بر سیاست خارجی آمریکا بیانگر آن است که ایران دست‌کم به چند دلیل قانع‌کننده نمی‌تواند در شرایط فعلی وارد فضای مذاکره با آمریکا شود:

الف. بدعهدی آمریکا در مذاکرات پیشین

ب. عدم تعهد آمریکا به اجرای هرگونه توافق دوجانبه و بین‌المللی

ج. زیاده‌خواهی و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در مذاکرات دوجانبه و بین‌المللی

د. تداوم رویکرد آمریکا مبنی بر تغییر رژیم در ایران حتی در صورت دست یافتن به یک توافق جدید

کنار گذاشتن گزینه مذاکره به معنای باقی ماندن گزینه جنگ روی میز است. جنگ همان چیزی است که آمریکایی‌ها بارها در سال‌های گذشته ایران را تهدید به آن کرده‌اند. این در حالی است که بررسی دقیق شرایط داخلی و خارجی آمریکا و همچنین شیوه مواجهه و اشتگتن با مسائل غرب آسیا نشان می‌دهد که آن‌ها به چند دلیل توان حمله نظامی به ایران را ندارند.

۱. اگرچه در ظاهر قابلیت‌ها و هزینه‌های نظامی آمریکا چند برابر ایران است، اما نیروهای نظامی ایالات متحده به خوبی از توان رزمی ایران در جنگ‌های نامتقارن آگاه هستند و به همین دلیل نمی‌توانند خود را برنده آغاز جنگ با تهران تصور کنند.

در واقع ممکن است آمریکا با حمله به مراکز حساس و استراتژیک یا زیرساخت‌های ایران، آسیب‌هایی وارد کند، اما قطعاً هزینه‌ها و خسارات مالی و تلفات جانی نیروهای آمریکایی بیش از ایران خواهد بود. چنین رویدادی می‌تواند هیمنه آمریکا را نزد افکار عمومی جهان بشکند و موجب استیضاح و سقوط دولت ترامپ شود.

۲. آمریکایی‌ها به دلیل مواجهه مستقیم و غیرمستقیم با ایران در بحران‌های منطقه، بیش از هر کشور غربی دیگر از قدرت ایران آگاه‌اند. بازگشت ناو هواپیمابر آمریکا به خلیج فارس که به دلیل «قدرت‌نمایی در برابر ایران» صورت گرفته، خود حاوی اعتراف مقامات آمریکایی به قدرت جمهوری اسلامی است.

از این رو و اشتگتن با توجه به وقوفی که بر قدرت ملی و منطقه‌ای ایران دارد، به هیچ وجه در پی درگیری نظامی با



.....

آمریکا با بحران‌های قابل توجهی به خصوص در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی در داخل مواجه است. سیاست ترامپ که اولویت اول را به آمریکا می‌دهد، دقیقاً به همین دلیل رأی آورد که مردم این کشور از مداخله نظامی در سایر نقاط دنیا و هزینه‌های بی‌فایده دولت‌های قبلی آمریکا ناراضی بودند

تهران نیست. نباید از یاد برد که آمریکا هیچ‌گاه در تهاجم نظامی خود به افغانستان و عراق که در وضعیت کاملاً متفاوتی نسبت به ایران قرار داشتند، پیروز نشد.

بنابراین تجربه نبرد در خاورمیانه به آمریکایی‌ها آموخته که وقتی در جنگ با دولت ضعیف عراق یا گروهی همچون طالبان در افغانستان نتوانستند پیروز شوند، در نبرد با ایران که از دولتی قوی و ملتی منسجم در برابر هرگونه تجاوز خارجی برخوردار است، هیچ‌گاه پیروز نخواهند شد.

۳. به‌رغم آنکه آمریکایی‌ها در طول سال‌های اخیر بارها اعلام کرده‌اند که قصد دارند تمرکز اصلی خود را از خاورمیانه به شرق آسیا معطوف کنند، با این حال واقعیت این است که یکی از دلایل خروج آمریکا در منطقه، ناکامی‌های پی‌درپی آمریکا در برابر ایران است.

بررسی تمام بحران‌هایی که طی دو دهه گذشته در منطقه روی داده، نشان می‌دهد که اگرچه در همه این بحران‌ها آمریکا به عنوان بازیگر آشوب‌ساز وارد شده، اما هرگز نتوانسته مدیریت بحران را به نفع منافع خود پیش ببرد. در حالی که در همه بحران‌های منطقه از افغانستان، عراق، سوریه و یمن، یکی از اهداف آمریکا کنترل قدرت ایران و جلوگیری از تشدید نفوذ تهران بوده، با این حال نفوذ خود آمریکا در همه این بحران‌ها به چالش کشیده شده است.

در نتیجه آمریکا نه تنها موفق به مدیریت بحران و دستیابی به اهداف خود نشده، بلکه به واسطه راهبردهای ایران با چالش‌های عظیمی نیز مواجه شده است. بر این اساس اعلام خبرهایی مبنی بر خروج آمریکا از سوریه و کاهش نیروهای نظامی از افغانستان به معنی عقب‌نشینی ایالات متحده در برابر ایران است.

از این رو در حالی که آمریکا در هر دو عرصه تقریباً هیچ دستاورد مثبتی که برای این کشور جنبه استراتژیک داشته باشد، به دست نیاورده نمی‌تواند وارد بحران دیگری شود که عواقب و پیامدهای به مراتب بدتری در بر دارد. به خصوص که واشنگتن به خوبی می‌داند که عامل ناکامی‌اش در منطقه، ایران بوده است. بنابراین در چنین شرایطی آمریکا نمی‌تواند تهدیدی نظامی علیه تهران باشد.

۴. آمریکا با بحران‌های قابل توجهی به خصوص در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی در داخل مواجه است. سیاست ترامپ که اولویت اول را به آمریکا می‌دهد، دقیقاً به همین دلیل رأی آورد که مردم این کشور از مداخله نظامی در سایر نقاط دنیا و هزینه‌های بی‌فایده دولت‌های قبلی آمریکا ناراضی بودند.

بنابراین ترامپ برای رأی آوردن در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری نمی‌تواند و نمی‌خواهد آمریکا را وارد یک درگیری نظامی دیگر کند. زیرا از یک سو وضعیت اقتصادی آمریکا به واشنگتن اجازه چنین تحرکی را نمی‌دهد و از سوی دیگر افکار عمومی این کشور نمی‌تواند یک درگیری نظامی را که برای آمریکا پیامدهای زیادی دارد، تاب بیاورد.

۵. پیامدهای ناشی از وقوع درگیری نظامی با ایران می‌تواند هم برای آمریکا و هم برای متحدان منطقه‌ای آن ویرانگر باشد. به این معنی که هم نیروها و پایگاه‌های

آمریکایی در تریسروس موشک‌های ایرانی قرار دارند و هم کشورهای متحد واشنگتن درگیر نزاعی می‌شوند که خود قادر به کنترل آن نیستند.

آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند که درگیری نظامی با ایران، یک درگیری نظامی محدود نخواهد بود، بلکه انتظار دریافت پاسخ از گوشه و کنار منطقه و حتی جهان را دارند. بنابراین پیامدهای وقوع درگیری نظامی با ایران برای آمریکا بسیار زیاد است و می‌تواند منافع این کشور را به خطر اندازد و تلفات انسانی زیادی بجا بگذارد.

از سوی دیگر هیچ یک از متحدان آمریکا در منطقه نیز توان شروع یک جنگ علیه ایران را ندارند. عربستان سعودی که مهم‌ترین، قدرتمندترین و ثروتمندترین متحد آمریکا در منطقه محسوب می‌شود، در چهار سال گذشته نتوانسته بر کشور از هم گسیخته یمن فائق آید. در نتیجه سعودی‌ها هرگز نمی‌توانند وارد یک درگیری نظامی حتی محدود با ایران شوند؛ زیرا از عواقب آن به شدت بیم دارند. بنابراین آمریکا در سطح منطقه نیز نمی‌تواند روی هیچ یک از شرکایش برای حمله به ایران حساب کند.

۶. حمله نظامی به ایران به هیچ‌وجه نمی‌تواند آمریکا را به هدف خود برساند. زیرا تمام فشارها و تحریم‌های آمریکا به ایران برای تغییر نظام جمهوری اسلامی است. این در حالی است که هر نوع حمله نظامی به ایران می‌تواند از یک سو مردم کشور را در برابر متجاوز، متحد کند و از سوی دیگر حمایت بی‌قید و شرط آن‌ها از نظام سیاسی موجود را در پی داشته باشد.

در چنین شرایطی نه تنها نظام جمهوری اسلامی از بین نخواهد رفت، بلکه حمایت مردمی از آن افزایش پیدا می‌کند و آمریکا به هدف نهایی خود دست نخواهد یافت.

تنها گزینه

بی‌شک یک گام عقب‌نشینی در شرایط فعلی به معنای ده گام پیشروی آمریکا خواهد بود. از این رو به‌رغم فشارهای وارده بر مردم و تحمل شرایط اقتصادی سخت. که بخش مهمی از آن به دلیل سوء مدیریت داخلی و نه تحریم‌های آمریکا است. ضرورت دارد همچنان از مذاکره با آمریکا پرهیز شود. زیرا مذاکره در قاموس فکری و سیاسی آمریکا چیزی جز تسلیم بی‌قید و شرط ایران نیست.

این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند عزت و مصلحت خود را به مذاکره و مصالحه با آمریکا واگذار کند. از این رو در شرایطی که به احتمال زیاد هیچ تهاجم نظامی از سوی آمریکا به ایران صورت نخواهد گرفت، مقاومت تنها راهی است که می‌تواند ایران را از شرایط فعلی خارج کند.

نباید از یاد برد که حتی در صورت وقوع جنگ نیز دست‌های ایران بسته نیست و جمهوری اسلامی از فرصت‌های قابل توجهی برای ضربه زدن به نیروها و اهداف آمریکایی‌ها در منطقه و حتی سراسر جهان برخوردار است.

به همین دلیل نه تنها نباید از خطر وقوع جنگ ترسید و به مذاکره تن داد، بلکه باید در برابر زیاده‌خواهی‌های آمریکا مقاومت کرد. □



بلوف؛ توخالی اما پر صدا

■ عبدالرحمن فتح‌الهی

آنقدر دارای توان نظامی است که کوچک‌ترین تجاوز آمریکا را با تندترین و سخت‌ترین پاسخ خود همراه کند. ایران سوریه و یمن نیست که بتوان با یک موشک پرانی از یک ناو آمریکایی از آن امتیاز خود را گرفت. ایران قدرت بلامنازع امنیتی و نظامی غرب آسیا است. پس جنگ با ایران، جنگ کوتاه مدت و موقتی نخواهد بود. یعنی اگر آمریکا دست به ماشه ببرد و تنش را آغاز کند دیگر این کاخ سفید نیست که پایان دهنده جنگ در منطقه خواهد بود. پس نظریه حمله برق‌آسای کوتاه مدت آمریکا منتفی است.

نکته دوم این است که یقیناً وقوع جنگ نظامی بیش از آنکه به سود آمریکا باشد، به سود ایران است. چون از یکسو ایجاد تنش و جنگ نظامی با ایران به اتحاد و انسجام داخلی، چه در سطح جامعه و چه در میان سیاستمداران خواهد انجامید و یقیناً دونالد ترامپ با اشراف بر این مسئله سعی می‌کند نه از طریق جنگ نظامی، بلکه نمایش جنگ نظامی و در کنارش با جنگ روانی، رسانه‌ای، اقتصادی و تحریمی فضای تنش، آشوب، هراس و تهدید از جنگ را به موازات مشکلات معیشتی ایجاد کند تا با دو یا چند قطبی کردن کشور، ایران را پای میز مذاکره بنشاند. حال تمام این نکات را با مطالب قبلی در کنار هم بگذارید و خود نتیجه‌گیری کنید که آیا آمریکا دست به ماشه خواهد برد یا خیر؟

افزون بر آن مسئله توان موشکی و دفاعی کشور منفک از مسئله تحریم‌های اقتصادی و معیشتی است. مصداق آن هم تحولات فلسطین است. در حوزه موشکی و دفاعی شما همین چند روز اخیر شاهد بودید که در کمتر از ۲۴ ساعت به اعتراف خود اسرائیل ۶۰۰ موشک و راکت از غزه پرتاب شد و اسرائیل برای دومین بار بی‌پای در جنگ با غزه کمتر از چهار و هشت ساعت در برابر یک باریکه ۴۵ کیلومتری دستان تسلیم و مذاکره را بالا برد. قطعاً این توان فقط گوشه‌ای از حمایت‌های ایران در منطقه است. حال خود حساب کنید که توان داخلی کشور برای دفاع و پاسداری از آب و خاکمان چقدر است. ■

پس از جو روانی ایجاد شده توسط آمریکا در خصوص آمادگی برای حمله نظامی به ایران، اکثر تحلیلگران بر این باور بودند طرح این موضوع تنها یک بلوف سیاسی است. تصریح رهبر معظم انقلاب بر اینکه «جنگ نخواهد شد» نیز نقطه پایانی بر این مباحث بود. در این مطلب گزیده‌ای از گفتگوی «دیپلماسی ایرانی» با دکتر احمد بخشایش اردستانی را در همین باره می‌خوانیم. ■

تحلیل مسائل امنیتی و نظامی بر اساس متغیر و داده‌ها انجام می‌شود. در سایه تحرکات اخیر نیروهای نظامی، جابه‌جایی و انتقال ادوات و نیز از فحوی کلام سران و مقامات آمریکایی در خصوص احتمال تنش نظامی با ایران به روشنی می‌توان دریافت که تمام این اقدامات و تحرکات در راستای همان یک سال تحریم و فشارهای اقتصادی ایالات متحده آمریکا است. یعنی اکنون واشنگتن به دنبال نمایش حمله نظامی به ایران است تا بتواند از این اهرم در کنار فشارهای اقتصادی به هدف غایی خود یعنی مذاکره برسد. به عبارت دیگر آمریکا به دنبال بازی کردن با جنگ علیه ایران است.

کاخ سفید به امتداد یک سال تحریم اقتصادی و فشارهای معیشتی به دنبال ایجاد سایه روشنی از جنگ و تهدید امنیتی بر جامعه ایران است تا به واسطه ایجاد فضای دوقطبی در جامعه هر چه سریع‌تر تهران پای میز مذاکره بنشیند. اتفاقاً حرکت مسخره‌ای که دونالد ترامپ در خصوص انتظار برای تماس از ایران را مطرح کرد نشان می‌دهد که تمام این اقدامات تنها برای مسئله مذاکره است، آن هم با توجه به شکستی که ترامپ در پرونده ونزوئلا و کره شمالی خورده است، نیاز مبرمی دارد که حداقل در پرونده ایران به نتیجه برسد. چون ناکامی در هر سه پرونده به معنای این است که دونالد ترامپ برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا، حداقل در حوزه سیاست خارجی با دستان خالی روبه‌روست. به عبارت دیگر اگر تیم جمهوری خواهان روی گزینه دونالد ترامپ ائتلاف کنند و از آن سووی تا آن زمان نتوانند در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی دستاورد روشن و ملموسی را ارائه کنند، مطمئن باشید حداقل در این حوزه (دیپلماسی) با سرخوردگی از دموکرات‌ها روبه‌رو خواهند شد. چون اکنون مسئله خروج از برجام بعد از یک سال هنوز دستاورد روشنی برای کاخ سفید نداشته است که بتواند آن را به عنوان پیروزی در میان افکار عمومی تبیین کند.

در همین زمینه چند نکته قابل توجه است: اول اینکه یقیناً مسئله جنگ نظامی ایران و ایالات متحده آمریکا کوتاه مدت و موقتی نخواهد بود. یا جنگ با ایران از سوی آمریکا رخ خواهد داد که تقابلی تمام عیار است یا این که اساساً جنگی روی نخواهد داد. چرا که ایران



درهای بسته

|| کمیل خجسته

می بیند. کنار این ها داغ تجربه حمله به پایگاه ایرانی تی فور در سوریه برای اسرائیل همچنان زنده است. موشکی که آن ها شلیک کردند بیشتر از شصت پاسخ در ۱۰ نقطه جولان اشغالی داشت که یکی از آن ها مرکز محرمانه موساد بود. جدای از این، اسرائیلی ها بعید است پروژه تجزیه کردستان عراق را فراموش کرده باشند. پروژه ای که نهایتش تکریت با چاه های نفتش دست حشد الشعبی مقاومت افتاد.

پس آمریکایی ها برای حرکت دادن مهره های نیابتی شان با دو مشکل روبه رو هستند. اول اینکه هر کدام درگیر یک یا چند بازیگر محور مقاومت هستند و دوم اینکه تجربه نشان داده هر جا وارد شده اند آنجا را واگذار کرده اند. این بار اگر از سرزمین خودشان وارد شوند تجربه می گوید آن ها را واگذار خواهند کرد. پس مهره های نیابتی کناری می روند.

اگر خود آمریکا مستقیم وارد شود؛ جدا از تجربه عراق و افغانستان و... هر چقدر تجهیزات آمریکایی به ما نزدیک تر باشد؛ تنوع موشک های نقطه زن عملیات کننده و پهپادها و قایق های تجهیز شده عاشورا هم بیشتر می شود. آمریکا نمی خواهد دوربین ها صحنه غرق شدن ناو هواپیمابرش را مخابره کنند چرا که قدرت پوشالی اش افشا می شود. اسرائیل با آن همه تبلیغات روی سپر موشکی اش نتوانست جلوی موشک های حماس را بگیرد؛ دیگر ناوهای عظیم الجثه آمریکایی یک هدف ثابت بزرگ برای نیروهای ایرانی تلقی می شوند. البته هر تحرک نیروی آمریکایی از درون سرزمین های نیابتی هم در حکم سرزمین آمریکا را پیدا خواهد کرد و باز چرخه نیابتی ها به حرکت درمی آید.

پس جنگ نمی شود چون وقتی از زاویه آمریکا به صحنه نگاه می کنی می بینی که با آغاز جنگ احتمال از دست دادن حضورش در منطقه بسیار بالا می رود درست مانند اتفاقی که در سوریه افتاد و با وجود خرج ۷ تریلیون دلار عاقبت پرچم مقاومت بر زمین خورد. □

وقتی از یک کنش سیاسی حرف می زنیم در واقع به دو عنصر دیگر که درون آن کنش سیاسی است توجه کرده ایم. اول کنش گری که آن رفتار را انجام می دهد و دوم اراده و تصمیمی که پشت آن کنش وجود دارد. این دورا باید از هم جدا کرد چرا که لزوماً نباید یک کنشگر اراده خود را انجام دهد. گاهی افراد، بازیگر اراده و تصمیم دیگری هستند. مثل ارتش پهلوی که به نیابت از آمریکا وارد جنگ ظفار عمان شد یا مصر دوران مبارک که غزه را به خاطر اسرائیل محاصره کرد.

اجازه دهید برای «پاسخ به سؤال چرا جنگ نمی شود؟» خود را درون اتاق تصمیم گیری آمریکایی ها فرض کنیم و از طرف آن ها تلاش کنیم تصمیم بگیریم. فرض هم می کنیم آمریکا اراده اش بر حمله است. آن ها به دو نحو می توانند به ایران حمله نظامی کنند. تجربه آمریکا بعد از ویتنام ۱۹۵۵ م، عراق ۲۰۰۲ م و افغانستان ۲۰۰۱ م این است که نیروهای نیابتی خود را گسیل کنند. چه اینکه هم او با ما و هم ترامپ شعارهای انتخاباتی شان خروج از این مناطق بود. مهره های مهم آمریکا در منطقه عربستان، امارات و اسرائیل هستند.

خب آن ها را به سمت ایران حرکت دهیم؟ عربستان و امارات همین الان درگیر پهپادهای یمنی هستند. کما اینکه بعد از سفر طولانی مدت بن سلمان به آمریکا وقتی ولیعهد در سال ۹۷ با نقشه حمله به ایران به سعودی برگشت موشک های یمنی آسمان ریاض را خراش دادند و آن زمان عملیات متوقف شد. عملیاتی که رهبران انقلاب در دیدار کارگران همان سال خبر آن را دادند. موشک و پهپاد یعنی تهدید نفت سعودی و امارات و خارج شدن کنترل قیمت انرژی توسط آمریکا. از طرف دیگر از نیروهای نظامی سعودی و امارات حرفه ای تر و با انگیزه تر که با همین تسلیحات سعودی تجهیز می شدند نیروهای داعش بودند. نیرویی که توانست دو کشور بزرگ و مهم را تقریباً اشغال کند. اما نتیجه آن بعد از ورود نیروهای مقاومت این شد که نه تنها سرزمین ها را پس دادند بلکه در آن کشورها ارتش مقاومت به صورت رسمی شکل گرفت و امروز عراق و سوریه جزء بازیگران مهم مقاومت هستند آنچنان که پمپئو برای پیغام دادن به ایران راهش را به عراق کج می کند. حالا حکمت تهدید ضمنی رهبر ایران در سخنرانی اول سالشان مشخص می شود. آنجا که عاقبت سرزمین سعودی را در دست مجاهدان مقاومت دانستند. امارات که خانه شیشه ای است و وضعیت او به مراتب در این ورطه آسیب پذیرتر از سعودی است.

اما اسرائیل در نقطه ای قرار دارد که کمتر از یک هفته است در نبردی که دو روز بیشتر طول نکشید شرایط تحمیلی آتش بس رقبیش را پذیرفت. یک کم آنورتر از حماس این حزب الله لبنان است که با تجهیزات چسبیده به سرزمین های اشغالی مراقب هر حرکت آن هاست. این را اضافه کنید به تهدید سید حسن که اگر جنگی در بگیرد اسرائیل از درون پاسخ



مروری بر تحولات سال‌های اخیر

ترس از قدرتی فراتر از بمب اتم

دکتر فرشاد مهدی پور

اقتصاد

مشکل اقتصادی همواره وجود داشته و دارد و اساساً عصر مدرن، زمانه برساخته شدن اقتصاد به عنوان یک متغیر مستقل و دائمی است. تا پیش از آن شاید بشر، مسئله‌ای بدین گونه شاق و محوری به نام اقتصاد را نمی‌شناخت و داد و ستد در بستر زندگی روزمره و سیاست‌های دولت‌شهرها هضم و حذف شده بود. از این حیث، دشواری‌های اقتصادی پایان‌ناپذیر، لیکن مهارشدنی و ترمیم‌یافتنی‌اند؛ با مدیریت شجاعانه، امیدوارانه، جهادی، با اشراف میدانی بر مشکلات - خیلی از مشکلات را در اتاق اداره و مدیریت و پشت میز نمی‌شود فهمید، باید رفت در صحنه، در عرصه، تا مشکلات را بتوان لمس کرد - عدم انفعال در برابر دشمن، شرطی نکردن اقتصاد کشور به تصمیم این و آن، ولی «یکی از مشکلات کار ما همین است؛ در این چندساله مکرر این اتفاق افتاد»؛ یعنی شرطی کردن اقتصاد و وابسته کردن آن به معافیت‌های مالی و تجاری آمریکا و دیگر دول غربی. برجام آمده بود تا ساز و کاری برای رفع تحریم باشد و بیش از آن، پاشنه آشلی شد برای رونق اقتصادی و تاب‌آوری ملی. نمونه مهم دیگر ایجاد اصلاحات ساختاری بود چه است که «قرار بر این شد که در چهارماه اول سال ۹۸، مجلس و دولت با همکاری [همدیگر]، این مشکل را حل کنند؛ دو ماهش گذشته، الان دو ماه بیشتر باقی نیست». سه غفلت دیگر را می‌توان در سطوح میانی شناسایی کرد، اول مهار مسرفانه بنزین است که پالایشگاه نفت خلیج فارس حدود یک سوم آن را تأمین می‌کند که البته «این پالایشگاه» سال ۸۶ شروع شد، یک مدتی لنگ شد، باز به همت سپاه بحمدالله راه افتاد» و آن مدتی که لنگ شد در فاصله همین سال هاست. دوم «مسئله مسکن‌سازی است... یکی از غفلت‌هایی که در این چند سال شد، این بود که به مسکن پرداخته نشد» و حتی با اتخاذ تبلیغاتی نادرست، امکان مسکن ارزان مردم به سخره گرفت. و سوم «فکر تازه‌ای در یک نرّه‌ای متأسفانه وارد شد در دستگاه‌های تصمیم‌گیری ما که ما را از خودکفایی دور کرد؛ و آن «صرفه اقتصادی» بود و پیامدش کاهش اتکاب تولید داخل.

اعتماد به جوانان

مشکلات اقتصادی، به کاهش اعتبار ملی می‌انجامد و تضعیف ساخت درونی نظام؛ دشمن نظاره‌گر چنین صحنه‌ای است و گامی جلوتر می‌آید. با این همه، در سال‌های اخیر،

در این مطلب دکتر فرشاد مهدی پور، کارشناس مسائل سیاسی و استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، با نگاه به وضعیت اخیر چالش‌ها و فرصت‌های نظام به مرور سخنرانی راهبردی رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با کارگزاران نظام می‌پردازد.

یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملت‌ها، همین تلقین «نمی‌توانید» است؛ که ملت‌ها مأیوس شوند، بگویند ما که نمی‌توانیم کاری بکنیم. با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدان‌های سیاست، علم، اقتصاد و همه میدان‌های زندگی عقب افتاد» این فرآزی از سخنرانی رهبری انقلاب در ۱۴ خرداد ۹۲ است؛ ۱۰ روز پیش از برگزاری انتخابات.



انتخاباتی که به روی کار آمدن دولت یازدهم و دوازدهم منجر شد و اکنون حدود ۶ سالی است که از فعالی آن می‌گذرد. جمله بالا، در ادامه با اشاره به حرکت خمینی کبیر نقض می‌شود که توانست، ملت را توانا کند و بر مشکلات فائق آمد. تقریباً شش سال بعد از آن روزها، سی امین دیدار سالیانه کارگزاران جمهوری اسلامی با رهبر انقلاب اسلامی در حالی برگزار شد که کشور در کشاکش فشارهای شدید اقتصادی است؛ چه در سطوح کلان و چه خرد و معیشت مردم، از سوی دشمنان گروگان گرفته شده. بازخوانی گفتارهای مطرح‌شده در این سخنرانی راهبردی، با عطف به این نکته که «در این چند سال...» چه تحولاتی رخ داده، موضوع بررسی این یادداشت است.

خصوصیت مستقیم

آمریکا همواره دشمن ایران بوده و هست، اما آنچه در «سال‌های اخیر» برجسته شده، علنی و واضح و مستقیم شدن این خصوصیت هاست. در گذشته «نامه‌های فدایت شوم» بود که برای تهران می‌آمد و وزیر دست‌کش مخملین، دستی چدنی قرار داشت و خیلی‌ها را دچار ابهام و تردید می‌کرد و اکنون دیگر این گونه نیست. دشمنی بی‌واسطه و عریان شده. این امر ناشی از به هم ریختن نظام محاسباتی آمریکایی هاست، ناشی از عجله‌شان برای به سرانجام رساندن سیاست‌ها و نگرانی از رسیدن ایران به نقطه بازگشت‌ناپذیر؛ قدرتی فراتر از بمب اتم یا تسلیحات نظامی که همان فلز سخت جمهوری اسلامی (متکی است به عنایت الهی، مردم و مسئولانی که «در گوشه و کنار کشور مشغول کارند») است که حالا آبدیده شده و از شبه‌قاره تا دریای سیاه، ادامه دارد. علاوه بر این‌ها «سیاست‌هایی که این چند سال این رئیس‌جمهوری فعلی آمریکا به کار برده» تقریباً همگی شان به شکست انجامیده است؛ از کره شمالی تا نوزولا روزهایی است که شکست هیمنه آمریکار می‌توان دید و جالب‌ترین که کشورهای مقابل، جنگی تصمیم به مقابله و مقاومت گرفته‌اند. جنگ‌های تجاری با اروپا و چین و روسیه هم نمونه‌های دیگری از این اضمحلال است؛ البته که درون آمریکا نیز گرفتاری‌ها فزونی گرفته. وضعیت آشفته دولت که هم دچار اختلافات درونی است، هم کنگره و هم تغییرات متعدد دولت مردان؛ مشکلات گسترده فرهنگی از افزایش گرسنگی و بیکاری و فاصله طبقاتی؛ و افزایش بزهکاری‌های خشن و مسلحانه. آنچه هویداست، آمریکایی است رو به زوال.



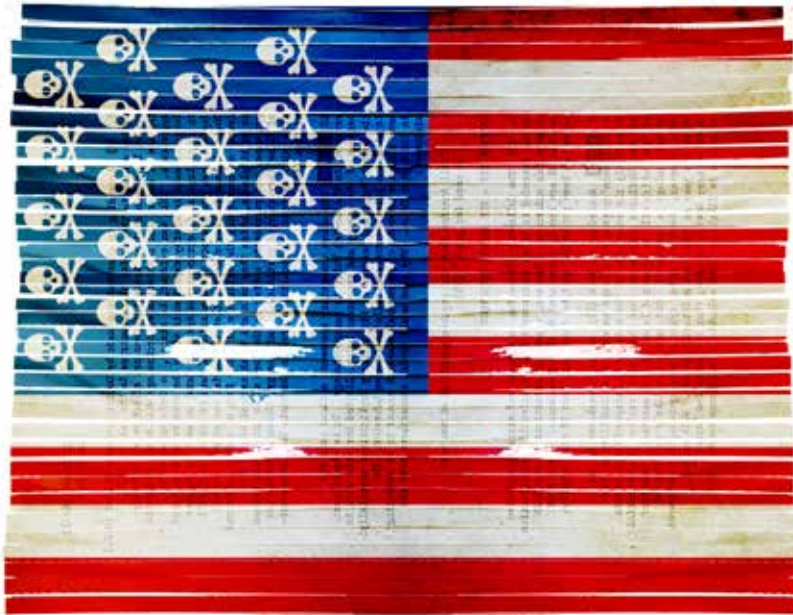
مقام معظم رهبری: واقعاً این مسئله تولیدات نظامی که دشمن هم روی آن خیلی حساس است، خیلی چیز مهمتی است. این موشک‌های دقیق نقطه‌زن - چه موشک‌های بالستیک، چه موشک‌های گروز- که از فاصله مثلاً ۱۵۰۰ کیلومتر، ۲۰۰۰ کیلومتر پرتاب می‌شوند، و با پنج متر، شش متر این‌ور آن‌ور هدف را می‌زند، خیلی چیز مهمتی است



مسائلی برطرف شده که مناسبات جهانی تغییر داده است. سیاست‌های آمریکا بر ایران به سه پیامد مستقیم منجر شده: افزایش نفرت مردم ایران از آمریکا (تجربه برجام، درک فشار معیشتی، بی‌اعتمادی فزاینده به غرب و...)، کاهش امکان دسترسی و قدرت تصرف منافع جمهوری اسلامی، و رشد توان و آمادگی نیروهای امنیتی و نظامی برای حفظ کبان کشور. در کنار این‌ها رشد مراکز تحقیقاتی است که می‌توانند به حل مشکلات بپردازند؛ از حوزه صنعت و مسکن و اقتصاد گرفته تا جامعه و فرهنگ؛ پرانگیزه، جوان و کارآمد؛ این به مدد تداوم انقلاب اسلامی است، پدیده‌ای که بهمن ۵۷ پیروز شده و همچنان جاری و ساری است... «ممکن است شما بگویید «خب آن انقلاب بود»؛ الان هم انقلاب است؛ الان هم تعداد جوان‌های پُرشور انقلابی از آن روزی که انقلاب پیروز شد کمتر نیست و عمق اندیشه انقلابی آن‌ها بیشتر هم هست». جوهره حرکت، جوان‌گرایی است که در بیانیه کام دوم نیز بدان پرداخته شده «هر جایی که ما به جوان‌هایمان اتکاء کردیم، اعتماد کردیم، به آن‌ها امکانات دادیم، حداقل امکانات را هم [دادیم] - غالباً جوان‌ها این‌جوری هستند [که با] حداقل امکانات [کاری کنند] - پیش رفتیم. نمونه‌هایش را همین چندساله ملاحظه کردید. یک نمونه در این تولیدات نظامی ما است. خب، واقعاً این مسئله تولیدات نظامی که دشمن هم روی آن خیلی حساس است، خیلی چیز مهمتی است. این موشک‌های دقیق نقطه‌زن - چه موشک‌های بالستیک، چه موشک‌های گروز- که از فاصله مثلاً ۱۵۰۰ کیلومتر، ۲۰۰۰ کیلومتر پرتاب می‌شوند، و با پنج متر، شش متر این‌ور آن‌ور هدف را می‌زند، خیلی چیز مهمتی است.»

۴ امید

مسیر نهایی، اصلاح مدیریت‌ها و کارکرد هاست؛ ساختارها و رویه‌ها. این ملحق به شجاعت و دوراندیشی است که امید می‌آفریند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ تقوا داشتن یعنی پروای از خدا و پروا نداشتن از غیر خدا. این یعنی تحولی در سازمان و ارزش‌سازمانی و بینش عمومی کارگزاران، چرا که اگر «در یک امت اسلامی تقوا بود، و این جور اندیشیدن، و این جور عمل کردن، قهراً شکوفایی و حرکت پیش می‌آید و پیشروی، اعتلا و ارتقا، و آن وقت «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» محقق می‌شود. و این همان عبور از مرحله ما می‌توانیم و جلوگیری از عقب ماندگی تاریخی کشور است. □



می‌کند و من آمریکا را دوباره به جایگاه اول برمی‌گردانم و از این جهت مردم آمریکا هم که آنجا زندگی می‌کنند و خودشان شاهد افول آمریکا هستند این سؤال برایشان جذابیت داشت و یکی از دلایلی که به ایشان رأی دادند همین بود.

در آمریکا هم روی بحث افول اجماع است. من چون در دانشگاه تهران مطالعات آمریکا درس می‌دهم؛ رصدی نسبت به آمریکا - آن هم به صورت روزانه - دارم. من کسی را نمی‌شناسم در آمریکا که معتقد به افول نباشد و افرادی که در این حوزه کار می‌کنند، همگی بر افول اجماع دارند. البته اینجا این نکته را هم باید اضافه کنیم که یک تفاوتی هست بین افول و فروپاشی. الان بحث ما افول است. یعنی کاهش قدرت و نه لزوماً چند تکه شدن و فروپاشی. آن اتفاق که برای شوروی افتاد، بحث ما نیست؛ بحث افول است. یک اصطلاحی هم کارشناس‌های خودشان دارند که این افول را می‌گویند افول موریانه‌ای.

یک استادی را در آمریکا داریم به نام کریستفر لین استاد دانشگاه تگزاس. متنی را همین امسال در یکی از مجلات علمی پژوهشی در آمریکا درباره همین بحث افول موریانه‌ای چاپ کرده بود. افول موریانه‌ای هم به این معنی است که یک وقتی یک شیء ظاهر خوبی دارد، یعنی به ظاهرش که نگاه می‌کنید، خیلی مشکل دار نیست؛ ولی موریانه، از درون دارد این میزی که مجلل است را می‌خورد و پوک می‌شود و در یک بازه زمانی کوتاهی از بین می‌رود. زمانی که می‌گویند «افول موریانه‌ای» است یعنی از داخل، آمریکا دارد پوک می‌شود.

گفتگو با عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات جهان درباره سرنوشت آمریکا



افول موریانه‌ای

فواد ایزدی دارای مدرک دکتری در رشته ارتباطات جمعی از دانشگاه ایالتی لوییسیانای آمریکا است. او در زمینه شناخت مسائل آمریکا کتاب‌ها و مقالات زیادی را تألیف و ترجمه کرده است؛ از جمله کتاب‌های «دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال ایران»، «امپریالیسم بشردوستانه»، «آیا کاپیتالیسم آینده‌ای خواهد داشت؟»، «سینمای جنگی آمریکا و رسانه‌ها از زمان جنگ ویتنام تاکنون» و «آمریکا نگاهی از درون». در گفتگوی پیش رو او از آغاز افول موریانه‌ای آمریکا سخن گفته است. ■

«رهبرانقلاب در دیدار رمضانی با کارگزاران نظام درباره مشکلات و معضلات کنونی دولت ایالات متحده اشاره‌ای کردند، لطفاً کمی درباره آخرین آمارهای داخلی آمریکا و وضعیت این کشور نسبت به دهه‌های گذشته، توضیح دهید.»

بحث افول آمریکا یک بحث جدی و اساسی است و آمارهایی که در حوزه اجتماعی و با مشکلاتی که در حوزه اقتصادی و سیاست خارجی وجود دارد همگی مربوط به همین بحث افول است. حالتی که ما در آمریکا داریم این است که این کشور، کشوری نیست که ده یا پانزده سال پیش بود؛ کشوری است که به مراتب دارد ضعیف می‌شود و افول پیدا می‌کند. بحث افول آمریکا هم در همه حوزه‌هایی که عرض کردیم بحثی است جدی. اصلاً یکی از دلایلی که آقای ترامپ رئیس‌جمهور شد همین بود. ایشان گفت که آمریکا دارد افول پیدا

زد و اقتصاد چین در این چند سال آینده رتبه یک را در دنیا خواهد داشت.

افول اقتصادی آمریکا در این آمار و ارقام قابل دستیابی است؛ درباره اثبات افول قدرت سیاسی و بین‌المللی آمریکا هم می‌توان طبق آمار و مستند جلوفرت؟

در مورد افول سیاسی که کاملاً مشخص است. شما یک فردی را مثل آقای ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا می‌بینید این جایگاه را می‌گیرد. این فردی که کاملاً از حرکات و رفتار و حرف‌ها و اینها مشخص است که کشوری که این شخص رئیس‌جمهورش می‌شود، معلوم می‌شود در حوزه سیاسی مشکلاتی را دارد تجربه می‌کند؛ و این انسداد سیاسی‌ای که در آمریکا وجود دارد، عجیب است.

شما تا همین چند ماه پیش دیدید دولت فدرال آمریکا ۴۵ روز کاملاً تعطیل شد. یعنی شما به اداره دولت فدرال رجوع می‌کردید برای کار اداری، به درب آن زنجیر زده بودند و حضور نداشتند. این افول سیاسی در حوزه بین‌الملل هم کاملاً مشهود است. یعنی آمریکا در دنیا جایگاه خودش را از دست داده است. مثلاً مؤسسه تیو نظرسنجی کرده بود در ۳۷ کشور دنیا و محبوبیت آمریکا الان به حدود بیست درصد از زمانی که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شده کاهش پیدا کرده است.

الان در انتخابات کنگره آمریکا حدود ۳۵ درصد مردم شرکت می‌کنند. انتخابات ریاست جمهوری یک مقدار بالاتر است. ولی در عمل یک بخش عمده‌ای از مردم آمریکا اعتماد خودشان را به سیستم حکومتی خودشان از دست داده‌اند. این شاخص‌های اقتصادی و سیاسی را که مرور کردیم بعد از بحث‌های فرهنگی و اجتماعی پیش می‌آید و بعد، مشکلات فرهنگی، اجتماعی و فقر عموم مردم. اینکه عرض کردم بعضی از شاخص‌ها خوب است، باید چند درصد مردم آمریکا را شامل می‌شود. مثلاً در بازار بورس آمریکا وضعیت نسبتاً خوب است، مگر چند درصد از مردم در بازار بورس سرمایه‌گذاری کردند؟ وضعیت عموم مردم در آمریکا مشکلات جدی‌ای را دارد. حتی سازمان ملل به خاطر این وضعیت بحرانی یک بخش عمده‌ای از مردم آمریکا یک گزارشگر ویژه منصوب کرد. این آقای «پروفسور فیلیپ آلستون» گزارشگر ویژه سازمان ملل شد و گزارشی را که چند وقت پیش منتشر کرد یک جمله‌ای دارد که قابل توجه است. می‌گوید: «آمریکا تنها کشور توسعه یافته است که بر این نکته اصرار دارد که در عین اینکه حقوق بشر از اهمیت بنیادی برخوردار است، شامل حقوقی که از مرگ ناشی از گرسنگی و یارشد در محیط محرومیت مطلق حفاظت کند، نمی‌شود.»

وزارت مسکن آمریکا آخرین آماري که داده، این است که ۵۵۴ هزار نفر یعنی بیش از نیم میلیون نفر در آمریکا بی‌خانمان هستند. از این ۴۱ میلیون نفر که رهبری فرمودند در آمریکا گرسنه هستند، حدود ۱۲ میلیون نفرشان کودک هستند. یکی از مؤسسات معتبر آمریکایی می‌گوید چهل درصد از خانواده‌های آمریکایی برای برآوردن حداقل یکی از نیازهای اساسی خود مانند غذا، بیمه، سلامت،



.....

یکی از دلایلی که وضعیت اجتماعی آمریکا را بحرانی کرده، مشکلاتی است که در حوزه اقتصادی دارند. بعضی از آمارها الان نسبتاً خوب است، مثلاً درصد بیکاری در آمریکا کاهش پیدا کرده است اما زمانی که شما روند را نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید که در حوزه اقتصادی هم آمریکا جایگاه خودش را واقعاً در دنیا از دست داده است

آمارها و شاخص‌های وضعیت موجود آمریکا به چه نحوی است؟ آیا نمونه‌های آماری که رهبر انقلاب در دیدار اخیر از وضعیت آمریکا بیان کردند، در خود آمریکا نیز به عنوان نشانه‌هایی از افول یاد می‌شوند؟

در بیانات رهبر انقلاب در دیدار اخیر کارگزاران نظام، روی بعضی از شاخص‌های اجتماعی آمریکا بیشتر تمرکز شده بود. در حوزه‌های دیگر اجتماعی آمریکا نیز وضعیت همین طور است. نه تنها اساتید آمریکایی این بحث افول را مطرح می‌کنند، بلکه سندهای بالادستی در آمریکا هم این مسأله را اعتراف می‌کنند. مثلاً یک نهادی در آمریکا داریم به اسم شورای ملی اطلاعات. این نهاد چند وقت پیش یک گزارشی را منتشر کرده بود، در خلاصه ابتدای آن آمده بود که دنیای سال ۲۰۳۰ هیچ هژمونی نخواهیم داشت. یعنی اگر آمریکا هم یک زمانی ابرقدرت بوده دیگر تا یازده سال دیگر این حالت ابرقدرتی را نخواهد داشت. این نهاد به طور تخصصی کارش آینده پژوهی هست. آن‌ها معتقد هستند تا سال ۲۰۳۰ دنیا چند قطبی می‌شود و آمریکا هم در نهایت یکی از قطب‌های سال ۲۰۳۰ خواهد بود. و آن نکته‌ای که در آن متن آمده بود اینکه ما شبکه‌هایی خواهیم داشت از کشورهایی که با هم متحد هستند و در نهایت آمریکا دیگر آن جایگاه خودش را از دست خواهد داد. این نکته برای ما خیلی مهم است، برای یک کشوری مثل جمهوری اسلامی که الان ۷۰،۶ سال است از کودتای ۲۸ مرداد با آمریکا درگیر بوده است این نکته، نکته مهمی است که آمریکا دارد به تدریج تبدیل می‌شود به یک کشور معمولی.

یکی از نکات فرمایشات رهبر انقلاب این است که آن طرف دشمن هست، منتها دشمن مشکل داری است و نباید کسی آمریکا را اینقدر بزرگ حس کند که دچار حس ضعف بشود و نگاهش نسبت به آمریکا نگاه واقعی نباشد و مشکلات آمریکا را ببیند و بعد احساس ضعف بکند. واقعیت امر این است که آمریکا دارد تقلاهای آخر خودش را به عنوان یک ابرقدرت، انجام می‌دهد.

چرا شاخص‌های افول اجتماعی در ایالات متحده تا این حد رشد کرده است؟

یکی از دلایلی که وضعیت اجتماعی آمریکا را بحرانی کرده، مشکلاتی است که در حوزه اقتصادی دارند. بعضی از آمارها الان نسبتاً خوب است، مثلاً درصد بیکاری در آمریکا کاهش پیدا کرده است اما زمانی که شما روند را نگاه می‌کنید متوجه می‌شوید که در حوزه اقتصادی هم آمریکا جایگاه خودش را واقعاً در دنیا از دست داده است. بعد از جنگ جهانی دوم حدود نیمی از اقتصاد دنیا دست آمریکایی‌ها بود. حدود پنجاه درصد. الان آماری که بانک جهانی داده می‌گوید الان ۱/۱۵ درصد اقتصاد دنیا دست آمریکایی‌هاست و همین بانک جهانی اعلام می‌کند که تا سال ۲۰۲۳ یعنی چهار سال دیگر این می‌شود ۷/۱۳ درصد.

خب قطعاً این افول اقتصادی هم بسیار جدی هست. یعنی آمریکا دارد جایگاه اقتصادی‌اش را از دست می‌دهد. پیش‌بینی می‌کنند که اقتصاد چین از آمریکا جلو خواهد

الان یک فردی مثل ترامپ سر کار است که در فرمایشات آقاست که ما باید از ایشان به نوعی تشکر کنیم چون واقعیت آمریکا را بدون روتوش دارد بر ما می‌کند. الان دیگر در دوره ترامپ و بعد از دوره ترامپ ما نباید جریان غرب‌گرا در کشور اصولاً داشته باشیم. این جریان باید کاملاً از صحنه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور محو بشود. چرا؟ چون خود غربی‌ها که مشکل دارند بر اساس آمارهای متعدد. خود آمریکا که رو به افول است، افول هم جدی هست. ریاست جمهوری آقای ترامپ هم این افول را سرعت بخشیده است و بعد هم اگر ظرفیت‌های خوبی در غرب وجود دارد که هست اما آمادگی تعامل و همکاری با ما را ندارند. الان ببینید ایرانی‌ها را به آمریکا اصلاً راه نمی‌دهند. یک زمانی بود بحث این بود که حالا ما دانشجوی آمریکا بفرستیم یا نه؟ الان آن سؤال دیگر منتفی شده است. اصلاً اجازه این ورود ایرانی‌ها را دیگر نمی‌دهند و رسماً ممنوع کردند.

اگر این واقعیت‌ها را ما ببینیم دیگر باید، دل از غرب بکنیم. حالا خیلی کار سختی است برای یک بخشی از نخبگان جامعه ما که دل از غرب بکنند.

ولی واقعاً برای پیشرفت کشور نیاز داریم دل از غرب بکنیم و این یک موهبت بزرگی هست. من عرض کردم از زمان قاجار ما گرفتار جمعیتی در کشور بودیم که همه‌اش نگاه‌شان به غرب بود. امروز فرصت مناسبی است تا از این تجربه‌ها درس بگیریم. □

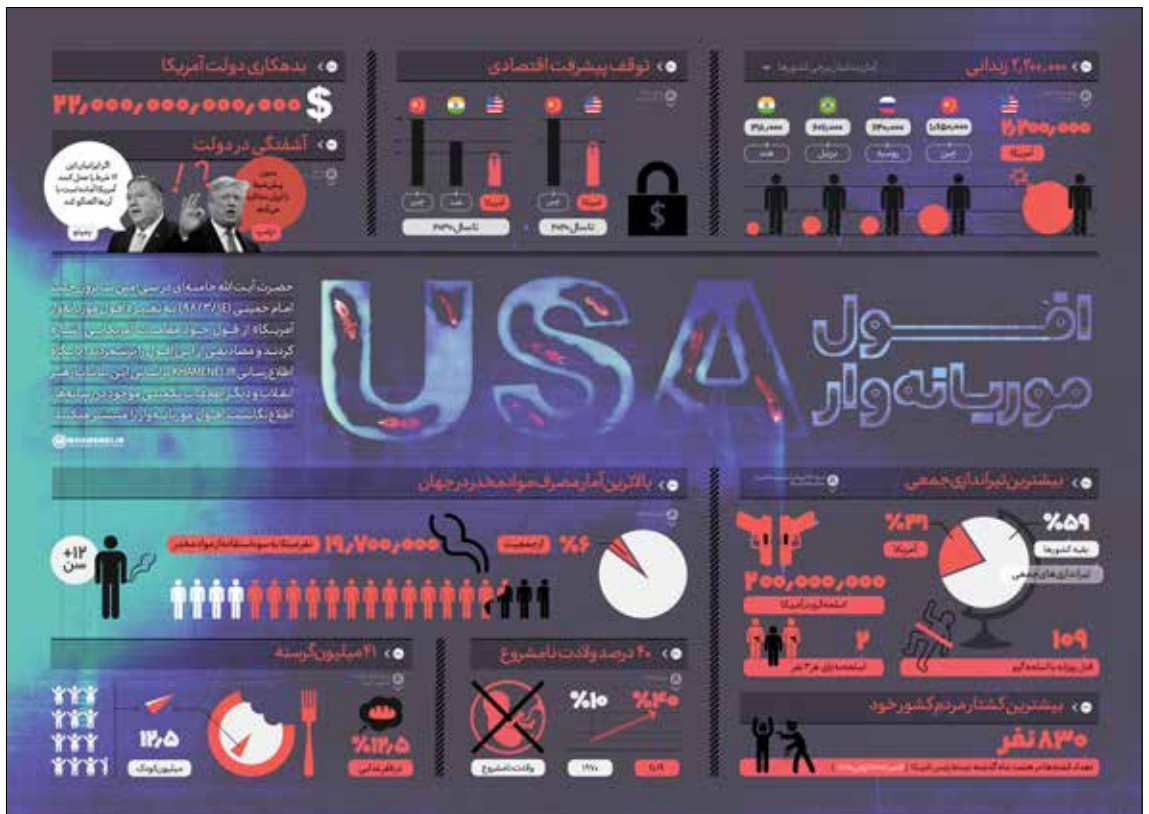


ما در کشور یک
مشکلی داریم
که مشکل این
ده سال و بیست
سال و پنجاه
سال گذشته
هم نیست. این
مشکلی هستش
که برمی‌گردد شاید
به دوره قاجار و آن
نگاه غرب‌گرایانه
است در کشور.
مشکل ما با
غرب‌گرایان داخل
کشور خودمان
است که نگاه‌شان
به غرب است

مسکن یا قبض آب و برق دچار مشکلند. مصرف مواد مخدر هم در آمریکا حالت اپیدمی دارد. بیش از دو میلیون آمریکایی به مواد مخدر معتاد هستند. چندی قبل یک ویدئو را می‌دیدم که یکی از این کاندیداها ریاست جمهوری آمریکا از دموکرات‌ها در یک جلسه‌ای بود. پرسید که چند نفر از افرادی که در سالن حضور داشتند یا خودشان یا یکی از نزدیکانشان با این معضل مواد مخدر مواجه هستند؟ تقریباً همه دستشان را بالا کردند. یا خودشان مشکل داشتند یا خانواده‌شان مشکل داشت. نتیجه‌اش این می‌شود درصد خودکشی بالا در آمریکا.

به نظر شما عینیت دادن و معرفی این وضعیت در داخل چگونه باید باشد؟

ما در کشور یک مشکلی داریم که مشکل این ده سال و بیست سال و پنجاه سال گذشته هم نیست. این مشکلی است که برمی‌گردد شاید به دوره قاجار و آن نگاه غرب‌گرایانه است در کشور. مشکل ما با غرب‌گرایان داخل کشور خودمان است که نگاه‌شان به غرب است. و این نگاه به غرب نتیجه‌اش این شده که خیلی از کارهایی که در کشور باید انجام بشود، این نگاه به درون و نگاه به ظرفیت‌های داخلی مغفول است. چند سال کشور معطل آمریکایی‌ها شد که حالا مثلاً فلان کار را انجام بدهند، فلان تحریم را بردارند یا برندارند و یا اروپا فلان کار را بکنند و هنوز هم ما درگیر هستیم. هنوز هم بازه‌های زمانی شصت روزه و... داریم.



ترامپ در آستانه انتخابات ۲۰۲۰ قرار گرفته و قصد ندارد دستاوردهای به نسبت قابل قبول خود در بحث سیاست داخلی را فدای بحران احتمالی ناشی از شروع یک جنگ تازه برای آمریکا کند.

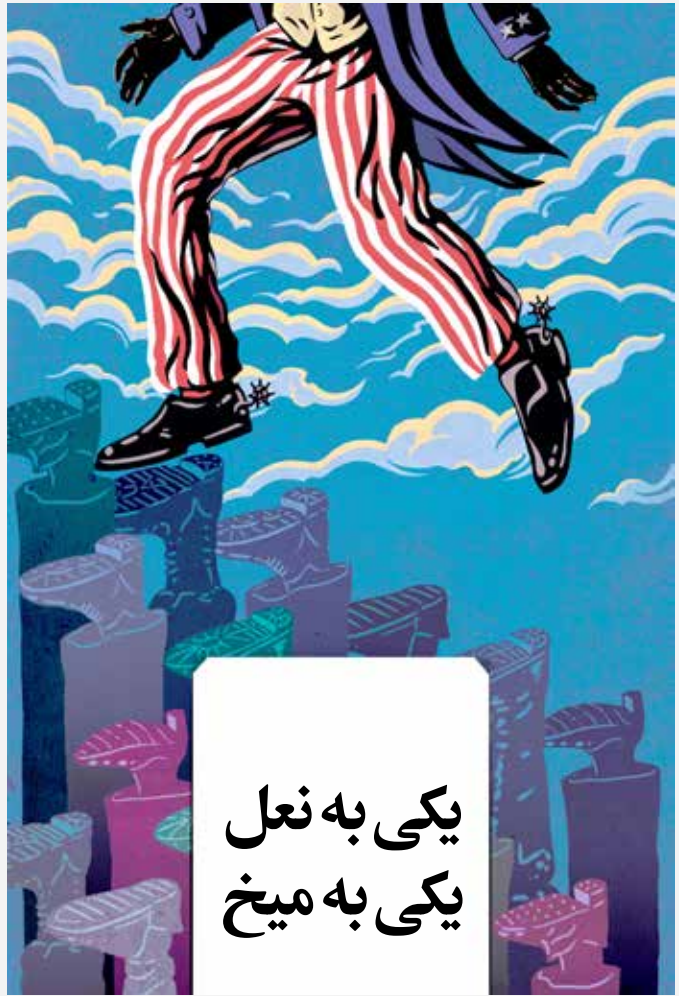
از طرفی ترامپ در بحث سیاست خارجی خود نتوانسته تاکنون موفقیت قابل قبول و چشمگیری به دست آورد و بدین منظور سه کانون کره شمالی، ونزوئلا و ایران مورد نظر اوست. سیاست خارجی آمریکا در مواجهه با کره شمالی و ونزوئلا تقریباً ناموفق بوده و تنها برگ برنده و امیدواری اش به ایران است. به ویژه با توجه به موقعیت ژئوپولیتیک ایران. بنابراین آمریکا ترجیح می دهد در میان این سه کانون بحران؛ به ایران نزدیک شده و روابط خود را با کشور ما بهبود دهد. اگر زمانی ایالات متحده در رابطه با ایران زبان تهدید در پیش می گرفته؛ امروز اما دچار یک سرراشویی تصمیم گیری شده و این اظهار نظرهای اخیر ترامپ در تکیه نشانه بروز تغییراتی در رفتارهای ترامپ نسبت به ایران دارد.

ماندن یا نماندن ترامپ در کاخ سفید چه تاثیری در سیاست خارجی ایران خواهد داشت؟

ایالات متحده همواره به عنوان دشمن در نظر گرفته شده است. رویکرد ما نباید مبتنی بر این باشد که رئیس جمهور فعلی آمریکا در انتخابات پیش رو تغییر کند چرا که با توجه به اقبال داخلی به عملکرد اقتصادی رئیس جمهور فعلی آمریکا چنین چیزی چندان محتمل نیست. با توجه به مواضعی که پمپئو در اعمال فشار حداکثری برای ایران گرفته است سیاست «نه جنگ می کنیم و نه مذاکره» کاملاً نگاه واقع بینانه است و اگر این شرایط تلطیف شده و دچار تغییر گردد و ایران از حقوق بدیهی خود، بدون هیچ پیش شرطی در مذاکره با آمریکا بهره مند گردد، می توان در سیاست «نه جنگ و نه مذاکره» تجدید نظر کرد.

از یک طرف اروپایی ها در قبال برجام رفتاری منفعلانه در پیش گرفته اند و از طرف دیگر آمریکا به صورت یکجانبه از آن خارج شده است؛ تاکید بر مسئله حفظ «برجام» چه سودی برای منافع ملی کشور دارد؟

باید توجه داشته باشیم که با وجود اینکه آقای ترامپ گفته است که یگانه هدف این کشور، عدم دستیابی ایران به سلاح هسته ای است، تنها اختلاف کشور ما با آمریکا بر سر برجام نیست، اختلافات جدی دیگری هم وجود دارد، به عنوان مثال حضور و نفوذ ایران در منطقه که در آینده چالش برانگیز خواهند بود. قطعاً مسئله برجام در نظر آقای ترامپ صرفاً بهانه ای برای باز کردن باب مذاکرات در رابطه با سایر مسائل اختلافی میان دو کشور خواهد بود. آمریکایی ها قطعاً مجدداً به برجام باز نخواهند گشت و این کشور با توجه به مناسبات گره خورده خود با منافع اسرائیل و فضا سازی صهیونیست ها؛ در سطح کلان تصمیم خود را گرفته است که به گفته خود از هرگونه احتمال اتمی شدن مجدد ایران جلوگیری کند. □



یکی به نعل
یکی به میخ

دکتر علی بیگدلی استاد دانشگاه، کارشناس مسائل بین المللی و متخصص تاریخ اروپا است. بیشترین آموزش او در زمینه علوم سیاسی در حوزه تاریخ اندیشه سیاسی و تاریخ روابط بین الملل بوده و در این زمینه ها نیز کتاب هایی را تألیف کرده است. «همدلی» با او در مورد اظهارات ضد و نقیض ترامپ در خصوص ایران گفتگو کرده است که گزیده آن را می خوانیم. □

اظهارات ضد و نقیض اخیر ترامپ در باب رویکرد ایالات متحده درباره ایران ناشی از چیست؟ آیا این تناقضات ناشی از نوعی استراتژی از پیش تعریف شده است، مشابه رفتاری که از رونالد ریگان رئیس جمهور پیشین آمریکا در رابطه با ایران به یاد داریم و یا اینکه ناشی از نوعی سردرگمی و بلا تکلیفی در اتخاذ موضوع مشخص



در این باره است؟

تغییراتی در رفتارهای استراتژیک ترامپ به وجود آمده است. ترکیبی که در کاخ سفید مستقر هستند، مشخصاً آقای بولتون و پمپئو، به دلیل تأثیر پذیری بالا از عربستان؛ بسیار علاقه مندند که ایران را به نوعی وارد جنگ کنند، منتها همان طور که آقای ظریف اشاره کرد؛ شخص ترامپ علاقه ای برای ورود به چنین درگیری نظامی با ایران ندارد.

بررسی موانع آمریکا برای نبرد با ایران

شبح جنگ

| رحیم زیاده‌علی

شکست آمریکا در ماجرای طیس سال ۱۳۵۹



ایران
IRAN

آمریکا جنگ را شروع نمی‌کند

آمریکا می‌داند در صورت شروع جنگ ۱۰۰ درصد ضرر می‌کند

ایران هیچ موقع شروع کننده جنگ نبوده ولی در صورت جنگ با قدرت وارد میدان می‌شود

ایران جنگ را شروع نمی‌کند

توان بازدارندگی و موشکی ایران

در سوی دیگر ماجرا جمهوری اسلامی ایران طی ۴۰ سال گذشته و به مدد بهره‌گیری از توان بومی خود در حوزه دفاع، به سطحی از بازدارندگی خصوصاً در حوزه موشک‌های برد بلند رسیده است که اگر دشمن بخواهد کوچک‌ترین اقدامی علیه ایران تدارک ببیند، پیش از هر تهاجمی باید به فکر دفاع از خود باشد. شاید بر اساس همین برآوردهاست که مسئولان کاخ سفید علناً اذعان می‌کنند که ما دنبال جنگ نیستیم. اما همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب تصریح کرده‌اند، آن‌ها می‌خواهند شبح جنگ را بزرگ کنند تا ترسوها را بترسانند و از دل این تهدیدهای توخالی مذاکره را تحمیل و بلکه به قیمت گزاف به ما بفروشند. بنابراین آنچه این روزها در شبکه‌های خبری همسو با دشمن مشاهده می‌شود و بعضاً در برخی رسانه‌های داخلی دنبال می‌شود، بیش از آنکه ناشی از قدرت آمریکا باشد، متأثر از جنگ روانی و پروپاگاندا‌ی رسانه‌ای آن‌هاست.

واگرایی مثلث تصمیم

علاوه بر این‌ها تجربه نشان می‌دهد هرگاه در آمریکا تصمیم به آغاز جنگی گرفته شده، سه ضلع وزارت خارجه، وزارت دفاع و سازمان سیا در شکل‌گیری این تصمیم مؤثر بوده و در هماهنگی کامل بوده‌اند. حال آنکه در شرایط کنونی اضلاع این مثلث نه تنها کمترین هماهنگی با هم ندارند، بلکه در اوج اختلاف و واگرایی هستند. وقتی که جیمز ماتیس

«تأکید می‌کنیم جنگ نخواهد شد و مذاکره خواهیم کرد... البته آن‌ها (آمریکایی‌ها) مسئله جنگ را صریحاً مطرح نمی‌کنند، اما درصددند با اشاره و کنایه، «شبح جنگ» را ایجاد و بزرگ کنند تا ملت ایران یا ترسوها را بترسانند.» این عبارت بخشی از سخنان مرداد ماه سال گذشته رهبر معظم انقلاب در دیدار افشار مختلف مردم است که در دیدار رضایی اردیبهشت ماه امسال با مسئولان و کارگزاران نظام با ادبیاتی دیگر تکرار شد. «... البته جنگی نخواهد شد بلکه برخورد، برخورد اراده‌هاست و در این زمینه، اراده ملت ایران و نظام اسلامی قوی‌تر از دشمن است...». اما چرا جنگ نخواهد شد؟ موانع و محدودیت‌های آمریکا برای تدارک جنگ نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران چیست؟ این یادداشت که در «جوان» منتشر شده خواهد کوشید، به این سؤال یا سؤالات مشابه پاسخ بدهد.

بسیاری از کسانی که گزینه مذاکره با آمریکا را برای پیشگیری از یک جنگ نظامی علیه ایران پیشنهاد و بلکه تبلیغ و ترویج می‌کنند، ترس خود را پشت نوع آرایشی که آمریکا در منطقه گرفته، پنهان می‌کنند. اما آیا آرایشی که اکنون آمریکایی‌ها در منطقه به خود گرفته‌اند، تصویر یک جنگ و حمله گسترده را به نمایش می‌گذارد یا به عکس جنبه دفاعی و کاهش آسیب‌پذیری دارد؟ در منطقه خلیج فارس اکنون هیچ شناور عمده آمریکایی وجود ندارد و حتی آن‌ها ناوهای ترابری خود را هم از تنگه هرمز خارج کرده‌اند. از این رو برخلاف تصور مدعیان وقوع جنگ که ورود ناو آمریکایی آبراهام لینکلن را نشانه‌ای برای اثبات ادعای خود می‌دانند، استقرار این ناو در دریای عرب بیش از آنکه رویکردی تهاجمی داشته باشد، بیشتر جنبه دفاعی دارد.





چرا مذاکره نمی‌کنیم؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره منطق مذاکره آمریکا و شیوه مذاکره آن‌ها بارها در سخنان خویش نکاتی را بیان فرموده‌اند. ایشان در تاریخ ۲۲ اردیبهشت سال گذشته در همین باره به موارد زیر را خاطر نشان نمودند.

«پیشنهاد مذاکره از طرف آمریکایی‌ها چیز جدیدی نیست... حالا ما چرا مذاکره نمی‌کنیم؟... آمریکایی‌ها فرمول مذاکراتی نشان این است که می‌گویم...»

۱ **اولاً** مذاکره در عرف سیاسی به معنای نشستن و حرف زدن و احوالپرسی کردن که نیست، مذاکره یعنی داد و ستد، یعنی بنشینید دو طرف میز؛ شما یک چیزی بدهید، یک چیزی بگیرید... خوب، آمریکایی‌ها چون متکی هستند به قدرت نظامی و قدرت پولی و قدرت رسانه‌ای وقتی که با یک طرفی می‌خواهند مذاکره کنند، اهداف اصلی خودشان را قبلاً برای خودشان مشخص می‌کنند؛ حالا بعضی از آن اهداف را به زبان هم می‌آورند، بعضی را هم نمی‌گویند؛ در اثنای کار مرتب دبه می‌کنند، مرتب اضافه می‌کنند، مرتب چانه می‌زنند، اما اهداف اصلی برای خودشان مشخص است؛ این یک.

۲ **دوّم**، از این اهداف اصلی یک قدم عقب نمی‌نشینند... از مقصود اصلی و اهداف اصلی شان مطلقاً عقب‌نشینی نمی‌کنند، امتیاز اصلاً نمی‌دهند.

۳ **سوم**، از طرف مقابل مذاکره امتیاز نقد می‌خواهند... اگر چنانچه طرف مقابل از دادن امتیاز نقد امتناع بکند، هوچی‌گری تبلیغاتی و رسانه‌ای و هیاهو در سطح دنیا راه می‌اندازد که به، این‌ها مذاکره نمی‌کنند، این‌ها به میز مذاکره باید برگردند، این‌ها چنین می‌کنند. یک هیاهوی عظیمی که معمولاً طرف مقابل کم می‌آورد در مقابل این هیاهو؛ معمولاً طرف مقابل متغیر می‌شود.

۴ **و مرحله چهارم**، خودش به جای اینکه در مقابل آنچه از او نقد می‌گیرد چیز نقدی به او بدهد... با وعده دل طرف مقابل را خوش می‌کند و طرف مقابل [هم] می‌بیند دارد وعده می‌دهد با این قرصی و با این محکمی. مرحله آخر؛ بعد که قضیه تمام شد و کارش گذشت، زیر همین وعده هم می‌زند، این وعده قرص و محکم را هم مثل باد هوا فراموش می‌کند! روش مذاکره آمریکایی‌ها این است. □

نظامی بازنشسته و کارکنسته به اعتراض وزارت دفاع را ترک می‌کند و تحلیل‌های سازمان سیا مغایران رویکردی است که در وزارت خارجه دنبال می‌شود، نشان می‌دهد که انسجام در تصمیم‌گیری در بین اصلاح این مثلث به نازل‌ترین سطح خود رسیده است.

۱ ارتش آمریکا، فرسوده و خسته

فرسودگی و خستگی ارتش آمریکا در هوا، دریا و زمین رانیزی می‌توان به تمام دلایلی که گشودن جبهه‌ای دیگر از جنگ آمریکا را منتفی می‌کند، اضافه کرد. ارتش آمریکا در شرایط کنونی در وضعیتی به سر می‌برد که در هیچ یک از ادوار تاریخی گرفتار آن نبوده است. ارتشی که ۱۸ سال درگیر جنگ بوده و طولانی‌ترین جنگ را تجربه کرده است.

فرمانده نیروی دریایی این کشور در جایی گفته است: ۲۰ سال است که همواره یک سوم توان من در دریا و در حال مأموریت سپری می‌شود! او از این مأموریت به مأموریت یک شرکت کشتی‌رانی تعبیر می‌کند تا یک نیروی دریایی راهبردی یک ابرقدرت. مأموریت‌ها در این نیرو از شش ماه به ۹ ماه افزایش یافته و این طولانی بودن مأموریت یعنی فرسودگی، خستگی و کاهش انگیزه جنگندگی و حتی دفاع. کما اینکه گوشه‌ای از این خستگی و فرسودگی توأم با ترس سال ۹۴ و در جریان تجاوز ۱۰ تفنگدار نظامی آمریکا در نزدیکی جزیره فارسی که توسط دلاور مردان نیروی دریایی سپاه دستگیر شدند، به خوبی نمایان بود.

یک مؤسسه آمریکایی که داده‌های اطلاعاتی او همواره یکی از شاخص‌های تعیین‌کننده برای بودجه نظامی آمریکا است، بر اساس تحقیقاتی که انجام داده می‌گوید: ۵۰ درصد نیروی هوایی آمریکا آمادگی عملیات ندارد. برای نخستین بار میانگین عمر هواپیماهای این کشور به ۲۷ سال رسیده و در کنار آن از کمبود خلبان و نیروی انسانی نیز رنج می‌برد. علاوه بر این هیچ‌گاه در تاریخ آمریکا مشاهده نشده که این کشور در سه حوزه کاملاً متفاوت و متمایز با هم درگیر بوده باشد.

آمریکا با روسیه در یک رقابت و بلکه مقابله پنهان نظامی به سر می‌برد، در دریای جنوبی چین هم با چین در حال درگیری است و حالا در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس.

همین تنوع و گستردگی که به تناسب آن مأموریت‌های متفاوت برای نیروی دریایی، هوایی و زمینی آمریکا تحمیل می‌کند، ماشین جنگی این کشور را به تحلیل برده است.

۲ اختلافات سیاسی در هیئت حاکمه آمریکا

درگیری‌های سیاسی و کاهش محبوبیت رئیس‌جمهور آمریکا را نیز می‌توان به همه این موارد اضافه کرد. تقریباً هفته‌ای نیست که مجلس سنا و نمایندگان آمریکا، ترامپ را به خاطر اقدامات و تصمیمات نابخردانه‌ای که مرتکب می‌شود، به «استیضاح» تهدید نکند. خصوصاً آنکه کمتر از دو سال دیگر انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خواهد رسید و ترامپ نمی‌خواهد رئیس‌جمهور یک دوره‌ای لقب بگیرد.

ایالات متحده آمریکا اکنون در چنین شرایطی به سر می‌برد؛ کشوری که در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی دچار اختلاف، واگرایی و تنش است. آیا توان و تحمل گشودن جبهه دیگری از جنگ برای خود آن هم مقابل کشوری قدرتمند که عمق نفوذ استراتژیکش منطقه را درنوردیده و تا دوردست‌ها فرارفته و به الگویی برای ملت‌های منطقه علیه استکبار تبدیل شده است، دارد؟

بنابراین جنگ دشمن با ایران نه در حوزه نظامی که در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نفوذ اطلاعاتی تعریف شده است. □



پایان قدرت نمایی غول‌های آهنی

امیرحسین یزدان پناه

جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا، اعلام کرده که حرکت ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن به سمت آب‌های غرب آسیا برای «هشدار درباره تحرکات ایران» است. این ادعای بولتون که در راستای جنگ روانی آمریکا علیه ایران و با هدف دامن زدن به تصور «سایه جنگ» انجام شده است در حقیقت آویختن کاخ سفید به یک حربه رنگ باخته و مربوط به دهه‌های گذشته است که «خراسان» به آن پرداخته است.

منطقه به خوبی آن را اجرامی کند، عملاً مؤلفه‌های قدرت را تغییر داده است. تاجایی که امروزه ناوهای هواپیمابر در منطقه خلیج فارس و شعاع ۲ هزار کیلومتری از سواحل ایران نه تنها خطر جدی محسوب نمی‌شوند بلکه به مثابه اهداف بزرگ و متحرک برای موشک‌های نقطه زن هستند. در حقیقت این غول‌های بزرگ با وزن حدود ۱۰۰ هزار تن و سرعتی معادل ۳۰ گره دریایی (۵۶ کیلومتر در ساعت) آن قدر کند و غیر قابل تحرک هستند که اگر در آب‌های خلیج فارس باشند به سرعت توسط سامانه‌های موشکی کوتاه و میان برد ایران قابل تسخیر و نابودی فوری هستند.

همچنین با توجه به برد پروازی مؤثر هواپیمای روی عرشه این ناوها، اساساً آن‌ها امکان عملیات علیه ایران دورتر از ۱۵۰۰ هزار کیلومتری مرزها را ندارند و این یعنی ناوهای هواپیمابر هیچ برگ برنده‌ای برای آمریکایی‌ها محسوب نمی‌شوند. این ناکارآمدی و آسیب پذیری ناوهای هواپیمابر برای خود آمریکایی‌ها نیز عیان شده است.

به تازگی یک «مرکز تست و ارزیابی» وابسته به وزارت دفاع آمریکا در یک گزارش فنی درباره ناوهای هواپیمابر آمریکا، اعلام کرد که برخی سیستم‌های دفاعی که روی این ناوها نصب شده کارایی ندارد و حین عمل از مدار خارج می‌شود. هشدارهای این گزارش تا اندازه‌ای بود که پژوهشگاه نظامی «نشنال اینترست» پیش بینی کرد این نقص و دیگر نقص‌های ناوهای هواپیمابر حتی ممکن است این غول‌های آهنی را از مدار استفاده خارج کند. برخی اندیشکده‌های نظامی آمریکایی حاوی مقالات تازه منتشر شده‌ای است که به نوعی درباره لزوم تجدید نظر در استفاده از این ناوها به ارائه دیدگاهی می‌پردازند و این سؤال را به طور جدی و صریح مطرح می‌کنند که «چرا باید به خاطر اهداف سیاسی جان شش هزار خدمه ناو هواپیمابر به خطر بیفتد؟ چنین تلفاتی در یک روز بیش از دو برابر کل تلفات ارتش آمریکا در افغانستان خواهد بود. مسئله‌ای که هیچ توجیهی برای افکار عمومی ندارد.»

این ارزیابی‌های فنی و نظامی نشان می‌دهد که دوره قدرت نمایی این غول‌های آهنی گذشته است. دوره‌ای که این ناوها اجازه نمی‌دادند هیچ شنواری به شعاع ۱۰ مایلی شان برسد اما در تنگه هرمز شناورهای نظامی ایران، تا ۵۰۰ متری این ناوها می‌روند و از عرشه آن فیلم برداری هم می‌کنند؛ پهپادهای ایرانی نیز با دقت بسیار بالا از روی عرشه این ناوها فیلم می‌گیرند و هر لحظه امکان بمباران آن را دارند. حتی فرماندهان این ناوها باید با لاجرم مشخصاتش را با زبان فارسی به ایستگاه دریایی سپاه اعلام کنند و مجوز حرکت به سمت آب‌های خلیج فارس را بگیرند.

مسائلی که نشان می‌دهد جان بولتون که روزی می‌خواست کنار منافقان در تهران جشن پیروزی بگیرد، چقدر خیال بافی می‌کند و هنوز در دهه‌های گذشته مانده است. غافل از این که امروز دیگر ۴۰ سال پیش نیست و تحولات خلیج فارس و غرب آسیا را نه ناوهای ۳۰۰ متری آمریکایی، بلکه جرایز مسلح ایران در خلیج فارس و قایق‌های تندروی ایرانی رقم می‌زنند.

در دهه‌های گذشته آمریکایی‌ها با گسیل داشتن یک ناو هواپیمابر به سمت مرزهای آبی یک کشور مخالف با سیاست‌های واشنگتن، حتی دولت‌های آن کشور را تغییر می‌دادند! بدون آن که حتی یک هواپیمای از روی ناو پرواز کند. در حقیقت این غول‌های دریایی برای حدود هفت دهه، جزو ابزارهای جنگی بسیار مؤثر آمریکا بودند که حتی قدرت سیاسی داشتند. این ناوهای هواپیمابر در لشکرکشی‌های متعدد آمریکا به منطقه خلیج فارس و غرب آسیا از جمله جنگ کویت، اشغال افغانستان و عراق نقش‌های مؤثری داشتند و تقریباً همه حملات هوایی آمریکا به این کشورها از روی همین ناوها انجام شد.



ناوهایی که حدود ۵ تا ۶ هزار نیرو و بیش از ۱۰۰ هواپیمای جنگنده و بالگرد را حمل می‌کنند و اگر سیستم تولید قدرتشان اتمی باشد می‌توانند تا ۱۵ سال بدون توقف حرکت کنند. با این حال تحولات قدرت و ابزارهای نظامی جدید در بسیاری از نقاط جهان از جمله غرب آسیا باعث شده این ناوها دیگر کارایی گذشته را نداشته باشند.

برای نمونه، تسلط جمهوری اسلامی بر یکی از مخرب‌ترین سلاح‌ها، یعنی موشک‌های بالستیک نقطه زن و نیز راهبردهای «جنگ نامتقارن» که ایران به کمک متحدانش در



« اندیشه

اندیشه این شماره به مسأله تاب‌آوری پرداخته است. در مطلب نخست، اشاره می‌کنیم که انسان‌ها برای فائق آمدن بر مشکلات، به دلیل شرایط زندگی متفاوت، شیوه‌های متفاوتی را برمی‌گزینند اما روانشناسان بر این باورند که افراد موفق کسانی هستند که در روبه‌رو شدن با مشکلات تاب و تحمل بیشتری دارند. در مطلب بعدی به موضوع تاب‌آوری اجتماعی پرداخته شده است. این مقاله از ظرفیت و توانایی خاصی در افراد و گروه‌ها، خانواده و جوامع صحبت می‌کند که عمدتاً یادگیری و سازگاری در تغییرات تحمل شده و همچنین قدرت تطبیق با شرایط و مقتضیات را در بر خواهد داشت. نقش خانواده در تاب‌آوری فرزندان، گفتگویی درباره نقش تاب‌آوری به عنوان پیش‌نیاز توسعه پایدار و گزارشی در خصوص رابطه شهرها و تاب‌آوری از جمله مطالب این بخش هستند.



در چرایی حوادث غرق نشویم

خودآزمایی تاب‌آوری

خم می‌شوند اما شکسته نمی‌شوند

رفتار سازگارانه مثبت از خود نشان می دهند با این حساب تاب آوری دارای دو بُعد است در گام نخست بروز نامایمات و سپس پیامدهای سازگارانه مثبت در برابر آن ها است؛ بنابراین تاب آوری به عنوان یک توانایی، متعلق به افرادی است که در معرض عوامل خطر مشخص قرار می گیرند و می توانند بر آن خطرات غلبه کنند و از پیامدهای منفی نظیر بزهکاری و مشکلات رفتاری اجتناب می کنند.

تاب آوری در واقع همان هوش هیجانی، یادگیری خوش بینی و خودباوری است، برخی تاب آوری را استعداد و ظرفیت افراد برای مقابله بر استرس، حوادث و فجایع می داند و برخی دیگر آن را فرایند مقابله و سازگاری موفقیت آمیز با شرایط چالش انگیز و تهدیدکننده می دانند. با این حساب تاب آوری نه تنها نشان دهنده شکست ناپذیری فرد در برابر نامایمات و شرایط اضطرابی است بلکه باعث می شود مقاومت افراد برای مقابله با شرایط استرس زا افزایش یابد.

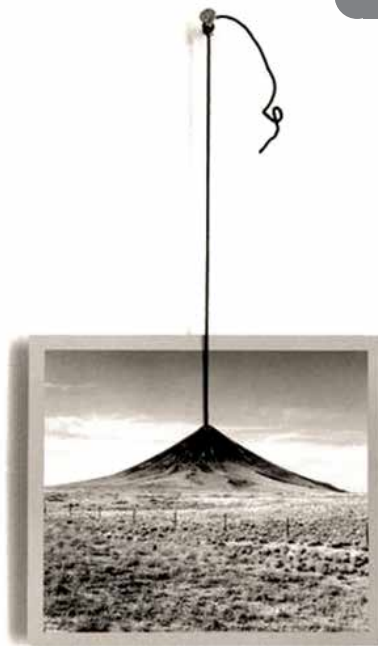
□ غلبه بر موقعیت های دشوار

تاب آوری انواع متعددی دارد که از نگاه روانشناسان این مفهوم در سه بخش تاب آوری عمومی، تاب آوری حقیقی، تاب آوری تلقیحی قابل تقسیم و تعریف است. تاب آوری عمومی در در واقع همان غلبه بر موقعیت های دشواری است با این تعریف، همه افراد از تاب آوری برخوردارند و از جمله ویژگی های بشر محسوب می شود؛ اما درباره تاب آوری حقیقی باید گفت در واقع این یک مفهوم مقایسه ایست و به یاری روانشناسان می آید تا درک درستی از پس تفاوت های افراد و حرکت در مسیر زندگی شخصی شان کسب کنند. تاب آوری حقیقی در جایی آشکار می شود که افراد با دارایی و منابع بسیار کم یا کودکانی با آسیب پذیری بالا، آینده ای بهتر از آنچه ما با توجه به شرایطشان و در مقایسه با سایر کودکان پیش بینی می کردیم، نشان می دهند.

از آنجایی که تاب آوری تلقیحی کمی پیچیده است و متخصصان را گیج و دستپاچه می کند از تعریف دقیق این مفهوم عبور و به همین اندازه بسند می شود که تاب آوری تلقیحی به عنوان یک مفهوم، ظرفیت تغییر مصیبت و بدبختی را به موفقیت یا حداقل توان پیشگیری از اثرات بدتر مصیبت و بلا را فراهم می کند.

□ ویژگی های افراد تاب آور

مشکلات و فشارهای ناشی از محیط کار، زندگی شخصی، تغییرات سریع اجتماعی و بلایای غیرمنتظره، می طلبد که فرد تاب آوری لازم را داشته باشد بنابراین تاب آوری از جمله ضروریات زندگی در دنیای کنونی به شمار می شود. اگر تاب آوری در فرد تقویت شود، می توان پس از یک ضربه در بازه زمانی کوتاهی امور زندگی را در دست گرفت و زندگی روزمره را از سر گرفت. از سوی دیگر افراد تاب آور، انعطاف پذیر و خلاق هستند و می توانند سریعاً خود را با شرایط سازگار کنند، این افراد می دانند چگونه بر مشکلات فائق آیند و از تجارت زندگی درس های زیادی می گیرند



آشنایی با مفهوم تاب آوری

در چرایی حوادث غرق نشویم

انسان ها برای فائق آمدن بر مشکلات، به دلیل شرایط زندگی متفاوت، شیوه های متفاوتی را برمیگزینند اما روانشناسان بر این باورند که افراد موفق کسانی هستند که در دوره رو شدن با مشکلات تاب و تحمل بیشتری دارند بنابراین تاب آوری برای اینکه فرد موفق باشیم اهمیت ویژه ای پیدا می کند. ■

« رویکرد روانشناسی مثبت گرا با توجه به استعدادها و توانمندی های انسان، در سال های اخیر مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. این رویکرد، هدف نهایی خود را شناسایی سازه ها و شیوه هایی می داند که بهزیستی و شادکامی انسان را به دنبال دارند. از این رو عواملی که سبب سازگاری هر چه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی گردند، بنیادی ترین سازه های مورد پژوهش این رویکرد است.

به طور کلی مفهوم تاب آوری در روانشناسی، توانمندی فرد یا گروه در مقابله با حوادث ناخوشایند، استرس ها و بحران های زندگی است. در واقع تاب آوری توانایی برخورد با موقعیت های سخت زندگی و خرد نشدن زیر بار مسائل حادث شده در زندگی روزانه است. به عبارتی تاب آوری قابلیت فرد در برقراری تعادل زیستی- روانی و معنوی در مقابل شرایط مخاطره آمیز است.

در یک تعریف ساده، تاب آوری «توانایی یک سیستم جهت جذب آشفتگی و سازمان دهی مجدد درحالی که متحمل تغییر شده، تعریف می شود به طوری که سیستم هنوز وظیفه، ساختار، مشخصات و بازخورد های یکسانی را حفظ کند.»

تاب آوری فرآیندی است که افراد در زمان مواجه شدن با نامایمات یا ضربه های روانی

می‌باید و به عنوان یک ویژگی مثبت متبلور می‌شود. نتیجه اینکه تاب‌آوری در هر سن و در هر سطحی رخ می‌دهد و سازه‌ای شناختی و قابل آموزش است یعنی تاب‌آوری پدیده‌های ذاتی نیست. بلکه از طریق تمرین، آموزش، یادگیری و تجربه حاصل می‌شود. پس اگر فکر می‌کنید تاب‌آوری کمی دارید، می‌توانید آن را تقویت کنید و مهارت‌های خود را برای تاب‌آور شدن پرورش دهید. پس تاب‌آوری قابل یادگیری است.

۴ دوروی سکه

رفتارهای تاب‌آورانه به افراد کمک می‌کند تا بر تجارب منفی چیره شوند و حتی آن‌ها را به تجارب مثبت در خودشان تبدیل کنند. به همین دلیل است که روانشناسان در مفهوم تاب‌آوری دو وجه را مهم می‌دانند. اول اینکه فرد یک حادثه یا رویداد آسیب‌زا و فشار و سختی را تجربه می‌کند و دوم اینکه در برابر این حوادث انعطاف‌پذیر است و برای بازگشت به عملکرد و کارکردهای معمول خود دست به جبران می‌زند. افراد تاب‌آور توانایی ترمیم ضربه‌های روانی وارد شده به آن‌ها و فائق آمدن بر سختی را دارند.

۴ چگونه تاب‌آور شویم؟

ممکن است بپرسید در تاب‌آوری فرد دقیقاً چه کاری انجام می‌دهد؟ می‌توان گفت فرد تاب‌آور، نحوه استدلال و نگرش متفاوتی در مواجهه با شرایط ناگوار اتخاذ می‌کند؛ به جای فاجعه ساختن از مشکل و گرفتار شدن در تبعات آن به خود و توانایی‌هایش توجه بیشتری می‌کند. مثلاً چنین شخصی ممکن است یک موقعیت پر مخاطره را یک فرصت در نظر بگیرد نه یک تهدید و در دشواری‌ها به جای اضطراب موفقیت را تجربه کند.

بنابراین تاب‌آوری موجب سازگاری مناسب در مواجهه با مشکلات می‌شود و این چیزی بیش از اجتناب ساده از پیامدهای منفی است. در همین مورد روان‌شناسان حیطه خلاقیت اعتقاد دارند هر عمل خلاقانه‌ای متضمن ویرانی وضعیت پیشین است. به نظرمی‌رسد که افراد تاب‌آور به طور خلاقانه رابطه قدیمی «شرایط ناگوار-آسیب روانی» را حذف و با یک تغییر جدید، رابطه «شرایط پر مخاطره - رشد و بالندگی» را جایگزین آن می‌کنند. یعنی تاب‌آورها ذهنشان را طوری برنامه‌ریزی کرده‌اند که بعد از هر موقعیت استرس‌آوری به دنبال رشد خودشان هستند و مثل خیلی‌ها تسلیم آسیب‌های روانی نمی‌شوند.

خلاصه تاب‌آوری در مورد کسانی به کار می‌رود که در معرض خطر قرار می‌گیرند ولی دچار اختلالات روانی نمی‌شوند و زندگی‌شان آن‌چنان مختل نمی‌شود و اگر هم بشود به سرعت به شرایط متعادل پیشین برمی‌گردند.

تاب‌آوری باعث می‌شود که افراد در شرایط دشوار و با وجود عوامل خطر از ظرفیت‌های موجود خود در دستیابی به موفقیت و رشد زندگی فردی استفاده کنند و از این چالش‌ها و آزمون‌ها به عنوان فرصتی برای توانمند کردن خود بهره‌گیرند و از آن‌ها سربلند بیرون آیند. □



تاب‌آوری، تنها

پایداری در برابر

آسیب‌ها یا شرایط

تهدیدکننده نیست

و حالتی انفعالی

در رویارویی با

شرایط خطرناک

نیست، بلکه

شرکت فعال در

محیط پیرامونی

خود است.

می‌توان گفت

تاب‌آوری،

توانمندی فرد در

برقراری تعادل

زیستی - روانی،

در شرایط

خطرناک است.

پژوهشگران

بر این باورند

که تاب‌آوری

نوعی ترمیم خود با

پیامدهای مثبت

هیجانی، عاطفی

و شناختی است

بدون آنکه در چرایی آن اتفاق غرق شوند.

برای آنکه بتوانید تاب‌آوری خود را تقویت کنید، همان‌طور که پژوهش‌ها نشان داده است ابتدا باید به جای توجه به عوامل خطرزا بر توانایی‌های فردی خود تمرکز داشته باشید، تحقیقات ۳۰ ساله نشان داده است که ویژگی‌ها و توانایی‌های فرد تاب‌آور سازگاری و تحمل، قدرت کلام، میل به پیشرفت و عزت نفس است، نتیجه تحقیقی دیگر می‌گوید شادکامی، خوش‌بینی، ایمان، آرامش روانی و خلاقیت، حس همبستگی، تسلط بر خود، خودمحوری، مشارکت، خود ارزشمندی و شوخ‌طبعی از دیگر شاخص‌های فرد تاب‌آور به شمار می‌رود.

نباید از این نکته چشم‌پوشی کرد که افراد با تاب‌آوری پایین آسیب‌پذیرند و فاقد جسارت، انگیزه تشویق و راهبردهای لازم برای تغییر شرایط فشارزا به فرصت‌ها هستند، افراد با تاب‌آوری پایین همیشه درگیر مشغله‌های ذهنی بوده و مشکلات خود را به صورت مبالغه‌آمیز بزرگ کرده و خود را قربانی حوادث می‌دانند و از شرایط موجود ناله و شکوه دارند، خود را کم‌توان و ضعیف جلوه می‌دهند و از تلاش برای حل شرایط تنش‌زا اجتناب می‌کنند.

برای شناسایی افراد با تاب‌آوری کم می‌توان به خصوصیات چون نحوه برخورد خشک، انعطاف‌ناپذیر بودن و احساس نگرانی نسبت به آینده احساس را بیان کرد که این نگرانی به مرور تبدیل به ترس می‌شود و به جای داشتن احساس مسئولیت و راهکارهای خلاق و نوآور برای حل مشکلات خود سردرگم و ناتوان احساس می‌کنند، درحالی‌که افراد با تاب‌آوری بالایی حس قوی برای پیشرفت دارند و اعتماد به نفس و خودباوری آن‌ها بالاست. باید تأکید کرد افراد تاب‌آور در سطوح بالاتری از صلاحیت اجتماعی و هویتی قرار دارند و قادرند به‌طور نرمال و بهنجار با چالش‌های محیطی مواجه شوند.

البته تاب‌آوری، تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نیست، بلکه شرکت فعال در محیط پیرامونی خود است. می‌توان گفت تاب‌آوری، توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی، در شرایط خطرناک است. پژوهشگران بر این باورند که تاب‌آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی است. در زمینه پیامدهای تاب‌آوری، شماری از پژوهش‌ها به افزایش سطح سلامت روان و رضایتمندی از زندگی اشاره داشته‌اند گروهی دیگر از پژوهش‌ها نیز به تأثیر سلامت روان یا کاهش مشکلات هیجانی بر رضایت از زندگی اشاره داشته‌اند.

۴ تاب‌آوری آموختنی است

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که درست است تاب‌آوری به قابلیت تطابق انسان در مواجهه با بلا یا فشارهای جانکاه، غلبه یافتن و حتی تقویت شدن با آن تجارب اطلاق می‌شود، اما این خصیصه در کنار توانایی‌های درونی شخص و مهارت‌های اجتماعی او و همچنین در تعامل با محیط تقویت می‌شود، توسعه



تاب‌آوری اجتماعی و پیشگیری با تغییرات نجنگیم

است که البته حداقل دو ویژگی دیگر شامل ویژگی‌های فردی و عوامل خانوادگی را نیز باید در آن لحاظ کرد.

تاب‌آوری چیزی نیست که داشتن آن خوب باشد، تاب‌آوری ضرورت است. به همین خاطر است که گفته می‌شود سرمایه‌گذاری در تاب‌آوری فرصت است. افزایش قدرت مقابله، تسهیل در بازیابی ساختار و رفتارهای اجتماعی آسیب‌دیده و تسهیل در بهبودپذیری مأموریت ذاتی تاب‌آوری اجتماعی است. چنانچه تاب‌آوری را مترداف با انعطاف‌پذیری بدانیم، جامعه یا سازمان برخوردار از آن دارای قدرت مداومی در مواجهه با تغییرات و تطبیق با نیازهای جدید خویش است. در این معنا به خودی خود به ظرفیت‌هایی اشاره کرده‌ایم که متضمن رشد است.

مقدار چالشی را که یک سازمان یا جامعه می‌تواند مدیریت، کنترل و تحمل کند بدون اینکه به عملکرد آن خدشه‌ای وارد شود شاید به‌گونه‌ای تاب‌آوری آن اجتماع یا سازمان را نمایندگی کند. البته قدرت واکنش و بهبودپذیری با تطابق و برگشت‌پذیری به زمان قبل از آسیب یا پس از سوانح و بلایای طبیعی علاوه بر برخورداری از دانش مدیریت بحران، وابسته و منوط به قدرت تاب‌آوری است. برای مواجهه کارآمد با تغییرات اجتماعی، اقتصادی، آشفتگی و آسیب‌های اجتماعی برخورداری از تاب‌آوری ضرورت

تاب‌آوری فردی اهمیت بسیاری دارد. در واقع باید تأکید کرد هر چه تعداد افراد باهوش اجتماعی و تاب‌آوری بالا بیشتر باشد تاب‌آوری جامعه بیشتر خواهد بود. در کشور ما که بحران‌های متعددی از جمله اقتصادی و حوادث غیرمترقبه رخ می‌دهد، باید به تاب‌آوری اجتماعی و ارتقاء سطح آن توجه بیشتری داشت. تاب‌آوری اجتماعی را می‌توان ظرفیت تبدیل و تحول، تطبیق و سازگاری و توان مقابله با تنش و بحران‌های اجتماعی نامید. تاب‌آوری اجتماعی از ظرفیت و توانایی خاصی در افراد و گروه‌ها، خانواده و جوامع صحبت می‌کند که عمدتاً یادگیری و سازگاری در تغییرات تحمیل شده و همچنین قدرت تطبیق با شرایط و مقتضیات را در بر خواهد داشت.

تاب‌آوری در بحران‌های اجتماعی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند و شناخته‌شده‌ترین عاملی که با تاب‌آوری اجتماعی رابطه معکوس دارد آسیب‌پذیری اجتماعی است، لذا در هر سامانه اجتماعی برای مواجهه شدن با تغییرات و تهدیدات باید تمهیداتی لحاظ شود که بتواند به نحو بهینه مواجهه و مقابله کند. مشارکت‌های مدنی و حمایت‌های اجتماعی نیز در همه حال بر تاب‌آوری فردی و سلامت اجتماعی تأثیرات عمیق می‌گذارند، چراکه باور افراد به ویژه آسیب‌دیدگان، مددجویان و توان‌خواهان نسبت به خود در حمایت‌های اجتماعی پرورده می‌شود. حمایت‌های اجتماعی می‌تواند با تقویت جریان رشد و کاهش اثر صدمات، تأثیر انتخاب‌های نادرست، اتفاقات تلخ و بلایای طبیعی را کاهش دهد و از این طریق به توسعه تاب‌آوری اجتماعی کمک کند.

سرمایه‌گذاری در تاب‌آوری فرصت است

بسیاری از اختلالات رفتاری روانی، آسیب‌ها و گرفتاری‌های اجتماعی که از طریق ارتباطات حمایتی و راه‌حل‌های مشارکتی بهبود می‌یابند. توانمندسازی بر مبنای اندک توانایی به‌جامانده از سانحه نیز از دیگر شکفتنی‌های تاب‌آوری بر اساس حمایت‌های اجتماعی



.....

نشدن توسعه جامعه، تبدیل تهدیدها به فرصت و... اشاره کرد. در حال حاضر جوامعی هستند که توانایی تبدیل تهدید مخاطرات به فرصت را دارند، مهم‌ترین بهره‌برداران در تاب‌آوری مردم و آحاد جامعه هستند و این تاب‌آوری می‌تواند جامعه را مستحکم کرده و روبرو جلونگه دارد.

در این بین جمعیت‌های ملی در تاب‌آوری به مفهومی انسانی‌تر توجه دارند، براین اساس حفظ جان و مال انسان‌ها در مخاطرات در کنار حفظ تکریم و آرمان‌های انسانی در تاب‌آوری مورد توجه جمعیت‌های ملی خواهد بود. از این رو تاب‌آوری در برنامه چشم‌انداز جمعیت هلال احمر هدف اصلی بوده و در حد شعار نیست؛ لذا ضروری است تا با شاخص‌های عملی سطح تاب‌آوری در جامعه را افزایش داده و نقش خود را در این زمینه تعیین کرد. لازم است توجه داشت که برای تبدیل جامعه به جامعه‌ای تاب‌آور باید ابتدا جمعیت هلال احمر به نهادی تاب‌آور تبدیل شود تا بتواند جامعه را به سطح تاب‌آوری ارتقا دهد.

تاب‌آوری و پیشگیری اجتماعی نسخه‌ای است که برای همه مردم دنیا و در هر نقطه‌ای پیچیده می‌شود تا به توصیه جامعه‌شناسان یعنی «به زیستن و دوری از انواع خشونت» جامع عمل پوشاند، بنابراین لازم است با واقعیت‌های جامعه آشنا شد سپس راه‌حلی برای آن در نظر گرفت چرا که آمار خشونت در واقع زنگ خطری است که نشان می‌دهد در حوزه پیشگیری و تاب‌آوری اجتماعی ناگفته‌ها و حقایقی وجود دارد که به دلایلی کتمان شده‌اند.

در این میان سیدحسین موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران با تشریح روند کنونی و چالش‌ها، راهکارهایی برای تقویت سرمایه اجتماعی کشور ارائه می‌دهد. موسوی چلک بر این باور است که هیچ‌کس بی‌نیاز از فراگیری مهارت تاب‌آوری نیست؛ زیرا جامعه‌ای که تاب‌آوری را نیاخته در آن انواع خشونت بارز می‌شود و تعرض به حقوق شهروندی افزایش می‌یابد. در واقع وقتی فردی در شرایط دشوار بتواند واکنشی از خود نشان بدهد که به خود و دیگران آسیب نرساند و واکنش منطقی از خود نشان داده است.

با این تعریف باید گفت که در زمینه تاب‌آوری اجتماعی، جامعه ما از جوامعی مانند هند، چین، ژاپن و... عقب‌تر است، چرا که تاب‌آوری باید از سنین کودکی به افراد آموزش داده شود و باید از ظرفیت مدارس و نهادها برای آموزش مهارت تاب‌آوری استفاده می‌شد که متأسفانه این اقدام تا به حال صورت نگرفته است. با این حساب مؤلفه اصلی تاب‌آوری اجتماعی، خودمراقبتی و مهارت فردی است که با تقویت این رویکرد می‌توان شرایط سخت و دشوار اجتماعی را به سلامت سپری کرد.

۱ چگونه تاب‌آور شویم

حال باید به این سؤال پاسخ داد که چگونه تاب‌آوری آموزش داده می‌شود؟ باید گفت الزاماً نباید آموزش مستقیم صورت گیرد بلکه افراد باید به صورت تجربی بیاموزند که با دیگران چگونه برخورد کنند. اگر فردی می‌خواهد

تاب‌آوری و

پیشگیری

اجتماعی

نسخه‌ای است

که برای همه

مردم دنیا و در

هر نقطه‌ای

پیچیده می‌شود

تا به توصیه

جامعه‌شناسان

یعنی «به زیستن

و دوری از انواع

خشونت» جامع

عمل پوشاند،

بنابراین لازم است

با واقعیت‌های

جامعه آشنا شد

است که می‌تواند شامل خودسازمان‌دهی، تحمل و حفظ شایستگی‌ها در شرایط سخت و در نهایت توانایی ترمیم و برگشت‌پذیری مشاهده و اعمال باشد. در این معنا در خواهیم یافت که تاب‌آوری اجتماعی قدرت پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای آینده را افزایش خواهد داد. به هر حال در تاب‌آوری جوامع به میزان برخورداری و رشد اقتصادی، حفظ و توسعه سرمایه‌های اجتماعی، میزان دانش و اطلاعات و برخورداری از ارتباطات و انسجام اجتماعی توجهات ویژه صورت گرفته است.

تنوع در منابع اقتصادی و مالی، مشارکت‌های شهروندی و حمایت‌های اجتماعی، توسعه پیوندهای سازمانی در بخش دولتی و مردم‌نهاد و تأکید بر (عمل جمعی) نکات بسیار حائز اهمیت است در این مبحث به شمار می‌آیند. از تنوع‌پذیری در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و ... می‌توان به عنوان بستری برای توسعه خلاقیت‌ها و افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقاء تاب‌آوری نام برد. هم‌چنین ضرورت دارد در تقویت نگرش‌های علمی و توجه بیشتر از پیش بر حقایق محلی و مقتضیات اجتماعی در هر موقعیت ویژه تأکید بیشتری صورت گیرد که این خود به خود بستر مشارکت بهینه را فراهم و بر جمعیت ذینفعان خواهد افزود و موجب شمولیت اجتماعی خواهد بود.

۲ با تغییرات باید زندگی کرد

با برخی از تغییرات نمی‌توان جنگید بلکه با آن‌ها باید زندگی کرد، بسیاری از تهدیدات طبیعی و بلایای اجتماعی را می‌توان در این طبقه‌بندی جای داد چه بسا برخی از تغییرات دیگر برگشت‌پذیر هم نباشند، تاب‌آوری با تأکید بر پیشگیری در تمامی سطوح زندگی اجتماعی از این حیث از اهمیت شایان توجهی برخوردار است و از سوی دیگر در مداخلات هم می‌تواند نقش محوری ایفا کند. از این حیث چه در مباحث نظری و چه در عملیات و اجرا می‌تواند بیش از پیش مورد توجه مددکاران اجتماعی قرار بگیرد.

۳ افزایش تاب‌آوری اجتماعی ایرانیان

باید مفاهیم تاب‌آوری را به شاخص‌های جزئی و اندازه‌پذیر تبدیل کرد، از این رو تاب‌آوری در برنامه‌های ۱۰ ساله هلال احمر به هیچ وجه در حد شعار نبوده و بنابراین ضروری است تا با شاخص‌های عملی به افزایش سطح تاب‌آوری جامعه دست یابیم.

امروزه در ادبیات دنیا، به خصوص در سازمان‌های بشردوستانه و مدیریت بحران موضوع تاب‌آوری بسیار مورد توجه است، مفهوم تاب‌آوری به درجات مختلفی تعریف شده، اما مفهوم نزدیک‌تر آن برای ما این است که یک جامعه تا چه اندازه توانایی و تحمل مواجهه با یک شوک و مخاطره را دارد و بدون از میان رفتن چرخه‌های عادی جامعه به حیات خود ادامه دهد.

جامعه تاب‌آور با مؤلفه‌های مختلفی شناخته می‌شود که جدای از توانایی برای حفظ چرخه‌های عادی جامعه، می‌توان به زمان بازگشت جامعه به حالت عادی، متوقف



.....

در کشور ما کمتر
به پیشگیری از
طریق مددکار
اجتماعی توجه
می شود. در ایران
مددکار اجتماعی
را مددکار
مشکل محور تلقی
می کنند در حالی که
ارتقای مستمر
کیفیت زندگی
مردم و توسعه
شاخص های
سلامت اجتماعی
دو مأموریت
اصلی مددکاری
اجتماعی است.
هر دوی این ها ما
را به بهتر زیستن
سوق می دهد

نباید این واقعیت را انکار کرد که همه سازمان های اجتماعی ما، از بیان واقعیت هراس دارند این در حالی است که به راحتی از اختلاس، دعوای سیاسی و حتی اعتراضات خیابانی در کشور صحبت می شود اما در زمینه بیان مسائل اجتماعی همیشه هراس داریم؛ اما هر کشوری نیاز به دماسنج اجتماعی دارد و این دماسنج همان واقع گویی و شفافیت های آماری است. باید شدت تب اجتماعی را بدانیم تا واکنش هایی برای پایین آوردن آن انجام شود. در ایران حتی نوع واکنش ها متناسب با دماسنج اجتماعی نیست و به همین دلیل هر سال مشکلات ما در این حوزه بیشتر می شود. اشتباه بزرگ ما این است که می خواهیم سرپوش روی واقعیت های اجتماعی بگذاریم. منظورم این نیست که همه چیز را باید همه بدانند اما کتمان کردن واقعیت اجتماعی یعنی صادق نبودن با مردم و ایجاد کردن مانع برای رفع مسائل موجود.

❑ مشارکت مردم راه حل افزایش تاب آوری است

و اما برای خروج از این شرایط رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران تاکید دارد که مهم ترین مؤلفه برای خروج کشور از شرایط فعلی، مشارکت مردم است. اگر تمام ساختار حاکمیت در حوزه اجتماعی فعالیت کند مادامی که مردم پای کار نبینند ما در مدیریت اجتماعی موفق نخواهیم شد. مردم در صورتی پای کار می آیند که احساس کنند شفافیت و صداقتی در کار است. اگر شفافیت ایجاد شود، مردم اعتماد می کنند. ما نمی توانیم به مردم واقعیت ها را نگوئیم. از آنجایی که در کشور بیش از ۱۶ هزار مددکار اجتماعی فعالیت می کنند و در سیاست گذاری های کلان کشور توجه به حوزه مددکاری اجتماعی افزایش یافته که باید از این ظرفیت به درستی استفاده کنیم اما با وجود توسعه کمی چالش جدی پیش رو است چرا که ما سهم زیادی در حوزه تولید دانش در بخش مددکاری اجتماعی در جهان نداریم. در کشور ما کمتر به پیشگیری از طریق مددکار اجتماعی توجه می شود. در ایران مددکار اجتماعی را مددکار مشکل محور تلقی می کنند در حالی که ارتقای مستمر کیفیت زندگی مردم و توسعه شاخص های سلامت اجتماعی دو مأموریت اصلی مددکاری اجتماعی است. هر دوی این ها ما را به بهتر زیستن سوق می دهد.

در تعریف جهانی سال ۲۰۱۴ در مورد مددکاری اجتماعی که به اجماع هم رسیده، آمده: «نهایت مددکاری اجتماعی به زیستن اجتماعی است.» به این معنا که در دنیا نگاه مشکل محور به مددکاری اجتماعی منسوخ شده و مددکاری اجتماعی نیاز محور است تا مشکل محور. با توجه به تعریف مددکاری اجتماعی باید مشکل قبل از آنکه به وجود آید از آن پیشگیری شود. مشکل بعدی در حوزه مددکاری اجتماعی، مربوط به بخش نظام آموزشی است. نظام آموزش مددکاری اجتماعی در ایران به رغم اینکه سال ۱۳۹۵ یک بار مورد بازنگری قرار گرفت اما محتوای آموزشی این بخش تنها ۵ درصد نیاز مددکاری اجتماعی را پاسخ می دهد و بسیار ضعیف است. ❑

تاب آوری اجتماعی را بیاموزد باید ابتدا حقوق خود و حقوق دیگران را بشناسد. بعد از دستیابی به این شناخت باید حقوق دیگران را به رسمیت بشناسد و به آن احترام بگذارد. احترام در اینجا به این معناست که نباید ما انتظار داشته باشیم همه تابع خواسته «من» به عنوان عضوی در یک گروه باشند. این گروه می تواند خانواده، دوستان و در سطح کلان جامعه و کشور باشد.

درواقع تاب آوری در همه جوامع، هم فردی است و هم اجتماعی. علاوه بر فراگیری مهارت های فردی، تصمیم گیری حاکمان نیز در این زمینه می تواند تأثیرگذار باشد. میزان صداقت و شفافیت حاکمان در میزان تاب آوری اجتماعی نقش اساسی دارد.

❑ شایسته سالاری مهم ترین مؤلفه تاب آوری اجتماعی

شایسته سالاری یکی از مهم ترین مؤلفه هایی است که تاب آوری اجتماعی افراد را بالا می برد و شعارهایی که هیچ گاه جامه عمل نمی پوشد تاب آوری اجتماعی را کاهش می دهد. موضوع تاب آوری اجتماعی زیرمجموعه پیشگیری اجتماعی است. موسوی چلک، رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران تاکید دارد که در ایران نزدیک به ۳۰ دستگاه در زمینه پیشگیری اجتماعی فعالیت رسمی دارند، اما جایگاه تاب آوری در کشور پایین است چرا که ماهیت تاب آوری، پیشگیری است و در کشور ما همه نهادها سرگرم پیشگیری هستند و در واقع پیشگیری واقعی انجام نمی پذیرد. در سازمان اجتماعی پایین ترین منابع به بخش پیشگیری اختصاص داده می شود. پیشگیری های اجتماعی در کوتاه مدت پاسخگو نیست به همین علت سازمان ترجیح می دهد به برنامه هایی بپردازد که سریع تر به چشم می آید.

وی ادامه می دهد که سازمان ها و نهادها به پیشگیری به اندازه اهمیت آن بها نمی دهند در حالی که پیشگیری سواد اجتماعی مردم را افزایش می دهد. اگر سواد اجتماعی مردم افزایش پیدا کند تاب آوری آن ها بالا می رود. در کشور ما همیشه صبر می کنند اتفاقی رخ دهد بعد مداخله کنند. دستگاه ها و سازمان های مختلفی که وظایف پیشگیری دارند به صورت جزیره ای عمل می کنند و هر کدام به سمتی که صلاح می دانند می روند. در ایران استراتژی های پیشگیری تعریف نشده است.

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران افزود که فراگیری، محتوا، روش ها، جذابیت، شکل و استمرار از ویژگی های مهم پیشگیری است؛ اما برنامه های مربوط به پیشگیری در ایران به این ویژگی ها توجهی نمی کند و آن بیشتر به عنوان یک فعالیت لوکس و تجملی تلقی می شود. پیشگیری نقش اساسی در اجتماع بازی می کند و کمک می کند سلامت اجتماعی نهادینه شود. با نهادینه شدن سلامت اجتماعی امنیت ایجاد می شود. متأسفانه در ایران پیشگیری رویکرد اجتماعی هم ندارد و بیشتر به صورت قهری انجام می شود. با نگرستن به پیشگیری با رویکرد قهری، سلامت اجتماعی و در نتیجه امنیت ایجاد نمی شود.

بسیار ملموس است. حرکت آب معمولاً از مقاطع بالادست تر شروع می‌شود و به سمت شهرهای پایین دست سرازیر می‌شود. بنابراین بسیاری از اقدامات مانند سدسازی یا آبخیزداری‌ها یا پاک‌تراشی جنگل‌ها کارهای درست و اساسی نبوده است. ما هیچ وقت فکر نکردیم، زمانی ممکن است در بالادست شهرها چنین اقداماتی موجب وقوع بحران‌هایی نظیر سیلاب‌های غیرقابل مهار شود. این موضوع هم فقط شامل مدیران، مسئولان و کارشناسان نمی‌شود؛ چون با توجه به اینکه مردم هم از این موضوع آگاه هستند، وقتی در محیط اطرافشان اتفاق می‌افتد، هیچ اعتراض جدی نمی‌کنند.

موضوع دیگر اینکه همیشه تصور می‌کنیم بحران یا خطر خیلی از ما دور است؛ بنابراین نکات ایمنی و کارشناسی را پیش بینی نمی‌کنیم. همچنین یکی از دلایلی که مدیران در زمینه کاهش خطرپذیری اقدام چندانی انجام نمی‌دهند، این است که گفته می‌شود عمر مدیریت در کشور ما کوتاه است. در حالی که همه این‌ها اموری هستند که با بهبود کیفیت زندگی مردم سروکار دارند و اگر درست انجام نشوند، به زندگی مردم آسیب می‌رسانند. از سوی دیگر، در مدیریت بحران و تاب‌آوری بحث پیش بینی و پیشگیری بسیار اهمیت دارد. اما از آنجا که فکر می‌کنیم خطر از ما دور است و فقط برای دیگران اتفاق می‌افتد، اقدام اساسی انجام نمی‌دهیم. ما به تاریخ نگاه نمی‌کنیم.

این در حالی است که یکی از ویژگی‌های نظام‌های تاب‌آور یادگیری است. یعنی ما به گذشته خود نگاه کنیم. در تفت، شهرداری می‌خواست رودخانه‌ای را که ۲۰ سال خشک شده بود به خیابان تبدیل کند، اما مردم به دلیل اینکه حافظه تاریخی داشتند، مانع این کار شدند. بنابراین یکی از ویژگی‌های نظام‌های تاب‌آور یادگیری است، یادگیری از درس‌های گذشته و یادگیری از تاریخ است. همچنین نباید فراموش کرد که سیل یا زلزله و سایر پدیده‌های طبیعی، دوره‌های تکرار دارند؛ دوره‌های ۲۰ ساله، ۱۰۰ ساله، ۵۰۰ ساله و... که خیلی از آن‌ها به عمر ما انسان‌ها قد نمی‌دهد. بنابراین اگر یک متخصص یا یک مدیر دوره‌ها را نادیده بگیرد و به میل شخصی عمل کند، نتیجه آن چیزی می‌شود که هم اکنون شاهد آنیم. همه این‌ها وقتی کنار هم قرار می‌گیرند، مجموعه عوامل و اقداماتی را می‌سازند که باعث می‌شود ما در تاب‌آوری بسیار ضعیف باشیم.

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که شهرهای ما در برابر کوچک‌ترین اتفاق مانند برف و باران ناتوان هستند و عملاً شاهد این هستیم که شهرها در روزهای برفی یا بارانی کارکرد خود را از دست می‌دهند و دچار مشکلات بسیاری می‌شوند. به عبارت دیگر شهرهای کشور در برابر حوادث کوچک یا بزرگ تاب‌آور نیستند، زیرا ظرفیت‌هایی که باید برای مقابله با تهدیدات ایجاد می‌شد، ایجاد نشده است. این در حالی است که اگر به تاب‌آوری، سبقه و تحلیل‌های آن توجه کنیم و نگرش خود را در این خصوص تغییر دهیم در آینده نزدیک شاهد تغییراتی در تصمیماتی که برای توسعه کشور گرفته می‌شود، خواهیم بود. □



تاب‌آوری با حافظه تاریخی معنا می‌یابد

■ دکتر سولماز حسینیون

در طول تاریخ، حوادث و رخداد‌های طبیعی همواره زندگی شهری را مختل کرده‌اند و موارد اضطراری ناشی از خطرپذیری ساخته انسان به طور فزاینده‌ای شهرهای امروزی را با بحران عدم تاب‌آوری در برابر این خطرها مواجه ساخته است. بنابراین شهرها نیاز به مشارکتی گسترده در زمینه قبل و بعد از بحران دارند. چرا که شهرها در حقیقت عامل رشد ملی هستند و به تبع آن ایمن‌سازی شهرها یک ضرورت است، چرا که نیمی از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و یک حادثه بزرگ در شهر، شهرهای اطراف خود را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این راستا، تاب‌آوری و کاهش خطرپذیری بلایا می‌تواند بخشی از طراحی شهری و استراتژی‌های دستیابی به توسعه پایدار باشد.

اما تاب‌آوری چیست؟ تاب‌آوری یک فرآیند است که پس از وقوع هر ناآرامی، ظرفیت‌های انطباق‌پذیری را به سیر مثبتی از عملیات و کارکردها مرتبط می‌کند. سیستمی تاب‌آور است که در زمان وقوع تغییر و فشار بطنی یا آبی دارای ساختارها و فرآیندها و هویتی باشد که بتواند سازمان‌دهی جدید و بهتری ایجاد کند و به حیات خود در سطحی بهتر ادامه دهد. یکی از نکاتی که در حوزه تاب‌آوری مورد غفلت واقع شده دیدگاه چندمقیاسی است. نکته‌ای که وجه تمایز حوزه تاب‌آوری با مدیریت بحران به شیوه سنتی را مشخص می‌کند. از این رو به نظری رسد اولین موضوعی که در حوزه تاب‌آوری در برابر حوادث و بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله نیازمند تغییر است، توجه به چندمقیاسی بودن حوادث است.

چراکه در اجرای هر پروژه‌ای فقط به همان نقطه‌ای که پروژه در حال اجراست، نگاه می‌شود و اصلاً به مقیاس بالاتر و اینکه هر پروژه، بخشی از سیستم پیچیده‌ای است که تمام عناصر یک نظام با یکدیگر تعامل دارند، نگاه نمی‌شود. مثال آن هم اکنون برای سیل



ما انسان را در رنج آفریده ایم

■ حکیمه بهمن زاده

«ای کسانی که ایمان آورده اید از صبر و نماز یاری جوید زیرا خدا با صابران است. بقره/۱۵۳» واژه ای سه کلمه ای، داروی داروخانه معنویت برای التیام یافتن زخم های روح از مصائب روزگار و سختی های زندگی است.

امام علی (ع) در حدیثی به انواع صبر اشاره می کند و می فرماید: «صبر بر سه گونه است: صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر در برابر معصیت» و انسان با صبر در این سه شرایط است که می تواند به مراتب بالای ایمان دست پیدا کند.

در هر سه مورد از این جایگاه های صبر در قرآن کریم الگوهای مطرح شده اند که تفکر و تأمل در رفتار آنان برای انسان هایی که در جست و جوی حقیقت هستند، بسیار درس آموز باشد و آنان را به سلامت از سختی های آسایش برساند.

■ **در صبر بر مصیبت** نام حضرت ایوب (ع) پیامبر بزرگ الهی جایگاه خاصی دارد. او که به انواع سختی ها از جمله از بین رفتن مال و فرزند تا از دست دادن سلامت جسم مبتلا شد صبر پیشه کرد و خداوند نیز پاداش صبر زیبای او را داد. در آیه ۴۱ تا ۴۳ سوره ص درباره عاقبت صبر این پیامبر خدا آمده است: «بنده ما ایوب را به یاد آور آنگاه که پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد... به او گفتیم با پای خود [به زمین] بکوب اینک این چشمه ساری است سرد و آشامیدنی (برای تو).... و [مجدداً] کنانش را و نظایر آن ها را به او بخشیدیم، تارحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد.»

«خیلی وقت ها فرامی رسد که روح انسان رنجیده از مشکلات زندگی شده و تلخی ها کام جان را از شیرینی خالی می کند. در این لحظات است که انسان به دنبال راهی برای آرام گرفتن روح ناآرام خویش می گردد. خداوند بلند مرتبه نیز خود فرمود: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ؛ ما انسان را در رنج آفریده ایم. (بلد/۴)» و این حقیقت جهان هستی است که سختی ها و راحتی ها در کنار هم وجود دارند و تصور دنیای بدون رنج را فقط در خیال می توان داشت.

زیبایی مادری با تحمل دردهای هنگام تولد فرزند حاصل می شود، لذت غرور پردی در کنار تلاش مرد خانه برای فراهم کردن رفاه مادی خانواده وجود دارد، نام آور شدن در علم با مطالعه و پشتکار بی شائبه طالب دانش میسر می شود و...»

■ **لحظات سخت**

اما به راستی چگونه باید لحظات سخت را سپری کرد تا فرصت درک شیرینی های بعد از آن برای انسان حاصل شود و از طرف دیگر در هنگام مصائب چه باید کرد تا فشارهای روحی به حداقل برسد. بار دیگر باید به کلام وحی رجوع کنیم تا بدانیم خداوند چه دارویی برای سختی ها و رنج های زندگی تجویز کرده است.

و با وجود تمام مشکلات، خود را به انجام وظایف الهی و ادار سازند. خداوند در قرآن کریم در موارد مختلف به شکل های گوناگون به این موضوع پرداخته و انسان ها را با جایگاه و ارزش صبر آشنا ساخته است؛ همچنین به صابریین همراهی و یاری خود را در مراحل سخت زندگی، وعده داده و نعمت های ویژه ای عنایت کرده است: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ... أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.»

از نظر قرآن، صبر در صورتی ارزشمند است که به قصد تقرب و برای کسب رضای الهی باشد که خداوند صبر را از ویژگی صاحبان عقل توصیف می کند و در این باره چنین می فرماید: «إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ... وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ... أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ»

■ **مراتب صبر**

بنابر روایات نقل شده از پیامبر اکرم (ص)، صبر دارای سه مرتبه است؛ اول «صبر بر مکروهات و مصائب»؛ که شکیبایی انسان در برابر حوادث تلخ و ناگوار مثل خسارات مالی، مرگ عزیزان، بیماری و... از جمله مراتب صبر است که قرآن کریم از آن این گونه یاد کرده است: «وَلْيَتْلُو ذِكْرَكَ بَشِيرًا مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَبَشِيرًا لِلصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ». دوم «صبر بر طاعت» است؛ تکالیفی

خدا با بردباران است

«صبر در آیات و روایات اسلام از چنان جایگاهی برخوردار است که آن را در کنار عقل توصیف کرده اند، به گونه ای که پیامبر (ص) صبر را اولین ثمره عقل خوانده و قرآن، بر ارزشمندی صبر به واسطه کسب رضای الهی تأکید داشته و آن را یکی از ویژگی های صاحبان عقل برمی شمارد.

واژه صبر و مشتقات آن ۱۰۳ بار در قرآن به کار رفته که نشان از اهمیت ویژه این حرکت اخلاقی از دیدگاه دین مبین اسلام و قرآن کریم دارد. در باب ارزش والای صبر همین بس که قرآن در آیات متعددی با عبارت «الله مع الصابرين»، «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ» و عبارات دیگر به آنان مژده می دهد که خداوند با صابران همراه است و آنان را بسیار دوست دارد. خداوند در موارد مختلف به پاداش صابران پرداخته است از جمله این آیه که می فرماید: «و در برابر صبرشان، بهشت و لباس های حریر بهشتی را به آنها پاداش می دهد!...»

انسان و محل زندگی او به نحوی آفریده شده که با آفات، کمبودها، موانع و مصیبت های فراوانی همراه است و همیشه آفات و مصائبی در اموال، عزیزان، دوستان و... در کمین نعمت هاست که موجب از دست دادن آن ها می شود؛ از سویی دیگر انسان در معرض حملات شدید تمایلات نفسانی است که همه این موارد ابزار آزمایش انسان توسط خدای متعال به شمار می آیند همان گونه که قرآن می فرماید «و شما را با بدی ها و خوبی ها آزمایش می کنیم و سرانجام به سویی ما بازگردانده می شوید!»

در این میان بر اساس آیات و روایات، تنها کسانی از میان موانع و مشکلات، سلامت به مقصد می رسند که با صبر به قضای الهی راضی شده و تمایلات نفسانی را حبس نموده و تسلیم امر خداوند گشتند. مصائب گوناگون آنان را از شکر، اطاعت و عبادت خداوند باز نداشتند

ویژگی‌های اصلی افراد تاب‌آور چیست؟

افراد تاب‌آور چهار ویژگی اصلی دارند که در مطلب زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم و توضیح کوتاهی درباره هر کدام از آن‌ها ارائه می‌دهیم.

۱. احساس ارزشمندی

پذیرفتن خود به عنوان فردی ارزشمند و احترام قائل شدن برای خود و توانایی‌هایشان. بی‌قید و شرط دوست داشتن و سعی در شناخت نقاط مثبت خود و پرورش دادن آن‌ها و از طرف دیگر شناخت نقاط ضعف خود و کتمان نکردن آن‌ها. علاوه بر آن سعی می‌کنند که این نارسایی‌ها را با واقع‌بینی برطرف کرده و در غیر این صورت با این ویژگی‌ها کنار می‌آیند.

۲. مهارت در حل مسئله

افراد تاب‌آور ذهنیتی تحلیلی انتقادی نسبت به توانایی‌های خود و شرایط موجود دارند، در مقابل شرایط مختلف انعطاف‌پذیر می‌باشند و توانایی شگفت‌انگیزی درباره پیدا کردن راه حل‌های مختلف درباره یک موقعیت یا مسئله خاص دارند. همچنین توانایی ویژه‌ای در تجزیه و تحلیل واقع بینانه مشکلات شخصی و پیدا کردن راه حل‌های فوری و راهبردهای درازمدت برای حل و فصل مشکلاتی که به آسانی و سریع حل نمی‌شوند را دارا هستند.

۳. کفایت اجتماعی

این دسته از افراد مهارت‌های ارتباط با دیگران را خیلی خوب آموخته‌اند. آن‌ها می‌توانند در شرایط سخت هم شوخ طبعی خودشان را حفظ کنند، می‌توانند با دیگران صمیمی شوند و در مواقع بحرانی از حمایت اجتماعی دیگران بهره ببرند؛ ضمن اینکه این گونه آدم‌ها می‌توانند سنگ صبور خوبی باشند، وقتی برایشان حرف می‌زنید خوب گوش می‌دهند و خودشان را جای شما می‌گذارند. در ضمن آن‌ها طیف وسیعی از مهارت‌ها و راهبردهای اجتماعی شامل مهارت‌های گفتگو، آمادگی برای گوش دادن به دیگران و احترام گذاشتن به احساسات و عقاید دیگران که در تعاملات اجتماعی بسیار مهم است را دارا هستند. افراد تاب‌آور شبکه حمایتی و عاطفی محکمی دارند. چنین ارتباطاتی به آن‌ها کمک می‌کند، درباره نگرانی‌ها و چالش‌های خود با کسی صحبت کنند، از مشورت، همدلی و همراهی آن‌ها بهره‌مند شوند، راه حل‌های جدید را کشف کنند و در مجموع از لحاظ روانی احساس قدرت و آرامش کنند.

۴. خوش‌بینی

اعتقاد راسخ به اینکه آینده می‌تواند بهتر باشد، احساس امید و هدفمندی و باور به اینکه می‌توانند زندگی و آینده خود را کنترل کنند و موانع احتمالی نمی‌توانند آن‌ها را متوقف سازد.

۵. همدلی

تاب‌آورها دارای توانایی برقراری رابطه توأم با احترام متقابل با دیگران هستند که موجب به هم پیوستگی اجتماعی یعنی احساس تعلق به افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی می‌شود. □

۴ بازگشت

ایوب نبی در پرتو صبر خویش همه چیز را مجدد به دست آورد در چشمه‌ای که خدا برای او جوشان کرد تن خود را شست و سلامتش را به دست آورد و هر آنچه از دست داده بود خدا به او برگرداند.

۴ در صبر بر طاعت نمونه مثال زنی قرآن حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) است که ماجرای طاعت هر دوی این بندگان مخلص خداوند را همگان می‌دانند و خداوند نیز در پاداش این صبر بر طاعت در ذبح فرزند به او این چنین پاداش داد: «او را ندا دادیم که ای ابراهیم... رؤیا [ی خود] را حقیقت بخشیدی ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم... راستی که این همان آزمایش آشکار بود... او را در آرای قربانی بزرگی بازهانیدیم... و در [میان] آبنندگان برای او [آوازه نیک] به جای گذاشتیم... درود برابر ابراهیم... سوره صافات، آیه ۱۰۴ تا ۱۱۱»

۴ و در صبر معصیت نیز آوازه پیامبر عقیف و پاکدامن الهی حضرت یوسف (ع) بر زبان‌ها جاری است که چگونه بر گناه صبر کرد و خود را از شرایطی مهیای برای معصیت پروردگار هانید و پروردگار مهربان نیز صبر زیبا و جمیل او را بی‌پاسخ نگذاشت و او را به جایگاه بلند مرتبه رساند و به علم و حکمت عطا نمود. آری هر که صبر پیشه کند و راضی به تقدیری که خداوند برای او معین کرده باشد علاوه بر اجر اخروی در دنیا نیز ثمره صبوری‌های خود را خواهد دید که او هیچ عمل خیری را بی‌پاداش نمی‌گذارد. □

که خدای متعال بر عهده بندگان قرار داده، با دشواری‌هایی همراه است؛ لذا ممکن است انسان به خاطر دشواری در انجام آن کوتاهی کرده و آن را ترک کند؛ از این رو قرآن کریم انسان‌ها را به صبر بر امتثال وظایف دینی توصیه کرده است: «رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاغْبُذْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ». سومین مرتبه «صبر در معصیت» است که بالاترین مرحله از صبر است و آن ایستادگی در برابر شعله‌های سرکش شهوات و هیجان‌های برخاسته از هوی و هوس و یا مقامات دنیوی است؛ چرا که بیشتر انسان‌ها در برابر فقر و گرفتاری طغیان نمی‌کنند؛ ولی وقتی خدا مقام، پول و صحت بدن بدهد، آن وقت خیلی سخت است که خودش را سالم نگه دارد و صبر پیشه کند و این نعمت موجب غفلت و معصیت او نگردد. از این قسم به صبر بر نعمت نیز تعبیر می‌کنند.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و اگر بعد از شدت و رنجی که به او رسیده، نعمت‌هایی به او بچشانیم، می‌گوید: مشکلات از من برطرف شد، و دیگر باز نخواهد گشت! و غرق شادی و غفلت و فخر فروشی می‌شود... مگر آن‌ها که (در سایه ایمان راستین) صبر و استقامت ورزیدند و کارهای شایسته انجام دادند.» صبر در برابر معصیت‌ها و هوای نفس آنقدر عظیم است که حتی یوسف نبی (ع) نیز خود را از شر آن ایمن ندانسته و به خدا پناهانده می‌شود: «وَمَا أَتَّبِعُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَرْجَمٌ رَبِّي». □



نقش خانواده در تاب‌آوری فرزندان چه میزان است؟

تبدیل اضطراب به فرصت رشد

از اختلالات بیماری‌زانیجات یابد. تاب‌آوری به‌عنوان عاملی برای سازگاری موفقیت‌آمیز با تغییرات و توانایی مقاومت در برابر مشکلات شناخته شده است. تاب‌آوری به‌فرد این امکان را می‌دهد که بتواند از مهارت سازگاران خود سود جست و شرایط استرس‌زا را به فرصتی برای یادگیری و رشد تبدیل کند.

برگشت به حالت اول

تاب‌آوری تنها روش سازگاری با استرس نیست، بلکه به معنی بهبود، انعطاف‌پذیری و برگشت به حالت اول است. در تاب‌آوری مقوله‌های تحمل، بهبودی و انعطاف‌پذیری مستتر است. شخص تاب‌آور با استرس‌ها، چالش‌ها و حوادث زندگی خود روبه‌رو شده و همچنین حضور فعالانه در محیط زندگی خود دارد. تاب‌آوری به‌نحوی سطوح استرس و ناتوانی را در شرایط استرس‌زا تعدیل می‌کند و در واقع فرایند پویای انطباق و سازگاری مثبت با تجارب تلخ و ناگوار در زندگی است. می‌توان گفت تاب‌آوری باعث ارتقای مهارت حل مسئله در افراد می‌شود. تحقیقات نشان داده است که جوانان با تاب‌آوری کم در معرض خطرات بیشتری از نظر مشکلات روانی از قبیل افسردگی، ناامیدی، اختلالات رفتاری، خشونت، مصرف سیگار و مواد مخدر و انجام فعالیت‌های جنسی مهارنشده قرار دارند و از نظر پیشرفت تحصیلی دچار ضعف و نقصان هستند. شادکامی و نشاط‌نیزیکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر هستند که تأثیر عمده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روان دارد. شادکامی یکی از متغیرهایی است که در سال‌های اخیر در حوزه روانشناسی سلامت مورد توجه قرار گرفته است.

شویه فرزندپروری، عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند و کیفیت رابطه والد کودک اثر معناداری روی عزت‌نفس، شادکامی و بهزیستی افراد دارد. نتایج یک پژوهش نشان داد که بین شویه فرزندپروری استبدادی والدین با شادکامی و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین شویه فرزندپروری آزادمنشانه با شادکامی فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود داشت؛ ولی شویه فرزندپروری آزادمنشانه با تاب‌آوری رابطه معنادار نداشت. همچنین بین شویه فرزندپروری مقتدرانه با شادکامی و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود داشت. در مجموع، نتایج تحقیق نشان داد که شویه فرزندپروری استبدادی به‌طور منفی شادکامی و تاب‌آوری را در دانش‌آموزان پیش‌بینی می‌کند. همچنین شویه فرزندپروری آزادمنشانه و مقتدرانه می‌تواند به‌طور مثبت شادکامی را در دانش‌آموزان تبیین کند. ولی شویه فرزندپروری مقتدرانه به‌طور قوی‌تری می‌تواند شادکامی و تاب‌آوری را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کند.

پژوهش‌های متعددی که به بررسی علت‌ها و پیامدهای مشکلات رفتاری کودکان پرداخته‌اند، حاکی از آن است که رفتارهای مشکل‌ساز کودکان از تعامل چندگانه عوامل بیولوژیکی، محیطی و خانوادگی نشئت می‌گیرد که در میان عوامل خانوادگی، فرزندپروری با ماندگاری و انتقال مشکلات رفتاری کودک به‌دوران تحولی بعدی رابطه مستقیم دارد. به‌عبارت‌دیگر شویه فرزندپروری و کیفیت رابطه والد کودک اثر معناداری روی عزت‌نفس، شادکامی و بهزیستی افراد دارد. شویه فرزندپروری، عاملی تعیین‌کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب‌شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می‌کند. این‌که والدین کدام یک از انواع شویه‌های فرزندپروری را در خانواده اتخاذ کنند تأثیر مهمی بر ابعاد مختلف زندگی فرد می‌گذارد. هدف همه شویه‌های فرزندپروری، شکل‌دهی به شخصیت روانی فرد است. شویه مقتدرانه، مناسب‌ترین روش فرزندپروری است. براساس پژوهش‌های انجام شده شویه فرزندپروری مقتدرانه با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکاب خود بالاتر، کج‌رفتاری کمتر و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد.

تحقیقات مختلفی به رابطه شویه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری بررسی رابطه بین شویه‌های فرزندپروری، شادکامی، عزت‌نفس و مؤلفه‌های سلامت روان پرداخته‌اند. تاب‌آوری از جمله راهبردهای مقابله‌ای است که به‌فرد کمک می‌کند تا با شرایط استرس‌زا روبه‌رو شده و

راهنمای تاب‌آوری

پژوهش‌ها نشان می‌دهد عزت نفس نقش مهمی در کنار آمدن با اضطراب‌های زندگی دارد. اگر به توانمندی‌های خود باور داشته باشید، در مقابله با مشکلات بسیار مؤثرتر عمل می‌کنید.

۱ در زندگی خود معنا و هدف داشته باشید. افرادی که در زندگی هدف مشخصی ندارند و معنای مهمی برای زندگی خود نیافته‌اند، با بهر سختی و مشکلی، از هم می‌پاشند و انگیزه خود را از دست می‌دهند.

۲ ارتباطات خود را توسعه دهید. داشتن روابط عاطفی و اجتماعی محکم عامل بسیار مهمی در سلامت روان انسان به شمار می‌رود و هنگام بروز بحران‌های زندگی پشتوانه بسیار مفیدی محسوب می‌شود. بنابراین روابط دوستانه و خانوادگی خود را تقویت کنید.

۳ نسبت به تغییرات انعطاف پذیر باشید. زندگی یعنی تغییر. اگر نسبت به تغییرات زندگی متعطف نباشید همواره در بیم و هراس باقی می‌مانید و توانایی مواجه شدن با آن را از دست می‌دهید.

۴ مراقب تغذیه و سلامتی خود باشید. از قدیم گفته‌اند عقل سالم در بدن سالم است. پس برای آنکه بهتر ببینید بشید مراقب جسم خودتان باشید، تغذیه سالم، ورزش و سبک زندگی سالم را سرلوحه خود قرار دهید.

۵ مهارت‌های سالم برای مقابله با مشکلات را بیاموزید. اگر مقابله‌های مسئله مدار و هیجان مدار سالم را بیاموزید به هنگام مواجهه با مشکلات زندگی، مخزن غنی و پرمحتوایی از راهکارهای مفید دارید که بر حسب اوضاع می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید.

۶ خوشبین باشید. نگاه واقع بینانه توأم با مثبت اندیشی سبب می‌شود درک مناسبی از مسئله داشته باشید و به شیوه‌ای متناسب عمل کنید.

۷ دلبستگی‌های مثبت ایجاد کنید. مشارکت در یک یا چند فعالیت سرگرم کننده سالم، عضویت در گروه‌های مذهبی، حضور در باشگاه ورزشی، کلاس‌های هنری و انجمن‌های علمی و مانند آن موجب می‌شود به هنگام وجود مشکل آرامش خود را بازیابید.

۸ معنویت را در خود تقویت کنید. افرادی که ایمان قوی دارند و در مشکلات و سختی‌ها ضمن تلاش و تعقل به خداوند توکل می‌کنند، آرامش و امنیت وصف ناپذیری را تجربه می‌کنند. □

پژوهش‌هایی هم که در این زمینه انجام شده است مؤید رابطه مستقیم آن با بهبود سیستم ایمنی بدن هستند.

در مسائل تربیتی باید شادی، لذت، رشد و تکامل فردی در کنار آموزش و تحول عقلانی صادقانه مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا شادی محصول زندگی متعادل، متنوع و رضایت بخش است که در آن نیازهای اساسی انسان برآورد شده است. ژاپنی‌ها در آخرین گزارش خود در قالب الگوی قرن ۳۳ به این نکته اساسی اشاره می‌کنند که هدف تعلیم و تربیت از این پس باید پرورش «شور و شوق زندگی» در محیطی توأم با فرصت رشد باشد و بر تفکری که به فردیت توجه می‌کند متمرکز باشد.

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های آموزش و پرورش، ایجاد سرزندگی و پویایی در جامعه است. تحقیقی نشان داده است افرادی که از نظر روابط اجتماعی مهارت بیشتری دارند و بهتر می‌توانند با مردم رابطه برقرار کنند نسبت به افرادی که از نظر مالی غنی‌تری روابط اجتماعی مطلوبی ندارند، شادمان‌ترند. تاکنون تحقیقات کمی به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر متغیرهایی که در حوزه سلامت روان می‌گنجد پرداخته‌اند و بیشتر تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته است روی اثرات منفی شیوه‌های ناسازگار فرزندپروری متمرکز بوده است.

تحقیقی در خصوص رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با تاب‌آوری و عزت نفس نوجوانان دختر و پسر انجام شده است که نتایج آن نشان داد شیوه‌های فرزندپروری والدین، تاب‌آوری و عزت نفس را در دانش‌آموزان پیش‌بینی می‌کند. آن‌ها همچنین دریافتند که خانواده، مدرسه، رسانه‌ها و دوستان منبع اصلی و تأثیرگذار هر جامعه‌ای هستند. خانواده و شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری با شادکامی دانش‌آموزان اولین و بیشترین تأثیر را روی فرزندان دارد. لذا افرادی که دارای تاب‌آوری و عزت نفس بالا هستند و از سلامت روان برخوردارند، از خانواده‌هایی هستند که شیوه فرزندپروری غالب والدین، مقتدرانه است. والدین این خانواده‌ها در عین کنترل، رابطه‌ای گرم و صمیمی با فرزندان دارند و افراد دارای اختلال‌های رفتاری، ضد اجتماعی، ولگردی و رفتارهای تکانشی از خانواده‌هایی هستند که شیوه فرزندپروری آن‌ها مستبدانه و سهل‌گیرانه بوده و رابطه والدین با آن‌ها سرد و غیر صمیمی است.

۱ چگونه تاب‌آوری فرزندان خود را افزایش دهیم؟

در تاب‌آوری، وجود برخی از ویژگی‌های فردی و نیز محیطی اهمیت دارد. تاب‌آوری فقط داشتن فهرستی از ویژگی‌ها نیست، تاب‌آوری نتیجه فرآیندی تاب‌آفرینانه در زندگی واقعی است. تاب‌آوری، ظرفیتی ذاتی است اما رفتار تاب‌آورانه اکتسابی است. تاب‌آوری، پیامد پیمودن فرآیندی تاب‌آفرین است. تاب‌آوری در حقیقت فرآیند زندگی است. فرآیندی که در آن هر کس می‌تواند بر تنش‌ها و رویدادهای ناگوار غلبه کند. منطق تاب‌آوری شباهت بسیار به منطق و اکسیناسیون دارد. ویژگی‌های فردی تاب‌آوری را می‌توان به کودک و نوجوان آموزش داد. خانواده و مدرسه می‌توانند نقش بسیار مهم در افزایش تاب‌آفرینی داشته باشد. برخی از افراد، برای معنادار شدن استعداد ژنتیکی دارند اما برای مثال احتمال الکی شدن کودکان والدین الکی نسبت به والدین غیرالکی ۴ تا ۱۰ برابر بیشتر است. امروزه تعداد بی‌شماری از کودکان تحت تأثیر والدینی هستند که از انواع مواد مصرف می‌کنند. حتی چنین والدینی باید به کودکان خود آگاهی دهند و آن‌ها را نسبت به خطر معنادار شدن هوشیار کنند. آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان در خانه، مدرسه و در اجتماع باید به گونه‌ای باشد که باعث افزایش تاب‌آوری آن‌ها در برابر مواد شود.

۲ آموزش مهارت‌های زندگی

جهت تاب‌آور کردن کودکان و کاهش عوامل خطرزا و افزایش عوامل محافظت‌کننده باید به آموزش مهارت‌های زندگی به آن‌ها توجه کرد. مهارت‌های زندگی، توانایی‌های رفتار مثبت و انطباقی است که فرد را قادر می‌سازد تا با خواسته‌ها و چالش‌های زندگی روزمره مقابله کند. آموزش مهارت‌های زندگی طراحی شده است تا تمرین و تقویت مهارت‌های روانی اجتماعی را منطبق با بافت فرهنگی و رشدی فرد تسهیل کند. این مهارت‌ها رشد فردی و اجتماعی را ارتقاء می‌دهد، از حقوق انسانی محافظت می‌کند و از مشکلات بهداشتی و اجتماعی پیشگیری می‌کند. □

مصرف آن به پایان رسیده است. بعد از این، رویکرد آمادگی در دنیا مطرح شد یعنی اگر اتفاقی ممکن بود جامعه را در معرض خطر رخ دهد حتماً باید از قبل آمادگی لازم ایجاد شود و برای این امر قبل از وقوع حوادث و بلایا می بایست برنامه ریزی و آموزش لازم و همچنین برگزاری تمرین جهت افزایش آمادگی مردم برگزار شود.

بعد از رویکرد آمادگی و پاسخ، رویکرد جدیدی به نام پیشگیری و کاهش خطر مطرح شد. این رویکرد برای حوزه پزشکی که اعتقاد دارد پیشگیری بهتر از درمان است، آشناست. این تفکر در حوزه پزشکی تلاش می کند بیشتر فعالیت های خود را برای ارتقای سلامت و آموزش بهداشت قرار دهد تا از وقوع بیماری پیشگیری کند، در حوزه مدیریت بحران هم این رویکرد وجود دارد و باید اقداماتی انجام شود تا حادثه ای رخ ندهد و اگر هم رخ داد اثرات و آسیب کمتری بر جا بگذارد تا اساساً نیازی به پاسخ نباشد یا کمتر باشد، این رویکرد را کاهش خطر بلایا (Disaster risk reduction) نامیدند.

از سال ۲۰۰۵ رویکرد جدیدی در دنیا مطرح شد به نام رویکرد تاب آوری، اولین سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که تاب آوری چیست و چه تفاوتی با رویکردهای قبلی دارد؟ باید گفت رویکردهای قبلی بیشتر تمرکزشان روی کاهش خطر و کاهش خسارت های ناشی از یک حادثه بوده است و به دنبال این بوده اند که به چه میزان می شود اثرات ناشی از یک حادثه را کاهش داد به عنوان مثال: کاهش مرگ، کاهش خسارت، کاهش جراحت، کاهش خسارت های اجتماعی، اقتصادی و خسارت های مدیریتی، سیاسی.

در رویکرد تاب آوری بر این موضوع تأکید می شود که در عین وجود مخاطره، جامعه می خواهد و باید به حیات خود ادامه دهد. **چگونه باید یک جامعه را علی رغم تهدیدات و مخاطرات و مخاطرات محتمل و قابل وقوع آماده کنیم؟** با این تهدیدات جامعه با چه برنامه ای می تواند تداوم حیات داشته باشد؟

برای رسیدن به توسعه پایدار بایستی از رویکرد تاب آوری عبور کنیم به عبارت دیگر اگر به دنبال رسیدن به توسعه پایدار هستیم بدون گذر از معبر و بزرگراه تاب آوری امکان پذیر نیست. تاب آوری یعنی یک جامعه بتواند در برابر حوادث و بلایا مقاومت کند، ایمن باشد و اگر حادثه ای رخ داد بتواند تداوم حیات داشته باشد یا حداقل فعالیت های حیاتی جامعه صدمه نیند و همچنین پس از حادثه هر چه سریع تر با تریب بخشی بیشتر و منابع کمتر در طول زمان کوتاه تری به حالتی بهتر از قبل برگردد. برای حوزه مدیریت خطر بلایا با رویکرد تاب آوری صرفاً به مسائل فیزیکی، ساختاری، زیرساختی جامعه توجه نمی شود، بلکه به همه عوامل از جمله عوامل فرهنگی (مثل سواد، مسائل مذهبی)، اقتصادی، حاکمیتی (مثل قوانین و شایستگی مدیران)، اجتماعی (به عنوان مثال سرمایه اجتماعی) توجه ویژه می شود.



گفتگو با عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

تاب آوری، پیش نیاز توسعه پایدار است

اهمیت تاب آوری در جامعه، توجه به آن و ارتباطش با جایگاه سلامت موضوعی است که در گفتگو با دکتر عباس استاد تقی زاده مورد بررسی قرار گرفته است. دکتر عباس استاد تقی زاده عضو هیئت علمی دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران و مشاور ارشد سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران با تأکید بر اهمیت این مفهوم معتقد است که برای رسیدن به توسعه پایدار نیازمند توجه به مفهوم تاب آوری هستیم. ■

« به عنوان یکی از ۱۰ کشور بلاخیز دنیا در سال های اخیر با حوادث طبیعی اعم از زلزله، سیل، خشک سالی و همچنین بلایای انسانی روبرو شده و نیز اتفاقاتی هم چون حادثه شهران، نشست گازهای صنعتی و آتش سوزی پلاسکو را تجربه کرده ایم. چه اقداماتی باید برای مقابله با این حوادث انجام دهیم؟ چگونه باید این حوادث را مدیریت کنیم؟ جایگاه سلامت در این حوزه کجاست؟ نقش مدیران و متخصصان حوزه سلامت در این حوزه کجاست؟



در گذشته رویکرد مدیریت بحران صرفاً رویکرد پاسخ بود یعنی منتظر بودند حادثه ای طبیعی یا غیرطبیعی اتفاق بیافتد و سپس پاسخ داده می شد. این رویکرد مدت هاست تاریخ

خودآزمایی تاب آوری

اگر می‌خواهید بدانید جزو افراد تاب آور جامعه هستید یا نه مطلب زیر را با دقت بخوانید و با خصوصیات خود تطبیق دهید.

۱. آگاهانه و هشیار عمل می‌کنند

افراد تاب آور، نسبت به موقعیت، آگاه و هشیارند، احساسات و هیجان‌های خود را می‌شناسند، بنابراین از علت این احساسات نیز باخبرند و هیجان‌های خود را به شیوه سالم مدیریت می‌کنند. از سوی دیگر احساسات و رفتارهای اطرافیان‌شان را نیز درک می‌کنند، و در نتیجه بر خود، محیط و اطرافیان‌شان تأثیر مثبتی می‌گذارند.

۲. موانع بخشی از زندگی هراسان است

یکی دیگر از ویژگی‌های افراد تاب آور این است که می‌دانند زندگی پراز چالش است. آن‌ها می‌دانند که ما نمی‌توانیم از بسیاری مشکلات اجتناب کنیم، ولی می‌توانیم در برابر آن‌ها باز و منعطف باشیم و اشتیاق خود را برای سازگار شدن با تغییرات حفظ کنیم.

۳. منبع کنترل درونی دارند

افراد تاب آور، خود را مسئول شرایط خویش می‌دانند و برای هر مشکل، شکست و مسئله، منابع بیرونی را سرزنش نمی‌کنند. آن‌ها سهم خود را در امور زندگی، همراه با مسئولیت، پذیرفته‌اند و بر این باورند که هر عملی که انجام می‌دهند بر زندگی‌شان بازتاب می‌یابد. البته واضح است که برخی عوامل از کنترل ما خارج است نظیر بلاهای طبیعی. این افراد، در ضمن تشخیص علت مسائل، قادرند با پیدا کردن راه حل مؤثر بر موقعیت و آینده خود تأثیر مثبت بگذارند.

۴. از مهارت‌های حل مسئله برخوردارند

افراد تاب آور قادرند با استفاده از فنون حل مسئله، به راه حل‌های امن و مطمئن برسند. در حالی که سایر افراد در موقعیت‌های بحرانی سخت دچار استرس می‌شوند و نمی‌توانند راه حل مناسب و مفیدی انتخاب کنند.

۵. ارتباطات محکم اجتماعی دارند

افراد تاب آور شبکه حمایتی و عاطفی محکمی دارند. چنین ارتباطاتی به آن‌ها کمک می‌کند، درباره نگرانی‌ها و چالش‌های خود با کسی صحبت کنند، از مشورت، همدلی و همراهی آن‌ها بهره‌مند شوند، راه حل‌های جدید را کشف کنند و در مجموع از لحاظ روانی احساس قدرت و آرامش کنند.

۶. خود را فردی قربانی، ارزیابی نمی‌کنند

افراد تاب آور خود را قربانی و ناتوان تصور نمی‌کنند. وقتی با یک بحران دست به گریبان‌اند، همواره خود را فردی نجات یافته تصور می‌کنند و معتقدند که می‌توانند بر شرایط فائق آیند.

۷. قادرند متناسب با موقعیت، درخواست کمک کنند

افراد تاب آور هر زمان که ضرورت ایجاد کند، از منابع حمایتی درخواست کمک می‌کنند. منابع حمایتی تخصصی شامل روانشناسان و مشاوران متخصص، کتاب‌های خودیاری، مطالعه زندگی‌نامه‌های افراد مهم و دیگر منابع حمایتی شامل دوستان، افراد خانواده، همسایه‌ها و مانند آن است. □

هشت سال جنگ تحمیلی یکی از تجربیات خوب کشورمان در حوزه تاب آوری بوده است. در جنگ با وجود خسارت‌های زیادی که به جامعه وارد شد اما جامعه از کار نیفتاد. به عبارتی جامعه نشکست و به حیات و مسیر خود ادامه داد.

کدام یک از عوامل مطرح شده برای ارتقای تاب آوری در یک جامعه از همه مهم‌تر هستند؟ یا اینکه کدام حیطه می‌تواند بیشترین تأثیر را در تاب آور شدن یک جامعه داشته باشد؟

مطالعات انجام یافته در دانشگاه علوم پزشکی تهران نشان داد، ۳۰ درصد از عوامل ایجاد کننده تاب آوری در یک جامعه مسائل حاکمیتی هستند و در این حیطه، شایستگی مدیران نقش بسیار مهم و کلیدی دارد. به بیان دیگر اگر قرار باشد در جامعه‌ای تاب آوری ارتقا یابد، باید از مدیران شروع کنیم یعنی موضوع آموزش و افزایش تجربه مدیران خیلی مهم است. بعد از آن باید به مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، زیرساخت‌ها توجه کنیم.

در رویکرد تاب آوری توجه به مسائل انسانی، فرهنگی، آموزش، سرمایه‌های اجتماعی، امنیت اجتماعی و آمادگی روانی مردم بسیار مهم است، در زلزله تهران که در اشتهارد و ملارد رخ داده بود با اینکه برای زیرساخت‌های تهران مشکلی ایجاد نشد اما چون مردم از نظر روانی-اجتماعی، آماده نبودند با مشکل روبه‌رو شدیم.

پس از آگاهی از رویکرد تاب آوری و همچنین اهمیت افزایش دانش مدیران این سؤال مطرح می‌شود که چه کسی باید این ارتقای دانش و این تغییر رویکرد را انجام دهد؟ اینجاست که جایگاه نخبگان، علما و دانشمندان جامعه مفهوم پیدا می‌کند. جایگاه دانشمندان و اساتید علمی در تعیین سیاست‌های یک جامعه بسیار با اهمیت است. هر چند اعتقاد داریم که مدیران و سیاستمداران باید به دانشمندان رجوع کنند و از آن‌ها استمداد بطلبند اما متأسفانه با این حقیقت مواجه هستیم که در جامعه ما این موضوع کمتر اتفاق می‌افتد. حوزه مدیریت اجرایی همیشه با مشغله‌های کاری روزمره روبه‌روست و شاید همین امر باعث می‌شود کمتر به دانشگاه‌ها سر بزنند. دو راه وجود دارد؛ یا صبر کنیم که مدیران روزی به دانشگاه سری بزنند یا اینکه به صورت پیش فعال شروع به تعامل با سیستم اجرایی کنیم. به نظر من یکی از رسالت‌های اساتید دانشگاه و دانشمندان این است که به صورت پیش فعال و تعاملی، پیش قدم شوند و به سمت مدیران اجرایی کشور حرکت کنند تا تغییر رویکرد ایجاد شود. هر چند در این مسیر ممکن است با کم لطفی‌ها و بداخلاقی‌های زیادی روبه‌رو شوند که البته ناامید نشدن و ادامه این رویکرد قطعاً به پیروزی خواهد انجامید. اگر می‌خواهیم جامعه‌ای تاب آور داشته باشیم، لازم است تاب آوری خودمان را افزایش دهیم. اگر به تغییر رویکرد مدیریت اجرایی کشور می‌اندیشیم، لازم است رویکرد خودمان را عوض کنیم. چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید نگاه کرد. □

شهرها و تاب‌آوری

خم می‌شوند

اما شکسته نمی‌شوند



مطالعات زیادی صورت نگرفته از این رونخستین گام عملی دیدگاه تاب‌آوری و فراتر بردن آن از یک شعار مدیریتی جایگزین مدیریت بحران است و تأکید می‌شود شناخت چالش‌های خاص شهرهای ایران و ابعاد چندگانه و چند بعدی مسائلی که شهرها و روستاهای ایران به یاری تقویت تاب‌آوری شهری و روستایی می‌آید. از سوی دیگر مباحث نهادی سازمانی و نیز بحث‌های عدالت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، هویت، دسترسی و دربرگیرندگی یا همه‌شمول بودن شهرها نقش مهمی در تاب‌آوری شهری دارند.

تاب‌آوری دیدگاهی چندمقیاسی است به عبارتی در هر تصمیم‌گیری و اقدامی باید مقیاس‌های جغرافیایی و بازه‌های زمانی مختلف را در نظر گرفت. شهرهای کشور ایران در گذر زمان بارها ویران شده و ساختمان‌ها و آثار ارزشمند آن از بین رفته‌اند، باین حال ایران هنوز یک کشور مهم و تاریخی با اهمیت در مقیاس جهانی و منطقه‌ای است. از این رو می‌توان شهرها و مردم ایران را در طول تاریخ از تاب‌آورترین مردمان و شهرها در جهان دانست که سختی‌ها و تخریب‌های متعدد ناشی از حوادث طبیعی و مصنوعی را تاب آورده‌اند و هنوز با هویت ویژه خود به حیات

در عصری زندگی می‌کنیم که چالش‌های پیش‌بینی نشده جزء لاینفک زندگی شده است و هر روز بر پیچیدگی تصمیم‌گیری مدیران و متخصصان امر توسعه و طرح‌های توسعه امروزی می‌افزاید. در جهان در حال توسعه و تحول، تاب‌آوری شهری اهمیتی روزافزون پیدا می‌کند. تاب‌آوری شهری در راستای توسعه پایدار در رأس فهرست برنامه‌های توسعه و طراحی بین‌المللی و ملی در سراسر جهان قرار می‌گیرد از همین رو می‌تواند با توجه به اینکه مهم‌ترین اولویت در ایران تاب‌آوری است، تعریف درست و علمی این مفهوم از سوی متخصصان واقعی تاب‌آوری شهری و توسعه شهری ارائه شود. متأسفانه شاهد سوءاستفاده از این مفهوم به دلیل رواج غیرعلمی و مد شدن هستیم و متأسفانه تعریف این مفهوم به صورت غیراخلاقی مورد ادعا و انتشار افراد غیرمتخصص بسیاری حتی در بدنه مدیریت شهری و منتخبین مردمی قرار گرفته است. در موارد بسیاری، تعابیر ناقصی از تاب‌آوری ارائه می‌شود که در حقیقت، کپی برداری بدون فهم صحیح است.

مفهوم تاب‌آوری یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوها در پنجمین مجمع شهرداران آسیایی در سال ۹۷ بود و در مجمع تأکید شد تاب‌آوری شهری در شهرهای آسیایی مورد توجه و پیگیری خاص قرار گیرد. این نظریه کاربردهایی متنوعی در حوزه‌هایی چون اقتصاد، زیست‌شناسی و بوم‌شناختی دارد و اخیراً جایگاه خود را در مطالعات شهری یافته و تثبیت شده است.

ماهیت اصلی نظریه تاب‌آوری در واقع یافتن راهکارهایی برای تطبیق با تغییرات روزافزون جهانی است، از این رو در مدیریت بحران‌های طبیعی و مصنوعی، تغییرات اقلیمی و بحران انرژی و منابع فسیلی در اداره و مدیریت شهرها کاربردهای عملی داشته است. متأسفانه در کشور ما در زمینه تاب‌آوری شهری در محیط‌های مصنوعی و عرصه‌های عمومی

مجتمع‌های زیستی مادر برابر حوادث طبیعی و انسان ساخت آسیب کمتری ببینند. هر چه به این سمت پیش برویم، می‌گوییم که آن جامعه تاب‌آور است. باید به سمتی پیش برویم که مجاری و منافذی که می‌تواند شهر را آسیب پذیر کند و از تاب‌آوری بیندازد را شناسایی کنیم تا در برابر حوادث کمترین وقفه در روند فعالیت‌هایمان پیش بیاید. طبیعتاً این فعالیت‌ها می‌تواند جنبه مادی و معنوی داشته باشد.

❑ مخاطرات مختلف، تاب‌آوری‌های متفاوت

هر کدام از مخاطرات خصوصیات مختص به خود را دارد به عنوان مثال زمین‌لرزه باعث لرزش زیر و روی زمین می‌شود که خسارات مختص به خود را دارد. سیل و آب‌گرفتگی و طوفان هم همین‌طور هستند. بنابراین ابتدا باید به شناخت این سوانح پرداخت.

در آغاز باید اقدام به شناسایی مخاطرات کنیم و بر اساس آن فرم شهر و فعالیت‌های انسان را بر اساس هر کدام انعطاف پذیر کنیم. گاهی راه‌حل‌های هر کدام از مخاطرات می‌تواند با سایر مخاطرات متضاد باشد و این یکی از مسائلی است که کار را به خصوص در کلان‌شهرها پیچیده می‌کند.

با شناسایی آسیب‌ها می‌توان فرم شهر و فعالیت انسان را بر اساس آن در نظر گرفت که در نهایت با بررسی تمام مخاطرات، ماتریسی ایجاد می‌شود که با توجه به آن می‌توان طرح بازسازی پس از سوانح را در نظر گرفت. اولین مسئله در تاب‌آوری شهر مکان‌یابی است که باید با استفاده از طبیعت و زیست‌بوم باشد. دومین نکته‌ای که باید در مورد تاب‌آوری در نظر گرفت پراکنده‌سازی و تمرکززدایی است یعنی هر چه فعالیت‌ها و بناهای شهر از تراکم کمتری برخوردار باشد تلفات کمتری خواهیم داشت.

ناکارآمدی، یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضاهای زندگی در بسیاری بافت‌هاست که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی‌قوارگی بافت‌های شهری می‌شود و عاملی است که به زدودن خاطرات جمعی و افول حیات شهری رو به تنزل منجر شده است. ماهیت اصلی تاب‌آوری بر مبنای تطبیق با تغییرات است ولی تاکنون این دیدگاه بیشتر درباره تغییرات اقلیمی و بحران انرژی و منابع فسیلی در اداره و مدیریت شهرها بوده است.

اصلاح کاربری زمین سومین نکته در تاب‌آوری شهری است، که باید فضاهای وسیع و باز در طراحی‌های شهری لحاظ کرد، معابر باریک به حداقل برسد و شاهد فضاهای گسترده، سبز و وسیع با کاربری‌های مختلف باشیم. توسعه خدمات شهری از نکات دیگری است که باید به آن پرداخت، به عنوان مثال مترو می‌تواند یکی از زیرساخت‌های خدماتی باشد که در زیرزمین است و پس از زلزله می‌توان از آن برای اسکان اضطراری استفاده کرد کاری که در زمان جنگ جهانی بارها در لندن انجام شد.

مسئله دیگری که ما باید به آن توجه کرد طراحی چندمنظوره فضا در راستای تاب‌آوری است چرا که ساخت هر بنا مختص به یک کاربری خاص نیست و طراحی‌ها باید چندمنظوره انجام شود به عبارتی یعنی اگر استادیومی



ناکارآمدی، یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضاهای زندگی در بسیاری بافت‌هاست که باعث بی‌سازمانی، عدم تعادل، عدم تناسب و بی‌قوارگی بافت‌های شهری می‌شود و عاملی است که به زدودن خاطرات جمعی و افول حیات شهری رو به تنزل منجر شده است



خود ادامه می‌دهند.

بافت‌های ناکارآمد شهری که با عنوان قدیمی بافت‌های فرسوده شناخته شده تراست از جمله آسیب‌پذیرترین نواحی شهری محسوب می‌شود، شناسایی و بهسازی این بافت‌ها هدف بازآفرینی شهری در چند سال اخیر بوده که به عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات در شهرسازی و طراحی شهری محسوب می‌شود، این مناطق در بحران‌های آبی مانند زلزله و سیل و سایر بحران‌ها مانند آلودگی هوا بسیار آسیب‌پذیر هستند بنابراین اصلاح و بهسازی بافت‌های فرسوده باید در اولویت کاری مدیران شهری قرار گیرد.

❑ کالبد شهر

باید توجه داشته باشیم که شهر، فقط از بناها و زیرساخت‌ها تشکیل نشده است. در واقع باید بدانیم اگر مخاطره‌ای در یک شهر اتفاق می‌افتد این مخاطره به بخش‌های مختلفی آسیب می‌زند که یکی از این بخش‌ها کالبدی است. در واقع اگر این بخش‌ها را بخواهیم دسته‌بندی کنیم ابتدا بناها و پس از آن زیرساخت‌ها قرار می‌گیرند. در زمینه شهرسازی باید به سویی پیش برویم که



گفته می‌شود در اینجا خودنمایی می‌کند.

۱ مدیریت

کارشناسان حوزه تاب‌آوری بر این باورند که حدود ۳۰ درصد از وضعیت تاب‌آوری شهری مربوط به بحث‌های مدیریتی است، بنابراین اگر می‌خواهیم چیزی را عوض کنیم باید از ذهن مدیران آغاز کرد. اگر شایستگی مدیران یعنی میزان تجربه، دانش، آگاهی آن‌ها نسبت به فعالیت‌های یکدیگر بالا رود، قدم بزرگی در این زمینه برداشته خواهد شد بنابراین نقطه آغازین و محوری تاب‌آوری افزایش دانش مدیران و سپس مباحث دیگری چون مباحث اقتصادی و فیزیکی و... است.

سید محسن طباطبایی نایب رئیس هیئت مدیره انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، سه شهراز کانادا یعنی تورنتو، ونکوور و کالگری را در صدر تاب‌آورترین شهرهای دنیا معرفی کرد و ادامه داد که شهرهایی مانند داکا، جاکارتا، مانیل و قاهره نیز در فهرست آسیب‌پذیرترین شهرهای جهان هستند.

وی گفته که شهرهای تاب‌آور ممکن است در برابر نیروهای حاصل از مخاطرات خم شوند ولی دچار شکست نمی‌شوند، سال ۲۰۰۵ کشورهای عضو سازمان ملل چارچوب اجرایی هیوگورا برای کاهش مخاطرات طبیعی امضاء کردند که این چارچوب به صورت جامع نقش دولت‌ها و سازمان‌های ملی و بین‌المللی، اجتماعات داوطلب، بخش خصوصی، دانشگاه‌ها و مراکز دانشگاهی، را در تلاش برای تاب‌آور ساختن شهرها به وضوح مشخص می‌کند.

کارشناس ارشد مسائل شهری با اشاره به اینکه با وجود پایین آمدن آمار تلفات بعد از این چارچوب، هنوز هم میزان خسارات و تلفات ناشی از مخاطرات طبیعی چشمگیر است، گفت: در سال ۲۰۱۴ در جهان ۱۸۹ مورد حادثه طبیعی رخ داده است؛ باران سنگین در افغانستان که با رانش زمین همراه بود منجر به کشته شدن بیش از ۲۵۰ شد؛ سیل در شمال هند و پاکستان ۶۶۵ نفر را به کشتن داد؛ در چین ویتنام و فیلیپین گردباد منجر به مرگ ۱۷۶ نفر و خسارت ۵ میلیارد دلاری شد، برف و بوران ۵۰۰ نفر را در پرو تلف کرد و در مجموع بلایای طبیعی ۱۰۱ میلیارد دلار خسارت به بار آورده است.

طباطبایی شمار زیاد این دست تلفات را نشانگر آسیب‌پذیری شهرها بخصوص در آسیا خواند و گفت: در کشور ما نیز بلایای طبیعی به سالانه کرات اتفاق می‌افتد و توام با خسارات جانی و مالی بسیار است.

این حادثه و موارد مشابه همگی نشان دهنده آسیب‌پذیری بسیاری از شهرهای کشور در مقابل چنین بلایایی است، غفلت از موضوع تاب‌آوری شهری می‌تواند در آینده به فاجعه در بسیاری شهرها منجر شود و بنابراین سرمایه‌گذاری کلان در زیرساخت‌های شهری، آموزش شهروندان برای مواجهه و مقابله با بلایای طبیعی، ظرفیت‌سازی در مدیریت شهری، بالا بردن توان فن شهر، همگی مؤلفه‌هایی هستند که شهر را تاب‌آورتر می‌کنند. □

در زمینه تاب‌آوری

ما باید به

بومی‌سازی

چالش‌های

خاص خود دست

یابیم. شهرهای

مختلف دنیا،

روش‌های متفاوتی

را بسته به مسائل

ویژه منطقه خود

برمی‌گزینند. هر

کشور، منطقه،

شهر و حتی هر

نوع بافت شهری

درون آن نیاز

به راه‌حل‌های

خاص خود

برای دستیابی به

تاب‌آوری دارند

طراحی شود یک کاربری آن همان استادیوم است و کاربری دیگر آن باید به گونه‌ای باشد که در شرایط بحران به عنوان اسکان اضطراری قابل استفاده باشد. با این حساب طراحی زیرساخت‌ها باید به گونه‌ای باشد که اگر خسارتی به بخشی وارد شد به سرعت قابل تعمیر و استفاده در حداقل زمان باشد. برای درک بهتر تاب‌آوری شهری می‌توان شهر تهران را مثال زد که بر اساس تاب‌آوری طراحی نشده است با وجود اینکه نسبت به نوسازی بافت فرسوده، بازگشایی معابر و گسترش سرانه فضای سبز در پایتخت اقدام شده است اما تراکم فروشی و بلندمرتبه‌سازی تمام تلاش‌ها برای تاب‌آوری را زیر سؤال می‌برد.

۱ بومی‌گرایی

باید تأکید کرد که تاب‌آوری در زمینه‌های زیست‌محیطی اهمیت بسزایی دارد و نابودی روزافزون محیط‌های طبیعی حداقل سه دهه است در کشورهای پیشرفته دنیا مردود شمرده شده و در بسیاری موارد منجر به جبران اشتباهات از جمله جمع‌آوری سدها و تبدیل بزرگراه‌ها به سبزه‌راه‌ها و پیاده‌راه‌ها شده است. در کشور ایران هنوز دیدگاه بالا به پایین مهندسان به ویژه در زمینه‌های عمرانی، وجود دارد و حاضر به قبول تبعات منفی اقدامات خود نیستند همچنان در خلاف جهت تاب‌آوری و در جهت اقدامات مخرب به بهانه توسعه پیش می‌رویم. اقداماتی که تبعات آن‌ها جبران‌ناپذیر و نابخشودنی‌اند. در زمینه تاب‌آوری ما باید به بومی‌سازی چالش‌های خاص خود دست یابیم. شهرهای مختلف دنیا، روش‌های متفاوتی را بسته به مسائل ویژه منطقه خود برمی‌گزینند. هر کشور، منطقه، شهر و حتی هر نوع بافت شهری درون آن نیاز به راه‌حل‌های خاص خود برای دستیابی به تاب‌آوری دارند.

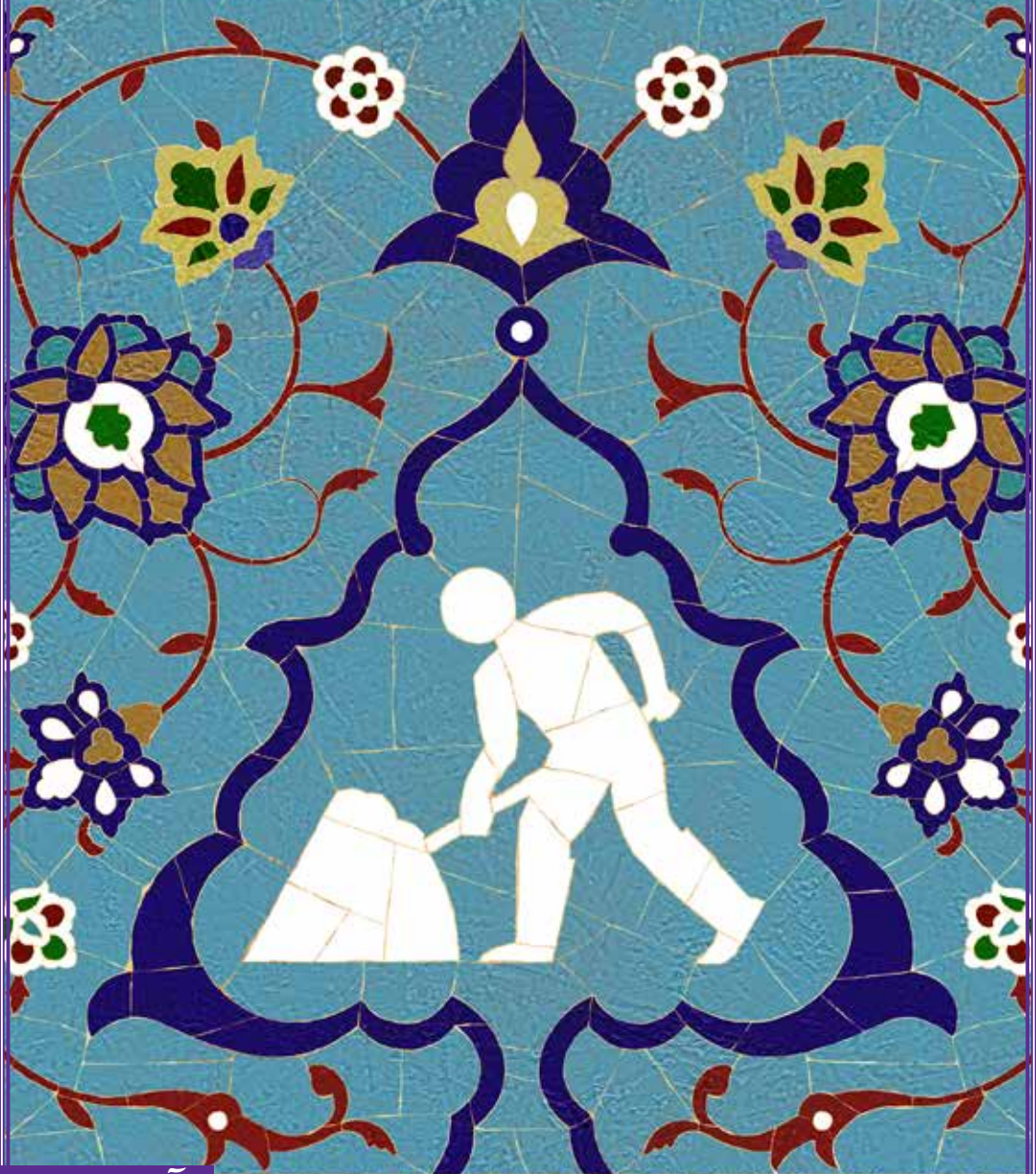
در بحث تخصصی ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی موضوعاتی چون تاب‌آوری اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند مجید عبداللہی رئیس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی تأکید دارد که هشت کلان‌شهر کشور ۳۶ درصد از جمعیت را در خود دارند به دلیل تاب‌آوری کم در مقابل انواع حوادث به ویژه زلزله آسیب‌پذیر هستند. همچنین در کشور ۱۴۱ هزار هکتار بافت ناکارآمد شهری مشتمل بر بافت تاریخی، بافت حاشیه‌ای و فرسوده وجود دارد. این بافت‌ها قرار بوده در بازه زمانی از سال ۸۴ تاکنون سالی ۱۰ درصد نوسازی شوند. اینکه نوسازی شده است یا خیر بحث دیگری است اما از منظر مدیریت بحران این موضوع اهمیت دارد که اگر این اتفاق بیفتد سیستم‌های پیشگیری، سیستم‌های مقاوم‌سازی به گونه‌ای عمل کند که خیالمان از اتفاقات آتی مانند زلزله در این فضاها راحت شود.

آخرین گزارشی که سازمان ملل در اواسط ۲۰۱۸ منتشر کرد نشان دهنده این است که در بازه زمانی ۲۰ ساله گذشته ۲۹۰۰ میلیارد دلار اثر مستقیم خسارت بلایا وجود داشته و از این میزان ۲۲۴۵ میلیارد دلار مربوط به حوادث جوی و اقلیمی است یعنی آنچه همواره از تغییرات جوی و اقلیمی



از این شماره در بخش «در پرتو معنا» هر ماه به بازخوانی ارکان و جلوه‌های مختلف نماز می‌پردازیم. ابتدا درباره «نیت» که آستانه ورود به نماز است مطلبی را برای شما برگزیده‌ایم. نوشته بعدی به تفسیر دو آیه اول سوره مبارکه فتح می‌پردازد. داستان جنگ احد در قرآن و بیان رشادت‌های حمزه سیدالشهدا، شرح دعای نخست صحیفه سجاده، نسبت خدمت به خلق و اخلاق اداری و همچنین تفسیر خطبه ۸۷ نهج البلاغه در خصوص حمد و ثنای الهی بخش‌هایی از مطالب در پرتو معنا هستند.

در پرتو معنا



آئینه عبرت

او با شماست هر جا باشید

هیچ عبادتی بالاتر از خدمت به مردم نیست



نداشت اما چون خالصانه بود خداوند به خاطر آن یک سوره نازل کرد. و عطار نیشابوری در مورد آن می‌گوید: گذشته زمین جهان وصف سنانش، گذشته زان جهان وصف بیه نانش. در تاریخ می‌خوانیم که کسی در جبهه کشته شد و همه گفتند: او شهید است، اما حضرت فرمودند: او «قتیل الجمار» است، یعنی کشته راه‌لغ! مردم تعجب کردند، اما حضرت فرمود: هدف او از آمدن به جبهه، خدا نبود، بلکه چون دید دشمن سوار بر‌لغ خوبی است، با خود گفت: او را می‌کشم و‌الغش را به غنیمت می‌برم، اما موفق نشد و آن کافرین مسلمان را کشت، پس او «قتیل الجمار» است.

خالص کردن نیت، کاری بس دقیق و مشکل است. گاهی افکار غیرخدائی چنان در عمق جان انسان رسوخ می‌کند که خود انسان هم متوجه نیست و لذا در روایت آمده است: ریا و شرک از حرکت مورچه سیاه در شب تاریک بر سنگ سیاه آرام‌تر و دقیق‌تر است. چه بسیار افرادی که به خیال خود قصد قربت دارند اما هنگام فراز و نشیب‌ها معلوم می‌شود که قصد آن‌ها صددرصد خالص نیست. به قول علامه شهید مطهری، نیت یعنی خودآگاهی و ارزش عبادت به معرفت و آگاهی است. در روایات می‌خوانیم: «نَيْتَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» نیت مؤمن از عمل او بهتر است.

همانگونه که در مقایسه جسم و روح، روح مهم‌تر از جسم است و انسانیت انسان به روح اوست، در مقایسه عمل و نیت، نیت مهم‌تر از خود عمل است، چرا که روح عمل است. نیت به قدری ارزش دارد که اگر انسان نتواند کار خیری را انجام دهد اما نیت آن را داشته باشد که انجام دهد، خداوند پاداش آن را به او می‌دهد.

❏ قصد قربت

قصد قربت، یعنی نزدیکی به مقام پروردگار و ناگفته پیدا است که وقتی می‌گویند: فلانی به فلان مقام کشوری نزدیک است، مراد نزدیکی مکانی و جسمی و فیزیکی

درباره نیت، اولین رکن نماز

جانب اهل خدا

❏ حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

نماز، آشکارترین جلوه مسلمانی، ستون دین اسلام و عبادتی روزانه است که رشته اتصال دائمی بنده با ملکوت به شمار می‌رود. از این شماره در بخش «در پرتو معنا» هر ماه به بازخوانی جلوه‌های مختلف این عبادت می‌پردازیم. ابتدا درباره «نیت» که آستانه ورود به نماز است از نگاه حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی مطالبی را برای شما برگزیده‌ایم.



اولین رکن نماز نیت است. نیت، یعنی آنکه بدانیم چه می‌کنیم و چه می‌گوییم و برای که و چه حرکت می‌کنیم. ارزش هر کاری به نیت و انگیزه آنست، نه فقط صرف عمل. لذا حساب کسی که به خاطر حفظ نظم و احترام به قانون، پشت چراغ قرمز می‌ایستد از حساب کسی که از ترس پلیس یا جریمه می‌ایستد جداست. در همه عبادات و خصوصاً نماز، نیت جایگاه ویژه‌ای دارد و اصولاً چیزی که یک کار را عبادت می‌کند، نیت الهی آن کار است که اگر آن نیت نباشد، هر چه هم ظاهر کار خوب و صحیح باشد، اما ارزش عبادت ندارد. پیامبر (ص) می‌فرمایند: «أَتَمَّا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» کارها به واسطه انگیزه‌ها ارزش پیدا می‌کنند و با آن‌ها سنجیده می‌شود. آری، فرق مادی یا معنوی بودن یک کار، در تفاوت نیت‌ها و هدف‌هاست.



❏ نیت خالص

نیت خالص آن است که انسان فقط برای خدا کار کند و در عمق جان‌ش هدفی جز او و رضای او نداشته و از مردم انتظار تشکر یا پاداش نداشته باشد. نانی که اهل بیت رسول خدا علیهم السلام در چند شب پی در پی هنگام افطار به یتیم و اسیر و فقیر دادند، ارزش مادی زیادی



.....

کار برای خود،
نفس پرستی
است. کار برای
مردم، بت پرستی
است. کار برای
خدا و خلق،
دوگانه پرستی
است؛ و کار
خود و خلق را
برای خدا کردن،
خداپرستی است

در این میان دید که آیات جواهرات را رها کرده و به دنبال سلطان آمده است. از او پرسید تو چرا به سراغ جواهرات نرفتی؟ ایاز در جواب گفت: منم در قفای تو می تاختم، ز خدمت به نعمت نپرداختم. آنگاه مولوی از این ماجرا نتیجه گیری کرده و می گوید: گراز دوست چشمت به احسان اوست، تو در بند خویشی نه در بند دوست. خلاف طریقت بود کاو لیا، تمنا کنند از خدا جز خدا.

قرآن از کسانی که خدا را به خاطر خود می خوانند و فقط در مشکلات به سراغ او می روند و در غیر آن خدا را فراموش و یا حتی انکار می کنند، به شدت انتقاد کرده است: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ فَلَمَّا تَجَاهَمُوا إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ» هرگاه به کشتی سوار در آستانه غرق شدن قرار گیرند، با اخلاص خدا را می خوانند، اما همین که به خشکی پا گذاشتند و نجات یافتند مشرک می شوند.

به هر حال، کار برای خود، نفس پرستی است. کار برای مردم، بت پرستی است. کار برای خدا و خلق، دوگانه پرستی است؛ و کار خود و خلق را برای خدا کردن، خداپرستی است. در مناجات می خوانیم: «الهی ما عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ بَلْ وَجَدْتُكَ أَهْلًا لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ» خداوند! عبادت من نه از ترس دوزخ و نه به طمع بهشت توست، بلکه به خاطر آنست که تو را شایسته عبادت و بندگی یافتم پس تو را عبادت کردم.

آری، این تجارند که به طمع سود کاری کنند و این بردگانند که از روی ترس کاری کنند، آزادگان و آحرار به خاطر شکر نعمت های الهی او را عبادت می کنند. چنانکه در کلمات معصومین آمده است: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ»

به قول حافظ: در ضمیر ما نمی گنجد به غیر از دوست کس، هردو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس.

در عشق مادی انسان معشوق را برای خود می خواهد، اما در عشق معنوی، انسان خود را برای معشوق. علی علیه السلام در دعای کمیل می گوید: «وَاجْعَلْ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَمِّمًا» خداوند! قلبم را از محبت خود لبریز کن.

۱ راه رسیدن به قرب

رسیدن به قرب الهی و قصد قربت از دور راه است: یکی شناخت عظمت و مقام خداوند و دیگری شناخت پوچی و بی اعتباری غیر او. قرآن همواره نعمت ها و الطاف الهی را بر بندگان مطرح می کند تا انسان را عاشق خدا کند. ذکر صفات او، آفریده های او، امدادهای مادی و معنوی او و ده ها نعمت بزرگ و کوچک، همه و همه به خاطر آنست که محبت و عشق ما را به خدا زیاد کند.

از طرف دیگر آیات زیادی ضعف و پوچی غیر او را شمرده و می فرماید: غیر او نه عزتی دارد نه قدرتی، اگر همه جمع شوند و بخواهند مگسی خلق کنند نمی توانند، جز او چه کسی می تواند به ندای افراد مضطرب و درمانده پاسخ دهد؟ آیا درست است که دیگران را در کنار خدا مطرح کنیم و آن ها را همسان و یکسان با خدا بدانیم؟ □

نیست و گرنه پیش خدمت ها از همه نزدیک ترند، بلکه مراد از نزدیکی، نزدیکی معنوی و مقامی و آنس است. انجام کارها برای جلب رضای خداوند نیز به معنای آن نیست که خداوند تحت تأثیر کارهای ما قرار بگیرد و تغییر حال بدهد که در این صورت محل حوادث و تغییر می شود، بلکه قرب به خدا، یعنی بالاتر رفتن روح از ندبان وجود که نتیجه اش نفوذ پیدا کردن در هستی است؛ یعنی نزدیک شدن به سرچشمه هستی و او را در دل خود یافتن.

همانگونه که مراتب وجود در جماد و نبات و حیوان و انسان تفاوت دارد، مراتب انسان ها نیز در قرب به سرچشمه هستی متفاوت است و انسان می تواند تا آنجا به خداوند قرب پیدا کند و مقرب درگاه الهی شود که خلیفه خدا در روی زمین گردد. عبادت همراه با قصد قربت، انسان را نورانی تر، کامل تر و با ظرفیت وجودی بیشتری می گرداند.

همه عبادات و خصوصاً نمازهای مستحبی نقش مهمی در این امر دارند، چنانکه در حدیث می خوانیم: «لَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَتَقَرَّبُ إِلَىٰ بِالتَّوَّافِلِ» انسان می تواند همواره از طریق نمازهای مستحبی به خدا نزدیک شود. نماز واجب ممکن است از ترس دوزخ یا قهر خدا انجام شود، اما نماز نافله نشانه عشق است و رمز آنس با مبعود.

۲ درجات قرب

لفظ «درجات» در قرآن، مکرر و با تعبیرهای مختلفی آمده است که نکات لطیفی در بر دارد. برای بعضی می فرماید: «لَهُمْ دَرَجَاتٌ» برای آن ها درجاتی است؛ اما درباره عده دیگری می فرماید: «هُمْ دَرَجَاتٌ» آنان خود درجه هستند؛ مانند افراد بزرگی که اگر در پایین مجلس هم بنشینند آنجا می شود بالا، یعنی خود آنان درجه سازند، نه آنکه درجه و مقام آن ها را بالا ببرد.

این درجه بندی معنوی مخصوص انسان ها نیست، بلکه سلسله مراتب در میان فرشتگان نیز هست. قرآن در مورد جبرئیل می فرماید: «مُطَاعٌ تَمَّ آمِينَ» یعنی مورد اطاعت دیگر فرشتگان است. به هر حال درجات انسان ها در اطاعت از خدا متفاوت است:

۱. گاهی فقط مطیع است، اما نه از روی رضا.

۲. گاهی نه فقط مطیع که محب است، یعنی بر اساس عشق و محبت اطاعت می کند.

۳. گاهی بالاتر از اطاعت و محبت، به معرفت کامل می رسد و هر چه می بیند او را می بیند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مَا زَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللَّهَ قَبْلَهُ وَبِهِ عَدَهُ وَمَعَهُ»

۳ خدا را برای خدا بخوانیم

می گویند: سلطان محمود غزنوی برای آزمایش درباریانش که چقدر به او وفادارند، کاروانی به راه انداخت و صندوق جواهری را بر پشتی نهاد اما در آن را قفل نکرد. در مسیر راه به دژه ای رسیدند او شتر را رام داد، صندوق برگشت و جواهرات به دژه سرازیر شد. سلطان گفت: هر کس هر جواهری به دستش رسید از آن او باشد، اطرافیان شاه را رها کردند و به سراغ جمع کردن دژ و گوهر رفتند.

تفسیر دو آیه نخست سوره مبارکه فتح

پیروزی درخشان

آیت الله العظمی جواد آملی

کریمه با جمله اسمیه و «إِنَّ» تأکید که می فرماید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا»، به جای اینکه بفرماید «لِنُغْفِرَ لَكَ»، با فعل غایب ذکر فرمود؛ منتها اسم ظاهر را فاعل قرار داد و فرمود: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ»، نظم این طور اقتضای می کرد که بفرماید: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِنُغْفِرَ»؛ اما وقتی «اللَّهُ» که اسم اعظم است و با جامعیت ظهور کرد، همه این کمالاتی که در «إِنَّا» و «فَتَحْنَا» این متکلم مع الغیر حضور دارند، آنجا ظهور خواهند داشت.

نعمت های چهارگانه

چهار فضیلت را بر این فتح مُبین مترتب کردند: یکی غفران است «لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ»، «ذَنْب» گذشته و آینده و «ذَنْب» سابق و لاحق همه را خدا ببخشد و نعمت خود را بر تو تمام بکند و تو را در راه مستقیم ثابت قدم نگه بدارد و تو را از نصر عزیزانه برخوردار کند. روشن است وقتی که وجود مبارک پیغمبر (ص) مشمول این «نِعْم» چهارگانه شد، امت او هم در پرتو نعمت الهی از این «نِعْم» برخوردار هستند. عمده نظم طبیعی بین این سبب و مسبب است که فرمود ما فتح مُبین را برای شما روشن کردیم و تو را فاتح قرار دادیم، برای اینکه گناهان سابق و لاحق تو را «اللَّهُ» ببخشد؛ در این هیچ تناسبی بین سبب و مسبب، همچنین علت و معلول که با «لام» ذکر شده است وجود ندارد. فتح مُبین که در جریان «صلح حدیبیه» است و زمینه فتح مطلق در مکه است، این یک نعمت است؛ نعمت باعث بخشش گناه نمی شود، آنچه بخشش گناه را به همراه دارد توبه و انابه و استغفار است. استغفار است که سبب بخشش گناه است، نه نعمتی که خدا به انسان می دهد! آن نعمتی که خدا

سوره فتح چهل و هشتمین سوره و از سوره های مدنی قرآن است که در جزء ۲۶ جای دارد. «فتح» نامیدن این سوره به دلیل آن است که در ابتدای سوره از فتح مُبین (پیروزی درخشان) سخن می گوید. محتوای اصلی این سوره درباره پیروزی نهایی مسلمانان، پاداش ایمان و جهاد و اخلاص، بخشش لغزش های مجاهدین، هشدار به کافران و مسلمانان کاهل و در نهایت جهانی شدن دین خدا است. از این شماره، گزیده ای از تفسیر این سوره مبارکه را تقدیم شما می کنیم. در این شماره تفسیر دو آیه اول این سوره را می خوانیم: «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا»

مَنْت الهی

آغاز سوره مبارکه «فتح» که در مدینه نازل شد، یک مَنْت الهی است و آن فتح مُبین است؛ فتح دو نوع است، یک فتح مطلق و یک فتح مُبین است و یک فتح محدود؛ آن فتح مطلق «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا» است که دیگر جامع همه این فتوح است. فتح گاهی در مبارزات سیاسی است، گاهی در مبارزات نظامی است و گاهی هم در مبارزات فرهنگی است؛ در همه بخش ها اسلام پیروز است و فتح برای مسلمین است. در جریان مبارزات چه در بدر، چه در اُحُد، چه در خیبر و سایر جنگ ها. گرچه شهید دادند ولی سرانجام پیروز شدند و مشرکان فرار کردند و به مکه برگشتند؛ منتها در این





عقل کاشف شریعت است نه قانونگذار؛ زیرا این قوانین الهی بود، این عقل - چه عقل حکیم باشد، چه عقل اصولی باشد و چه عقل فقیه باشد - قبل از اینکه این حکیم و اصولی و فقیه به دنیا بیایند این قوانین بود و بعد از مرگ این ها هم این قوانین هست، قانون الهی را عقل کشف می کند نه اینکه مهندسی بکند

صلح حدیبیه

این «صلح حدیبیه» زمینه است که در سال ششم بود. تا در سال هشتم فاتحانه وارد مکه شوید که بعد می فرماید: «الْيَوْمَ يَوْمَ الْمَزْحَمَةِ» است؛ روز انتقام نیست و خانه ابوسفیان ها را بتوسط قرار می دهید و همه کسانی که علیه تو شمشیر کشیدند و امداگر کمز تو می شوند و نزد تو شرمند هستند، ما این فتح را یعنی فتح در «صلح حدیبیه» را بهره تو کردیم که زمینه بشود تا آن ها تعهد بسپارند که امسال شما به مدینه برگردید و سال بعد وارد بشوید؛ در آن سال تقریباً هزار و چهارصد نفر بودند، ولی سال بعد چند هزار نفر وارد مکه شدند، فاتحانه هم وارد مکه شدند، حضرت هم فرمود که امروز روز مرحمت است و از همه شما ما صرف نظر کردیم و عفو کردیم. پس همه «ذنب» هایی که مشرکین نسبت به وجود مبارک حضرت داشتند که گاهی «ذنب» به فاعل اسناد داده می شود و گاهی به مفعول اسناد داده می شود، همه اینها با فتح الهی بخشوده شد. همان طوری که موسای کلیم گفت «لَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ» و ذات اقدس الهی کاری کرد که این «ذنب» نزد مردم بخشیده شد، وجود مبارک پیغمبر هم نزد مردم مکه «مُذْنَب» بود، چه در زمان حضورش در مکه که به حسب خیال آن ها این ها را به جان هم انداخت که گاهی پدر پسر را و گاهی پسر پدر را می کشت، در بیانات نورانی حضرت امیر در نهج البلاغه هست که اینها گاهی یک قبیله بودند، گاهی یک خانواده بودند که در برابر یکدیگر شمشیر می کشیدند. یکی مسلمان بود و یکی مشرک. تا اینکه «مَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا»؛ در جریان جنگ بدر و جنگ احزاب هم که همین طور بود! مقداری در جنگ اُخُد کشتند و شهید دادند؛ اما سرانجام آن ها مجبور به فرار شدند. نزد مردم مکه وجود مبارک پیغمبر «مُذْنَب» بود، مثل اینکه نزد مردم مصر، وجود مبارک موسای کلیم «مُذْنَب» بود که فرمود: «وَلَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ»، وگرنه موسای کلیم در همه این حالات معصوم بود، چه اینکه پیغمبر (ص) هم معصوم بود.

اتمام نعمت

«لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَبِئْسَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ»، چون هنوز به مرحله غدیر و به مرحله «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» نرسیده است؛ فرمود ما هنوز غدیر در پیش داریم، ولایت در پیش داریم، امامت در پیش داریم؛ خلافت تو را در پیش داریم، آن روزها این نعمت را تمام می کنیم. «وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا» که این تثبیت است؛ این راه راستی که تو داری، ما تو را بر این راه راست هدایت می کنیم، این مثل یک هدایت تکوینی و تأییدی است که گرایشی دارید، بعد می گوئیم: «إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»، بعد در دعاها و زیارت ها می گوئیم که «أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ». دین، صراط است و عقل مثل نقل، سراج است. هرگز عقل در برابر شرع نیست، عقل کاشف شریعت است نه قانونگذار؛ زیرا این قوانین الهی بود، این عقل - چه عقل حکیم باشد، چه عقل اصولی باشد و چه عقل فقیه باشد - قبل از اینکه این حکیم و اصولی و فقیه به دنیا بیایند این قوانین بود و بعد از مرگ این ها هم این قوانین هست، قانون الهی را عقل کشف می کند نه مهندسی بکند؛ لذا به هیچ وجه عقل در قبال شرع نیست که بگوید این شرعاً این طور است، عقلاً هم این طور است و هر دو با هم می گویند، چون صراط با سراج هماهنگ نیست؛ چراغ را با چراغ می سنجند، نه چراغ را با صراط! فرمود شما در صراط مستقیم هستید: «بِسْ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ» * إِنَّكَ لِمِنَ الْمُرْسَلِينَ * عَلَيَّ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ * و در زیارت ها هم که می گوئیم: «أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ»، برای این است که از همین آیات گرفته شده است. □

به انسان می دهد، زمینه و مقدمه برای شکر است که وظیفه شکر را به همراه دارد؛ اما خدای سبحان یک نعمت مهمی را عطا کند که بخواد گناه کسی را ببخشد!

مرحوم شیخ طوسی در تبیان و بعد در کنارش هم مرحوم امین الاسلام در مجمع و سایر مفسران و جوهی را برای این ارتباط بین سبب و مسبب ذکر کردند. چهار وجه را ذکر کردند. بعد فرمودند: «هذه الوجوه كلها عندنا باطلة» برای اینکه هیچ پیوندی بین سبب و مسبب نیست. ما فتح مبین کردیم تا گناهان سابق و لاحق تو را ببخشیم؛ قبل از نبوت و بعد از نبوت، قبل از فتح و بعد از فتح، گناهان «ایک آدم و من دونه» و گناهان انبیا و اولیای متأخر. معاذ الله. این ها را ببخشیم، بعد از ذکر این وجوه چهارگانه می فرمایند: «هذه الوجوه كلها عندنا باطلة»، برای اینکه اصلاً سالبه به انتقای موضوع است! وجود مبارک پیغمبر (ص) معصوم بود، نه قبل از نبوت گناه داشت و نه بعد از نبوت! انبیای قبلی هم معصوم بودند و گناهی نداشتند! وقتی گناهی نبود، چگونه ذات اقدس الهی این گناهان را ببخشد؟! اصلاً سالبه به انتقای موضوع است! اشکال این وجوه چهارگانه این است که اینها معصوم هستند و گناهی ندارند، نه قبل از نبوت و نه بعد از نبوت، نه قبل از فتح و نه بعد از فتح، نه انبیای گذشته و نه اولیای متأخر.

رابطه بین فتح و بخشش

ولی آنچه اصل است این است که رابطه بین فتح و مغفرت چیست؟ حالا بر فرض کسی گناه داشته باشد، فتح الهی یک نعمت است؛ حالا این نعمت را خدا می دهد تا گناه را ببخشد یعنی چه؟

این در جریان قصص انبیا کم نیست! وجود مبارک موسای کلیم بعد از اینکه مأموریت یافت برای هدایت فرعون و امثال فرعون، عرض کرد خدایا! من نزد اینها «مُذْنَب» هستم: «لَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ»؛ من نزد اینها «مُذْنَب» هستم، برای اینکه آن جوانی را که «فَوْكْرَةَ مَوْسَى» به قتل رساندم نزد آن ها «مُذْنَب» هستم. آن گروهی که به موسی پیشنهاد دادند: «يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيقْتُلُوكَ» به موسای کلیم گفته شد که از مصر بیرون بروید برای اینکه اینها «يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيقْتُلُوكَ»، موسای کلیم هم در بازگشت که ذات اقدس الهی به او برای هدایت مردم مصر مخصوصاً فرعون مصر مأموریت داد، عرض کرد: «لَهُمْ عَلَى ذَنْبٍ»؛ من نزد اینها «مُذْنَب» هستم! ذات اقدس الهی هم فرمود کاری می کنیم این گناهی که نزد اینها دارید برطرف بشود؛ فتح مبین وجود مبارک پیغمبر (ص) هم همین طور بود! حضرت در جریان جنگ بدر و احزاب افراد فراوانی به دستور آن حضرت کشته شدند که «قَلِيب» پدر شاهد صادق این کار است. وجود مبارک پیغمبر نزد مردم مکه «مُذْنَب» بود، فرمود ما این فتح را بهره تو کردیم تا تو کریمانه متت بگذاری، همه اینها را آزاد کنی و از همه اینها بگذری تا آن «ذنب» ی که نزد اینها داشتی بخشوده بشود؛ تمام «ذنب» های سابق و لاحق، آن «ذنب» هایی که در مکه نزد اینها داشتی بخشوده می شود، آن «ذنب» هایی که در مدینه نزد اینها داشتی بخشوده می شود.

برافروزد که خرمن عمر دشمنان را بسوزاند. حدود یکسال از حادثه بدر می‌گذشت. ابوسفیان سرگرم تهیه مقدمات جنگ بود. جمعی از افراد سخنور و فصیح عرب را به قبائل مختلف اعزام نمود تا با تشریح جنگ بدر، مردم را تحریک کنند که برای خونخواهی از دشمن مشترک آماده گردند.

مال التجاره‌ای هم که بر سر آن، جنگ بدر برپا شده بود و جمعی از سهامداران بزرگش در آن، به خاک غلطیده بودند، هنوز در دست ابوسفیان بود و تصمیم گرفت که آن ثروت سرشار را صرف در راه انتقام و خونخواهی کند. با فعالیت‌های پی‌گیر و همه‌جانبه، سپاهی نیرومند که دارای پنج هزار مرد مسلح بود، آماده گردید. میان این عده سه هزار و دویست نفر پیاده نظام بودند و از لحاظ تجهیزات نظامی و آذوقه در بهترین شرایط قرار داشتند. وقتی خبر حرکت این سپاه به مدینه رسید، هیجانی غیر قابل وصف در میان مسلمانان پدید آمد. زیرا حادثه‌ای پیش آمده بود که نسبت به حوادث و جنگ‌های گذشته قابل قیاس نبود. پیامبر اسلام (ص) در این مورد با یاران خود به مشورت پرداخت. جمعی عقیده داشتند که برج و باروی مدینه را محکم کنند و در مدینه بمانند تا سپاه دشمن برسد و در کنار شهر به جنگ بپردازند. ولی گروهی دیگر معتقد بودند که این کار، کار مردم ناتوان است و باید به استقبال دشمن شتافت و سرراه بر او گرفت.

رسول اکرم (ص) با نظر گروه دوم موافقت فرمود و فرمان بسیج داد. سربازانی که از مدینه حرکت کردند، در ابتدا بالغ بر هزار نفر بودند. ولی هنوز چیزی از راه نپیموده بودند که ناگهان عبدالله ابی با سیصد نفر از طرفدارانش، از سپاه اسلام جدا شد و به بهانه اینکه پیغمبر با عقیده من (در باره ماندن در مدینه) مخالفت کرده است، به مدینه بازگشت و رسول خدا (ص) با بقیه سپاه که به هفتصد نفر تنزل کرده بود، به راه ادامه داد. تا در کنار کوه احد فرو آمدند. آنگاه به تنظیم صفوف پرداخت و لشگر را طوری تعبیه فرمود که کوه احد در پشت و کوه عینین در طرف چپ و مدینه در مقابل قرار داشت.

داستان جنگ احد در قرآن آئینه عبرت

■ سید محمد صوفی

آیه ۱۲۱ سوره آل عمران تا تقریباً آخرین سوره در رابطه با جنگ احد است که در تاریخ ۷ شوال رخ داد. اختصاص بالغ بر صد آیه به ماجرای احد بیانگر آن است که ماجرای این نبرد دارای درس‌های بسیار آموزنده برای مسلمانان هر عصر است که فرا گرفتن آن درس‌ها موجب سربلندی و پیروزی آن‌ها خواهد بود. گزیده‌ای از ماجرای این نبرد را از کتاب «دوره کامل قصه‌های قرآن از آغاز خلقت تا رحلت خاتم انبیاء (ع)» و برخی آثار دیگر از جمله مدخل احد در «دایره المعارف بزرگ اسلامی» با هم مرور می‌کنیم ■

پس از جنگ بدر، بت پرستان مکه، احساس کردند که لکه ننگی به دامن افتخار آن‌ها نشسته که جز با انتقام از مسلمین با هیچ آبی شسته نمی‌شود و تا خونخواهی کشتگان را نمایند، آرامشی در دل خود نخواهند یافت. از این رو ابوسفیان که قیادت و ریاست مکه را اخیراً به دست گرفته بود، اعلام کرد که هیچ خانواده‌ای از قریش حق ندارد بر کشتگان خود عزاداری کند و اشک بریزد. زیرا اشک‌ها و ناله‌ها، عقده‌های دل را سبک می‌سازد و قدرت انتقام را ضعیف می‌کند.

این عقده‌ها باید در دل‌ها بماند تا در وقت مناسب منفجر شود و با انفجارش، آتشی از کین



تابلو «لافتی الاعلی» با موضوع جنگ احد، اثر حسن روح الامین



و چهارم از بنی عبدالدارپی در پی به میدان آمدند. همه به دست علی (ع) کشته شدند.

وحشت و هراسی عظیم بردل‌های سپاهیان مکه افتاد. در آن حال مسلمانان به یک حمله شدید دست زدند و صفوف دشمنان را به هم ریختند. جمعی از آنان پا به فرار گذاشتند و شیرازه لشکر از هم پاشیده شد.

جنگجویان اسلام در گوشه و کنار میدان، جانبازی می‌کردند و صمیمانه از اسلام حمایت می‌نمودند. تاجانی که بت بزرگ (هبل) را سرنگون کردند و قوای خصم را درهم شکستند. رفته رفته، میدان جنگ از سربازان مکه خالی شد و مسلمانان به جمع‌آوری غنائم جنگی و ضبط سلاح‌ها و اموال دشمن پرداختند.

۴ مال دنیا

نیروهای احتیاطی که به دستور صریح پیغمبر اسلام، شکاف کوه عینین را اشغال کرده بودند، از دور، میدان جنگ را تماشا می‌کردند. منظره جمع‌آوری غنیمت‌ها و اموال دشمن، یعنی یک مسئله مادی خیره‌کننده، آن‌ها را تحریک کرد که در جمع غنائم شرکت کنند. فرمانده آنان، عبدالله بن جبیر، کوشش کرد که آن‌ها را از این تصمیم بازدارد. ولی مؤثر واقع نشد و کم‌کم خط دفاعی شکاف، ضعیف گردید تا به جایی رسید که فرمانده با چند تن معدود باقی ماندند.

در آن حال یک ستون از نیروی مکیان وارد شکاف گردید، کسانی را که در محل بودند، به قتل رسانید و از پشت سر به مسلمانان حمله کرد. پرچم کفر دیگر باره برافراشته شد و فراریان از گوشه و کنار به زیر پرچم گرد آمدند و صفوف از هم پاشیده مسلمانان را محاصره کردند.

یکی از مشرکین با صدای بلند فریاد زد: محمد کشته شد! این خبر وحشت‌آور این حمله شدید و غیر مترقبه موجب شد که مسلمان‌ها پا به فرار نهادند و از میدان گریختند. رسول خدا (ص) در میان دشمن قرار گرفته بود. علی (ع) مانند سپری متحرک دوران حضرت می‌چرخید و از هر سو، دشمنان را دفع می‌کرد.

۴ تدبیر رسول خدا (ص)

در کوه عینین شکافی بود که احتمال داشت دشمن از آن استفاده کند و ناگهان به سپاه اسلام بتازد. برای جلوگیری از خطر محتمل، به امر رسول الله (ص)، عبدالله بن جبیر با پنجاه تیرانداز ورزیده، در آن شکاف مستقر شدند و به آنان دستور داده شد که در صورت موفقیت یا شکست سپاه اسلام، آن‌ها از جای خود نجنبند و شکاف را خالی نگذارند. رسول خدا (ص) پس از آن، روی به مسلمان نمود و خطاب به‌ای که خلاصه آن چنین است، ایراد نمود: «ای مردم! به شما آن می‌گویم که خداوند به من فرموده آن وصیت کنم که در کتاب آسمانی خود مرا به آن توصیه کرد. به من امر فرمود که دستورها را بکار بندم و از آنچه حرام نموده، دوری گزینم. همیشه پرهیزکار و پاکدامن باشم. امروز شما در جایگاه مزد و پاداش خداوندی قرار گرفته‌اید و روش شما سرمشق آیندگان خواهد بود. شما باید خود را بر صبر و کوشش و فداکاری، وادار کنید. جنگ با دشمن و تحمل زخم‌ها کاری است دشوار و فداکاری بسیار باید تا در جنگ‌ها افتخار موفقیت و پیروزی نصیب شود.

قدم در میدان جهاد بگذارید و مردانه بکوشید و از خداوند متعال درخواست کنید که شرف و افتخار را نصیب شما گرداند. من خواهان رشد و موفقیت شما هستم و از تفرقه و پریشانی شما بی‌منامم.

روح الامین به قلب من الفا کرده که هر جاننداری تا روزی خود را به طور کامل در این جهان به دست نیابد، نخواهد مرد و روزیش کم نخواهد شد. ممکن است روزی مقدر خود را کمی دیرتر به دست آورد، ولی محال است از آن محروم گردد. بنابراین در طلب روزی، حرص موزید و خود را به حرام‌الوده نکنید و در آن راه به معصیت خداوند اقدام ننمائید. زیرا آنچه سرنوشت و بهره شما است به شما خواهد رسید و حرص و شتاب و بی‌پروائی شما، جز گناه و آلودگی اثری به بار نخواهد آورد. ای مردم مسلمان! منزلت یک مؤمن نسبت به سایر مؤمنین، منزلت سراسر است نسبت به بدن. پس اگر مؤمنی به سختی و مشقت افتد، باید سایرین از رنج و عذاب او، رنجور و افسرده شوند. والسلام علیکم.»

۴ پرچمدار کفر

سپاه قریش صف‌های خود را مرتب ساخت. پرچم در دست جوانان عبدالدار بود. خالد بن ولید در میمنه و عکرمه بن ابی جهل در میسره و عمرو بن العاص و صفوان بن امیه فرمانده سواران و عبدالله بن ربیع فرمانده تیراندازان و بت بزرگ (هبل) که قریش از مکه با خود آورده بودند، پیشاپیش آنان قرار داشت. هند (زن ابوسفیان) با گروهی از زنان مکه که برای تحریک و تحریص سربازان، به جبهه آمده بود، در انتهای جنگجویان قرار گرفته، به خواندن سرودهای مهیج پرداختند.

نخستین کسی که از سپاه قریش به میدان آمد، طلحة بن ابی طلحة، پرچم دار کفر بود. مبارز طلید. علی (ع) به میدان شتافت و او را از پای درآورد. رسول خدا تکبیر گفت و مسلمان‌ها هم، صدای تکبیر بلند کردند. نفر دوم و سوم

نیروهای احتیاطی

که به دستور

صریح پیغمبر

اسلام، شکاف

کوه عینین را

اشغال کرده

بودند، از دور،

میدان جنگ را

تماشا می‌کردند.

منظره جمع‌آوری

غنیمت‌ها و اموال

دشمن، یعنی

یک مسئله مادی

خیره‌کننده، آن‌ها

را تحریک کرد که

در جمع غنائم

شرکت کنند



.....

جنگ احد به نفع

قریشیان پایان

یافت. سپاهیان

مکه درحالی که

از موفقیت خود

لبخند بر لب

داشتند، میدان

جنگ را به سوی

مکه ترک گفتند.

پیامبر اسلام، کنار

کوه ایستاده و به

آن تکیه داده بود.

یارانش از گوشه

و کنار به دور او

جمع می شدند.

ولی از آمدن حمزه

خبری نبود

مردانه می کوشید و از دین خدا و پیغمبرش حمایت می کرد، با نیزه‌ای که وحشی به سوی او پرتاب کرد، از پای درآمد و به زمین افتاد. وحشی پهلوی او را شکافت و جگرش را درآورده، برای هند، زن ابوسفیان به ارمان برد. هند، پاره‌ای از جگر پاک حمزه را در دهان گذاشت که ببلعد، و با اینکه چیزی از گلولی او پائین نرفت معروف به جگرخوار شد و مردم معاویه و اولاد او را فرزندان هند جگرخوار می نامیدند.

جنگ احد به نفع قریشیان پایان یافت. سپاهیان مکه درحالی که از موفقیت خود لبخند بر لب داشتند، میدان جنگ را به سوی مکه ترک گفتند. پیامبر اسلام، کنار کوه ایستاده و به آن تکیه داده بود. یارانش از گوشه و کنار به دور او جمع می شدند. ولی از آمدن حمزه خبری نبود. رسول اکرم (ص) بانگرانی و تشویش، علی (ع) را برای کسب خبر و اطلاع از حمزه به میدان فرستاد. مدتی گذشت از بازگشت علی (ع) هم خبری نشد.

رسول خدا، شخصاً به میدان قدم گذاشت و به جستجو پرداخت. ناگهان منظره‌ای دردناک در برابر آن حضرت آشکار شد. حمزه را کشته‌اند و او را مثله کرده‌اند. اشک از دیدگان آن حضرت جاری شد و مطابق اخبار اهل بیت علیهم السلام، روزی سخت‌تر و ناگوارتر از آن روز، در سراسر زندگانی رسول الله (ص) نبوده است.

پیغمبر اسلام (ص) عباي مبارک را از دوش برداشت و بر جسد پاک و مطهر عمومی عالی مقام خود افکند. سپس بر جنازه حمزه نماز گذارد و در آن نماز هفتاد مرتبه الله اکبر گفت و او را به لقب سیدالشهدا مفتخر فرمود. سپس اجساد سایر شهیدان را از نقاط مختلف میدان جمع‌آوری کردند و بر آن‌ها نماز خواندند و به خاک سپردند.

حضور بانوی دو عالم

در کتاب زندگی فاطمه (زهره) اثر شهیدی آمده است که پس از جنگ اُحد به فاطمه (س) خبر دادند پدرش در جنگ آسیب دیده است؛ سنگی به چهره او رسیده و چهره‌اش را خونین ساخته است. او با دسته‌ای از زنان برخاست و آب و خوردنی بر پشت خود برداشت و به رزمگاه رفت. زنان، مجروحان را آب می دادند و زخم‌های آنان را می بستند و فاطمه (س) جراحت پدر را شستشو می داد. خون بند نمی آمد. پاره بوربایی را سوزاند و خاکستر آن را بر زخم گذاشت تا جریان خون قطع شود.

حمراء الاسد

در کتاب «اعلام الوری» نوشته طبرسی اشاره شده که با توجه به شکست مسلمانان و احتمال شورش منافقان و یهودیان که از این جریان خوشحال بودند و نیز احتمال حمله دوباره مشرکین به مدینه، پیامبر (ص) از طرف خدا دستور یافت تا در فردای حادثه احد، مشرکین را تعقیب نماید.

مسلمانان به دستور پیامبر (ع) عمل کرده، دشمن راتا حمراء الاسد تعقیب نمودند. این جریان به غزوه حمراء الاسد معروف شد. □

در آن روز بیدن علی (ع) نود زخم برداشته و خون بسیار از بدنش ریخته بود. ولی از پای درنیامد و همچنان به جهاد و دفاع ادامه می داد. جبرئیل که شاهد فداکاری و از خود گذشتگی علی (ع) بود، فریاد زد: لا فتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار!

لحظه به لحظه، حلقه محاصره تنگ‌تر می شد و دشمنان با جسارت بیشتر به رسول خدا (ص) نزدیک می شدند. ولی چون به واسطه شجاعت علی (ع) نمی توانستند، خود را به رسول خدا (ص) برسانند، سنگ می پراگندند. یکی از سنگ‌ها به پیشانی پیامبر رسید و خون به صورتش جاری شد. سنگ دیگری به وسیله عتبه بن ابی وقاص بر لب و دندان رسول اکرم (ص) آمد که دندانش شکست. شمشیری بر شانه او زده شد. ولی چون دوزره در برداشت، کارگر نیفتاد و آن پیامبر عظیم‌الشان با تمام این مصائب که از دشمنان می دید، لب به نفرین آنان نگشود. بلکه از خداوند بزرگ هدایت و نجات آن قوم را مسألت می فرمود.

منافقان

مسئله فرار تعدادی از مسلمانان، یکی از نقاط مهم و حساس و از عوامل شکست مسلمانان در جنگ اُحد به شمار می آید؛ زیرا اگر آنان مانند مجروحان و شهیدان، مقاومت می کردند و همانند تیراندازان، میدان را در اختیار دشمن قرار نمی دادند، شکست اولیه مسلمانان، جبران و سرنوشت جنگ عوض می شد و پیروزی را به دست می آوردند.

می توان گفت ضربه‌ای که از ناحیه آن‌ها بر سپاه اسلام وارد آمد، کم‌تر از ضربه سرپیچی تیراندازان نبود که بر اثر تخلف از دستور رسول خدا (ص) به مسلمانان وارد کردند. قرآن درباره آنان می فرماید: «و روزی که [در احد] آن دو گروه با هم برخورد کردند، آنچه به شما رسید، به اذن خدا بود [تا شما را بیازماید] و مؤمنان را معلوم بداد؛ همچنین منافقان را [نیز] معلوم بداد و به ایشان گفته شد: بیایید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید. گفتند: اگر جنگیدن می دانستیم مسلماً از شما پیروی می کردیم. آن روز، آنان به کفر نزدیک‌تر بودند تا به ایمان. به زبان خویش چیزی می گفتند که در دل‌هایشان نبود و خدا به آنچه می نهفتند داناتر است.»

نفاق ایشان تا بدانجا بود که قرآن به طور صریح این موضوع را با لحن نگوهرش آمیزی مطرح کرده است: «[یاد کنید] هنگامی را که [در حال گریز از کوه] بالا می رفتید و به هیچ کس توجه نمی کردید و پیامبر، شما را از پشت سرتان فرا می خواند....» آن چنان ترس و وحشت و اضطراب و نگرانی بر فراریان حاکم بود که به چپ و راست و پشت سرشان توجهی نداشتند و فقط به فکر جایی بودند که خود را از دسترس دشمن به دور نگهدارند و از این رو بعضی از آنان به داخل مدینه و بعضی دیگر به تپه‌ها و دژه‌های اطراف این شهر گریختند.

شهادت سیدالشهدا

از حوادث ناگواری که در آن روز واقع شد، شهادت حمزه سیدالشهدا، عمومی بزرگوار پیغمبر بود. وی درحالی که



به مناسبت سالروز شهادت حمزه عموی گرامی پیامبر (ص)

سالار شهیدان

دریافت کرده بود، برای مردم به ویژه خواص و یاران نزدیک و برخی خویشان بیان کرده بود.

ضمن یکی از این روایات، پیامبر (ص) از طرف خداوند حسین بن علی (ع) را سیدالشهدا معرفی کرد و فرمود: «او (حسین) سرور شهیدان از نخستین تا آخرین آن‌ها در دنیا و آخرت است و سرور جوانان همه اهل بهشت است.» طبق روایت مشهور دیگری که بیشتر منابع آن را نقل کرده‌اند، رسول خدا (ص) که به نقل از جبرئیل، از شهادت فرزندش خبر می‌داد، در ضمن دعایی، درخواست مقام سیدالشهدایی برای حسین کرد و از خدا خواست که حسین را از سادات و سرور شهیدان قرار دهد. تعبیر «سادات الشهدا» در این روایت بیانگر همین معنا (سیدالشهدا) است.

بنابراین لقب سیدالشهدا برای نخستین بار از سوی رسول خدا (ص) به سبط بزرگوارشان عطا شد و پس از آن سایر امامان بر تکرار آن تأکید کردند. افزون بر این بر اساس روایات متعدد، امام صادق (ع)، امام حسین (ع) را سیدالشهدا خوانده است. پس از آن در روایات فراوانی که از امام صادق علیه السلام نقل شده بر این لقب شریف تأکید زیادی شده است و در حقیقت این لقب برای امام حسین (ع) از این دوره رواج فراوان یافته است.

بنابراین لقب سیدالشهدا نخستین بار از سوی رسول خدا (ص) به حضرت حمزه بن عبدالمطلب پس از شهادتش در جنگ احد داده شد، و بعد از آن بر اساس روایات متعدد، این لقب از سوی رسول خدا (ص) به حسین بن علی علیه السلام قبل از شهادتش و هنگام خبر دادن از شهادت وی، عطا شد و عمدتاً پس از شهادت مظلومانه آن حضرت در کربلا از سوی امامان شیعه مورد تأکید قرار گرفت و در برخی دعاها و زیارت نامه‌ها تکرار شد تا آنجا که از مشهورترین القاب آن حضرت، لقب سیدالشهدا است. □

در تاریخ اسلام دو شخصیت بزرگ با لقب سیدالشهدا شناخته می‌شوند: حضرت حمزه بن عبدالمطلب و امام حسین (ع)، روشن است که این لقب به معنای برتری و فضیلت یک شهید بر سایر شهیدان است. چنانکه در برخی روایات در کنار سیدالشهدا، افضل الشهداء نیز درباره امام حسین (ع) آمده است. نخستین بار این لقب از سوی رسول خدا (ص) به حمزه بن عبدالمطلب، عموی پیامبر که در جنگ احد به شهادت رسید، عطا شد و از آن پس از حمزه با لقب سیدالشهدا یاد می‌شد.

حضرت حمزه به سبب ایمان بالا و سابقه درخشان در حمایت از اسلام، یاری و دفاع از شخص رسول خدا (ص) همواره مورد توجه و علاقه ایشان بود. ایثار و فداکاری‌های حمزه و همچنین شجاعت فوق العاده او در تاریخ اسلام مشهور است. همچنان که در جنگ احد نیز صحنه‌هایی از این ایمان و ایثار و شجاعت و دلآوری را به نمایش گذاشت. در کنار این فضایل، چگونگی شهادت او و اوج غربت و مظلومیت او نیز در میان شهیدان احد و قبل و بعد از آن کم نظیر بوده است. گویا با توجه به موارد فوق، حمزه، ملقب به سیدالشهدا گردید و بر سایر شهیدان و الامام اسلام برتری یافت. امامان شیعه نیز بر تکرار لقب سیدالشهدا برای حمزه بن عبدالمطلب تأکید می‌ورزیدند و همواره یکی از افتخارات و ارزش‌های والای معنوی خاندان رسول خدا را، انتسابشان به حمزه سیدالشهدا ذکر می‌کردند.

لقب سیدالشهدا برای اباعبدالله الحسین (ع) نیز دارای چنین زمینه فکری، معنوی و سیاسی است. یعنی هم شخصیت امام حسین (ع) در میان شهیدان عالم، بی نظیر و بی همتا است و هم نحوه شهادت و غربت و مظلومیت او، و هم تابندگی و اثربخشی خون او بی مانند است. از این رو حقیقتاً امام حسین (ع)، سید و سرور و مولای همه شهیدان عالم است و خون او بر همه خون‌ها فضیلت و برتری دارد. اما سؤال این است که نخستین بار لقب سیدالشهدا کی و از سوی چه کسی به امام حسین (ع) داده شد؟

طبق پاره‌ای از روایات، لقب سیدالشهدا برای امام حسین (ع) نخستین بار از سوی جبرئیل بکار برده شد. پیامبر (ص) بارها خبر شهادت امام حسین (ع) را که از فرشتگان مقرب الهی



شرح دعای نخست صحیفه سجادیه

او با شماست هر جا باشید

■ آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

او باشد و در آخر خواهد بود، بی آنکه آخری بعد از او باشد؛
(فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ
يَكُونُ بِهِ عَدَهُ).

هنگامی که به عالم امکان و موجوداتی که پیوسته فانی می شوند جای خود را به موجوداتی دیگر می دهند نگاه می کنیم از آن به وجودی پی می بریم که ازلی است، زیرا اگر موجودات ناپایدار، معلول وجود دیگری مانند خود باشند، این سلسله به صورت تسلسل پیش می رود و می دانیم، تسلسل از نظر فلسفی باطل است، زیرا معنای تسلسل این است که عده بی شماری از علت و معلول ها متکی به هم باشند بی آنکه به واجب الوجودی منتهی شوند و به یقین، عده بی شمار فقیر و نیازمند، نیازمند است و اگر بی نهایت صفر را در کنار هم بگذاریم باز تبدیل به عدد نمی شود؛ بنابراین باید سرچشمه حیات و وجود، وجودی ازلی باشد تا وجود عالم امکان قابل تفسیر شود.

به تعبیر ساده تر، نمی توانیم بگوئیم این زمین و آسمان معلول علتی است و آن خود معلول علتی دیگر و به همین ترتیب، به هر جا می رسیم معلول علت دیگری باشد بی آنکه آغازی داشته باشد، زیرا سلسله ای تشکیل می شود از بی نهایت معلول ها که بدون علت ثابت و پایداری به وجود آمده باشند؛ بنابراین سرسلسله وجود حتماً باید واجب الوجود باشد که هستی اش از درون ذات اوست نه از بیرون ذاتش.

و اگر وجودی ازلی باشد، حتماً ابدی خواهد بود، چرا که

در نخستین دعای صحیفه سجادیه امام سجاده (ع) ابتدا به حمد و ثنای الهی پرداخته و بخشی از صفات او را شرح می دهد. آنگاه به آفرینش موجودات و انسان اشاره کرده و نعمت هایش را بر این انسان یکی بعد از دیگری برمی شمرد و هر کدام را با حمد و ثنای الهی همراه می سازد، به گونه ای که حدود بیست بار خدا را برای این نعمت های مختلف حمد و ثنا می گوید و انسان را با نعمت های الهی که یکی از آن ها همین توفیق شکر نعمت های اوست آشنا می سازد. در این مطلب، منتخب تفسیر دو فراز نخست دعای اول صحیفه را می خوانیم. ■

ازلیت و ابدیت

در دو فراز نخست این دعا می خوانیم:

۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلَا أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ، وَالْآخِرِ بِلَا آخِرٍ يَكُونُ بِهِ عَدَهُ. حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که در آغاز بود، بی آنکه آغازی قبل از او باشد و در آخر خواهد بود، بی آنکه آخری بعد از او باشد.

۲. الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ. او کسی است که چشم های بینایان از دیدن او ناتوان است و افکار و اوهام وصف کنندگان از توصیف او عاجز.

جمعی از مترجمان و مفسران صحیفه سجادیه این دعا را به سی بخش تقسیم کرده اند ولی در واقع ۹ بخش کامل است که هر کدام با «الحمد لله» و شکر و سپاس الهی شروع می شود و از زاویه های مختلف به نعمت های الهی نگاه می کند و خدا را برای آن شکر و سپاس می گوید.

در بخش اول، نخست به سراغ حمد و ثنای الهی به سبب ازلیت و ابدیت او می رود، عرضه می دارد: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که در آغاز بود، بی آنکه آغازی قبل از



چشم تو را ببینم! من به سوی تو بازگشتم. و من نخستین مؤمنانم»؛ (وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ).

به یقین، موسی می دانست که خداوند با چشم سر دیده نمی شود، ولی اصرار بنی اسرائیل که گفتند: (یا موسی لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً)؛ «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر این که خدا را آشکارا با چشم خود ببینیم».

سبب شد که موسی آن ها را به کوه ببرد و تقاضای آن ها را مطرح کند و آن جواب صریح و دندان شکن را بشنود. با توجه به این که «لَنْ» بنا بر تصریح علمای ادب، برای نفی ابد به کار می رود، مفهوم آیه این است که ای موسی! هرگز خداوند را نخواهی دید.

البته دلیل عدم رؤیت خداوند یک دلیل عقلی روشن دارد و آن این که رؤیت با چشم، مخصوص اجسام است و اجسام، نیازمند زمان و مکان اند و دارای اجزایی هستند، درحالی که خداوند نه زمان دارد و نه مکان و نه اجزایی هستند، همان گونه که عدم امکان رؤیت را در دنیا ثابت می کند، عدم امکان آن را در آخرت نیز به ثبوت می رساند.

آیات فراوانی از قرآن مجید خداوند را از هر جهت نامحدود معرفی می کند: در آیات مربوط به قبله می خوانیم: (وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ)؛ «مشرق و مغرب، از آن خداست! پس به هر سو رو کنید، رو به خدا کرده اید. خداوند، واسع و به همه چیز داناست».

در آیه نجوی آمده است: (مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَاسِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا)؛ «هیچ گاه سه نفر با هم نجوا نمی کنند مگر این که خداوند چهارمین آن هاست و هیچ گاه پنج نفر با هم نجوا نمی کنند مگر این که خداوند ششمین آن هاست و نه تعدادی کمتر و نه بیشتر از آن مگر این که او همراه آن هاست هر جا که باشند».

این آیه با صراحت می گوید: «هر جا نجوا و سخنان درگوشی باشد، اگر سه نفر باشند خداوند چهارمین آن هاست و اگر پنج نفر باشند خداوند ششمین آن هاست و نه کمتر از این و نه بیشتر خواهد بود، مگر این که او با آن ها همراه است، هر کجا باشند».

در جای دیگری می فرماید: (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ)؛ «او با شماست، هر جا باشید»؛ و در جای دیگر می خوانیم: (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)؛ «ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم و ما به او از رگ قلبش (یا رگ گردنش) نزدیک تریم!». در جای دیگر فرموده است: (وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ)؛ «و بدانند خداوند به قدری به شما نزدیک است که میان انسان و قلب او حائل می شود».



دلیل عدم رؤیت

خداوند یک

دلیل عقلی روشن

دارد و آن این که

رؤیت با چشم،

مخصوص اجسام

است و اجسام،

نیازمند زمان و

مکان اند و دارای

اجزایی هستند،

درحالی که خداوند

نه زمان دارد و نه

مکان و نه اجزایی

و این استدلال

همان گونه که عدم

امکان رؤیت را در

دنیا ثابت می کند،

عدم امکان آن را

در آخرت نیز به

ثبوت می رساند

هستی اش

از درون ذات

اوست و بنابراین

پایان پذیر نمی تواند

باشد و اگر وجودی ابدی

نمود باید تاکنون پایان یافته باشد،

زیرا بی نهایت زمان بر او گذشته است. مثلاً اگر

فرض کنیم خورشید که عمری دارد، اگر در بی نهایت

زمان گذشته وجود داشته، قطعاً پایان یافته است؛ اگر

می بینیم پایان نیافته دلیل بر این است که آغازی داشته

است. کوتاه سخن این که آنچه آغاز ندارد، پایان هم ندارد

و آنچه آغاز دارد پایان هم دارد.

و این که در آیه سوم سوره حدید می خوانیم: (هُوَ الْأَوَّلُ

وَالْآخِرُ) اشاره به همین معناست؛ و در نهج البلاغه آمده

است: «لَيْسَ لِأَوَّلِيَّتِهِ اِبْتِدَاءٌ وَلَا لِآخِرِيَّتِهِ اِنْقِصَاءٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَلَمْ

يَزَلْ وَالْبَاقِي بِلَا أَجَلٍ؛ برای اول بودن او آغاز نیست و نه

برای ازلیتش پایانی. آغازی است که همواره بوده و پایانی

است که سرآمدی ندارد».

چشم دل

هنگامی که بر ما ثابت شد که او وجودی ازلی و ابدی است

و غنی بالذات و مبری از عوارض عالم ماده، روشن می شود

که «او کسی است که چشم های بینایان از دیدن او ناتوان

است و افکار و اوهاوم وصف کنندگان از توصیف او عاجز»؛

(الَّذِي قَصَّرَتْ عَنْ رُؤْيِيهِ اَنْبَاصُ النَّاطِرِينَ، وَ عَجَزَتْ عَنْ

تَعْيِيهِ اَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ). آری! نه چشم او را می بیند، چرا که

جسم نیست تا قابل رؤیت با چشم باشد و نه عقل به عمق

ذات و صفاتش می رسد، چرا که عقل و دانش ما محدود

است و او وجودی است نامحدود؛ و محدود چگونه

می تواند نامحدود را آن گونه که هست درک کند؟!

قرآن مجید نیز می گوید: (لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ

الْاَبْصَارَ وَ هُوَ الْغَلِيبُ الْخَبِيرُ)؛ «چشم ها او را نمی بینند؛ ولی

او همه چشم ها را می بیند؛ و او بخشنده نعمت ها و باخبر

از دقائق امور و آگاه از همه چیز است». در آیات سوره بقره

می خوانیم که بنی اسرائیل به پیامبران موسی اصرار

کردند که باید خدا را به ما نشان دهی و با چشمان خود او را

ببینیم تا سخنان را باور کنیم. او هر چه خواست به آن ها

بفهماند که خداوند با چشم قابل رؤیت نیست و برتر از آن

است که با چشم ظاهر دیده شود آن ها دست از اصرار خود

برنداشتند.

او ناچار به فرمان الهی، گروهی از آن ها را همراه خود به

کوه طور برد؛ و هنگامی که موسی به میعادگاه ما آمد و

پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا!

خودت را به من نشان ده تا تو را ببینم». فرمود: «هرگز

مرا نخواهی دید، ولی به کوه بنگر، اگر تاب بیاورد که در

جای خود ثابت بماند، مرا خواهی دید». اما هنگامی

که پروردگارش بر کوه تجلی نمود، آن را در هم شکست و

متلاشی کرد؛ و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به

هوش آمد، عرض کرد: «خداوند! منزهی تو از این که با

درباره اخلاق اداری

هیچ عبادتی بالاتراز خدمت به مردم نیست

آیت الله العظمی حسین مظاهری



اقتصاد هر مملکتی متوقف بر کار است: کار تولیدی، کار توزیعی و کار خدماتی. از نظر اسلام، قرآن و روایات اهل بیت علیه السلام کارهای خدماتی - نظیر اداره ها - اهمیت بیشتری دارد؛ یعنی اسلام که مردم را بر کار تولیدی و کار توزیعی مثل تجارت سفارش کرده، به کار خدماتی بیشتر اهمیت داده و تأکید نموده است؛ تا جایی که می توان گفت: عبادتی بالاتراز خدمت به جامعه نیست. ثواب کار خدماتی، از نماز شب، روزه مستحبی، حج و حتی از جهاد بالاتر است.

در روایتی آمده است: قضاء حاجه المؤمن يعدل سبعین حجه مبروره؛

بر آوردن حاجت مردم، مساوی با هفتاد حج مقبول است. در این باره اگر همین یک روایت بود قبولش مشکل بود و به نوعی توجیه می شد، اما آن چه آن را یقین آور می کند این است که این روایت به طور پی در پی و متواتر، نقل شده است. در این جا گوشه ای از سیره پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام را نقل می کنیم تا به ارزش خدمت به مردم بیشتر پی ببرید.

سعی و کوشش پیغمبر اکرم (ص) این بود که گره ای از کار مسلمانی باز کند. یا اگر امیرالمؤمنین علیه السلام گره ای از کار یک مسلمانی می گشود، برایش از نماز شب خوشحال کننده تر بود. از تاریخ و سیره پیامبر و ائمه علیه السلام به خوبی استفاده می شود که بی تفاوت بودن در کار مسلمانان، توهین کردن به آنان، به اندازه ای برای آن بزرگواران ناراحت کننده و غم انگیز بوده که حتی اگر فرزندشان از دنیا می رفت، آن اندازه ناراحت نمی شدند.

سعه صدر

عدی بن حاتم (پسر حاتم طائی) از شام خدمت پیامبر (ص) آمد تا مسلمان شود. وی رئیس قبیله بود و حضرت به او احترام کردند. علاوه بر آن این که او را در کنار خود نشانند، موقع ناهار نیز به خانه خود بردند. عدی می گوید: مسلمان شدنم دو علت داشت: یکی این که همراه پیامبر در حال حرکت بودم که پیروزی رسید و بیش از یک ساعت پیغمبر را معطل کرد، ایشان با تبسم و تسلط، جواب آن پیروز را داد، به حدی که من از آن همه حوصله و صبر خسته شدم، اما آن حضرت با کمال طمأنینه و سعه صدر با پیروز گفتگو می کرد. این حالت را که دیدم دریافتیم که آن حالت، عادی نیست.

جهت دیگر اسلام آوردن من این بود که وقتی وارد خانه پیغمبر شدم، دیدم وضع زندگی اش بسیار ساده و بی آلایش است، به حدی که حصیری هم در خانه ندارد، فقط یک پوست گوسفند بود که مرا روی آن نشانند، و خود رسول الله روی خاک نشست.

با دیدن این صحنه ها زمینه برای مسلمان شدن عدی مهیا شد و پیغمبر (ص) وقتی این زمینه را احساس کرد این جمله معجزه آمیز را به او فرمود: ای عدی! تو پسر حاتم طائی و مرد با جرأتی هستی، عشیره و مالیات گرفتن از مردم در دین تو - که نصرانی هستی - حرام است و خودت می دانی که به خاطر ریاستت ادعا می کنی که: من بت پرستم! عدی می گوید: این

مطلب را هیچ کس نمی دانست جز خودم و تا این جمله را شنیدم مسلمان شدم. این جا بود که پیامبر به من فرمودند: عدی! اوضاع کنونی مسلمانان و مدینه را در نظر بگیر، طولی نمی کشد که اسلام بر ایران، روم، شام و عراق مسلط می شود و مسلمانان سرفراز می گردند.

شاید...

در قرآن کریم می خوانیم: «لعله یزکی او یذکر فتنفعه الذکری». «چهره درهم کشید و روی گردانید که آن مرد نابینا پیش او آمد و توجه می دانی شاید او به پاکی گراید یا پند پذیرد و اندرز، سودش دهد.

شأن نزول این آیات آن است که: شخص ثروتمندی خدمت پیامبر نشده بود و با حضرت صحبت می کرد، در همین هنگام مرد فقیر و نابینایی (ابن مکتوم) رسید، وی چون چشمش نمی دید در کنار آن مرد پولدار اشرافی نشست. از این رو با برخورد توهین آمیزی مواجه شد؛ یعنی آن شخص متمول خود را جمع و جور کرد، اگر چه ابن مکتوم نابینا بود و متوجه نشد، اما برخورد توهین آمیز بود، فقط همین. رنگ مبارک پیامبر اکرم از شدت عصبانیت برافروخته شد و رو به آن شخص متمول کرد و فرمود: چرا چنین کردی؟ ترسیدی از فقر او به تو برسد؟! گفت: خیر یا رسول الله! فرمود: ترسیدی از تمول و ثروت تو به او برسد؟! گفت: خیر یا رسول الله! بیچاره گرفتار بود و نمی دانست چه بگوید و از ناراحتی پیامبر به شدت اندوهگین شد و گفت: یا رسول الله من حاضر من نصف مال و تمکنم را به ابن مکتوم بدهم تا از خطای من درگذری و از من راضی شوی. پیامبر رو به ابن مکتوم کرده و فرمود: ابن مکتوم! حضاری نصف مال او را بپذیری؟ گفت: خیر یا رسول الله می ترسم وقتی از جهت ثروت مثل او شدم. از نظر اخلاق نیز همانندش گردم. وقتی فقیر نابینا می آید روترش می کنی، از کجا معلوم که او بهتر از تو نباشد و بیشتر از تو از محضر پیامبر استفاده نکرده باشد؟!

آری، سوره عبس به ما این درس را می دهد که کارمندی که پشت میز اداره اش نشسته و رئیس که برمسند ریاست تکیه زده باید خوش برخورد بوده و سعه صدر داشته باشد.



اسلامی است، اما اگر توطئه‌ای کند باید حساب پس بدهد و مجازات شود.

اگر به این حوادث دقت کنیم برای مادرش است. پیغمبر زمانی که کسی را نداشت جز خدیجه و علی، و برای ارشاد و تبلیغ حرکت می‌کرد دلش برای همه می‌تپید، آن حضرت حتی برای ابوسفیان‌ها، ابوجهل‌ها و برای کافران ردلی که مسلمان نمی‌شدند گریه می‌کرد.

کفار قریش بچه‌ها و اراذل و اوباش را وادار کرده بودند که هر وقت پیغمبر از خانه بیرون آمد، سنگ بارانش کنند و به آنان سفارش کرده بودند که سنگ را به جاهای حساس آن حضرت زنند که کشته شود، چون اگر پیغمبر کشته می‌شد اختلاف بین قریش و سایر طوایف عرب به وجود می‌آمد. می‌خواستند ایشان را زجرکش کنند، لذا سنگ‌ها را به ساق پای آن بزرگوار می‌زدند پیامبر گاهی به خانه برمی‌گشت تا از سنگ باران در امان بماند. خدیجه، یگانه زن یاور اسلام، پیامبر را داخل اتاق می‌برد و خود را سپر آن حضرت می‌نمود و فریاد می‌زد. خانه را سنگ باران نکنید، پاهای پیامبر زخم است و از آن خون جاری است و...

پیامبر مایوس و خسته نمی‌شود. هنوز آفتاب در نیامده برای انجام رسالت به پامی خاست، همسرش می‌پرسید یا رسول الله! کجا می‌روی؟ می‌فرمود: اسلام غریب است، این‌ها بیچاره‌اند و در جهل و نادانی به سر می‌برند. باید هدایت شوند. برای چندمین بار جهت انجام مأموریت به پامی خاست، اما قریش همچنان پاسخش را با سنگ و استخوان‌های شکسته می‌دادند. گاهی به کوه پاننده می‌شد، به خدیجه خبر می‌دادند که پیامبر به کوه حرا می‌رفت و...

علی علیه السلام می‌فرماید: با حضرت خدیجه مقداری زاد و توشه برمی‌داشتیم، زیر این سنگ و آن بوته و... به جست‌وجوی پیامبر می‌پرداختیم، سرانجام پیامبر را می‌دیدیم که خون از ساق پایشان می‌ریزد و با آن حالت زمزمه می‌کند خدایا، قوم مرا هدایت کن و آنان را عذاب نکن، چون نمی‌فهمند. این شعار پیامبر است که باید همیشه در خاطرها بماند: انبیای الهی و ائمه طاهرين عليهم السلام نیز چنین بودند. □



سوره عبس به

ما این درس

را می‌دهد

که کارمندی

که پشت میز

اداره‌اش نشسته

و رئیسی که بر

مسند ریاست

تکیه زده باید

خوش برخورد بوده

و سعه صدر داشته

باشد. کسی که

ارباب رجوع دارد

سعه صدرش باید

به قدری باشد که

بتواند با پرتوقع‌ها

بسازد. با تبسم

جواب دهد و

مردم را به اسلام

و انقلاب بدبین

نکند

کسی که ارباب رجوع دارد سعه صدرش باید به قدری باشد که بتواند با پرتوقع‌ها بسازد. با تبسم جواب دهد و مردم را به اسلام و انقلاب بدبین نکند و اگر با افرادی مواجه گردد که زود عصبانی می‌شوند. حتی بی‌جا - بر اعصابش مسلط باشد. یاد باره افرادی که نادانند - و تعدادشان کم نیست - و جسارت می‌کنند، سعه صدر به خرج دهد و به مسلمان، توهین نکند، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر کسی به مسلمانی توهین کند گناهش همانند آن است که جنگ با خدا کرده باشد.

□ الگوی ریادلی

در جنگ بدر اسیران را گرفتند و شب را زیر زنجیر گذراندند، پیغمبر فرمود: دیشب خوابم نبود از این‌که ناله عباس را می‌شنیدم! نکته را دقیق در ذهنتان مجسم کنید تا به عظمت مطلب پی ببرید که پیامبر (ص) با دوازده هزار نیروی مجهز آمده و مکه را تسخیر کرده، مکه‌ای که مردم آن ۷۴ جنگ بر پیغمبر تحمیل کردند، مکه‌ای که هند جگر خوار با شوهرش ابوسفیان در مقابل پیامبر ایستاده، در چنین موقعیتی است که برای آن حضرت خبر آوردند که: یا رسول الله! زمنده‌ای تند و احساساتی پرچم به دست گرفته، و در کوچه‌ها شعار می‌دهد: امروز روز انتقام است. پیامبر به علی فرمودند: برو و پرچم را از دستش بگیر و در کوچه‌ها بگرد و به همه اعلام کن که: امروز روز بخشش و عفو است.

پیامبر از این‌که توانست توسط علی بت‌ها را بشکند، بسیار خوشحال بود، در مقابل خانه خدا ایستاد و آن خطبه معروف و پرافتخار را خواند، ایشان در فراسوی از آن خطبه فرمود: لاله الله وحده وحده... اسرا از ترس می‌لرزیدند، پیامبر رو به آنان فرمود: چه کنم با شما؟ همگی گفتند: هر چه کنی بجاست. بگشی، اموالمان را مصادره کنی و... پیامبر این آیه را قرائت کرد: امروز بر شما سزناشی نیست. برادرم یوسف به برادرانش گفت: گذشته‌ها گذشت... و امروز من نیز با شما همان معامله را می‌کنم و از خطاهای شما می‌گذرم، از این لحظه هر کس در زیر پرچم اسلام زندگی کند ولو غیرمسلمان باشد، مشمول عفو و رحمت

محبت

اما درباره محبت «عبداعانه الله علی نفسه» که چنین عبدی «من احب عبدا لله» است. از محبوب‌ترین بندگان حق است. در باب محبت به نظر می‌رسد بحث خیلی میدان دارد که چه شرایطی باید در انسان جمع بشود تا محبت خدا را به زلف خودش گره بزند و در جاده این محبت به برترین محبوبیت برسد و بشود «احب عبدا لله». من هر سه قسمت را در حد لازم خدمت شما عرض می‌کنم یعنی هم اعانه بر شناخت خویش و هم اعانه بر عقل و جنود عقل برای پیروزی بر چهل و جنود جهل و هم اعانه بر تمایلات و هواها و در ضمن این بحث ارزش واقعی انسان هم روشن می‌شود. که در پیشگاه خدا چه ارزشی دارد، البته آن شناخت ارزش باعث می‌شود که انسان گوهر و جودش را با غیر خدا معامله نکند. برای اینکه غیر خدا قیمت انسان را ندارد که بپردازد. انسان بعد از شناخت ارزش خودش دیگر با غیر خدا هم وارد معامله نمی‌شود. چون هر کسی با غیر خدا وارد معامله بشود یقیناً دچار خسارت می‌شود نه ضرر.

ارزش انسان

در روایات ما وارد شده امیرالمؤمنین هم در حکمت‌های نهج البلاغه دارند که ثمن وجود شما بهشت پروردگار است. «لیس لأنفسکم ثمن الا الجنة فلا تتبعوها الا بها» با غیر عنایت خدا و لطف خدا معامله نکنید. در بعضی از روایات آمده که ثمن بدن شما بهشت است ولی ثمن جانتان رضوان الله است. اگر بنا باشد خود را بفروشید این دو قیمت را برای فروش خودتان لحاظ بکنید، بهشت و رضوان الله. که هر دو در آیات کتاب خدا قرآن مجید مطرح است.

مرحوم صدر المتألهین هم این بخش را یعنی بخش قیمت انسان را در کتاب با ارزش اسرار الایات خیلی خوب وارد شدند و عذاب خدانسبت به بدن و نسبت به روح و باطن را طبق آیات قرآن تفکیک کردند. می‌فرماید: یک عذاب، عذابی است که بدن را می‌گیرد که در آیات قرآن مجید مطرح است. یک بخشی‌اش هم در سوره مبارکه واقعه است از آیات «واصحاب الشمال ما أصحاب الشمال فی سموم و حمیم و ظل من یحیموم» تا آخرین آیات که مربوط به اصحاب شمال است. این عذاب بدنی است. یک عذاب هم می‌گوید عذاب دل است و آن عذاب این است «انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون» این‌ها در آن روز از پروردگارشان در حجابند. یعنی خود این حجاب و این احساس غربت از خدا در جهنم، ایشان ثابت می‌کند که بار دردت از درد بدن خیلی بیشتر است.

می‌گوید بنده، ثمنش بهشت است و جان، ثمنش رضوان الله اکبر است. «رضوان من الله اکبر» خود همین رضوان را مرحوم صدر المتألهین می‌فرماید وقتی در قیامت این حس به انسان داده شود و به قلب انسان این رضوان من الله جلوه بکند که اکبر از بهشت هم هست. می‌فرماید: خود احساس این لذت، شیرینی‌اش برای عبد از تمام نعمت‌های بهشت بیشتر است. همین‌که احساس کند محبوبش از او راضی است، احساس می‌کند محبوبش

از کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟

تفسیر خطبه ۸۷ نهج البلاغه

حجت الاسلام و المسلمین حسین انصاریان

خطبه ۸۷ نهج البلاغه به بیان بسیاری از شارحان یکی از درخشان‌ترین خطبه‌های این اثر گراندقدر است. این خطبه درباره صفات پرهیزکاران و فاسقان و آگاه‌سازی نسبت به موقعیت اهل بیت در میان مردم است. تفسیر این خطبه را از بیان استاد حسین انصاریان از این شماره در بخش «در پرتو معنا» ادامه می‌دهیم. ■

اولین جمله نورانی خطبه ۸۷ نهج البلاغه «ان من احب عبدا لله الیه عبدا اعانه الله علی نفسه» محبوب‌ترین بندگان در پیشگاه خداوند بنده‌ای است که خداوند به تسلط بر نفسش او را یاری داده» در بردارنده چند محور بسیار مهم است. یکی مسئله عبد است. یکی مسئله محبت پروردگار مهربان عالم به عبد است. بخصوص که در اینجا وجود مبارک امیرالمؤمنین (ع) این محبت را، محبت برتر معرفی می‌کند یعنی اگر پروردگار عزیز عالم بندگان محبوبی دارد در بین این بندگان محبوبش، محبت تر هم وجود دارد و یکی هم مسئله اعانه حضرت حق است. کمک و یاری پروردگار است که آیا این کمک اجباری به عبد می‌رسد یا نه، زمینه دریافت کمک را عبد فراهم می‌کند.

این کمک، کمک ابتدایی است یا این کمک پاسخ به یک حرکت مثبت عبد است. کدام یکی‌اش است؟ اگر اجباری باشد و ابتدایی چه می‌شود و اگر زمینه جذب را عبد فراهم بکند آنچه می‌شود؟ و آخرین قسمت جمله هم «علی نفسه» است که این به چه معناست و این «علی نفسه» جزء محورهایی هست که شارحان نهج البلاغه در آن حرف دارند که این «اعانه الله علی نفسه» یعنی پروردگار عالم این عبدش را کمک می‌دهد که در میدان جهاد اکبر وارد بشود و توان داشته باشد با تمایلات و هواها و خواهش‌های غیرمنطقی نفس مبارزه بکند و در این میدان با کمک پروردگار عالم پیروز بشود یا این اعانه پروردگار اعانه به جنود عقل است برای اینکه جنود جهل را از میدان زندگی عبد براند و دور بکند و خیمه حیات عبد فقط غرق روشنایی و نورانیت عقل بشود البته آن عقلی که میل طبیعی‌اش اتصال به حق است. یا نه منظور از «اعانه الله علی نفسه» کمک به شناخت نفس است یعنی شناخت وجود خویش که با یاری پروردگار انسان، منظور از این نفس وجود خود انسان باشد، انسان با یاری پروردگار خودش را بشناسد که این خودشناسی دری برای ورود به بسیاری از حقایق و بسیاری از معارف الهیه است. چنانکه در فرمایش‌های رسول خدا و امیرالمؤمنین آمده عرفان به نفس کلید عرفان به حق است. آیاتی هم در قرآن در این زمینه وارد شده است. منظور کدام یک از این سه مسئله است؟



پرتوهای نور خاکستر زرد منبع باغ مکتوم از عالم پر



خیلی او را دوست دارد، خود این احساس غیر از آن میوه‌ای است که معشوق می‌گذارد پیش آدم.

۴ | خودشناسی

اما اعانه بر خودشناسی. خودشناسی یکی از بهترین دانش‌ها و علم‌هاست و باشئونی هم همراه است. آیاتی که درباره ترغیب به خودشناسی و زمینه خودشناسی که به طور نمونه به چند مورد اشاره می‌کنم: آیه اول، سوره مبارکه ذاریات آیه ۳۰ و ۳۱. «وفی الارض آیات للموقنین» در خود این زمین نشانه‌هایی است برای کسانی که جاده یقین را طی می‌کنند یا الان در حال یقین هستند و این نشانه‌ها و علائم همه جهتشان به طرف پروردگار مهربان عالم است. هر گیاهی که از زمین روید وحده لاشریک له گوید. گوش می‌خواهد تا تسبیح موجودات را بشنود و چشم می‌خواهد تا جهت گیری موجودات را به طرف وجود مقدس حضرت حق ببیند که این آیات و این نشانه‌ها، نشانه بر خالقیت، ربوبیت، حکمت و توحید پروردگار است. چون حضرت حق اوصافش در وجود مخلوقات به تناسب مخلوقات جلوه گراست.

آیه دوم، فصلت، آیه ۵۳. «سنریهم» این یکی از آیات غیبی قرآن است یعنی زمانی این آیه نازل شده که این ابزار اصلاً در عالم نبوده. تلسکوپ و میکروسکوپ نبوده، سفرهای فضایی نبوده، عکسبرداری‌ها نبوده و این مراکز رصدی بسیار مهم جهانی نبوده که کیهانشناسان‌هایی که میلیون‌ها سال نوری با زمین فاصله دارند بتوانند با آن دوربین‌ها و عدسی‌های بسیار ضخیم رصد بکنند. لذا پروردگار خبر از آینده می‌دهد که همین زمان است. «سنریهم آیاتنا فی الافاق» خود نریهم فعل مضارع است. یعنی در آینده من ارائه می‌دهم و نشان می‌دهم و نشانه‌های خودم را در اطراف عالم هستی «وفی انفسهم» و در وجود خود



در بعضی از

روایات آمده که

ثمن بدن شما

بهشت است

ولی ثمن جانتان

رضوان الله است.

اگر بنا باشد

خود را بفروشید

این دو قیمت

را برای فروش

خودتان لحاظ

بکنید، بهشت و

رضوان الله

انسان‌ها، خیلی عجیب است که وجود کنار آفاق ذکر شده است که آدم می‌خواهد به این شعر و شاعرش بگوید.

خود تو یک عالم بزرگ و بزرگتر هستی. برای چه نشان می‌دهم آیاتم را در آفاق و در وجود خود بندگانه. غایتش این است. «حتی» حتی برای غایت می‌آید. «اکلت السمكة حتی رأسها» حتی یعنی دیگر آن مغی را در غایت قرار دادن. «حتی یتبین لهم انه الحق» تا حق بودن وجود مقدس برای همه اصلاً آشکار بشود در مقابل تماشای چشمشان قرار بگیرد.

برای خودشناسی این دو آیه را به عنوان نمونه خواندم که خدا اصرار و ترغیب و تشویق دارد بر خودشناسی. حالا برای خودشناسی کامل پنج سؤال باید مطرح شود که این سؤالات بسیار مهم است و به نظر می‌آید که این سؤالات از زمانی که انسان وارد کره زمین بوده در درونش مطرح بوده، به این پنج سؤال جواب هم خیلی دادند اما تنها جواب کامل و جامع صد درصد جواب وحی و انبیاء و ائمه طاهرین است که همه جانبه انسان را می‌شناسند.

سؤال اول: کیستم؟ یعنی من چه جایگاهی دارم و چه کسی هستم و چه هستم؟ باید خود را بفهمم. جزء کدام گروه از موجوداتم. حیوانم. غیر حیوانم. مال عالم دیگر هستم. خاکیم. عرشیم. فرشیتم. جایگاهم را بشناسم. کیستم.

سؤال دوم: از کجا می‌آیم؟

سؤال سوم: به کجا آمده‌ام؟

سؤال چهارم: برای چه آمده‌ام؟

سؤال پنجم: به کجا می‌روم؟

این پنج سؤال را بخوانیم زیر پنج تا لغت زیبا قرار بدهیم. کیستم یعنی دارای چه جایگاهی هستم. از کجا می‌آیم، میدآم کجاست. به کجا آمده‌ام یعنی ظرفم الآن چه ظرفی است. برای چه آمده‌ام یعنی چه مسئولیتی دارم و به کجا می‌روم یعنی عاقبتم چه خواهد شد. □

حکمت‌های قدسی

مراد در روزهای خوشی خود یاد کن

| جواد محدثی

راز خلقت



ان الله جل جلاله الله يقول: عبدی! خلقت الاشياء لاجلك و خلقتك لاجلی. وهبتك الدنيا بالاحسان والاخره بالایمان. خداوند متعال می‌فرماید: بنده من! همه اشیا را به خاطر تو آفریدم و تو را به خاطر خودم. دنیا را از روی احسان به تو بخشیدم ولی آخرت را به خاطر ایمان. کسی که بهای وجود خودش را بداند و جایگاه خویش را در هستی بشناسد، نه عمر را به غفلت می‌گذراند، نه تن به گناه می‌دهد. انسان اشرف مخلوقات است و خداوند همه هستی را مسخر او ساخته و جهان را برای او آفریده و ابرو و باد و مه و خورشید و فلک را به کار انداخته است تا آدمی به معرفت و ایمان دست یابد و غافل از فلسفه وجود نباشد و به خدا برسد. همه عالم به خاطر انسان و انسان برای خدا! و چه مقامی بالاتر از این؟ آنچه را آفریدگار عطا کرده، همه از روی تفضل و احسان او بوده است، نه استحقاق بشر تا در دنیا با سرمایه ایمان، سعادت آخرت را به دست آورد و از اینجا برای آن سرای ابدی ره توشه بردارد.

قلب رازدار

قال الله تعالی: الاخلاص سرمن اسراری استودعه قلب من احبته من عبادی. خداوند می‌فرماید: اخلاص رازی از رازهای من است که آن را در دل هر یک از بندگانش که دوست داشته باشم، به ودیعت می‌گذارم. معیار ارزش اعمال نیت و انگیزه است. کسی که عبادت و احسان و انفاق و جهاد می‌کند، ولی نه برای رضای خدا بلکه تا بندگان ببینند و او را ستایش کنند، کار خود را به بهای ناچیز فروخته است.

رسیدن به مرحله اخلاص کاری دشوار است. برای خدا بودن، برای خدا زیستن، برای رضای او دوستی و دشمنی کردن، دل را از ریا پاک ساختن. عبادت را برای خدا خالص ساختن، مرتبه‌ای والا از خودسازی و تهذیب نفس است. وقتی کارها را ارزیابی کنند، نمره قبولی از آن کسی است که عملش رنگ اخلاص داشته باشد. در بازار عمل و جزا برای کارهای ریایی قیمتی نیست و اجر و پاداشی نمی‌دهند. این است که اخلاص گوهری نفیس است و در قلب بندگان ویژه خدا به ودیعت نهاده می‌شود.

یاد خدا

اوحی الله تعالی الی داوود (علیه السلام): اذکرنی فی ایام سرائک حتی استجیب لک فی ایام سرائک. خداوند متعال به داوود (علیه السلام) وحی فرمود: مراد روزهای خوشی خود یاد کن تا من هم در روزگار گرفتاری ات تو را اجابت کنم.

در سختی‌ها و گرفتاری‌ها و بیماری‌ها همه به یاد خدا می‌افتند. هنگام اضطراب، همه در پی یک روزنه نجات‌اند و دست به سوی خدا دراز می‌کنند و از او فرج و گشایش می‌طلبند. ولی... خدا، خدای همیشه و همه جاست، در خوشی‌ها و راحتی‌ها و نعمت‌ها هم باید به یاد او بود و به درگاه او روی آورد و با او آشنا و مأنوس گشت.

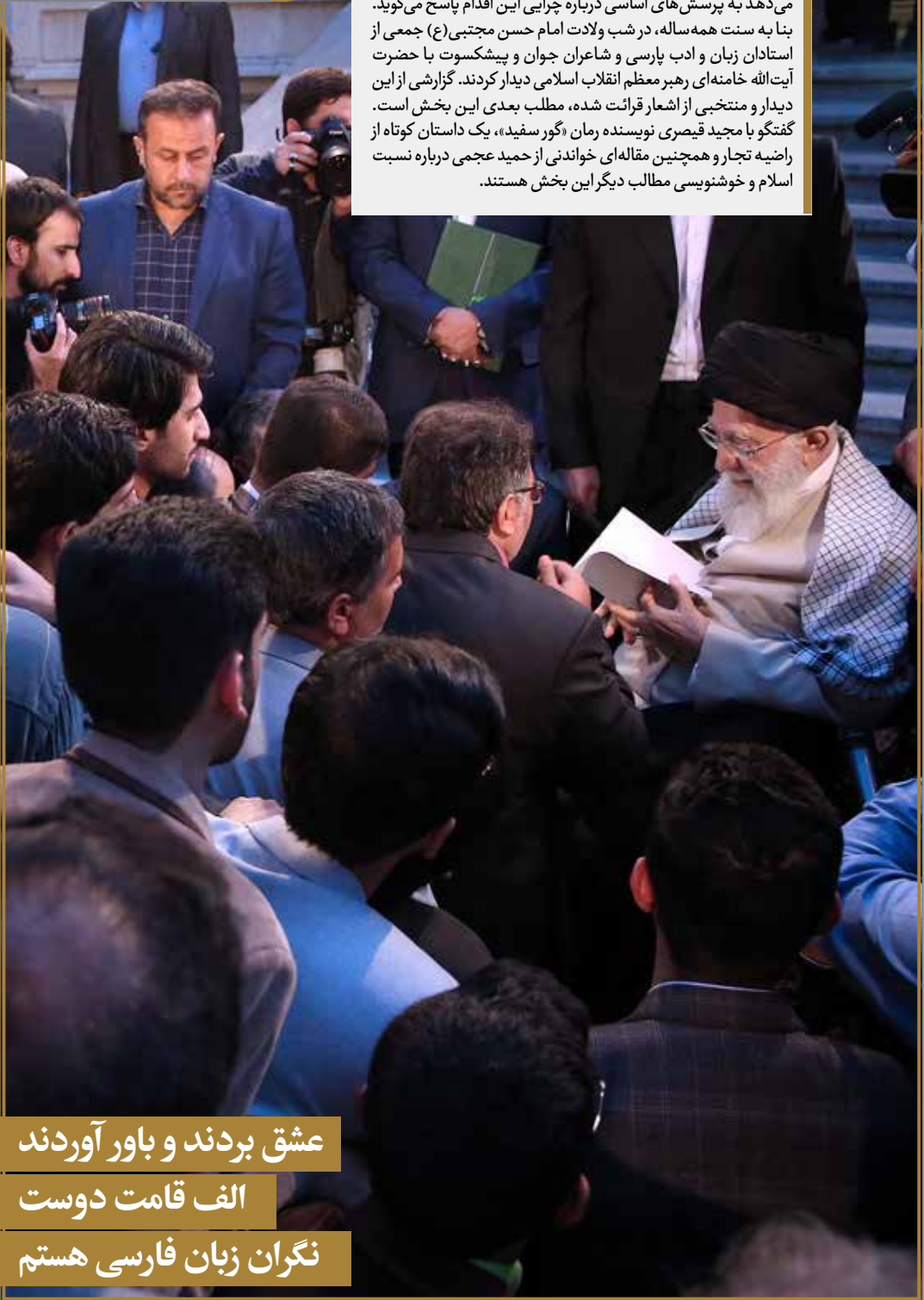
کسی که تنها در روزهای درماندگی و گرفتاری به یاد خدا بیفتد و سراغ او برود، بی‌معرفت است؛ مثل آن که در موج دریا و هنگامه خطر خدا را صدا بزند اما همین که پایش به خشکی رسید و خطر رفع شد، باز هم غفلت از خدا و بی‌اعتنایی به فرمان او. آیا این شرط بندگی است؟ او همیشه منتظر است تا قلب مؤمن به یاد او باشد و دست حاجتش به سوی خدا بلند شود و از عبادت و بندگی بنده‌اش به فرشتگان مباحث می‌کند. آیا مادعوت او را لبیک می‌گوییم؟ □





« فرهنگ و هنر

رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضان خود با شاعران نسبت به زبان فارسی ابراز نگرانی فرمودند. به همین مناسبت نخستین مطلب این بخش به چرایی غلط نویسی‌های رایج در زبان ما پرداخته است. در این مقاله با اشاره به اینکه هر روز هزاران غلط در زبان فارسی با ابزارهای نو و سنتی منتشر می‌شود و حیات زبان فارسی را در این شرایط در معرض خطر قرار می‌دهد به پرسش‌های اساسی درباره چرایی این اقدام پاسخ می‌گوید. بنا به سنت همه‌ساله، در شب ولادت امام حسن مجتبی (ع) جمعی از استادان زبان و ادب پارسی و شاعران جوان و پیشکسوت با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. گزارشی از این دیدار و منتخبی از اشعار قرائت شده، مطلب بعدی این بخش است. گفتگو با مجید قیصری نویسنده رمان «گور سفید»، یک داستان کوتاه از راضیه تجار و همچنین مقاله‌ای خواندنی از حمید عجمی درباره نسبت اسلام و خوشنویسی مطالب دیگر این بخش هستند.



عشق بردند و باور آوردند

الف قامت دوست

نگران زبان فارسی هستیم



درباره چرایی

غلط نویسی های رایج

تیشه به ریشه

خیلی حرف‌ها را شکلک‌های صفحه کلید گوشی یا استیکرها می‌زنند. در صورت نیاز هم از فایل صوتی استفاده می‌کنند. این‌گونه است که اصلاً کاری به کار زبان فارسی ندارند. کلماتی هم که می‌نویسند، غلط یا درستش برای شان اهمیتی ندارد. مهم این است که سریع ارسال شود. انگار کسی برای زبان فارسی وقت ندارد.

در این بین برخی از دوستداران زبان فارسی از خطرات ناشی از ترویج غلط نویسی‌ها می‌گویند. بهادر باقری، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی می‌گوید: این بی‌م می‌رود که تا چند سال دیگر کسی نتواند متون قدیمی را بخواند و با آن‌ها ارتباط برقرار کند، چون تیراژ آن چه در فضای مجازی گسترش پیدا می‌کند به میلیون‌ها بازدید می‌رسد و وجود غلط در یک متن با تیراژ میلیونی مثل این است که یک ویروس خطرناک در یک محیط جمعی گسترش پیدا کند که جبران آن کار ساده‌ای نیست.

اما به گفته عده‌ای دیگر، زبان فارسی قوامش بیش از آن است که بخواد با فضای مجازی و شوخی‌های نوجوانان در این فضا آسیب ببیند.

حسن انوشه، سرپرست گروه نویسندگان دانشنامه «ادب فارسی» معتقد است که غلط نویسی از قدیم در زبان فارسی بوده و می‌گوید: غلط نویسی‌هایی هم که این روزها در زبان فارسی از طریق فضای مجازی و یا دیگر روش‌ها رایج شده، رفته رفته درست می‌شوند و به اصل زبان فارسی آسیبی نمی‌زنند.

هر روز هزاران غلط در زبان فارسی با ابزارهای نو و سنتی منتشر می‌شود. در حالی که عده‌ای حیات زبان فارسی را در این شرایط در معرض خطر می‌بینند، عده‌ای هم معتقدند زبان برای پویایی خود به چنین شرایطی نیاز دارد و خود را به مرور، بی‌آن که آسیبی ببیند اصلاح خواهد کرد.

بررسی موضوع غلط نویسی در زبان فارسی با چند سؤال همراه می‌شود؛ چند سؤال که هر کدام شان ده‌ها سؤال در خود دارند. سوال‌هایی که حتی برخی شان برای معمولی‌ترین شهروندان هم با عبور از سطح شهر، نگاه به برخی کتاب‌ها، چند دقیقه گوش دادن به رادیو یا تماشای تلویزیون، گشت و گذار در دنیای مجازی و در یک کلام، بودن در اجتماع ممکن است ایجاد شود. این سوال‌ها در حالی از برخی اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی، استادان دانشگاه، نویسندگان و مترجمان پرسیده می‌شود که برای برخی از آن‌ها اصلاً خود غلط نویسی‌ها سؤال است؛ این‌که برخی چیزها چرا به راحتی و عمداً غلط نوشته می‌شوند و هیچ‌کس هم به آن‌ها توجهی نمی‌کند.

در این مسیر با وجود مشابهت‌هایی که در پاسخ‌ها وجود دارد، نمی‌شود نظرات همه را همسو دانست. برخی آن قدر نگران این وضعیت هستند که انگار یکی از عزیزان شان در معرض خطری جدی است، اما برخی دیگر خیال آسوده‌تری دارند و می‌گویند «نگران نباشید! درست می‌شود». خبرنگار «ایسنا» در این گزارش سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد.

❏ فضای مجازی و سلبریتی‌ها

دنیای مجازی آن قدر با دنیای واقعی هم پوشانی پیدا کرده، که در هر جا و برای هر مشکلی به متهم ردیف اول تبدیل می‌شود. مجازی‌ها این روزها، «که» را «ک» و «به» را «ب» می‌نویسند. با کلمات هر طور که بخواهند بازی می‌کنند. اصلاً می‌شود گفت اگر مجازی نباشی، زبان‌شان را متوجه نمی‌شوی. هر چند که جمعیت زیادی از فارسی‌زبانان حالا مجازی هستند. مجازی‌ها برای برقراری ارتباط حتی کم‌تر هم به رسم الخط فارسی رجوع می‌کنند، چون

مجازی را برای استفاده آموزشی آن به رسمیت بشناسند و آن را شایسته ورود بدانند، می‌توان از فضای مجازی در جهت حفظ زبان فارسی کمک گرفت.

❑ تیغ دودم رسانه‌ها بر تن زبان فارسی

شاید اصلاً نباید از فضای مجازی توقعی داشت یا این‌که آن را معیاری قرارداد برای سنجش میزان غلط‌نویسی‌های مردم. این رادیو و تلویزیون است که در دسترس همه است و چندین ناظر و متولی آن را تحت نظر دارند. امیدمان بر آن بود که اگر رادیو را روشن یا یکی از کانال‌های تلویزیون را تماشا می‌کنیم، فارغ از غلط‌ها بتوانیم زبان فارسی را در سلامت کامل نظاره کنیم.

اما انگار ویروس فضای مجازی وارد جعبه جادویی و همراه همیشگی‌اش رادیو هم شده است. رادیو که تنها راه ارتباطی‌اش با مردم صدایی است که با زبان فارسی به گوش می‌رسد، از همان آغاز صبح برای این‌که بگوید از جنس مردم است و عصا قورت نداده، گاهی شبیه مردم و دنیای مجازی‌شان غلط می‌گوید. این غلط‌ها به اقتضای ندیدن شکل کلمات و این‌که املایی نیستند، اما با ساختارهای صرفی و نحوی زبان، تلفظ کلمات و درست به کاربردن هریک از آن‌ها، بازی خطرناکی را شروع کرده‌اند.

محمد حسینی، نویسنده و ویراستار، در این باره و با اشاره به رعایت نکردن مرتبه زبانی توسط رادیو بیان می‌کند: رادیو یک کار عجیب و غریب می‌کند و آن هم رعایت نکردن مرتبه زبانی است. رادیو را که باز می‌کنید فکر می‌کنید در محله جاهل‌ها به سر می‌برید؛ لحنی که با مخاطبان میلیونی خود حرف می‌زند و تصور می‌کنند که صمیمیت است. اما این‌طور نیست و مرتبه زبانی جامعه را تغییر می‌دهند و این مرتبه، به مرتبه معیار تبدیل می‌شود. این‌ها زبان رسمی و معیار جامعه نیستند.

او می‌افزاید: تلویزیون هم که فاجعه است؛ خصوصاً در برنامه‌هایی که رسمی است و مجری‌ها از روی یک متن می‌خوانند که پر از غلط‌های عجیب و غریب است. حتی امکان ندارد همان مجری را اگر بیرون با کلاشینکف هم تهدید کنید بگوید «بدین وسیله خریداری گردید» یا «می‌باشد». فضای مجازی تأثیری در ترویج غلط‌نویسی‌ها و آسیب رسیدن به زبان ندارد و دوره‌ای کوتاه مدت است که لطمه‌ای نخواهد زد؛ بلکه این مراکز رسمی و رسانه‌های رسمی هستند که باعث آلودگی زبان فارسی شده‌اند.

میرجلال‌الدین کزازی، استاد زبان و ادبیات فارسی با بیان این‌که بی‌گمان رسانه‌های نو در این زمینه بسیاری می‌توانند هم سودرسان باشند و هم زبان بخش، اظهار می‌کند: رسانه‌ها از جمله رادیو، تلویزیون، روزنامه یا دیگر رسانه‌های آگاهی‌رسان، به تیغ دودم می‌مانند؛ بسته به این‌که از آن‌ها چگونه بهره ببریم می‌توانند به زبان آسیب برسانند. در زمانی کوتاه، لغزشی زبانی می‌تواند در دامنه‌ای بسیار گسترده پخش بشود. حتی روستایی که در دهی، پشت کوهی است می‌تواند این لغزش را به کار بگیرد. از سوی دیگر می‌تواند به زبان یاری برساند و آن را توان ببخشد. این



یکی از بهترین

روش‌ها برای

جلوگیری از

غلط‌نویسی و

کمک به زبان

فارسی این است

که از سلبریتی‌ها

که دنبال‌کنندگان

زیادی در

صفحات

مجازی‌شان

دارند بخواهیم

تا به نهضت

«غلط‌نویسیم»

ملحق شوند و هم

خودشان درست

بنویسند و هم

با ویدئوهای

درست‌نویسی را

رواج دهند

این در حالی است که محمدجعفر یاحقی، پژوهشگر و استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد با بیان این‌که ویراستاری می‌تواند زبان را از آفت‌ها و کژتابی‌ها حفظ کند، به شرطی که سامان یافته و نظارت شده باشد، اظهار می‌کند: یک وجه در غلط‌نویسی‌ها این است که به طور طبیعی در زبان فارسی عناصر و عواملی مطرح می‌شود که ممکن است لازمه تکامل و تحول زبان باشد؛ شاید نشود اسم این‌ها را غلط گذاشت چون مصطلح و مورد استفاده عموم است. اوسپس با بیان این‌که آن‌جا که غلط‌نویسی ناشی از عمد، جهل و بی‌اطلاعی باشد، به زبان آسیب می‌زند، می‌گوید: یک وقت چیزهایی هست که ناشی از کم‌اطلاعی، کم‌سوادی و حتی از روی غرض و نظر سوء است که قطعاً آن‌ها بیشتر لطمه می‌زنند و این در ارتباط با شبکه‌های ارتباط جمعی موثرتر است، چرا که سبب گسترش این غلط‌نویسی‌ها می‌شود و همه هم از آن تبعیت می‌کنند و این خطرناک است.

لیلی گلستان، مترجم هم در این باره بیان می‌کند: به نظر من غلط‌نویسی‌های رایجی که شاهدشان هستیم، زبان فاحشی به زبان فارسی می‌زنند. در فضای مجازی نه تنها غلط‌نویسی‌های فاحشی داریم بلکه از لحاظ جمله‌بندی هم بسیار غلط دیده می‌شود و همین غلط‌ها وقتی بیشتر و بیشتر می‌شوند قبح‌شان از بین می‌رود و برای مان عادی می‌شوند و زبان‌ها شروع می‌شود و فارسی زیبای مان از دست می‌رود. شاید غلط‌نویسی‌هایی که بخش عمده‌ای از آن‌ها توسط فضای مجازی رایج شده است تیری برای تخریب زبان فارسی نباشد اما این را نمی‌توان انکار کرد که عامل و مسبب ترویج غلط‌نویسی‌ها بین پیرو جوان بوده است. این را نمی‌توان انکار کرد که خیلی‌ها همواره در پی الگوگیری از دیگران، خصوصاً افرادی هستند که برای‌شان محبوبیت دارند؛ برای همین وقتی می‌بینند سلبریتی مورد علاقه‌شان یک واژه را به نحوی دیگر می‌نویسند قطعاً سعی در الگوگیری از آن و تکرارشان دارند. از همین رو، برای حرکت در خلاف جهت سیل تخریب‌کننده، برخی از دوستان در زبان فارسی، سلبریتی‌ها را عامل ایجاد فرصتی برای آموزش صحیح زبان فارسی می‌دانند و برخی دیگر هم پیشنهاد‌های دیگری برای استفاده مثبت از این فضا دارند.

بهروز محمودی بختیاری، زبان‌شناس و دانشیار پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران می‌گوید: یکی از بهترین روش‌ها برای جلوگیری از غلط‌نویسی و کمک به زبان فارسی این است که از سلبریتی‌ها که دنبال‌کنندگان زیادی در صفحات مجازی‌شان دارند بخواهیم تا به نهضت «غلط‌نویسیم» ملحق شوند و هم خودشان درست بنویسند و هم با ویدئوهای درست‌نویسی را رواج دهند.

محمد کاظم کاظمی، شاعر و عضو گروه علمی برون مرزی فرهنگستان زبان و ادب فارسی درباره چگونگی استفاده از فضای مجازی به عنوان راهی برای کمک به حفظ زبان فارسی و پیشگیری از غلط‌نویسی‌ها می‌گوید: در صورتی که زمینه‌های آموزشی خوبی در این فضا تعبیه شود و نهاد‌های رسمی متولی رسم الخط و زبان فارسی، فضای

دوگانگی به چگونگی کاربرد زبان در رسانه‌ها برمی‌گردد.

کتاب مضر

اما حالا کتاب هم هم‌ردیف فضای مجازی و رادیو و تلویزیون شده است. هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد کتاب که خود مروج درست‌نویسن و درست‌ها بود، حالا در ردیف آن‌هایی قرار گرفته که برچسب آسیب‌رساندن به زبان فارسی می‌خورند. هرچند که تقصیر خودش هم نیست. ناشران کتاب چاپ می‌کنند تا پروانه ناشران باطل نشود؛ گاهی بدون ویراستار، گاهی هم با ویراستارهایی که تخصص لازم را ندارند. چه کسی دلش به حال فارسی کتاب‌ها می‌سوزد؟!

اسدالله امرایی، مترجم با اشاره به این‌که هم ویراستار خوب داریم و هم ویراستار بد، درباره میزان توجه به درست‌نویسی در کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند اظهار می‌کند: برخی از ویراستارها در حد تغییر و تبدیل واژگان عمل می‌کنند اما ویراستارانی هم داریم که متن را با متن اصلی مقایسه می‌کنند و به زیبایی متن اهمیت می‌دهند؛ همان‌گونه که نویسنده خوب و بد داریم، و قطعاً کتاب‌هایی که ویراستاری خوبی نداشته باشند و کمتر به درست‌نویسی و دیگر موارد توجه کنند، مخاطبان کم‌تری نیز دارند.

محمد دهقانی، نویسنده و منتقد ادبی با بیان این‌که تقریباً بدون استثنا هیچ کتاب فارسی از جمله کتاب‌های خودش وجود ندارد که غلط نداشته باشد، می‌گوید: کتاب‌ها اغلب ویرایش نمی‌شود یا نوع ویرایشی هم که انجام می‌شود خوب نیست، چون ما به آن معنا ویراستار نداریم و نهادهای هم نداریم که ویراستار به وجود بیاورد. ویراستاری کار آسانی نیست که هر فرد چهار سال به دانشگاه برود و ویراستار بشود.

موسی بیدج، مترجم و شاعر در این باره اظهار می‌کند: در روزگار امروز به واسطه شبکه‌های اجتماعی، اشکالی ندارد که کلمات مختصر و تلگرافی نوشته شوند تا با حداقل هزینه و حداکثر سرعت، اصل معنای پیام منتقل شود؛ اما به شرطی که در همه زوایای کتابت رایج نشود. در روزگاری که تلگراف ارسال می‌کردند برای کم کردن هزینه‌ها از مختصر کردن کلمات تا جایی که فقط معنا انتقال یابد استفاده می‌کردند. امروز هم ما در شبکه‌های اجتماعی تلگرافی صحبت می‌کنیم. ارسال پیام در شبکه‌های اجتماعی مربوط به کوچه، خیابان و راه است، اما کتاب این‌گونه نیست. خلاصه این‌که این روزها انگار حتی توقع چاپ کتاب‌های بدون غلط از سوی ناشران زیاد است. هرچند که برخی علاوه بر ناشر و ویراستار در این زمینه، از نوع نظارت‌ها و در واقع بی‌نظارتی‌ها گلّه دارند.

خشت اول چون نهد معمار کج

پای نظام آموزشی هم در میان اوضاع فعلی زبان فارسی و غلط‌نویسی‌ها گیر است؛ نظام آموزشی که دانش‌آموزان را با انبوهی از داده‌ها اما بی‌سواد تحویل جامعه می‌دهد، به جای آن‌که از اهمیت خواندن و نوشتن زبان فارسی بگوید، صبح و شب از کنکور و رسیدن به قله دانشگاه می‌گوید. بعد



ما در نظام

تعلیم و تربیت

متأسفانه به

خواندن و نوشتن

اهمیت نمی‌دهیم

و بچه‌های

دبیرستانی ما

دائم مشغول

تست زدن هستند؛

درحالی‌که نه

درست می‌خوانند

و نه درست

می‌نویسند.

آن‌ها به دانشگاه

می‌آیند اما از

نوشتن معمولی

حتی یک خط

عاجز هستند

از این‌ها چطور می‌توانیم توقع داشته باشیم که این نسل بتوانند یک خط کامل را درست بنویسند؟

پیمان خاکسار، مترجم معتقد است که امروزه مردم حتی ساده‌ترین کلمه‌ها را هم غلط می‌نویسند. او در این باره اظهار می‌کند: بسیار می‌بینیم که «ه» انتهای «که» را نمی‌گذارند و دلیل این موضوع را اصلاً متوجه نمی‌شوم. مگر وقتی که صرف گذاشتن یک «ه» می‌شود چقدر است که از این کار پرهیز می‌کنند؟!

او می‌افزاید: این آموزشی است که آموزش و پرورش مسئول آن است؛ نمی‌دانم آموزش و پرورش چه کار می‌کند که این همه آدم بی‌سواد از آن خارج می‌شوند و هنوز هم با داشتن مدرک دانشگاهی املاي درست برخی کلمات ساده را هم اشتباه می‌نویسند. حتی در برخی بیلبوردهای برندهای معروف هم مشکل هکسره وجود دارد؛ چطور هیچ‌کس پس از گذشت مراحل مختلف چاپ و نصب این بیلبوردها به آن‌ها نمی‌گوید هکسره را به اشتباه نوشته‌اند.

اسماعیل امینی، شاعر و مدرس دانشگاه با بیان این‌که خواندن و نوشتن در خط فارسی بخش مهمی از هویت ماست، بیان می‌کند: ما در نظام تعلیم و تربیت متأسفانه به خواندن و نوشتن اهمیت نمی‌دهیم و بچه‌های دبیرستانی ما دائم مشغول تست زدن هستند؛ درحالی‌که نه درست می‌خوانند و نه درست می‌نویسند. آن‌ها به دانشگاه می‌آیند اما از نوشتن معمولی حتی یک خط عاجز هستند. دانشجو‌هایی داشتیم که با رتبه‌های خوب به دانشگاه آمده‌اند اما حتی از نوشتن اسم‌شان عاجز هستند. و این اشکال از نظام تعلیم و تربیت ماست چون همه چیز آن شده است کنکور. مگر چقدر این کنکور حیاتی است؟ نگران این نیستیم که بچه‌های ما خواندن بلد نیستند، حرف زدن بلد نیستند، کتاب نمی‌خوانند، و فقط نگران کنکور و تست زدن هستیم. ما باید روی این مسئله کار کنیم چون نسلی را پرورش داده‌ایم که مدرک دارند اما سواد ندارند.

ارسلان فصیحی، مترجم با بیان این‌که بی‌سوادی باب نشده، بلکه روشده است، می‌گوید: تا وقتی کسی چیزی ننویسد مشخص نمی‌شود که سطح سواد املاي عمومی پایین است؛ اما حالا هر کس یک گوشی در دست دارد و مجال پیدا می‌کند برای نوشتن و مکتوب کردن.

درباره غلط‌نویسی و درست‌نویسن در زبان فارسی حرف‌های زیادی زده شده، هشدارهای زیادی داده شده و مطالب زیادی منتشر شده اما هنوز هم در هر ثانیه تعداد زیادی غلط در زبان فارسی در رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، صفحه‌های کتاب‌ها و همچنین بیلبوردهای سطح شهر منتشر می‌شود.

نمی‌توان امید داشت که انتهای این مطلب با پایان غلط‌نویسی‌هایی که منجر به آسیب دیدن زبان فارسی می‌شود، همراه باشد، اما کاش تلنگری باشد هرچند کوچک برای آن‌ها که باز زبان فارسی مهربان نیستند.

درست است که درخت کهنسال و تنومند زبان فارسی بیدی نیست که با هر بادی بلرزد، اما باید مراقب این درخت پربزرگ و بارود تا از گزند بادهای سهمگین در امان بماند. □

با نقد برخی جریان‌های شعری، جدا کردن جنبه هنری و معنایی شعر و نسبت دادن شعار به شعر متعهد را مغالطه‌ای می‌داند که یا از روی غفلت است یا کم‌سوادی.

رهبر فرزانه انقلاب با اشاره به قتل شعر فارسی مانند سعدی و حافظ و مولوی و فردوسی و آوردن نمونه‌هایی از اشعار هر کدام از این شاعران و همچنین بعضی شاعران بزرگ عرب، شعر این بزرگان را در خدمت به اخلاق و تعهد و معنویت و حکمت می‌شمارد. در حاشیه این صحبت‌ها آقا می‌گوید معتقد است حافظ هم در کنار اشعار معنوی اش شعرهای زمینی نیز دارد. همین‌طور از بوستان به عنوان مهمترین اثر سعدی و مهم‌تر از گلستان نام می‌برد و نهایتاً به کم بودن شعر حکمی علیرغم توصیه‌اش در سال‌های پیش به شاعران اشاره می‌کند.

رهبر انقلاب بخش دوم صحبت‌هایش درباره زبان فارسی را با یک جمله تکان‌دهنده شروع می‌کند: «راجع به زبان فارسی حقیقتاً نگرانم». آیت‌الله خامنه‌ای به فرسایش زبان در جریان عمومی جامعه اشاره می‌کند و با انتقاد از رفتار مجری‌های تلویزیون و رادیو که با تکرار برخی واژه‌های فرنگی باعث ضربه خوردن زبان فارسی می‌شوند، صراحتاً از صداوسیما به دلیل ترویج زبان بی‌هویت و غلط و پراز تعبیرات فرنگی به جای زبان صحیح و معیار و درست گلّه می‌کند. دقت که می‌کنم می‌بینم بیت رهبری تنها مکان حاکمیتی است که دیده‌ام در آن ساعت‌ها ارقام فارسی دارند و نه لاتین؛ انگار این نگرانی نسبت به زبان فارسی، روی انتخاب ساعت‌های بیت هم اثر گذاشته.

رهبر فرزانه ایران که از حرف‌ها و تأکیدهایش نگرانی شدید نسبت به زبان فارسی مشخص است، با ذکر این نکته که در زبان عربی لغات فرنگی، موردتصرف قرار گرفته و تعریب می‌شوند و مثلاً تلویزیون در عربی تبدیل به «تلفاز» می‌شود، لزوم تصرف در واژه‌های وارداتی را یادآور می‌شود و می‌گوید شاید می‌شد به جای تلویزیون و رادیو، کلمه‌هایی می‌ساختیم تا بیشتر شبیه به زبان فارسی باشند.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای سپس با خطاب قرار دادن وزیر ارشاد و رئیس حوزه هنری، از آن‌ها می‌خواهد در حوزه جلوگیری از فرسودگی زبان فارسی تلاش کنند. آقا همچنین می‌گوید در رژیم طاغوت که همه چیز به فرنگی‌ها وابسته بود، در حوزه زبان کارهایی انجام شده بود و ما هم اول انقلاب خوب بودیم اما الان وضع خوبی نداریم.

رهبری در ادامه با نقد وضعیت ترانه‌های کشور از ترانه‌های بدساخت و بدلفظی می‌گوید که در تلویزیون و رادیو خوانده می‌شوند و یا در تیتراژها پخش شده و شایع می‌شوند. آقا انتقال زبان در طول قرن‌های متمادی را به شعرا و نویسندگان نسبت می‌دهد و می‌گوید: «حالا ما نباید زبان را بدیم دست فلان ترانه‌سرای بی‌هنر و بعد هم با پول بیت‌المال منتشر کنیم و در صداوسیما و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی پخش کنیم.»

ساعت ۵ دقیقه مانده به دوازده شب است و رهبر انقلاب حرف‌هایش را در حدود ۲۵ دقیقه جمع می‌کند و با صلواتی ختم جلسه رسمی اعلام می‌شود. □

تمیدیدایش خط که اول از حامی قدرت الهی بودی یا
بعد از آن بهمان سنت الهی از دست خوشیسان جهان بودی یا

رقم سازی ز لوج راز دان
چنین کرد است و شن کشته را
چو لوج و قلم را کرد پید
ز لطف آن قوش شد هویدا
بهر چه بود در علم آچه
بر آن ثبت از حکم آچه

هشدار رهبر معظم انقلاب

نگران زبان فارسی هستیم

« پس از شعرخوانی شاعران در جلسه دیدار با رهبر معظم انقلاب، مجری از رهبری می‌خواهد که برای جمع صحبت کند. آقا می‌گوید حرف‌هایش را گفته و همه شنیده‌اند و وقت را به شعرنخوانده‌ها بدهند. اما مجری می‌گوید با توجه به تعداد بالای شاعرانی که شعرنخوانده‌اند، امکان خواندن همه شعرا نیست. آقا می‌گوید: «وقت هم گذشته و دیروقته. نمی‌دانم ضرورتی دارد صحبت کنیم یا نه و جلسه آمادگی دارد یا نه؟» این صحبت آقا با صلوات جمعیت روبه‌رو می‌شود و آقا که تمایل شاعران را برای صحبت‌هایش می‌بیند حوالی ساعت ۲۳:۳۰ صحبت‌هایش را شروع می‌کند.

رهبر انقلاب از خوب بودن و فراتر از انتظار بودن جلسه امشب می‌گوید و خدا را بابت پیشرفت حرکت شعری در کشور شکر می‌کند و در مقابل به جریان شعرعاشقانه محض و عربی و پیشرفت نکردنش اشاره می‌کند و از امیدواری‌اش به شعرانقلاب می‌گوید.

بخش اول صحبت‌های آیت‌الله خامنه‌ای درباره شعر است. رهبری با اشاره به آیه «علمه‌البیان» بیان و شعرا را از معجزات آفرینش و بالاتر از خورشید و ماه و ستارگان می‌شمارد. در ادامه با اشاره به قدرت رسانه‌ای شعر، مسئولیت‌آوری قدرت شعر را یادآور شده و تعهد شعر را قرار گرفتن در خدمت جریان روشنگری الهی در طول تاریخ بشر ذکر می‌کند. ایشان در ادامه

گزارشی از دیدار جمعی از شعرا با رهبر معظم انقلاب

عشق بردند و باور آوردند

| علی جاوشی



بنا به سنت همه‌ساله، در شب ولادت با سعادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) جمعی از استادان زبان و ادب پارسی و شاعران جوان و پیشکسوت با رهبر معظم انقلاب دیدار کردند. شهرستان ادب گزارشی از این دیدار را تهیه کرده که منتخبی از آن را می‌خوانیم. ■

وارد حیاط باصفای بیت رهبری می‌شویم. حیاطی است حدود ۱۵۰ متر که درخت‌های کاج و شاخه‌های شمشاد حسابی سرسبز کرده است. دیدار شعرا، تنها دیدار رمضان‌ی آقاست که پس از افطار شروع می‌شود و تا پاسی از شب ادامه دارد. در حیاط روی زیراندازهای نه‌چندان راحتی می‌نشینیم و منتظر آقا می‌مانیم تا بیایند. هنوز غروب نشده؛ ساعت حول و حوش ده دقیقه به هشت است که آقا از دری در ضلع جنوب غربی، وارد حیاط پرشاعر سرسبزی می‌شود. شعرا بلند می‌شوند و صلوات می‌فرستند. آیت‌الله خامنه‌ای در بدو ورود، موسوی گرمارودی را می‌بیند که روی یک صندلی نشسته. با هم خوش‌وبشی کوتاه می‌کنند. امیری اسفندقه نفر بعدی است که آقا با او احوال‌پرسی می‌کند. در همین بین می‌بینم که وزیر ارشاد هم وارد حیاط شده. جمعیت شعرا که تا پیش از آمدن آقا در صفوف نسبتاً منظمی جا گرفته بود، با ورود آقا به حیاط کاملاً به هم می‌ریزد. رهبر انقلاب روی یک صندلی پشت به قبله و رو به جمعیت می‌نشیند و حالا شاعران نشسته نشسته خود را به آقا می‌رسانند تا سلام بدهند.

پس از نماز و افطار به سمت طبقه بالای حسینیه و اتاق مراسم اصلی راه می‌افتم. می‌رسم به طبقه بالا. اتاق دیدار، کوچک‌تر از تصور است. خوبش این است که می‌شود آقا را از فاصله‌ای نزدیک دید. اکثر شعرا شماره صندلی دارند و روی صندلی‌های از پیش تعیین شده می‌نشینند. آقا چند دقیقه بعد وارد می‌شود و شاعران به احترامش روی پا می‌ایستند و صلواتی می‌فرستند. آقا در راه رفتن به سمت صندلی اش، با شاعران خوش‌وبش می‌کند.

در میان شاعران اول زکریا اخلاقی را می‌شناسد و احوال او را می‌پرسد. بعد از اخلاقی، آقا متوجه می‌شود قزوه در میان شاعران جا گرفته و نه در جایگاه اصلی کنار صندلی رهبری، آقا به قزوه اشاره می‌کنند که برود و در جایگاه بنشیند. بعد آقا به سمت بخش زنانه در ضلع شرقی اتاق می‌رود و با خانم‌ها هم سلام و علیکی می‌کند و نهایتاً روی صندلی خودش می‌نشیند. ساعت تقریباً ۲۱:۳۰ است که قاری خواندن آیاتی از قرآن را شروع می‌کند: «أَمَرَ الرَّشُولَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ...» دو آیه انتهایی سوره بقره در زمانی کوتاه قرائت می‌شود و حالا دیگر قرار است جلسه آغاز شود. نگاه همه اتاق، به آقاست...

مرتضی امیری اسفندقه، مجری امسال مراسم، با رخصت از آقا، جلسه را شروع می‌کند: «به نام خداوند جان و خرد/ کزین برتر اندیشه برنگذرد/ خداوند نام و خداوند جای/ خداوند روزی ده رهنمای» امیری پس از این دو بیت از فردوسی، چند بیت غزلی از شاعر معاصر درگذشته، مرحوم سلمان هراتی را قرائت می‌کند:

دیروز اگر سوخت ای دوست، غم برگ و بار من و تو

امروزی آید از باغ، بوی بهار من و تو

آقا که متوجه شباهت ردیف این شعر با شعری معروف شده است، زیر لب زمزمه می‌کند: حالیا چشم جهانی نگران من و توست. که امیری متوجه می‌شود و این بیت هوشنگ ابتهجاج را به همراه آقا می‌خوانند:

روزگاری شد و کس مردره عشق ندید

حالیا چشم جهانی نگران من و توست

نخستین شاعری که مجری برای شعرخوانی از او نام می‌برد، استاد سید علی موسوی گرمارودی است. گرمارودی به آقا می‌گوید ترجیح می‌دهد وقتش را به شاعران جوان بدهد که آقا پاسخ می‌دهد: «شما هم به وقتی جوان بودید، یادمونه، بخونید». و گرمارودی به مناسبت ۲۵ اردیبهشت و روز فردوسی، مثنوی‌ای را با موضوع حکیم توس می‌خواند:

توای برکشیده سخن تا سپهر!

برآورده کاخ سخن تا به مهر!

در بخش‌هایی از مثنوی خطاب به فردوسی خواسته شده است که فردوسی برگردد و وضعیت نامناسب شعر فارسی را سروسامان بدهد. آقا بلافاصله بعد از شعر می‌گوید: «خوب بود. البته فردوسی که نمی‌تونه این کارو بکنه شما باید انجام بدید! نسل جوان باید کار فردوسی رو ادامه بدهد.» ناصر حامدی شاعر دوم امشب است. او ابتدا یک رباعی می‌خواند و سپس شعری آیینی باردیفی زیبا:

باز باران است، باران حسین بن علی

عاشقان جان شما، جان حسین بن علی...

پروفسور سید عین‌الحسن، نخستین شاعر خارجی است که امشب شعر می‌خواند. این استاد دانشگاه هندوستانی، از آرزوی خود برای زیارت رهبر انقلاب می‌گوید و با اشاره به کتاب «مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان» که از تالیفات رهبر انقلاب در سال ۱۳۴۷ است، می‌گوید این کتاب از مواد درسی دوره پیش‌دکتر در دانشگاه است و



دانشجویان به دلیل نبود کتاب در بازار مجبورند از روی نسخه مستعمل کتاب را کپی کنند و از آقا درخواست می‌کند این کتاب تجدید چاپ شود. غزل پروفیسور سیدعین‌الحسن با این مطلع شروع می‌شود:

**تورا همیشه به عهد شباب می بینم
به هر سؤال هزاران جواب می بینم...**

چندین بیت از این غزل با استقبال آقا روبه‌رو می‌شود. آقا در پایان از روانی شعر پروفیسور تعریف می‌کند. نوبت به بانوان شاعر می‌رسد و اکرم هاشمی معرفی می‌شود تا غزلی قرائت کند:

**نشست روی زمین پهن کرد دریا را
کشید پارچه را، متر کرد پهنا را...**

آقا ضمن تشویق هاشمی، از وجه نمادین و سمبلیک شعرا و می‌گوید و برایش آرزوی موفق می‌کند. اعظم سعادت‌مند که به گفته مجری برنامه برگزیده جایزه پروین اعتصامی هم هست شعری مادرانه از کتاب «لیلی آذر» خود می‌خواند:

**ای دهانت لانه گنجشک‌های شاد پرچانه!
کودک من! ای تمام حرف‌هایت فیلسوفانه...**

آقا تقریباً برای هر بیت این شعر آفرین می‌گوید و پس از پایان شعر نیز بیان می‌کند: «چه خوب! سرود مادرانه کاملاً از دل برخاسته شیرین!» مجری حیدر منصور از بوشهر را معرفی می‌کند و می‌گوید او شعری برای خلیج همیشه فارس خواهد خواند. منصور غزلی با این مطلع را می‌خواند:

**صبور مثل درختان پراز بهار بمان
خلیج فارس! سرافراز و استوار بمان**

**اسیر سایه این ابرهای تیره مشو
به روشنایی فردا امیدوار بمان...**

آقا می‌گوید: «حق خلیج فارس را ادا کردید» و با مکتی اضافه می‌کند «در شعر لااقل!» جمعیت به خنده می‌افتد. اولین شعر طنز امشب را یک روحانی می‌خواند. حجه الاسلام مهدی پرنیان، نقیضه‌ای سروده به شعر معروف «دو کاج» اثر استاد محبت که با یادی از ایشان قرائت می‌کند:

در کنار خطوط سیم پیام / خارج از ده دو کاج رویدند

سالیان دراز رهگذران / آن دورا چون دو دوست می‌دیدند

بله آن کاج‌ها نه تنها دوست / بلکه یک زوج باوفا بودند

کاج و کاجه کنار هم با عشق / غرق خوشبختی و صفا بودند

به اینجا که می‌رسد آقا ناگهان می‌گوید: «بچه دار هم شدند!» و خنده دوباره از جمع بلند می‌شود. شاعر در این شعر، از سواد رسانه‌ای پایین کاج‌ها در مواجهه با اینترنت و فضای مجازی سخن گفته و با اصطلاحات فضای مجازی هم شوخی کرده است. آقا در پایان ضمن تشویق او می‌گوید: «ماشالله طبعتون طبع جوال آماده‌ای است. از این استفاده کنید.»

نوبت به یوسفعلی میرشکاک می‌رسد. میرشکاک گفت‌وگویی صمیمانه با آقا دارد. آقا در پاسخ سلام میرشکاک می‌گوید: «چشمام روشن! خیلی وقت بود ندیده بودیم شما رو.» که میرشکاک نیز در پاسخ بالحنی خودمانی می‌گوید: «قربونت برم آقا» او شعری از کتاب جدیدش با نام «آنجا که نامی نیست» برای حضرت زهرا (س) می‌خواند که ابیات زیر تشویق آقا را به دنبال دارد:

با توجه به سلیقه

ادبی بسیاری

از مخاطبان

سال‌های اخیر

شعر و شخص

رهبر انقلاب،

سپید خواندن

در شب‌های

شعر رهبری

خیلی جسارت

می‌خواهد.

سیدرسول پیره،

تنها شاعر امشب

است که سپید

می‌خواند آن هم

با موضوعی آیینی

مصدر واجب و ممکن زازل تا به ابد

باده وحدت و خم خانه کثرت زهراست

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه

سر سمرستی هفتاد و دو ملت زهراست

غایت سیر و جود است رسیدن به علی

غایت سیر علی هم چو بدایت زهراست

آقا در آخر در حق میرشکاک دعا می‌کند: «خدا ان شالله شما روز الطاف ویژه بانوی دو عالم برخوردار کنه.» رضا شریفی از فارس شاعر دیگری است که غزلی تقدیم رهبر انقلاب می‌کند:

حتی اگر به قیمت شاهانه زیستن

تنگ است زیر منت بیگانه زیستن...

تا می‌رسد به این بیت که:

ویرانه بوی دوست اگر می‌دهد بگو

من راضی ام به گوشه ویرانه زیستن

آقا از شریفی می‌خواهد این بیت را دوباره بخواند. بعد از خوانش دوباره، آقا به جای «من راضی ام» در مصرع دوم می‌گوید: «من عاشقم به گوشه ویرانه زیستن» پیشنهاد آقا را جمعی از شعرا هم تأیید می‌کنند.

بیت آخر غزل هم تضمینی است از میلاد عرفان پور:

در عشق اگر چه منزل آخر شهادت است

تکلیف اول است شهیدانه زیستن

شریفی توضیح می‌دهد که بیت آخر از میلاد عرفان پور است و او به استقبال از این بیت رفته است. آقا می‌گوید: «آفرین» و با مکت کوتاهی اضافه می‌کند: «آقای عرفان پور!» شوخی آقا باز هم از جمعیت خنده می‌گیرد.

با توجه به سلیقه ادبی بسیاری از مخاطبان سال‌های اخیر شعر و شخص رهبر انقلاب، سپید خواندن در شب‌های شعر رهبری خیلی جسارت می‌خواهد. سیدرسول پیره، تنها شاعر امشب است که سپید می‌خواند آن هم با موضوعی آیینی. همه منتظر واکنش آقا به شعر سپید عاشورایی پیره هستند. آقا پس از پایان شعر خوانی می‌گوید: «خیلی خوب. البته تن احمد شاملو در قمری می‌لرزد که شما شعر سپید را در این راه مصرف کردید! آخه ایبوشن مخالف این حرف‌ها بود. طیب‌الله.» باز هم صدای خنده جمعیت بلند می‌شود.

امیری اسفندقه، عاطفه جعفری را شاعری افغانستانی معرفی می‌کند که شعری برای فاطمیون خواهد خواند. جعفری غزلی برای شهدای فاطمیون می‌خواند:

کوچه‌ها مان پراز سیاهی بود، شهر را از عزادار آوردند

چشم‌های ستاره‌ها خندید، ماه را سمت دیگر آوردند...

قصه‌ها را یکی یکی خواندند، آخر ما جراسفر کردند

عاشقی هم برایشان کم بود، عشق بردند و باور آوردند

وقتی جعفری بیت بالا را می‌خواند، آقا متاثر می‌شود و اشک در چشمانش حلقه می‌زند و چشمانش را با دست می‌پوشاند. در پایان هم ضمن تشویق شاعر می‌گوید: «شهدای مظلوم فاطمیون، جا داره که واقعاً به آن‌ها پرداخته بشه.» ساعت نزدیک یازده و بیست دقیقه است و آخرین شاعرها هم شعرهایشان را می‌خوانند و منتظر سخنان رهبری می‌مانند. □

گزیده‌ای از اشعار خوانده شده در دیدار شعرا با رهبرانقلاب

اسیر سایه این ابره‌های تیره مشو



ناصر فیض

سیاست رانمی خواهم نه از نزدیک، نه دورش ندارد چون پدر، مادر نه آن جورش نه این جورش دلی دارند خوش هر چند معذورین از مأمورش مرا هرگز دلی خوش نیست از مأمور و معذورش سیاست جنگ بین عده‌ای سیاست اگر باشد همین کافی است روگردانم از هر چه سلحشورش اگر ربطی ندارد با سیاست - فی المثل - دریا چه شد که در ارومیه درآمد ناگهان شورش نمی شد خشک و دریا داشت اینک دلبری می کرد اگر که آب را هرگز نمی کردند مجبورش وطن یعنی همین جایی که می نامد مرادشمن به جرم عشق ورزیدن به آن همواره مزدورش فدای خاک پاکش می کنم این جان شیرین را شود در کام من چون زهر اگر هم شهد انگورش به طاووسش نمی بخشم اگر خواهد کسی از من به قدر نیم بالی از دو بال پشه کورش کسی می گفت منظور تو را ما خوب فهمیدیم نمی دانم چه بود از اینکه با من گفت منظورش ولی من یک دعا خواندم فرستادم ثوابش را به روح پرفتوح والد مرحوم مغفورش پس از آن مصرعی زیبا به یادم آمد از حافظ سلیمان با چنان حشمت نظرها بود با مورث ولی بعد از سلیمان هر که هر چه پافشاری کرد نشد باری نظر بر مورث کردن هیچ مقدورش برای آنکه گاهی آدمی طوری بد اقبال است که حتی ماهی مرده نمی افتد ته تورش که گاهی بی شراب تلخ هم با آن به هر صورت بیاساید به دنیا ساعتی را بی شر و شورش

•••••

سیاست، چیز خوبی نیست مخصوصاً در آن دوران که هر کس زور می گوید به هر کس می رسد زورش سیاست گاه مانند زنی زیباست اما من گذشتم از سرخیر سفید و سبزه و بورش نه از معذوران دارم دلی خوش نه به هر علت همانطوری که گفتم از سیاست های مأمورش



محمد فخرزاده

قدم می زنم، راه را می شمارم همین عمر کوتاه را می شمارم اگر روزی از سن و سالم بپرسی غزل های ناگاه را می شمارم ورق می زنم صفحه روزها را خبرهای دلخواه را می شمارم سر هر دوراهی، رفیقی جدا شد رفیقان همراه را می شمارم دلم وقتی از بی وفایی بگیرد شب کوفه را چاه را می شمارم قدم می زنم تا تماشای خورشید شب خالی از ماه را می شمارم ...



حیدر منصوری

صبور مثل درختان، پراز بهار بمان خلیج فارس! سرفراز و استوار بمان بخند، موج به موج از کرانه ها برخیز برقص و هلپله کن، مست و بی قرار بمان اسیر سایه این ابره‌های تیره مشو به روشنایی فردا، امیدوار بمان دهان هلپله ناخدای بندر باش طنین شروه جاشوی این دیار بمان بمان برای جهان سربلند و پابرجا بمان، ترانه مغرور روزگار بمان میان نقشه جغرافیای سینه ما خلیج فارس بمان و پرافتخار بمان



ناصر حامدی

باز باران است، باران حسین بن علی عاشقان جان شما، جان حسین بن علی خواه بر بالای زمین و خواه در میدان مین جان اگر جان است قربان حسین بن علی شمرها آغوش وا کردند، اما باک نیست وعده ما دور میدان حسین بن علی ... در همین عصر بلا پیچیده عطر کربلا عطر باران صوت قرآن حسین بن علی هر کجای خاک من بوی شهادت می دهد عشقم ایران است، ایران حسین بن علی دست بالا کن بگو این بار با صوتی جلی دست های ما به دامان حسین بن علی



هادی محمد حسینی

با گرد باد خانه به دوش از وطن بگو با من که سال هاست غریبم سخن بگو با هر کسی نمی شود از راز عشق گفت من نیز عاشقم غم خود را به من بگو ما همنشین جام می و باده نیستیم با شمع سینه سوخته از سوختن بگو باتیشه نیز راه به دل های سنگ نیست این نکته را به سادگی کوهکن بگو دیگر پس است هر چه دم از پیرهن زدیم ای عشق حرف تازه بزن از کفن بگو



﴿ حسین دهلوی ﴾

هرچند اینکه سخت شکستی دل من است
غمگین مشو! که شیشه برای شکستن است
من دوستی به جز تو ندارم؛ قسم به عشق
هرکس که غیر از این به تو گفته است، دشمن است
چشمان من مسیر تو را کم نمی کنند



﴿ مهدی خان محمدی ﴾

ای خنجر آب دیده، ما تشنه کارزاریم
لب بسته زخمیم اما در خنده، خون گریه داریم
تا سرزند آفتابی، هرگز ندیدیم خوابی
از چشم سرخ شرابی، پیدا است شب زنده داریم
با سیّ اسبان تکاندیم از کوه ها خستگی را
ماییم از نسل خورشید، برقله ها تک سواریم
تا کاروان پس از ما، پیدا کند راه از چاه
یارد پایا که پایی در جاده جامی گذاریم
هر چند حالا خموشیم، وقتش رسد می خروشیم
یک روز خرما فروشیم، یک روز بالای داریم
«امشوالی الموت مشیا...» این است جانبازی ما
یعنی که فرزند حیدر لب تر کند ذوالفقاریم

﴿ حسین علی پور ﴾

دل خواست از تو بگوید تا بلکه سامان بگیرد
اما کجا نخل بی سر، دیده شده جان بگیرد؟
مردی که از سرگذشت ست از طفل و همسر گذشت ست
در خون خود غوطه خوردست تا عید قربان بگیرد
مردی که رفته بگوید عباس دوران عشق است
تا بیرق کربلا را با چنگ و دندان بگیرد
تا راه زینب بماند تا رسم کوفی بمیرد
رفته است تا جان بیازد رفته است تا جان بگیرد!
بازار شام است و سبلی ست، دنیا پر از شمر خولی ست
زینب نباید دوباره شام غریبان بگیرد
بعد تو مثل سکینه دشنام دیدیم و کینه
آتش گرفته ست سینه، ای کاش باران بگیرد
ای کاش می شد بدانند رفتی که اینان بمانند
ای کاش حلقومشان را داستان و جدان بگیرد
گفتی که مانند عمار در فتنه پشت علی باش
حتی اگر عمر و عاصی بر نیزه قرآن بگیرد
از کرخه پل زد به تدمر از پانفتاد و اینست
مردی که حکم جهاد از پیر جماران بگیرد
می گفت دشمن نباید نزدیک ایران بیاید
تا فتنه از نو مبادا راه خیابان بگیرد
به آرزویت رسیدی عباس زینب شدی تا
مولا بیاید سرت را بر روی دامان بگیرد
در شأن نام تو چیزی در این قصیده نیامد
لکنت گرفته ست شعرم بگذار پایان بگیرد



﴿ سید عین الحسن (شاعر هندوستانی) ﴾

تورا همیشه به عهد شباب می بینم
به هر سؤال، هزاران جواب می بینم
هنوز عطر تو در شیشه های سر بسته است
هنوز نیم جهان را به خواب می بینم
گذشت عمر شریف ز چارده صد سال
چه عطر تازه که در این کتاب می بینم
می طهور به دل های تشنه ریخته ای
چه جوششی ست که در این شراب می بینم
تو مثل ماه شب چارده درخشانی
فدایی تو هزاران شهاب می بینم
فریب کرمک شب تاب را نخواهم خورد
که ظلم را همه در اضطراب می بینم
کسی که شیوه دینداری اش ابو جهلی است
چو بولهب همه اش در عذاب می بینم
خوار جند و کشیدند تیغ بر مولا
چه فتنه ها که به زیر نقاب می بینم
چه وعده های فتوحی که می رسد ما را
چقدر قصر ستم را خراب می بینم
چه کاخ های سفیدی که می شوند سیاه
چه نورها که در این انقلاب می بینم
صلای نصر من الله می وزد از قدس
ز سوی حق طلبانش جواب می بینم
عجب قیامت کبری به راه افتاده ست
چه ها به بارگه بوتراب می بینم
قیامتی تو و سرمشق عشق و عاطفه ای
تورا شفیع به روز حساب می بینم
اشاره ای ست ز انگشت تابناک، حسن
پس از غروب اگر آفتاب می بینم
پس از غروب اگر آفتاب می بینم
تورا همیشه به عهد شباب می بینم



﴿ یوسف علی میرشکای ﴾

واپسین موقف معراج حقیقت زهراست
سر توحید در آیین غیرت زهراست
روح آدم، شرف خاتم، دردانه غیب
ذات عصمت، نفس صبح قیامت زهراست
مصدر واجب و ممکن زائل تا به ابد
باده وحدت و خم خانه کثرت زهراست
خشم و خشنودی حق، غایت پاداش و جزا
رایت رحمت و تمهید شفاعت زهراست
به عبادت نرسد عادت دینداری ما
گردانیم که معیار عبادت زهراست
منشأ بود و نبود، آینه پرداز و جود
وحدت غیب و شهود احدیت زهراست
در نمایی که وضویش بود از خون جگر
قبله باطن ارباب طریقت زهراست
نه همین ام ابیهاست به تقدیم وجود
شخص روح القدس و شأن ولایت زهراست
جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
سر سرمستی هفتاد و دو ملت زهراست
غایت سیر و جود است رسیدن به علی
غایت سیر علی هم چو بدایت زهراست



﴿ عاطفه جعفری (شاعر افغانستانی) ﴾

کوچه هامان پراز سیاهی بود، شهر را از عزادار آوردند
چشم های ستاره ها خندید، ماه را سمت دیگر آوردند
شاخه هایی که سرفرازانند، میوه هایی که جلوه باغند
مادران مثل ام لیلیانند، که پسر مثل اکبر آوردند
روی تابوت هایشان بستند، پرچمی که به رنگ خورشید است
فاطمیون فداییان حرم، سرورانی که سر بر آوردند
قصه ها را یکی یکی خواندند، آخر ماجرا سفر کردند
عاشقی هم برایشان کم بود، عشق بردند و باور آوردند
عصر یک جمعه بهاری بود، همه در انتظارشان بودیم
بادهای بهاری از هرباغ، لاله هایی معطر آوردند



« آقای قیصری «گور سفید» بیش از هر چیز وامدار یک تم داستانی جذاب و حیرت‌انگیز است و بدون شک این سؤال برای هر مخاطبی وجود دارد که این



قصه چقدر واقعیت دارد؟

ما حافظه جمعی داریم و خاطره هر قومی و ملتی می‌تواند با رجوع به خاطرات خودش از قصه‌ها و داستان‌ها برداشت‌های متفاوتی بکند اما آنچه در عالم داستان مهم است باورپذیری است. اگر خواننده‌ای داستانی را خواند و باور کرد دیگر مهم نیست که این واقعه در عالم واقع رخ داده باشد یا خیر. داستان گور سفید یادآوری حکایت‌های بسیاری است که در پیرامون ما رخ می‌دهد و حافظه جمعی خوانندگان به دنبال نشانه‌های واقعی‌تری است مانند کسانی که می‌خواستند با اسیدپاشی در اصفهان دست به پاک‌سازی بزنند یا...

چهره‌ای که از یک سرباز و حتی فرمانده بازگشته از جنگ در قصه شما روایت می‌شود بسیار تلخ و خارج از تعاریف موجود درباره آن هاست.

این همه تلخی و سیاهی برای روایت و خلق یک شخصیت چه دلیلی دارد؟

یکی از وظایفی که داستان و کلاً هنر بر عهده دارد آشنایی زدایی است. این تصور که همه سربازان یک شکل



گفتگو با مجید قیصری درباره رمان «گور سفید»

دگردیسی هولناک یک ذهن پاک

داستان بلند «گور سفید» تازه‌ترین اثر داستانی مجید قیصری است که از سوی نشر افق در ایام نمایشگاه کتاب تهران منتشر شد. قیصری در گور سفید در مقام نویسنده‌ای جسور به روایتی از زندگی یک رزمنده بازگشته از جنگ پرداخته است. رزمنده‌ای که کشاکش تغییرات اجتماعی ایران پس از جنگ او را به جایی رسانده است که خود را در نقش یک اصلاح‌گر اجتماعی می‌بیند و دست به تصفیه انسانی جامعه می‌زند. قیصری شرح این دگردیسی هولناک و نیز آنچه در ادامه آن برای این فرد رخ می‌دهد را در این داستان بلند روایت کرده است و هنر او در این روایت نه قصه‌پردازی صرف که سفر به درون ذهن و زبان این رزمنده و راوی داستان است که برادر اوست. «مهر» به بهانه انتشار این اثر با وی به گفتگو نشستیم. ■



باورپذیر بودن شخصیت صالح اولین دغدغه‌ام بود. این که بعدها صالح تبدیل به نماد تفکری یا نحله فکری بشود نمی‌دانم. فکرمی‌کنم کمی زود است که درباره‌اش حرف بزنیم. اما بد نیست بدانیم که کارکرد اسطوره، الگوی تکرارشونده آن است. زمانی که شخصیتی را می‌گوییم اسطوره شده که الگوی روایتش تکرارشونده باشد

راسر می‌دادند «برادارتشی، چرا برادرتشی؟». ولی با این شعار صدای تیر قطع نشد و کف خیابان جوانان ما می‌افتادند و زمانی که پا از شهر خودم بیرون گذاشتم و برای دفاع از کشورم در مقابل دشمنی متجاوزگر قرار گرفتم، می‌دانستم که دارم می‌روم به پیشواز مرگ یا کشته شدن یک «برادر مسلمان دیگر». فکر کنم وقتی یک نوجوان، ذهنش یک دهه به این فکر که توسط برادر دینی‌اش کشته می‌شود یا یکی از آن‌ها را می‌کشد، انباشته شود؛ کفایت کند تازه است ناخودآگاه به این مضمون فکر کند. یادمان باشد برادرتشی نتیجه است؛ علت این قتل مهم است. می‌تواند علت در هر دوره‌ای چیزی باشد؛ خیانت، حرص و طمع، شهوت یا حسادت باشد.

نکته‌ای که من در «گور سفید» پس از خواندن قصه متوجه شدم نوع روایت شما است که به نظرم در شرح واقعه؛ هم در خارج از فضای ذهنی راوی و هم در بستر اتفاقاتی که داستان را پیش می‌برد؛ بدون پیچیدگی‌های مرسوم برای کشف و رمزگشایی از دل یک اتفاق رخ می‌دهد. آیا در این عدم پیچیدگی تعمدی وجود دارد؟

قرار ما این است که پیچیدگی‌ها را ساده کنیم. رسیدن به سادگی دشوارترین راه است. داستان‌های بزرگ دنیا دنبال درک و انتقال همین موضوع هستند. آیا روایت رمان «بیگانه» کامو پیچیدگی دارد؟ یا «مرگ ایوان ایلیچ» و صدها نمونه دیگر. پیچیدگی در روایت گاهی برای فرار طراحی می‌شود. فرار از خیلی چیزها است... این داستان پرده از یک معمای خانوادگی برمی‌دارد و مهم‌ترین دغدغه داستان نشان دادن شخصیتی که به یک قانون رسیده ست و آن قانون را دارد اجرا می‌کند. اگر سادگی در روایت وجود دارد به خاطر نزدیک شدن به شخصیت‌هاست. تمرکز بر اعتراف راوی است. قلیچ می‌خواهد دست به یک خودزنی یا اعتراف بزند. می‌خواهد روایتی از یک پاک‌سازی بزند که خودش از نزدیک شاهدش بوده ولی نمی‌دیده و به مرور کشفش کرده و حالا دارد این کشف را به شکل یک اعتراف در اختیار خواننده می‌گذارد. شخصیت صالح و تیمش، شخصیت‌هایی هستند که در نزدیکی ما زندگی می‌کنند و ما فکر می‌کنیم بسیار پیچیده هستند در حالی که بسیار ساده‌دل‌اند. و همین سادگی علت مخوف و رعب‌انگیز بودن صالح و دوستانش است. به گونه‌ای که دل‌مان برای این همه سادگی می‌سوزد. چرا که تاوان این سادگی را مردمی می‌دهند که نمی‌دانند در همسایگی چه کسی دارند زندگی می‌کنند. شاید هم می‌دانند و کاری از دستشان بر نمی‌آید.

شما تجربه مواجهه‌های عجیب با داستان و نقدهای غیرادبی و حتی سیاسی با اثر داستانی را دارید. مانند اتفاقاتی که برای رمان «باغ تلو» رخ داد. انتظار و حوصله چنین مواجهه‌هایی را برای بار دیگر دارید؟

الآن سرگرم کاربروری چند طرح دیگرم. دل مشغولی این روزهایم، کارهای آتی است. چیزهای زیادی از این دوران و زمانه یاد گرفته‌ام. کمی آبدیده شده‌ام. یادگرفتنی‌ها را می‌شنوم و می‌نوشتیم. نقدهای غیرادبی و حتی سیاسی زمانی که باید تأثیر خودش را رویم می‌گذاشت نگذاشت. نشانه‌اش کارهای بعدی است که کردم. در مقابل بی‌منطقی و لجاجت فقط یک چیز می‌شود گفت: «اگر تو چغندر نپزی، من دیگ نجوشم.» □

و همانند باشند یا پرستاران یا دکترها و فوتبالیست‌ها و ... یک تصور کلیشه‌ای است که من به آن می‌گویم تیپ؛ کافی است کمی به دقت به دوروبر خودمان نگاه کنیم تا از این تصویر کلیشه‌ای فراتر برویم. شکل گرفتن کلیشه کلاً با تبلیغ همراه است. یاد خاطره یکی از دوستانم افتادم که می‌گفت میهمانی از یکی از کشورهای غربی داشتیم؛ چند روزی مسافرت رفتیم؛ شهرها و مناطق مختلف را باهم دیدیم؛ با زنان و مردان بسیاری نشست و برخاست داشتیم؛ روزی در خانه نشستیم بودیم، تلویزیون را روشن کردیم؛ میهمان ما گفت بزن تلویزیون خودتان؛ گفتم این تلویزیون خودمان است؛ گفت نه! این‌ها همان آدم‌هایی که من دیدم نیستند. شاید اگر سری به زندان‌ها بزنید و با کسانی که از ایران مهاجرت کردند گپی بزنید، بتوانید تصویر واقعی‌تری از هم‌نسل‌هایمان به دست آورید.

راوی داستان (قلیچ) و برادری (صالح) و حتی دختری که در داستان وارد می‌شود و حتی مادر این دو برادر برای مخاطب امروز داستان شما نماد خاصی هستند؟ اساساً دوست دارید داستانتان را نمادین روایت کنید و از مخاطب بخواهید که از ظاهر این شخصیت‌ها و روایت عبور کند و به زیر پوست آن‌ها برسد؟

این که مخاطب چه برداشتی دارد باید منتظر نقدها و نظرهایی بیشتری باشم. کار هنوز تازه است و نظر دوستان و خوانندگان دارد کم‌کم به دستم می‌رسد. ولی آنچه تاکنون به دستم رسیده؛ شخصیت صالح را به خوبی دیده‌اند. در نزدیکی خود کسانی را شناخته‌اند که بعضی از خصوصیات صالح را داشته‌اند. باورپذیر بودن شخصیت صالح اولین دغدغه‌ام بود. این که بعدها صالح تبدیل به نماد تفکری یا نحله فکری بشود نمی‌دانم. فکرمی‌کنم کمی زود است که درباره‌اش حرف بزنیم. اما بد نیست بدانیم که کارکرد اسطوره، الگوی تکرارشونده آن است. زمانی که شخصیتی را می‌گوییم اسطوره شده که الگوی روایتش تکرارشونده باشد. متأسفانه شخصیت صالح چنین ویژگی دارد و این که شما می‌فرمایید شخصیت یا شخصیت‌های این داستان نمادین هستند از همین جانشنا می‌گیرد.

شما تم‌های موضوعی و متنوعی را در داستان‌ها و رمان‌هایتان مورد استفاده قرار داده‌اید. چه مسئله‌ای شما را در این روزهای خاص اجتماعی و سیاسی در ایران به سمت این روایت یعنی برادرتشی و دیگر خشونت‌های ناشی از تعصب دینی هدایت کرده؟

به باور من، تم داستان چیزی نیست که نویسنده آن را انتخاب کند. نویسنده آن را کشف می‌کند. هر زمانه‌ای تم خاص خودش را تولید می‌کند و تحت تأثیر یک یا چند تم می‌چرخد. وظیفه ما تشخیص این تم‌هاست. شاید دیگران در این عصر و زمان تم‌های دیگری را تشخیص بدهند. من زمانی که پا به کوچه گذاشتم، لاستیک‌ها را آتش زده بودند و چشم‌ها می‌سوخت از گاز اشک‌آور، صدای تیر توی کوچه‌ها و خیابان‌ها قطع نمی‌شد و مردم این شعار

یک لگه سرخ نور

داستانی خواندنی درباره عشق

راضیه تجار

و همین که چشم باز می‌کرد باز آقا جان پایین می‌آمد، قد می‌کشید. باریک و بلند روبه رویش می‌ایستاد: «همدم نگفته بودم پیاله شکر را از وسط اتاق بردار؟ می‌خواهی پیالم به آن بخورد و همه جا پراز شکر شود؟». همدم هنوز دست نماز نگرفته، عصا را برمی‌داشت و با سرانگشتها ظرف شکر را جلو می‌کشید و آن را زیر پایه میبل پنهان می‌کرد. بعد بلند می‌شد تا از روی فرشی از سوزن بگذرد. به هر جان‌کنندنی بود می‌رفت و دست نماز می‌گرفت.

با صورت آب‌چکان می‌آمد و روی میبل می‌نشست. میز کوچکی را جلو می‌کشید، سجاده را پهن می‌کرد و نمازش را نشسته می‌خواند، اما هنوز سلام نداده بود که نق او بلند می‌شد: «زن! قیچی باغبانی من کجاست؟» نگفته بودم آن را از این جا بردار؟ نشد یک بار چیزی را بخواهم...». او به زحمت نمازش را تمام می‌کرد. از جا بلند می‌شد و با پاهایی که سوزن سوزن می‌شد و مفصل‌هایی که صدا می‌کرد، می‌رفت و از زیر تل رختخواب‌ها قیچی را بیرون می‌کشید و آن را لبه طاقچه می‌گذاشت.

- دفعه آخر خودت این جا گذاشتی، چرا حواست را جمع نمی‌کنی مرد؟ چرا همه چیز را از من می‌خواهی؟
اما دیگر جوابی نبود. انگار که یکی بود و یکی نبود که غیر خدا هیچ‌کس نبود و همدم می‌زد زیر گریه. آن وقت زن همسایه می‌آمد توپاشنه در می‌ایستاد و می‌گفت: «خیالاتی شدی که تنهایی خیالاتی ات کرده، که دخترت، دخترت، دخترت، دخترت».

آقا جان مرده بود. این را عینک شیشه شکسته سرتاقچه می‌گفت که مدت‌ها همان جا بود و قیچی باغبانی که زنگ زده بود و یاس دیواری که خشک شده بود و درخت پیوندی گلانی که شسته‌ها... همدم گاهی هم کنار پنجره اتاق می‌رفت، پنجره‌ای که روبه زمین چمن باز می‌شد. زمینی که مستطیل شکل بود و سبز سبزی می‌زد، اما وقتی که آقا جان مرده بود انگار که همه جایش را خاکستر پاشیده بودند.

جوان‌هایی هم که آن وسط به دنبال توپ گرد می‌دویدند، همه نقشی از جوانی او را که مرده بود داشتند. انگار که داشت جلوی آینه‌ای که تا بی‌نهایت را نشان می‌داد، بازی می‌کرد. درست مثل سی و چهار سال پیش، اما هر وقت که همدم از نگاه کردن خسته و خسته‌تر می‌شد آن‌ها هم یکی یکی همراه توپی که پرواز می‌کرد، توی آسمان پرمی‌کشیدند و به طرف دروازه‌ای که روبه طرف مغرب بود، می‌رفتند و می‌گذشتند. تا جایی که او دیگر نمی‌توانست ببیندشان. آن وقت مجبور می‌شد برگردد و آرام آرام به طرف میبل برود که هنوز گرمای تن آقا جان در آن بود. تا بنشیند و ساعت‌ها به غباری نگاه کند که روی همه چیز را پوشانده بود و به ساعت دیواری که عقربه‌هایش روی همان ساعتی که آقا جان مرده بود، خوابیده بود. بعد او از سایه درخت‌ها بود که می‌شد فهمید تا تنگ غروب

آقا جان مرده بود؛ چرا که مدت‌ها بود عینک پنسی اش روی طاقچه بود. با شعاع‌هایی از شکستگی که در شیشه سمت راست آن افتاده بود و بر کلاه شاپویش هم، سوراخی که مثل خوره پیش می‌رفت و هر روز بزرگتر از روز پیش می‌شد. برای همدم، باور این اتفاق چندان هم دشوار نبود. مگر نه این‌که یاس دیواری خشک شده بود و به جان گلانی پیوندی باغچه شته افتاده و پله‌های زیرزمینی که آب باران سست‌شان کرده بود، فرو ریخته بود.

به همین دلیل ساعت‌ها روی میبل چرمی پای کوتاه یادگار او می‌نشست و به همه روزهایی که پر شده از یادش بود، فکر می‌کرد. آقا جان همیشه همین‌جا می‌نشست، درست همین‌جا. بر تشکچه پنبه‌ای مربع‌شکلی که رویه‌ای چهل‌تکه داشت و روی میبل جاسازی شده بود و به رادیوی فادای سبز کوچک دوموچش گوش می‌داد. بی‌آن که همدم را ببیند و یا صدایش را بشنود.

بعد رفتنش هم، همدم بود که بیشتر ساعات روز روی همین میبل می‌نشست و بانوک انگشتانی که لاغر بودند و زرد، شروع به نوازش رویه تشکچه می‌کرد، اما دیگر حوصله این را نداشت که بلند شود و عینک را از لبه طاقچه بردارد تا از روی روزنامه کهنه، اخبار جنگی را که دیگر نبود، بخواند و یا چراغ سبزرادیوی دوموچ را روشن کند و به نوایی گوش کند که آن همه آقا جان را سرشوق می‌آورد. فقط دوست داشت گاهی بانوک عصا دست بچقه‌اش را از زیر میبل بیرون بکشد؛ برای این‌که بنشیند و چهل‌تکه بدوزد، اما همین‌که به زحمت سوزن را نخ می‌کرد و می‌آمد که شروع کند، آقا جان جلوی پیش می‌ایستاد و بین او و خورشید قد می‌کشید و سایه سیاه و درازش را سد نور می‌کرد، تا جایی که همدم مجبور به اعتراض می‌شد: «مرد برو کنار، بگذار کارم را بکنم».

اما آقا جان لج می‌کرد و همان‌طور بالای سرش می‌ایستاد که: «پس دواهای من چه شدند؟ غذایم کو؟ آب هندوانه‌ام؟!». همدم آه می‌کشید. سوزن را به لب پارچه‌ای که می‌دوخت، می‌زد. آن را به گوشه‌ای می‌انداخت. پنجه دستش را به دور گلوی عصای چوبی که سری به شکل زده‌ها داشت حلقه می‌کرد و به زحمت راست می‌ایستاد، اما تارو برمی‌گرداند آقا جان بالا می‌رفت، بالا و بالاتر. کنج سقف می‌نشست و شروع می‌کرد به تار بستن.

آن وقت صدای زن همسایه تو سر همدم می‌پیچید که «خیالاتی شدی زن، خوب دوسه روزی برو خانه دامادت، پیش نوه‌هایت. هم هوایی می‌خوری و هم فکر و خیال از سرت می‌رود». همدم دوباره برمی‌گشت طرف میبل، روی تشکچه می‌نشست و ساعت‌ها و ساعت‌ها به روبه‌روزل می‌زد. تنها یک بار بلند می‌شد تا لقمه‌ای غذا بخورد و دواهایش را و بعد دوباره روی میبل می‌نشست و این بار مجاله و کوچک شده می‌خواهید تا صبح.



چقدر مانده است.

تنها ساعت هفت صبح را از آمدن زن همسایه بفهمد. زن، لاغرو لندوک بود. باموهای تنک و چشم‌هایی مورب. می‌آمد و همان طور توی پاشنه در می‌ایستاد. هیچ وقت حاضر نمی‌شد تو بیاید و یا روی صندلی لهستانی کهنه‌ای که همان جلوی در بود، بنشیند.

اما با چشم‌هایش همه جای اتاق را می‌گشت و آب دهانش را فرو می‌داد و می‌گفت، خیالاتی شدی، چرا نمی‌گویی دخترت، دخترت، دخترت، دخترت....

نه نمی‌دید. آقا جان را نمی‌دید که آن بالا به سقف چسبیده بود. شیشه شیر را به دستش می‌داد و با چشم اتاق را می‌گشت و همدم دلش می‌خواست زن زودتر برود تا صبرش، صبر زردش مثل یک گل، چتر باز کند. همه جا را زیر پیرش بگیرد به این امید که دخترش بیاید. از وقتی که آقا جان مرده بود ریشه او هم قیچی شده بود. می‌گفت که گرفتار است، که کار دارد، که بچه‌ها، که شوهرش... همدم تحمل می‌کرد؛ تنهایی را. ساعت‌ها و ساعت‌ها و توی خلوتش به دخترش هم فکر می‌کرد. به او که روزگاری دختر کوچکی بود. موهای سیاهی داشت با چتر زلفی که روی پیشانی‌اش می‌ریخت و چشم‌هایی که مثل دانه تسبیح، سیاه بودند. به آن روزها که روی زانوی آقا جان می‌نشست و لی لی لی لی حوضک بازی می‌کرد و برایش می‌خواند: «هل و گهر، حلوا ترو قرص قمر...»، اما حالا....

از آن سال‌ها چقدر گذشته بود. به اندازه چینهایی که کنار لب و پایین چشم و روی پیشانی‌اش را پوشانده بودند؟ به اندازه دانه دانه موهای سیاهی که رنگ‌شان پریده بود؟

همدم امروز هم چون هر روز تنها بود، راستی چرا دخترش نمی‌آمد؟ مخصوصاً حالا که آقا جان قهر کرده و لب از روی لب بر نمی‌داشت.

غروب بود که کلید در قفل چرخید. تمام گردی صورت دخترش در قاب ظاهر شد. همدم انتظار خنده او را داشت، اما... چقدر خسته‌اش دید. پس بچه‌ها کجا بودند؟ دختر آمد مثل همه دخترهایی که به دیدن مادرشان می‌روند و همدم صدایش را نونشید، گرد پایش را چون سرمه به چشم کشید. از تلخی چهره‌اش به خود لرزید و بعد سایه‌اش را بین خود و خورشیدی که می‌رفت تا غروب کند، دید.

- می‌دانی مادر، می‌خواستم چیزی بگویم. رویم نمی‌شود اما... ما احتیاج به پول داریم. می‌دانی که زمین می‌سازیم، اگر، اگر می‌شد این جا را فروخت. اصلاً خانه را می‌خواهی چکار؟ تنهایی، خیالات برت می‌دارد. دعایی می‌شود. اگر بخوای نزدیک خودمان اتاقی برایت...

همدم به حلقه برنجی کهنه دستش خیره شده بود. حلقه چه می‌لرزید. سرش را بلند کرد. آقا جان آن بالا بود. داشت نگاهش می‌کرد. می‌خواست بگوید نه، اما دختر را دید که به طرف صندوق رویه مخمل گوشه اتاقی رفت.

حالا شده بود یک دختر بچه کوچک، با چتر زلفی برپیشانی و پاهایی که لجوجانه روی سقف صندوق کوبیده می‌شد. می‌خواهم، می‌خواهمش. قفل توی مشت دختر بود. همدم نگاهی دوباره به آقا جان کرد که کنار پینه رفته بود و خیره به زمین چمن. همیشه همین بود. هر وقت که باید به دادش می‌رسید، دیگر نبود. اگر هم بود دیگر نبود و حالا باید چکار می‌کرد؟

همدم دستش را دراز کرد و سرازدها را چسبید. به زحمت بلند شد و از روی فرش از سوزن گذشت. دست به گلویش برد. کلید کوچک طلائی را که به نخ سیاهی بود، درآورد. به زحمت خم شد و کلید را در قفلی که در مشت دختر بود، پیچاند.

در صندوق باز شد. بر روی چند قواره پارچه ندوخته، خلعتی‌اش بود و بردش و لابه لای آن‌ها سدر و کافور و جوب کوچکی از درخت انار و تربت آب‌نندیده و بر روی همه، قبالة خانه. همدم فقط خلعتی‌اش را برداشت و آهسته آهسته به طرف میلی برگشت که هنوز گرمای تن آقا جان را داشت، اما دید که دختر قبالة را برداشت. باز کرد. ورق زد، زیر و رو کرد و در ساک دستی‌اش جاداد. حالا می‌رفت تا برایش چای درست کند و یا با دستمالی گردگیری کند. شاید هم جارویی می‌کشید، اما چرا سر بلند نمی‌کرد تا تیله شکسته چشم‌های همدم را نگاه کند.

دقایقی دیگر دختر رفته بود و در صندوق همان طور باز. همدم خلعتی را به تن کشیده و سرش را به پشتی میل تکیه داده بود و چشم‌ها بر هم. آفتابی که می‌رفت غروب کند، برپیشانی‌اش مهری نشانده بود. شاید تنها نقطه گرم وجود او همین یک لکه سرخ نور بود، که تا دقایقی دیگر هم دیگر نبود. که غروب به شب می‌پیوست. □

نگاهی نو به رابطه اسلام و هنر خوشنویسی

الف قامت دوست

| حمید عجمی

در ماه گذشته مراسم اهدای جوایز برگزیدگان مسابقه خوشنویسی جهان اسلام توسط سازمان همکاری‌های اسلامی برگزار شد. در این مسابقات هنرمندانی از ایران توانستند ۱۲ جایزه برتر را در رشته‌های مختلف از آن خود کنند. مقاله زیر که به این هنر اسلامی از دریچه‌ای نو نگاه انداخته به همین مناسبت برای شما انتخاب شده است. ■



« آنچه هنر را قوام می‌بخشد، فراق است. اما چه کند انسان بی‌پناه که هر چه در تدبیر

رفع حجاب و فراق در عرصه هنر می‌کوشد، تلاش و تدبیرش منتهی به تغلیظ حجاب‌ها و شیفتگی مضاعف می‌گردد که البته در قلمرو معارف اصیل اسلامی این تلاش تحقق بخش حقیقت انسانی است و جایگاهی



بس رفیع دارد. مدید مدتی است که دل‌باختگان عرصه هنر، در فراق محبوب ازلی، به نجوا با قلم شکسته و الفاظ دلفریب و دلی‌آکنده از آرزوی دیدار، گلایه خویش را بر گوش عالم برمی‌خوانند و چون شمعی پرفروغ، مسیر در پیش را منور می‌کنند. بدان امید که بر مکر فلک مستولی گشته، نسیم وصل را به جان خویش بشارت دهند.

فلک را غیر از این خود نیست کاری

که یاری را جدا سازد ز یاری

« در میان همه هنرها خوشنویسی را می‌توان مهم‌ترین نمونه تجلی روح اسلامی به شمار آورد، که خود قرآن نیز بر اهمیت نوشتن تأکید کرده است. « در اولین سوره نازل شده (علق ۴۳)، خداوند قادری متعادل توصیف شده است که انسان را به وسیله قلم آموزش داد، و در سوره قلم، سوگند این‌گونه آغاز می‌شود: «نون» و قسم به قلم و آنچه می‌نویسد. « موضوع نوشتن» در سوره‌های دیگر قرآن نیز یافت می‌شود. «بل هو قرآن» مجید فی لوح محفوظ، بلکه این کتاب قرآن بزرگوار الهی است که در لوح محفوظ حق نگاشته است. »

بدین ترتیب نوشتن دارای منشأ الهی است. حتی امروز نیز مسلمانان سرنوشت را «مکتوب» (نوشته شده) می‌نامند و در زبان ترکی به «آنچه با دست نوشته شده» می‌گویند و بدین ترتیب در بسیاری از اشعار، خداوند «کاتب سرمدی» نامیده شده است.

بر این گواه، اول کاتبی که قلم و لوح بیافرید و به اراده خویش امر به کتابت بر لوح نمود حضرت باری تعالی است؛ تا آنچه از ازل باید متعین شود به عینیت ظهور کرده، نظام آفرینش قرار یابد. «قرآن علاوه بر سخن از راز و رمز قلم و لوح، تمام زندگانی انسان را تحت الشعاع پدیده «نوشتن» قرار می‌دهد. آیا خداوند فرشتگان را ناگزیر نکرد که چون کاتبان عمل کنند؟... کراما کاتبین (فرشتگان کاتب)»

بر این اساس اصل کتابت و نوشتار در ساحت وجود علمی، توسط اراده خداوند صورت پذیرفت. اما به یقین منظور ما از کتابت و نوشتن در عرصه بروز ظهور عالم شهادت است و کاتب را بر این معنی می‌شناسیم؛ آن کس که قلم به دست گرفته با مرکب بر صفحه بیاضی، کلمات را خوش بنگارد.

«حروف به گونه‌ای اسرارآمیز با موجودات انسانی پیوند می‌یابند. چنین احساسی به دو طریق صورت می‌بندد. از سویی، انسان الفبایی عمده گزیده است که معنای آفرینش بدان وسیله بیان می‌شود. از سوی دیگر، چون خوشنویسان حروف را تعلیم می‌دهند، به

حرف قامت دوست

موجودات انسانی شبیه‌اند. بنابراین، احتمال دارد حروف حالت روحی نویسنده را بازتابانند.»

باری، همان‌گونه که خلق عالم به اراده حضرت حق و جل و علا بازی می‌گردد، کتابت و فعل قلم بر لوح محفوظ نیز بر همان اراده استوار بوده و هست و خداوند است که فاعل مطلق قلمداد می‌گردد. هر کاتبی که بر سیل تجلی قلم می‌راند، به یقین از فیض فاعل علی الاطلاق بهره‌مند است.

کاتب اول

در سیر خلقی ایجاد، آغازگری که خلیفه حضرت باری تعالی است با عنوان انسان کامل، تکامل بخش و مبدع هر پدیده‌ای است که بر همین اساس می‌توان گفت کلیه علوم الهی و هنرهای قدسی و در نهایت تجلیات ملکوتی از رأی و نظر حضرت انسان کامل بهره‌مندند.

دریای کهن چو بر زند موجی نو
موجش خوانند و در حقیقت دریاست



کاتبان وحی و عنقای مغرب کتابت، همانا حضرت مولانا و مولی‌الکونین، امام‌الموحیدین، یعسوب‌الدین، امیرالمؤمنین، علی بن ابی‌طالب، روحی و ارواح‌العالمین لتراب مقدمه‌الفداء پیوند رازناکی با گذشته ایام و اکنون این مسیر به وضوح داشته است. بزرگی که قرآن ناطق است و به کلام معجز نظام خویش بارها با ندای «سلونی» همه حق‌طلبان وادی حیرت را متذکر رفعت و شوکت مقام ولایت مطلقه خویش نمود. قال‌النبی (ص) علی مع‌القرآن و‌القرآن مع علی: علی باقرآن است و قرآن با علی.

علی (ع) و اقوال خوشنویسان

«در تکامل یابی خوشنویسی، ایران نقشی هر چه مهم‌تر داشته است. به روایت معتبر امام اول شیعیان و پسرعم و داماد رسول اکرم (ص) حضرت علی بن ابی‌طالب نخستین فردی بود که به شیوه‌ای شخصی خط معروف به کوفی (منسوب به کوفه) را نوشت. و خوشنویسان بعدی تردیدی به دل راه ندادند که شجره‌نامه خود را، نسل پشت نسل، به آن حضرت برسانند. همان‌گونه که سلطانی مشهدی در نامه شاعرانه خود اشاره کرده است: «شهرت قلم من مرهون نام علی (ع) است.» بدین ترتیب خوشنویسی میان ایرانیان مقام و معنایی بس متعالی‌تر از نوشتن متون به خط خوش داشت.»

خوشنویسان به حرمت پیشه مقدس خویش که همان بهره‌گیری مکتوب و کتابت از کلام و کلمه است، متفقاً دارای سلسله‌ای در طول تاریخ بوده‌اند و هر کدام به حسب شرایط و موقعیت خویش نام مستعاری را از بطن آن طایفه شریف بر خود مستعار می‌کردند و پشت در پشت از مراد و سرحلقه خوشنویسان بهره‌برده‌اند و مراتب سلوک را با حفظ مراتب پی گرفته‌اند و سخت بر این باورند که زینت کتابت و تجلی روح قداست از زمان نزول آیات نورانی قرآن کریم آغاز گشته است و شفاهاً رتبت الفاظ به قوت حنجر مقدس حضرت نبوی و مکتوباً رتبت نوشتار به ید مبسوط حیدر کرار در عالم قابلیت، حضور یافته است. «سوگند به نون و قلم و به عزت پیامبر اُمّی که قلم جز به خاطر او آفریده نشد.»

باری، در طی مسیر پرفراز و نشیب سیر و سلوک عرفانی خط و تحمل ریاضات و افره در فراگیری خوشنویسی سنتی، علی‌السلام هادی راه و مراد حلقه شیفتگان بوده است. «قبل از آن که خطوط متداوله بر روی کار آید و کارگاه عالم را چون این مرقع به جواهر خطوط و نقوش بدیع بیاراید، خطی که دیده اولوالابصار را سرمه‌وار به وحی الهی و اوامر و نواهی رسالت پناهی روشنایی بخشید، خط کوفی بود و ارقام اعجاز نظام حضرت شاه ولایت پناه علی‌السلام در میان است که چشم جان را ضیاء و لوح ضمیر را جلا کرامت می‌فرماید.»

نه تنها حضرت ابوتراب علیه افضل الصلوات المصلین سرسلسله و مقتدای همه خوشنویسان اهل باطن و هدایتگر اقلام محرم و پرشوکت آنان است، بلکه به شواهد متعدد تاریخی و متون کهن و قسمی از شهودات بزرگان وادی حیرت، حضرت ایشان از هنرمندان بزرگ و آغازگران این

در تکامل یابی خوشنویسی، ایران نقشی هر چه مهم‌تر داشته است. به روایت معتبر امام اول شیعیان و پسر عم و داماد رسول اکرم (ص) حضرت علی بن ابی‌طالب نخستین فردی بود که به شیوه‌ای شخصی خط معروف به کوفی (منسوب به کوفه) را نوشت. و خوشنویسان بعدی تردیدی به دل راه ندادند که شجره‌نامه خود را، نسل پشت نسل، به آن حضرت برسانند

«آدمیان زبده و خلاصه کائناتند و میوه درخت، موجوداتند و انسان کامل زبده و خلاصه موجودات آدمیان است. موجودات جمله به یک بار در تحت نظر انسان کاملند، هم به صورت و هم به معنی.» با عنایت به نکات فوق در بررسی مدققانه ساحت خط و کتابت و خوشنویسی و با تکیه بر اقوال بزرگان دین و هنر، جامعه بلند پایه خوشنویسان از بدو حضور و دخالت دادن زیبایی در کتابت و مکتوب، پیوند این هندسه روحانی را که به قول افلاطون: «الخط هندسه الروحانیه ظهرت باله الجسمانیه» است. با امداد از ملکوت عالم نقش بر صحیفه هستی نموده‌اند.



سرمنشاء کتابت

در احوالات معنوی عرفا و علمای اسلامی، روشن است که اکابر وادی ریاضت و افاضل دریای مروت از بحر وجود پرفیض و پرسخاوت ذوات مقدسه بهره‌برده‌اند و اعتقاد راسخ بر آن داشته و دارند که اگر سلسله‌ای از فرق مختلفه عرفانیه ختم به اولیای خاص حضرت باری خصوصاً وصی پیامبر اکرم (ص) نشود، آن فرقه و سلسله در طی مراتب سلوک دچار نقص و نقصان می‌گردند. این طریقت‌ها هر چند که به نام‌های گوناگون خوانده می‌شود ولی در نهایت از یک جا منشعب شده و آن شخص بی‌مانندی چون امیرالمؤمنین، امام‌العارفین حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) است و چنان که اهل طریقی می‌دانند هر طریقتی و هر سلسله‌ای که به آن امام همام ختم نشود از لحاظ اعتبار طریقتی خالی و ساقط می‌شود.

همه خوشنویسان اهل باطن از دور و نزدیک تاریخ، بر این باورند که خوشنویسی سنتی این دیار با سرسلسله



.....

پس از کسب
مدارج عالیه
خوشنویسی همه
اکابر و اعظام
این هنر شریف بر
این مهم قائلند
که بلند پایه ترین
خوشنویس
آن است که در
عین تصرف در
شاکله صور و
هندسه موجود در
خط، بیشترین
بهره مندی را از
باطن کلمات و
مفاهیم و معانی
لغات دارا باشد

بیننده و مخاطب بیشتر و افزون می‌گردد. در حال پس از بررسی جایگاه والای مولای مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام که از وجهی در عداد کاتبان مستمر و وحی قلمداد گردیده و از جوهی مفسر کبیر قرآن و کلام الهی و سنت نبوی بوده، حضرتش در هر علمی سر حلقه و محرک آن علم و تفکر بوده، خاصه علمی که در بستر کلام و کلمه تحقیق یافته است، در علم تأویل ژرف اندیشی وی زبانزد دوست و دشمن بوده، و در خوشنویسی از پیشگامان اقلیم خوشنویسی محسوب شده است.

از این همه بدین نتیجه نائل می‌گردیم که او، تنها فردی در همه زمان هاست عموماً، و خصوصاً در زمان پیامبر اسلام (ص) که در هنگام کتابت وحی بهترین و درست‌ترین دریافت را از کلام الهی داشته است، و مقربیم که بر سیاق و سنت خوشنویسان اسلامی، وی بلند پایه ترین خوشنویسان است. گرچه در زمان حیات وی کاتبان دیگری بر ثبوت کلام الهی کوشیده‌اند و حتی مفسرین دیگری در کنار وی حضور داشته‌اند، اما او تنها کسی است که کتابت را به بهترین وجه و با درست‌ترین درک از کلمات جاری ساخته است تا آن‌جا که به جایگاه رفیع ایشان چه در عالم صورت و چه در باطن کلام و کلمات از آن زمان الی یوم الحشر هیچ کاتبی به قدر و منزلت ایشان دست نیافته است.

پس به یقین همه خوشنویسی اسلامی مرهون وجود مبارک و عظیم الشان وی بوده و هست و تا آخرین زمان و زمان آخر همه خطوط، وام‌دار پنجه گرم و «صفا» ی وجود وی است و هر خط نوپیدایی، که سر از بستر هر زمانی، از پس هر موهبتی نوپدید بیرون کند بهره از کاتب اول و کاتب حقیقی برده است و هیچ کاتب و قلمی بدون اذن از محضر مبارکش نتواند به جاودانگی و دوام دست یازیده و مورد اقبال واقع گردد.

پس از ذکر اوصاف بی‌بدیل آن حضرت بر هر خوشنویسی واجب می‌نماید که در کسب بدایات و نهایات خوشنویسی به ظاهر این هنر شریف بدون عنایت به باطن آن نپردازد و اگر در پی رضایت محبوب ازل است و چشم برافاضه خلایق از جانب خداوند متعال دوخته است و چون محقق در کشف صور روحانی حروف سیر و کنکاش می‌کند و به جستار رمز و رموزات عالم حروف دل می‌سپارد، نیک بداند که بدون تمسک به ساحت مقدس حضرت مولا علی بن ابی طالب علیه السلام جمال زیبای خط و روایت روی شاهد حقیقی مکشوف وجود نگشته و نمی‌گردد.

پس به مصداق «کل شیء یرجع الی اصله» می‌بایست تلاش خویش مصروف پرهیز از صفات ذمیمه کرده، در کسب صفات حمیده کوشش کند تا قابل فیوضات رحمانی گشته، از پنجه شریفش، خطی تراوش کند که چون ابن مقله بیضاوی و علی بن هلال (ابن به و اب) و میرعلی تبریزی و در نهایت میرعماد الحسنی سیفی قزوینی، در تاریخ پاک و باصفای خوشنویسی سنتی ایرانی با جاودانگی در تلطیف جان مخاطب، عالمی را به تصرف خویش معنا بخشد، باشد که این حروف پاک به جایگاه اولیه‌اش بازگردد. □

مسیر نورانی است؛ طریقی که پس از ظهور جسمانی پیامبر اکرم (ص) و نزول قرآن کریم، هنرمندان، در واکنش به کلام پر صلابت و وحی، دل در پیش داشتند و با تدخیل زیبایی و عشق و مهر، علاقه مندی و بهره مندی شان را در جان پر وسعت کلمات بر خداوند خویش به بهانه ارسال آخرین رسل ابراز نمودند.

«کوفی به جهت آن گویند که در کوفه پیدا شد و کسی که از همه نیکوتر نوشت حضرت شاه ولایت پناه علی بن ابی طالب علیه السلام است. نقل آن کردن و مثل آن نوشتن امکان بشر نیست و به آن معجزه به جز از به جز چاره‌ای نیست.»

تا در زمان بنی امیه خط کوفی استخراج کردند و مستخرج آن جماعتی از دانیان کوفه بودند... و چون در آن خط از اکابر و اشراف رغبت و اقبال مشاهده می‌شد، خلاق در جودت و تحسین آن خط سعی تمام نمودند. تا نوبت به حضرت با نصرت، حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین علی بن ابی طالب رسید و آن حضرت این طایفه را به مرتبه کمال رسانیده و هیچ آفریده مثل خط آن حضرت نتوانست نوشت چه در زمان او چه بعد از او.»

کاتب حقیقی اول

در خوشنویسی سنتی، مراحل در تکمیل خط توسط بزرگان قدما یافت می‌شود که به اصول و قواعد دوازده‌گانه معروف است و سالک راه، پس از طی این مراحل به مقام استادی رسیده در مردم، سمت هدایتگری را زبیب وجود خویش می‌سازد و پس از سلوک در منازل قواعد دوازده‌گانه صاحب شأن می‌گردد و شأن مرحله‌ای از آخرین مراحل این قواعد است که کاتب همه مقدمات فنی خوشنویسی را فرا گرفته و دیگر، حروف در جان و باطن وی مؤثر می‌گردد تا حدی که صاحب منشی خاص و درخور تحسین می‌گردد. در برخی از رسائل از شأن چنین یاد کرده‌اند که: «آن که صاحب شأن شود در صورت و وجه وی، وجدی رویت می‌شود که درک باطن وی از صورت ظاهر رویش و صورت خطش نمایان می‌گردد. پس از کسب رتبت شأن «استاد» خوشنویسی با غور و بررسی و رجوع همه هنر خویش به مبدأ اصلی آن و کاتب حقیقی اول هر فعلی را از فاعل مطلق می‌داند، که از اثر چنین تفکری خط وی صاحب «صفا» می‌گردد.

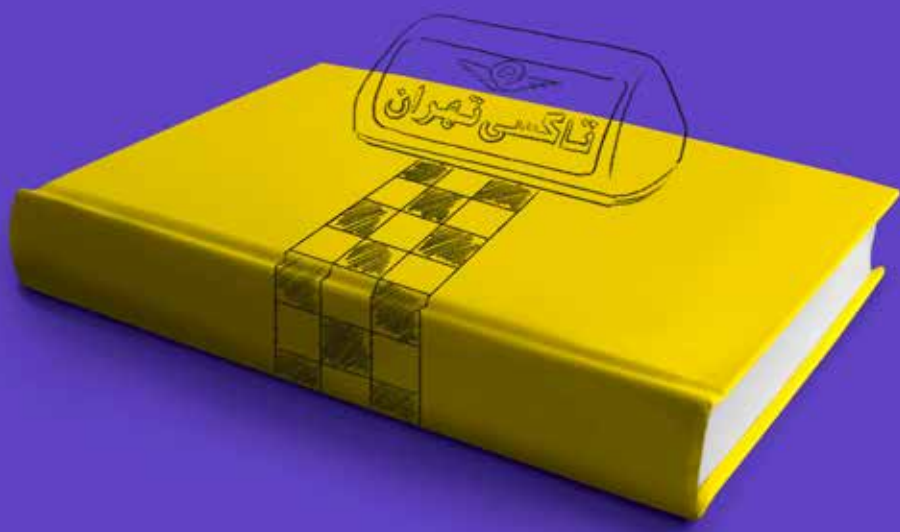
پس از کسب مدارج عالیه خوشنویسی همه اکابر و اعظام این هنر شریف بر این مهم قائلند که بلند پایه ترین خوشنویس آن است که در عین تصرف در شاکله صور و هندسه موجود در خط، بیشترین بهره مندی را از باطن کلمات و مفاهیم و معانی لغات دارا باشد.

فی الواقع وقوف بر ظاهر و صورت کلمات و وقوف بر باطن و معانی آن دو بالی است که کاتب را در پرواز به سوی جاودانگی و ماندگاری خود و اثرش یاری می‌رساند و اگر قصوری در یکی از دو رکن اصلی حاصل آید، کاتب صاحب صفا و شأن و امتزاج این هر دو که نه کار هنر نیم پخته و خامی است، نمی‌گردد. به زبان دیگر و به وجهی دگر، هر چه کاتب روحش از جان کلمات بهره گیرد، قوت تأثیر خطش در

« کتاب »

رمان «فرار در شب» زمستان سال گذشته روانه بازار شد و ما در چند شماره پیش آن را معرفی کردیم و در این شماره نیز گفتگو با نویسنده این کتاب را تقدیم شما می‌کنیم. در مطلب بعدی ما به سراغ ۱۰ مهارت ساده برای جذاب کردن یک نوشته می‌رویم زیرا با فراگیر شدن گوشی‌های هوشمند و عضویت در شبکه‌های اجتماعی، همه ما کمابیش در طول روز نوشته‌هایی کوتاه یا بلند را در این شبکه‌ها به اشتراک می‌گذاریم اما شاید برخی از ما ندانیم که با رعایت یکسری از اصول ساده می‌توانیم نوشته‌هایمان را خواندنی‌تر کنیم. در معرفی کتاب‌های ادبیات این شماره سراغ رمان‌های «آن دختر یهودی»، «کیمیاگر»، «ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» و «واحد شماره دو!» رفته‌ایم. «طلبه انقلابی»، «استراتژی و دیگر هیچ»، «ارمغان»، «زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید اشرفی اصفهانی» و «اطلس حماسه خرمشهر» پنج کتابی هستند که در معرفی آثار حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برای شما انتخاب کردیم. سپس معرفی کتاب‌هایی در حوزه کودک و نوجوان و دین نیز تقدیم شما شده است.

در تاکسی یا اتوبوس کتاب بخوانیم



دفن جهل
شفاف، صمیمی و طبیعی باشید
مقاومت؛ مسیر سعادت

چرا در این کتاب صرفاً به موضوع زنده به گور شدن دختران پرداختید ولی دلایل این نوع نگاه را بررسی نکردید؟

این کتاب بیشتر قصه زنده به گور شدن دخترها را مطرح می‌کند تا بررسی دلایل چنین رفتاری. آنچه وجود داشت دغدغه اکثر کسانی است که این کتاب را می‌خوانند که اغلب هم بزرگسال هستند. اگر می‌خواستیم صرفاً این موضوع را به چالش بکشیم بیشتر یک کار پژوهشی محسوب می‌شد در حالی که یکسری سؤال‌ها برای عموم مردم مطرح است که هیچ پاسخی برایشان داده نشده است که من تمام آن‌ها را در قالب قصه بیان کرده‌ام. در پیدایش موقعیت‌ها، داستان پردازی امر مهمی بود و اگر می‌خواستیم صرفاً به موضوع بپردازیم قطعاً کتابم مخاطبان خاصی می‌داشت بنابراین این مبحث را در قالب قصه آوردم و سعی کردم موضوع را به گونه‌ای برای مخاطب مطرح کنم که هم دل چسب باشد و هم به فضای امروز ما نزدیک باشد. قصه‌ای که روایت شد برای همه ملموس است.

موقعیت عاشقانه‌ای که در داستان وجود دارد و البته دغدغه‌ای که یک پدر و مادر برای تولد فرزندشان دارند همچنان بعد از ۱۴۰ سال از صدر اسلام، جالب، واقعی و ملموس است. من تلاش کردم این قصه را برای مخاطب دل چسب کنم. بنابراین نگاه چالشی نداشتم، چون نمی‌خواستیم سؤالی را مطرح کنیم. قصد داشتیم بدون اضافه گویی این موقعیت را در آوریم. «فرار از شب» قصه‌ای ساده و روانی دارد که در عین حال که به زنده به گور شدن دخترها اشاره می‌کند به این نکته هم می‌پردازد که چطور افراد آن دوره فکریا زندگی می‌کردند.

از چه منابعی استفاده کردید؟

در این ۴ سال عمده منابع مربوط به تاریخ اسلام و زندگی حضرت فاطمه (س) را مطالعه کردم که منجر به نوشتن این رمان و رمان بعدی که در دست چاپ دارم شد. پژوهش کاملی بود که شامل تمام منابع شد. کتاب‌هایی که در مورد تاریخ صدر اسلام بوده و به فارسی ترجمه شدند را خواندم. می‌توانم بگویم هر کتابی که در این مورد بود را مطالعه کردم.

فکر می‌کنید خود سوژه به اندازه کافی جذاب است که خواننده تا پایان کتاب را بخواند. اگر نه شما به عنوان نویسنده چه جذابیت‌هایی را به آن افزودید تا انگیزه مطالعه کامل کتاب را در خواننده بیشتر کند؟

در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم هر سوژه‌ای اگر قصه خوبی داشته باشد قطعاً نظر مخاطب را جلب می‌کند. فکر می‌کنم این سوژه قابلیت زیادی داشت تا تبدیل به قصه جذابی شود. البته به شرطی که در نگارش، شخصیت پردازی درستی داشته باشد و قصه اصلی و قصه‌های فرعی متناسب با سوژه، خوب مطرح و پرداخت شده باشد.

من بر اساس تجربه نگارشی و به پشتوانه پژوهش کاملی که داشتم تلاش کردم این امر محقق شود.

گفتگو با نویسنده رمان «فرار در شب»

سنگ دلانی که دریا شدند

رمان «فرار در شب» زمستان سال گذشته از سوی انتشارات جمکران روانه بازار شد و ما در چند شماره پیش آن را به شما خوانندگان اهل ادبیات مجله معرفی کردیم و در این شماره نیز برگزیده گفتگوی نویسنده کتاب با «مشرق» و «میزان» را تقدیم شما می‌کنیم. این رمان نوشته اکرم صادقی است که در سال ۱۳۵۴ در شهر قم متولد شده است. ■

«فرار در شب» داستان زن و مردی است که در دوران

صدر اسلام زندگی عاشقانه‌ای با هم دارند. آنان در انتظار

تولد نوزاد خود هستند اما بیم دختر بودن نوزاد و اجبار به زنده به

گور کردن آن را دارند. در این میان سفر ناگزیری برایشان پیش

می‌آید و نویسنده با زبانی تصویری و عاشقانه سفر آن‌ها را روایت

می‌کند. صادقی می‌گوید قصد نوشتن رمانی درباره زندگی فضا

خادمه حضرت فاطمه زهرا (س) را داشته و برای این کار هم حدود ۴ سال منابع تاریخ اسلام را مطالعه کرده است که ضمن آن تصمیم می‌گیرد سوژه زنده به گور کردن دختران در آن دوران را هم موضوع یک کتاب کند که ناشر با طرح او موافقت می‌کند. او در این رمان به زیبایی به راه آوردن مردان سخت‌تر از سنگ و خشک‌تر از بیابان را توسط پیامبر اعظم (ص) بازبان نرم و مرام خوش به تصویر می‌کشد و آن را معجزه اسلام معرفی می‌کند.

چطور شد به نویسندگی و فیلم‌نامه‌نویسی رو آوردید. دوره‌های آموزشی کلاسیک دیدید یا استعداد ذاتی شما بود؟

من از کودکی و دوران مدرسه می‌نوشتم. دهه ۶۰ که کیهان بچه‌ها تنها مجله مورد علاقه و در دسترس ما بود مسابقه داستان‌نویسی سراسری در مورد توصیف یک شهر خیالی برگزار کرد، من نفردوم شدم. در آن دوران امکانات خیلی محدود بود. من دوره‌های آموزشی نویسندگی را از دهه ۷۰ شروع کردم. اما چون علاقه شدیدی به سینما داشتم دوره‌های آموزشی فیلم‌نامه‌نویسی را هم گذراندم. همین علاقه باعث شد تمام وقت روی فیلم‌نامه‌نویسی متمرکز بشوم و اکنون ۱۶ سال است که به طور تخصصی فیلم‌نامه می‌نویسم.

برای نوشتن کتاب سراغ سوژه زنده به گور کردن دختران در دوران پیش از ظهور اسلام رفتید. با اینکه دیگر موضوعی تمام شده است و امروز کسی دخترش را زنده به گور نمی‌کند. چرا سراغ این سوژه رفتید؟

از وقتی که خیلی کوچک بودم در مورد زنده به گور کردن دخترها در دوران پیش از ظهور اسلام در عربستان شنیده بودم و چون خودم دختر بودم و همیشه از والدینم محبت و مهریانی می‌دیدم برای من غیرقابل باور بود که چطور پدر و مادری می‌توانند فرزندشان را به دلیل دختر بودن زنده به گور کنند. این موضوع همیشه گوشه ذهنم بود. تا اینکه سال ۹۱ پیشنهاد نوشتن فیلم‌نامه «فضه» خادمه حضرت فاطمه زهرا (س) به من داده شد. همیشه قبل از نگارش فیلم‌نامه تحقیق و پژوهش می‌کنم و در این باره پژوهش تقریباً مفصلی کردم که حدود ۴ سال طول کشید و توانستم برای تمام سؤالاتی که همیشه در ذهنم بود، پاسخی پیدا کنم که یکی از آن‌ها همین زنده به گور کردن دخترها در آن دوران بود.



شخصیت‌ها خاکستری هستند. یعنی هم خصلت‌های خوب و هم خصلت‌های بد در وجودشان هست. اشتباهاتی هم که مرتکب می‌شوند، هرچند فاحش باشد ولی انسان و دارای احساسات مختلفی هستند که متناسب با آن‌ها به حوادث پیرامون خود واکنش نشان می‌دهند. این واکنش‌ها برای مخاطب امروز ملموس است و می‌تواند با آن‌ها همذات‌پنداری داشته باشد



عنوان کتاب چطور انتخاب شد؟

این کتاب اولین رمانی است که از من چاپ شده است، اگرچه با انتشارات جمکران همکاری زیادی داشته‌ام. من چند عنوان مرتبط با قصه به انتشارات معرفی کردم، اما نشر جمکران با توجه به تجربه‌ای که دارد، چند عنوان را انتخاب کرد و از من خواست که از بین آن‌ها اسمی برای کتاب برگزینم. بنابراین با توافق به این نتیجه رسیدیم که عنوان این کتاب «فرار از شب» باشد.

این عنوان چه تناسبی با قصه دارد؟

تمام اتفاقات اصلی قصه در شب اتفاق می‌افتد. قصه وقتی به اوج می‌رسد که شب است. خانواده‌ای که در قصه مطرح می‌شود، شبانه تصمیم به فرار می‌گیرند که البته این فرار مصادف با هجرت حضرت رسول (ص) می‌شود. در حقیقت عنوان کتاب با متن همخوانی و تناسب دارد.

سوژه را شما به انتشارات جمکران پیشنهاد دادید یا پیشنهاد ناشر به شما بود؟

این سوژه را من برای نوشتن فیلم‌نامه تبدیل به طرح کرده بودم. طرح را به انتشارات جمکران ارائه دادم که پسندیدند و شروع به بازنویسی طرح برای رمان کردم.

باز خورد کتاب شما نزد مخاطبان چگونه بود؟ گزارشی دارید؟

می‌توانم بگویم بازخورد کتاب برای همه اقشار جامعه خیلی خوب بود. چون من از شعار دادن و مستقیم‌گویی در مورد اسلام پرهیز کردم و قصه عاشقانه‌ای گفتم که آشنایی با دین اسلام به کامل شدن این عشق کمک می‌کرد. این نقطه قوت قصه فرار از شب بود. تقریباً می‌توانم بگویم همه به این نکته اشاره کردند که ما نمی‌دانستیم قصه مربوط به دین و شریعت ماست.

شما یک فیلم‌نامه‌نویس هستید آیا کتاب شما می‌تواند مبنای ساخت یک سریال یا فیلم قرار گیرد؟

بله، این قصه الآن قابلیت تله‌فیلم یا فیلم سینمایی را دارد. ولی برای سریال شدن باید قصه‌های دیگری به آن اضافه کرد.

کتاب یا کتاب‌های جدیدی در دست انتشار دارید؟

همانطور که اشاره کردم، کتاب دیگری که در حال چاپ هست قصه‌ای در مورد زندگی فضا خادمه خانم حضرت فاطمه (س) است. قصه فضا را بعد از پژوهش کامل و مفصلی که داشتم نوشتم و می‌توانم بگویم که تاکنون هیچ قصه‌ای از زندگی خادمه خانم حضرت فاطمه (س) نوشته نشده است که الحمدالله با عنایت ایشان و لطف خدا این کار محقق شد. رمان دیگری هم در دست نگارش دارم. □

هدف شما صرفاً ترسیم شرایط اجتماعی آن دوران بود یا اهداف دیگری هم مورد توجه شما قرار داشت؟

من به نسبت موقعیت قصه که در دوران صدر اسلام رخ می‌داد باید قصه‌ای در مورد آن سال‌ها می‌نوشتم، هرچند کار بسیار سختی بود ولی سعی کردم بر پایه تحقیقاتی که انجام دادم به بهترین شکل آن موقعیت را ترسیم کنم.

به نظر می‌رسد که شخصیت‌های کتاب شما خاکستری هستند. راحتی می‌شود با آن‌ها همذات‌پنداری کرد. موافقید؟

شخصیت‌های قصه در سال‌های خیلی دور زیست می‌کردند اما مخاطب امروز خیلی راحت می‌تواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند. چون دنیای روابط آن‌ها خیلی دور از زندگی امروزی نیست، تفاوت در نوع زندگی است. بلی شخصیت‌ها خاکستری هستند. یعنی هم خصلت‌های خوب و هم خصلت‌های بد در وجودشان هست. اشتباهاتی هم که مرتکب می‌شوند، هرچند فاحش باشد ولی انسان و دارای احساسات مختلفی هستند که متناسب با آن‌ها به حوادث پیرامون خود واکنش نشان می‌دهند. این واکنش‌ها برای مخاطب امروز ملموس است و می‌تواند با آن‌ها همذات‌پنداری داشته باشد.

برای خیلی‌ها ممکن است واقعاً این سؤال مطرح باشد که چرا در آن دوران دختران را زنده به گور می‌کردند. شما که در این مورد مطالعه کردید چه پاسخی به این سؤال می‌دهید؟

این سؤال الآن دغدغه ذهنی مردم نیست. بلکه ممکن است در مرحله‌ای از زندگی یک مسلمان خصوصاً خانم‌ها مطرح شود که چرا در دوران جاهلیت این کار را انجام می‌دادند. من در قالب قصه به همین اندازه به این سؤال پاسخ دادم.

آیا خواننده با مطالعه کتاب به پاسخ می‌رسد؟

من تلاش کردم که این اتفاق بیافتد. حالا باید خوانندگان کتاب پاسخ بدهند که آیا محقق شده یا نه.

دو برش از رمان «فرار در شب»

دفن جهل



داستان «فرار از شب» در صدر اسلام می‌گذرد؛ دورانی که شهرت رسول الله هنوز سراسر جزیره العرب را فرا نگرفته بود. داستانی تاریخی در ژانر سفرنامه که اتفاقاتی از جنس عشق و خرافه و جهل اساس آن را می‌پسند و ایمان و مهربانی آن را به اوج می‌رساند. این رمان روایت داستان زندگی زن و مردی است که یکی از بادیه و دیگری از شهر به رسم عشق با هم آمیخته‌اند. ادامه روزهای عاشقانه‌شان مصادف است با آخرین روزهای حضور رسول خدا در مکه. زن به انتظار تولد نوزادی بی‌قرار است و مرد که پسر صحرانگس است مهارتی در درد زدن دارد. طفل و ردی که مرد باید برای پیدا کردن رسول خدا بزند، مرد و زن را با یکی از مهم‌ترین فصل‌های زندگی پیامبر گره می‌زند. دو بخش از این کتاب را برایتان انتخاب کرده‌ایم:



فرزندش در شکمش جا به جا می‌شود. فرزندش نیز این آزادی را حس کرده است و دیگر در گوشه‌ای از شکم جمع نمی‌شود و شکم جیهان را به درد نمی‌آورد. خود را پرهنده‌ای راها را بند می‌داند که اکنون بال و پر گشوده و قصد پرواز دارد. او سال‌های پیش از این و در دوران کودکی اش همیشه می‌ترسید مبادا روزی مانند غزلان دختر به دنیا بیاید و زنده به‌گور شود و برای همیشه حسرت مادر بودن را در قلب داغدارش مدفون نماید. برای کمک به غزلان و در آغوش گرفتن نوزادان بسیار مشتاق است و با عجله به سمت اتاق نوزادان می‌رود که صدایی می‌شنود. می‌ایستد و گوش تیزی می‌کند. صدای ناله و گریه ضعیفی به گوش می‌رسد. به دنبال صدا اتاق‌ها را یکی یکی نگاه می‌کند تا به اتاق غزلان و خالد می‌رسد. صدای خالد است که استغفارکنان با پروردگار نجوا می‌کند. هنوز ترس دوران کودکی اش را به یاد دارد که به دلیل تنفر خالد از دخترها همیشه باید از دسترسش دور می‌ماند. پنهان می‌شود خالد او را نبیند ولی با دیدن حالت خالد که بان هیکل مردانه و تنومندش دو زانو زار می‌زند غمگین می‌شود. بیرون اتاق به دیوار تکیه می‌دهد و همین‌طور که به سقف خیره شده به ناله‌های خالد گوش می‌سپارد.

ای پروردگار بزرگ، من چگونه در پیشگاه تو حاضر شوم و چگونه پاسخگوی تو باشم وقتی دستانم به خون صدها کودک آغشته است. ننگ بر من باد که پیامبر سیزده سال ما را به راه تو هدایت نمود و من کرو کور بودم. ای کاش همان ابتدا صدای تو را شنیده بودم. ای پروردگار بزرگ و مهربان توبه این بنده گناهکار و خطاکار را بپذیر و از خطاهای من بگذر و من را از آتش دوزخ امان ده...

خالد با صدای بلند گریه می‌کند و به زمین می‌افتد. جیهان بغض می‌کند. التماس‌های خالد او را به یاد ضجه‌های خودش و زنانی می‌اندازد که بعد از نه ماه چشم‌انتظاری فرزندانشان را به زور از آن‌ها می‌گرفتند و در مقابل چشمانشان زنده زنده در گور می‌کردند. هنوز هم باور نمی‌کند. □



آفتاب در حال غروب است و گرد و غبار پراکنده در هوا، با تاریکی کمتر به چشم می‌آید. در خانه مجلل و زیبای ابوسفیان، حارث کنار خالد روی تشکچه‌ای روبه‌روی بزرگان مکه نشسته است. ابوسفیان و عتبه بن ربیع و امیه بن خلف و چند نفر دیگر از بزرگان مکه به بالش‌های نرم تکیه داده‌اند و برده‌ها مشغول پذیرایی از آن‌ها هستند. داخل ظرف‌های بزرگی شراب و میوه‌های رنگارنگ قرار دارد.

حارث که از ورود به جمع بزرگان مکی شگفت زده و مشعوف است بدون جلب نظر، همه‌جا خانه ابوسفیان را نگاه می‌کند. خانه بسیار بزرگ و زیباست و با ظروف زیبایی تزیین شده است. مجسمه‌های سنگی چند بت روی طاقچه‌ها خودنمایی می‌کند. خانه چندین پنجره بزرگ دارد. تعدادی برده نیمه‌عریان سیاه پوست کنار دیوار دست به سینه ایستاده‌اند. یکی از برده‌های ابوسفیان ظرف بزرگی از خرما می‌آورد و کنار میوه‌ها می‌گذارد. حارث متعجب به خرماهای درشت نگاه می‌کند که به رنگ سیاه مخلوط به سفید و خاکستری است. مرغوب‌ترین نوع خرما از منطقه هجر که فقط ثروتمندان قدرت خرید آن را دارند. ابوسفیان خرمایی برمی‌دارد.

خرما یعنی تَعَضُّوس هَجْر...

خرما را در دهان می‌گذارند و با حرص و ولع آن را می‌خورد.

شیرین تر از عسل...

حارث دوست دارد یکی از آن‌ها را امتحان کند. منتظر می‌ماند شاید ابوسفیان به آن‌ها تعارف کند اما ابوسفیان همین‌طور که خرمایی دیگر برمی‌دارد به یکی از برده‌هایش اشاره‌ای می‌کند و برده سیاه از داخل صندوقچه‌ای دو کیسه کوچک سکه بیرون می‌آورد و به دست ابوسفیان می‌دهد. ابوسفیان کیسه‌ها را به طرف خالد می‌گیرد و باقی مانده خرما را قورت می‌دهد.

این پاداشی از سوی خدایانمان برای توست که اموالمان را به سلامت به مقصد رساندی.

خالد به حارث نگاه می‌کند.

این هدایا به حارث می‌رسد اوست که بیابان را چونان کف دستش می‌شناخت و تلاش نمود و قافله را به سلامت به مکه رسانید.

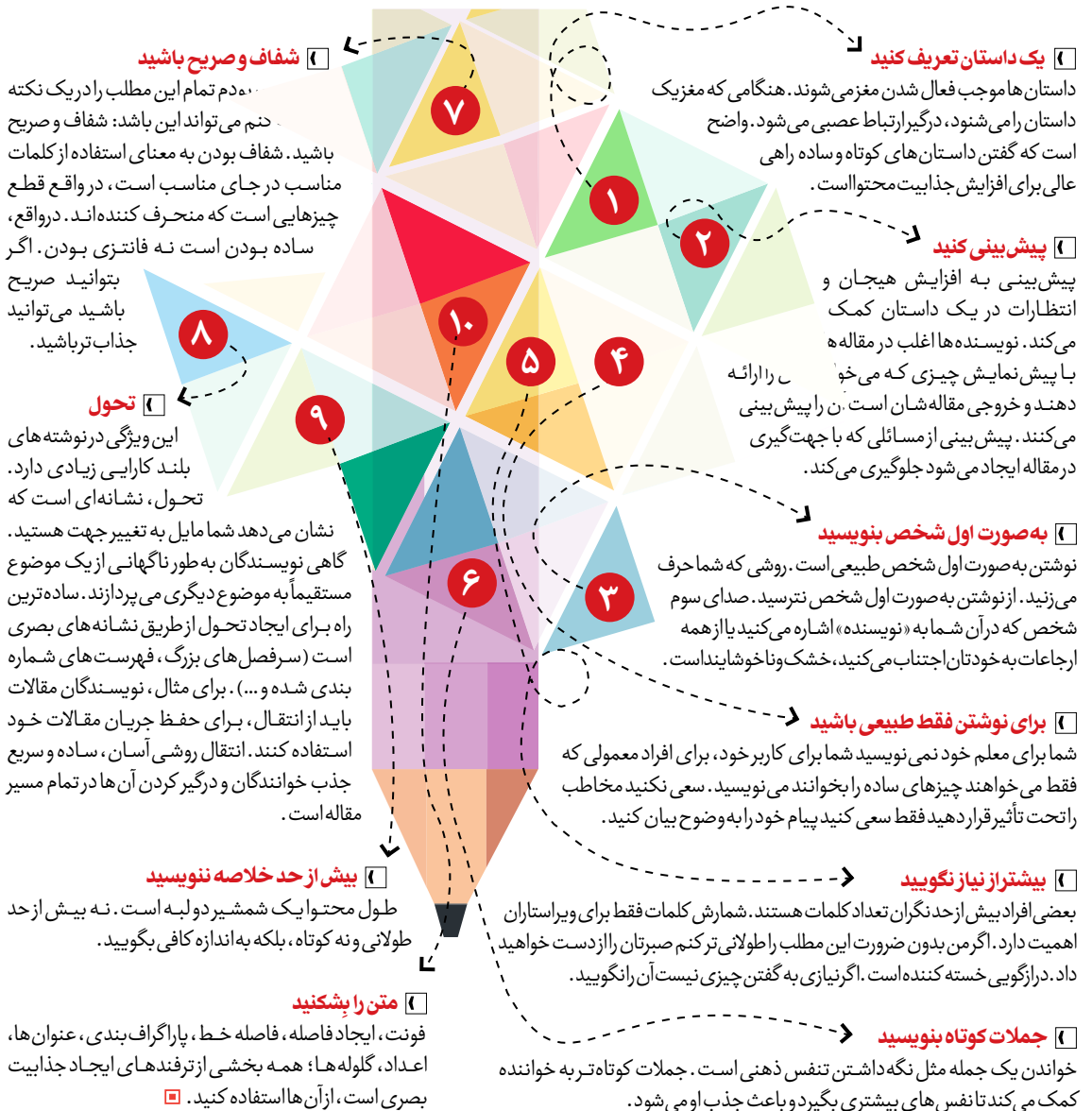
۱۰ نکته ساده برای جذاب‌تر کردن یک نوشته

شفاف، صمیمی و طبیعی باشید

نسرین رضائی

سردرگمی‌هایی است که مخاطب پس از خواندن مطالب گوناگون، با آن دست‌وپنجه‌نرم می‌کند. فراموش نکنید؛ ساده بخوانید و ساده بنویسید. در دنیای امروز، مردم وقتی برای مطالعه محتوایی که از خواندن آن لذت نمی‌برند، ندارند. خوشبختانه، روش‌های مؤثری برای بهبود محتوای خسته‌کننده وجود دارد. با برخی از آن‌ها در این مطلب آشنا می‌شوید.

با فراگیر شدن گوشی‌های هوشمند و عضویت در شبکه‌های اجتماعی، همه ما کمابیش در طول روز نوشته‌هایی کوتاه یا بلند را در این شبکه‌ها به اشتراک می‌گذاریم اما شاید برخی از ما ندانیم که با رعایت یکسری از اصول ساده می‌توانیم نوشته‌هایمان را خواندنی‌تر کنیم. از سوی دیگر امروز با این همه مشغله فکری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فعالیت‌های مجازی کاذب و وقت‌محدود، ارائه مطالب ناخوشایند برای مخاطب، سهم بزرگی در کاهش سرانه مطالعه دارد. نوشته حاضر محتوایی ساده، روان، شیوا و صد البته کاربردی دارد. مواردی که نویسنده به آن‌ها اشاره کرده است، همان



چشمش افتاد به حوضی که آیش از فرط ماندگی رو به سیاهی می‌رفت. از کنج حیاط ظرف کهنه مسی را برداشت و افتاد به جان حوض، اما حواسش جای دیگری بود؛ به حرف‌های نورا...

نورا خیره به آسمان، داشت ستاره‌های بی‌شمار را می‌کاوید. یک شب قبل از آمدن این جوان، در خواب دیدم که ستاره‌های آسمان ریخته بودند توی حیاط خانه. غرق ستاره‌ها بودم که از سمت ماه صدایی به من گفت: «کیمیا را عرضه کن!»

جابر کتاب را بست و بوسید. با تعجب پرسید: «کدام کیمیا؟» می‌دانست وقتی نورا زبان باز می‌کند، شنونده که عاقل باشد، می‌فهمد این زبان وصل به سینه‌ای ست مطمئن و پر از دانش. نورا نگاهی به حیاطی انداخت که با چند ساعت قبل قابل مقایسه نبود. بالأخره حیاط این خانه هم از ماتم درآمد!»

«ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند»

چهلمین چاپ رمان «ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» روانه بازار کتاب شد. این کتاب نوشته ابراهیم حسن بیگی، رمانی است درباره امام علی علیه‌السلام. این رمان از کلیسایی آغاز می‌شود که مردی تاجیک برای فروش کتابی که پیدا کرده، به نزد کشیش کلیسا می‌رود. این کشیش عاشق کتاب‌های خطی و قدیمی است. با دیدن این کتاب به ارزش تاریخی آن پی می‌برد؛ اما پس از خواندن کتاب به ارزش حقیقی کتاب یعنی همان شخصیت علی بن ابیطالب علیه‌السلام پی می‌برد و با ایشان آشنا می‌گردد. «ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های دهه ۹۰ معرفی شده است. از این کتاب در مدت کمتر از دو سال بیش از شصت هزار نسخه منتشر شده است. انتشارات عهد مانا چهلمین چاپ این کتاب را در ۱۳۶ صفحه رقیعی روانه بازار کرده است. در بخشی از این رمان می‌خوانیم:

«کشیش کتاب را در دستش گرفت، جلدش را به سرگئی نشان داد و گفت: «نهج البلاغه است؛ سخنان و نامه‌های علی است. کتاب بسیار عجیبی است؛ پُر از مضامین بکرو راه‌گشا.»

سرگئی گفت: «لابد به من توصیه می‌کنی که آن را بخوانم.» کشیش گفت: «حتماً؛ کاری که پدرت باید در جوانی می‌کرد. مثل جرج جرداق که می‌گفت از ۱۲ سالگی مطالعه نهج البلاغه را شروع کرده و هنوز هم ادامه می‌دهد. علی (علیه‌السلام) شخصیتی است مثل اقیانوس؛ هرچه در عمق آن شنا کنی، شگفتی‌هایش آشکارتر می‌شود.»

سرگئی روی کانابه نشست و پرسید: «اگر چنین است که شما می‌گوئید، پس چرا کشورهای مسلمان که علی امام آن‌هاست، جزو کشورهای جهان سوم و عقب‌مانده‌اند؟»

کشیش گفت: «ملت‌ها و دولت‌های اسلامی مانند کسانی هستند که گنج گران‌بهایشان را دفن کرده‌اند یا اساساً از آن خبر ندارند. گمان می‌کنم آن‌ها هم علی را نمی‌شناسند. من هنگام مطالعه این کتاب و چند کتاب دیگر، به همین مسئله فکر می‌کردم. در آن دوران، علی خلیفه مسلمانان

معرفی چهار رمان جذاب

نورا، ستاره‌های بی‌شمار را می‌کاوید

در معرفی کتاب‌های ادبیات این شماره سراغ رمان‌های «آن دختر یهودی»، «کیمیایگر»، «ناقوس‌ها به صدا درمی‌آیند» و «واحد شماره دو!» از انتشاراتی‌های کتابستان معرفت، عهد مانا و نیستان رفته‌ایم و علاوه بر آشنا کردن شما با این داستان‌ها بخش‌هایی از آن‌ها را برایتان انتخاب کرده‌ایم. ■

«آن دختر یهودی»

رمان «آن دختر یهودی» به قلم خوله حمدی نویسنده تونسی در ایران ترجمه و منتشر شد. انتشارات کتابستان معرفت این رمان را در ۳۸۲ صفحه با قیمت ۳۹ هزار تومان منتشر کرده است. رمان «آن دختر یهودی» به قلم خوله حمدی نویسنده تونسی و استاد دانشگاه فناوری اطلاعات در دانشگاه ملک سعود ریاض نوشته شده است. داستان این رمان روایتی عاشقانه در دلدادگی یک دختر یهودی و پسری مسلمان است که فرجامی تراژیک دارد. حمدی در مقدمه خود بر این رمان عنوان کرده است که شخصیت اصلی این رمان با عنوان «ندی» وجودی حقیقی دارد. وی در این زمینه می‌نویسد: با ندی، شخصیت اصلی رمان در تالار گفتگوی اینترنتی آشنا شدم. وقتی داستانش را تعریف می‌کرد گریه‌ام می‌گرفت. برای همین از انجمن بیرون زدم اما داستانش مرا رها نکرد. مدتی بعد ایده رمان در ذهنم شکل گرفت و از طریق ایمیل و تلفن با او تماس برقرار کردم و جزئیات بیشتری خواستم و مدت‌ها با هم صحبت کردیم. من از این صحبت‌ها با جامعه بسته یهودی و یهودیان عرب آشنا شدم اما در کنار این با مسئله دیگری که اصلاً به ذهنم خطور نمی‌کرد هم آشنا شدم؛ با مقاومت در جنوب لبنان، با عشق و جنگ و مخصوصاً ایمان. این رمان از پرفروش‌ترین رمان‌های عربی معاصر است و تاکنون ۴۷ نوبت تجدید چاپ شده است. ترجمه فارسی این رمان را اسما خواجه زاده انجام داده است.

«کیمیایگر»

اثر تازه رضا مصطفوی با عنوان «کیمیایگر» منتشر شد. کیمیایگر، داستان جوانی است که به دنبال کیمیا از این شهر به آن شهر می‌رود و در پی کسی است تا بتواند علم کیمیا را از او بیاموزد. اما دست تقدیر او را درگیر ماجرابی می‌کند و در نهایت مس‌دلش تبدیل به کیمیا می‌شود. او با دختری به نام نورا روبه‌رو می‌شود که شاگرد امام جعفر صادق (علیه‌السلام) است که در متن ماجرا، به دربار هارون می‌رسد و شاهد گفتگوی چالشی نورا با دانشمندانی می‌شود که در نهایت زندگی او را دچار تغییر اساسی می‌کند. بخش از این رمان را می‌خوانیم: «یونس خانه را از پشت پنجره و رانداز کرد. انگار گردی از زمان بر همه جای آن نشست بود.



«واحد شماره دو!»

داستان بلند «واحد شماره دو!» که عاطفه طیبه آن را نوشته از سوی نشر کتاب نیستان منتشر شد. طیبه در داستان خود از زنی روایت می‌کند که مسئولیت‌های خانه و شغل اداری را توأمان با هم دارد و زندگی برای او به شکلی تعریف شده است که باید هر دو مسئولیت را با هم بپذیرد و به فرجامی هدایت کند که گاه مطلوب او نیست. باید تن به معاشرت‌ها و رفتارهایی بدهد که او را می‌آزارد اما چاره‌ای جز این نیز برای زندگی خود متصور نیست. عنوان این کتاب به شکلی استعاره‌آمیز به نوع نگاه به زنان در جامعه ایرانی نیز اشاره دارد که همواره با وجود پذیرش مسئولیت‌های سنگین و حتی حساس به عنوان جنس دوم به شمار می‌روند.

طیبه در زمان خود دوربینی را در زاویه دید زن قهرمان داستانش می‌کارد و شما را با او به تمامی زوایای داستانش می‌برد. از دردها و حسرت‌ها تا شوخی‌ها و خنکای نسیمی که گاه در کشاکش سختی زندگی وجودش را نوازش می‌دهد. طیبه رگه خفیفی از طنز را نیز در زمان خود به کار گرفته است که خوانش متن آن را برای هر مخاطبی جذاب و ساده می‌کند. در واقع این طنز خفیف جاری در زندگی روایت شده در این کتاب به باورپذیری بسیاری از بخش‌های کتاب و همدل شدن با آن کمک بسیاری کرده است.

این رمان با روایت اول شخص و بدون استفاده از توصیفات و یا خلق موقعیت‌های پیچیده سعی در روایت و گره‌گشایی برخی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نوع نگاه به زنان و نیز انتظارات زنان از زیست اجتماعی معاصرشان پیردازد. عاطفه طیبه در «واحد شماره دو!» طرحی نواز رمان آپارتمانی در انداخته که می‌تواند پس از مدت‌ها منجر به آشتی مخاطب با این دست آثار و غبارزدایی از تصویر این‌گونه ادبی در میان مخاطبانش شود. کتاب نیستان «واحد شماره دو!» را در ۱۱۶ صفحه و با قیمت ۲۳۰۰۰ تومان منتشر کرده است. □

بود و مردی هم به نام معاویه خود را خلیفه مسلمانان نامیده بود. هردوی این‌ها، داعیه حکومت اسلامی داشتند؛ اما علی کجا و معاویه کجا! فکر کنم اکثر رهبران کشورهای اسلامی، حکومتشان از جنس حکومت معاویه باشد، نه علی. اگر حاکمی از حاکمان مسلمان، یک بار نهج البلاغه را با دقت می‌خواند و به آن عمل می‌کرد، امروز روزگارشان این نبود که هست.

سرگتی لبخند زد و گفت: «ما باید کم‌کم مراسم مسلمان شدن شما را فراهم کنیم پدر...!»

کشیش گفت: «ادیان الهی، شکل، قالب و پوسته روح الهی است سرگتی. مهم مغز و درون آن است که یکی است و فرق چندانی با هم ندارند. کسی که مسلمان است یا مسیحی، اگر به ذات و جوهره الهی دین خود دست نیابد، می‌خواهد روحانی مسلمان باشد یا کشیش مسیحی، به یک اندازه از مسیر خدا جدا شده است. در زمان علی دشمنانش و آن‌هایی که با او می‌جنگیدند، از حافظان و مبلغان قرآن و اسلام بودند و در عبادت و زهد و تقوا چنان بودند که زانوهایشان بر اثر سجده پینه بسته بود. آن‌ها به نام همان الهی با علی جنگیدند که علی به نام همان الله می‌خواست هدایتشان کند.»

آشنایی با چند کتاب برای کودکان و نوجوانان

هم نشین فرشته‌ها

کتاب‌های «بچه‌های خوب، زندگی خوب»، «بادبادک‌ها»، «شب خندق»، «او هم نشین فرشته‌ها بود»، «من عروسک گل‌هانم» و «دایره المعارف شیعه» اخیراً برای کودکان و نوجوانان راهی بازار نشر شده‌اند. در این مطلب به معرفی این آثار پرداخته‌ایم. ■

«بچه‌های خوب، زندگی خوب»

کتاب «سنن النبی» اثر علامه طباطبایی، سیره زندگی شخصی و اجتماعی پیامبر اعظم (ص) را به زیبایی ترسیم و بیان می‌کند. علی شیبی با استفاده از این کتاب، با روش پرسش از پیامبر اکرم (ص) ۵۲ شیوه و روش زندگی آن حضرت را به زبان ساده برای کودکان و نوجوانان تألیف کرده است. این ۵۲ پرسش در چهار حوزه زندگی یعنی ارتباط با خدا، ارتباط با خویش، ارتباط با دیگران و ارتباط با طبیعت تنظیم و ارائه شده است. تصویرگری این کتاب به عهده فاطمه رحمانی بوده که تلاش کرده است تا تصاویر مأنوس با مخاطبان کتاب و به شیوه آنان باشد.

در مقدمه این کتاب می‌خوانیم: «برای یادگرفتن نحوه سفر، نیازمند یک راهنما و الگو هستیم. ما با دیدن الگو و توجه به رفتار او یاد می‌گیریم که در سفر چگونه رفتار کنیم تا سفر برای ما آسان شده و مشکلی برای ما پیش نیاید. زندگی ما نیز یک سفر است. قرآن و احکام، نقشه سفر هستند. ما با مطالعه اخلاق پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان، نحوه سفر کردن در مسیر زندگی را می‌آموزیم، پیامبری که زیباترین زندگی را داشته و همه عاشق اخلاق او بوده‌اند. این کتاب را مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت در قطع خشتی، در ۶ صفحه چهار رنگ با قیمت بیست هزار تومان چاپ و منتشر کرده است.

«بادبادک‌ها»

«بادبادک‌ها» نوشته و جبهه سامانی، درباره یک خانواده نسبتاً مرفه در جامعه امروز ایران است که به نسبت رفاه اقتصادی از رفاه اجتماعی رنج می‌برند. حوادث داستان درباره زندگی چهار نفر از اعضای یک خانواده ظاهرآ مدرن شهری است که دچار چالش‌های ناخواسته‌ای در مسیر زندگی روزمره خود شده‌اند. اعضای خانواده به دلیل اختلاف‌های فکری پدر و مادر، کم‌کم به سمت فروپاشی پیش می‌روند و در این میان، دختر نوجوان خانواده، سارا، با تلاش‌های معقولانه خود سعی می‌کند جمع خانوادگی را از گرداب بحران‌های شدید اجتماعی نجات دهد. «بادبادک‌ها» را انتشارات عهدمانا در ۴ صفحه و با قیمت ۴ هزار تومان منتشر کرده است.

«شب خندق»

دومین جلد از رمان ۳ جلدی «دروازه مردگان» نوشته حمیدرضا شاه‌آبادی با عنوان «شب خندق» به تازگی توسط نشر افق منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب دویست و بیست و سومین عنوان «رمان نوجوان» است که افق چاپ می‌کند. نوشتن رمان سه‌گانه «دروازه مردگان» به علت مطالعه شاه‌آبادی روی تاریخ تهران در دوره قاجار و با روبرو شدن این پژوهشگر با بخشی از تاریخ این شهر شده که در آن هر هفته،

کودکان در حوض خانه‌ها غرق می‌شدند. اولین جلد این مجموعه، تابستان سال گذشته با عنوان «قبرستان عمودی» منتشر شد که در داستان‌ش، پسر بچه‌ای بنام رضا به شکل غیرمنتظره‌ای از یک خانه مرموز سردر می‌آورد که در دیوارهایش جنازه‌هایی دفن شده‌اند. در این خانه بچه‌های زیادی قالیبافی می‌کنند. در ادامه داستان یکی از بچه‌های این قالیباف خانه در حوض خانه غرق می‌شود و اتفاقات بعدی از پی می‌آیند.

در دومین جلد این رمان، رضا پس از رفتن، دوباره به تهران برمی‌گردد اما با شهری روبرو می‌شود که و با در آن شیوع پیدا کرده و به کسی اجازه ورود داده نمی‌شود. اما رضا خودش را به نوعی از دروازه عبور داده و وارد تهران می‌شود. او در شهر با شخصیتی به نام نادر آشنا می‌شود که این آشنایی موجب رقم خوردن اتفاقاتی در جلد دوم کتاب مذکور می‌شود. ماجرای سال‌های قحطی تهران و زندگی سخت مردم فقیر در خندق‌های اطراف این شهر از جمله موضوعاتی هستند که شاه‌آبادی در جلد دوم «دروازه مردگان» به تصویر کشیده است. در قسمتی از کتاب «شب خندق» می‌خوانیم:

پرسیدم: «چقدر طول می‌کشد آدم بتونه خوندن بادیه گیره؟» نادر صدایش را کمی بالا برد و با شوق گفت: «قبلاً خیلی طول می‌کشید اما الان میرزا به راهی پیدا کرده برای یاد دادن الفبا که خیلی زود جواب می‌ده، مثلاً دو ماه یا حتی یه ماه.»

گفتم: «یه ماه یعنی چند وقت؟» نادر لب‌هایش را مثل همه وقت‌هایی که می‌خواست فکر کند به هم فشار داد و عینک ظریف و گردش را با نوک انگشت بالا داد و گفت: «یه ماه یعنی سی روز، یعنی سی بار شب‌ها بخوابی و صبح بلند بشی.»

گفتم: «سی روز یعنی چند روز؟ یعنی چند بار؟» نادر کمی فکر کرد و بعد پنجه یک دستش را باز کرد و گفت: «این دست من پنج تا انگشت داره.»

دست دیگرش را بالا آورد و گفت: «این هم پنج تا که با هم می‌شه ده تا.»

بعد سه بار کف هر دو دستش را عقب و جلو برد و گفت: «سی تا یعنی سه تاده تا. یعنی این قدر، فهمیدی؟»

گفتم: «آره... خوبه، من خیلی بیشتر از اینا تو عمارت نویان خان کار کردم.»

نادر آرام گفت: «آره خوبه... خیلی خوبه.» و انگار با خودش حرف بزند گفت: «خیلی خوبه که بتونی بخونی، اون وقت باور می‌کنی که آدم می‌تونن پرواز کنن.» این کتاب با ۲۵۶ صفحه، شمارگان هزار و ۵۰۰ نسخه و قیمت ۳ هزار تومان منتشر شده است.

«او هم نشین فرشته‌ها بود»

کتاب «او هم نشین فرشته‌ها بود» اثر سعید روح‌افزا که پیش از این برگزیده جایزه کتاب سال نیز شده بود باز نشر شد. این کتاب با الهام از قصه‌های قرآنی حرف‌های تازه‌ای برای مخاطبان نوجوان دارد. «شیطان» موضوعی است که در کتاب «او هم نشین فرشته‌ها بود» به آن پرداخته شده است. «تسلیم نشد»، «فریب کاری کرد»، «دار و دسته به



۵ هزار تومان از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بازنشر شده است. پیش‌ترین ۲۰ هزار نسخه از این کتاب به چاپ رسیده بود.

«من عروسک گلهانم»

«من عروسک گلهانم» نام داستانی کوتاه و ویژه رده سنی کودک و نوجوان است که از سوی انتشارات سوره مهر و با نشان مهرک منتشر شده است. گلهان، نام دختر جودت گلیچار، شهید کشتی آزادی است که هنگام ارسال کمک‌های بشردوستانه از ترکیه به غزه، مورد اصابت موشک‌های رژیم صهیونیستی قرار گرفت. این کتاب روایت گفتگوی گلهان با مأمور مرمره، کشتی ترک است که به همت مهناز فتاحی به نگارش درآمده و مهسا مکی تصویرگری آن را برعهده داشته است.

نگارش این کتاب یک سال پیش آغاز شده و به تازگی به انتشار رسیده است. ضمن اینکه با توجه به فضای داستان و جذابیت‌های آن، «من عروسک گلهانم» این قابلیت را دارد که به زبان‌های ترکی و عربی نیز ترجمه شود.

«دایره المعارف شیعه»

کتاب «دایره المعارف شیعه» تألیف حجت‌الاسلام غلامرضا حیدری ایهری به تازگی از سوی نشر جمال روانه بازار کتاب شده است. این کتاب یک اثر شیعه‌شناسی متناسب مخاطب نوجوان است که به همراه صد تصویر در ۱۰۸ صفحه منتشر شده است.

این کتاب یک کار علمی صرف نیست، بلکه نوجوان با هویت تشیع آشنا می‌شود و تصاویری که در کتاب آماده این آشنایی را ملموس‌تر می‌کند. جغرافیای شیعه، کتب شیعه، نسبت قرآن و شیعه، مهدویت و تشیع، عزاداری در تشیع، مسیر تشیع در ایران و اختلافات و شبهات موجود در باور شیعه در این کتاب پاسخ داده شده است.

«دایره المعارف شیعه» در ۱۰ فصل به صورت پرسش و پاسخ تدوین شده است. □

راه انداخت»، «و شایسته مجازات شد» و «عذر نخواست» سرفصل‌های این کتاب‌اند که حکایت‌گونه و داستانی روایت شده است.

در معرفی این کتاب آمده است: «در میدان زندگی می‌دویم تا زودتر برسیم، در حالی که گاهی نمی‌دانیم در چه راهی گام گذاشته و به سوی کدام مقصد می‌رویم. کتاب حاضر از مجموعه «کتاب اندیشه» در موضوع خداشناسی تلاشی است هم برای ایجاد انگیزه تفکر در جهت خودشناسی و هم خداشناسی، و نیز توضیح چگونگی حرکت شایسته انسان به سوی خدا.»

در بخشی از این کتاب نیز می‌خوانیم: «آدم و حوا، دست در دست یکدیگر، از زیر شاخه‌های درختان عبور می‌کردند، میوه‌ای رنگارنگ و شیرین می‌خوردند، کنار جویبارها می‌نشستند و از آواز پرندگان لذت می‌بردند. در بهشت همه چیز برای آن دو فراهم بود. نه گرسنگی را احساس می‌کردند و نه از گرما آزار می‌دیدند. شیطان می‌دید که آن‌ها در آسایش به سر می‌برند و برای نعمت‌هایی که دارند، شکرگزارند. از دیدن آن‌ها به خشم می‌آمد و به آن‌ها حسادت می‌ورزید. آن‌ها را مسبب بدبختی خود می‌دانست. در وجودش غوغایی به پا بود. آرام نمی‌شد تا آدم و حوا را از چشم خدا ببیند. او برای این کار قسم خورده بود و آرزو داشت به سوگندش عمل کند.»

این کتاب در چاپ پنجم با شمارگان ۵ هزار نسخه و قیمت

دیگر هیچ» مجموعه ۷ جلسه گفتگو محمد حسن روزی طلب باناصر رضوی کارشناس امنیتی درباره سازمان منافقین است که به تازگی منتشر و روانه بازار نشر شده است. «ناصر رضوی» از مسئولان اطلاعاتی امنیتی در نهاد های عمده کشور (اعم از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی) بوده است که بیش از سی سال عمر خدمتی خویش را صرفاً در حوزه التقاط و به طور اخص در مبارزه با سازمان منافقین طی کرده است.

احاطه رضوی زمینه های متعددی را دربر می گیرد که از آغاز فاز به اصطلاح سیاسی سازمان مزبور شروع شده، دوره های متعدد و متنوع و زیگزاگ گونه فاز نظامی را هم شامل می شود؛ از راهپیمایی براندازی سی خرداد ۱۳۶۰ تا انفجار های بزرگ اولیه در ساختمان مرکزی حزب جمهوری اسلامی و نخست وزیری تا حملات جمعی توهم آلودی چون راهپیمایی مسلحانه پنجم مهرماه ۱۳۶۰ و حضور مستقیم در ضربه به مرکزیت سازمان منافقین در ایران در بهمن ماه ۱۳۶۰ و ضربه های هولناک و سازمان برانداز اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۱ که از قضا منتهی به «عملیات مهندسی» و شکنجه های ضد انسانی منجر به شهادت چندین نفر از جمله سه پاسدار گشت و پیگیری حضور این جریان در اروپا و عراق و مدیریت نفوذ در آن، چه در اروپا و چه در عراق و فعل و انفعالاتی که از سر ناگزیری و آچمز شدن بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ در پیش گرفتند، همه و همه، حضور فعال و سازنده داشته است.

بر اساس این گزارش گفت و گو های این کتاب، در زمستان سال ۱۳۹۴ انجام شده است و در سه سال گذشته، سازمان منافقین دچار تحولات مهمی مانند خروج کامل از عراق، پشتیبانی مالی و اطلاعاتی توسط عربستان و هم پیمانی با دولت افراطی ترامپ شده است. کتاب «استراتژی و دیگر هیچ» در ۲۴۶ و باقیمت ۲۴ هزار تومان توسط انتشارات یازهرا (س) منتشر و روانه بازار نشر شده است.

۱ «ارمغان»

انتشارات انقلاب اسلامی کتاب «ارمغان» شامل دستاوردهای انقلاب اسلامی در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) را منتشر کرد. از ابتدای انقلاب یکی از راهبردهای دشمنان نظام اسلامی این بوده است که به ملت ایران القا کنند که انقلاب دستاورد مهمی نداشته است و هر چه از عمر انقلاب می گذرد این تلقینات رسانه ای افزایش یافته است.

در مقابل این حربه دشمنان، رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) با شناخت دقیق از نقشه دشمنان برای ناامید کردن مردم از آینده انقلاب، همواره با برشمردن دستاوردهای انقلاب اسلامی، امید به آینده روشن را در کالبد جامعه حفظ نموده اند. از این رو انتشارات انقلاب اسلامی در راستای رسالت خود در تبیین آراء و اندیشه های روشنگر رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) نسبت به تدوین بیانات معظم له در کتابی با عنوان «ارمغان» اقدام نموده است.

این کتاب مشتمل بر شش بخش است که در بخش اول

آشنایی با پنج کتاب تازه نشر در حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

مقاومت؛ مسیر سعادت

«طلبه انقلابی»، «استراتژی و دیگر هیچ»، «ارمغان»، «زندگی و مبارزات آیت الله شهید اشرفی اصفهانی» و «اطلس حماسه خرمشهر» پنج کتابی هستند که در معرفی آثار تازه منتشر شده حوزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برای شما انتخاب کردیم. ■

۲ «طلبه انقلابی»

کتاب طلبه انقلابی؛ جایگاه شناسی توصیفی - تحلیلی «طلبه انقلابی» توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر شده است. انقلابی بودن و انقلابی ماندن از دغدغه های جدی و راهبردی همه دلسوزان و علاقه مندان نهضت اسلامی از جمله مقام معظم رهبری است که در سال های اخیر در دیدار با گروه ها و بخش های مختلف نمود برجسته ای یافته است. ایشان در ۲۵ اسفند ۹۴ ابتدا دو دیدگاه را درباره مسائل حوزه مطرح کردند: یک نگاه به مسائل عمومی حوزه؛ مانند علم، تربیت علمی، تحقیق، اخلاق، مسائل مدیریتی، مسائل سازمانی، کتاب های درسی، چگونگی درس خواندن و... که البته در آن جلسه مد نظر ایشان نبود. نگاه دیگر، وضعیت رشد و بلوغ تفکر انقلابی و تداوم روحیه و منش انقلابی در حوزه که بسیار حائز اهمیت است و اگر مقوله قبلی مهم تر نباشد، به همان اندازه وزانت و اهمیت دارد. ورود به عالم طلبگی، پیوستن به جرگه عالمان دین و حرکت در مسیر نهضت توحیدگستری انبیا و اوصیا، همواره مسئولیت آفرین و دشوار بوده است، اما ویژگی های عصر خمینی و تأثیرات عمیق نهضت اسلامی بر جهان معاصر و ظرفیت های پدید آمده بسیار گسترده ناشی از آن برای تحقیق هر چه بیشتر اهداف اسلامی، باعث شده تا مسئولیت های بسیار بیشتر، خطیرتر و مشکل تری متوجه حوزه های علمیه، طلاب و عالمان گردد که تنها در صورت انقلابی بودن حوزه و طلبه قابل تحقق می باشند.

در باب «حوزه انقلابی» کمابیش گفتگو شده و می شود، اما درباره «طلبه انقلابی» کمتر بحث شده با آنکه نیازهای طلاب بدان بسی بیشتر است. بدین جهت، در این نوشتار به ترسیم سیمای طلبه انقلابی، ضرورت انقلابی بودن طلبه، ویژگی های طلبه انقلابی در ساحت بینشی و انگیزشی و رفتاری، راه های رسیدن بدان ها و نیز آسیب ها و شبهات متوجه طلاب انقلابی پرداخته می شود. کتاب طلبه انقلابی در قطع رقعی و به کوشش سعید هلالیان و با قیمت پشت جلد ۲۵۰۰۰ تومان، توسط انتشارات شهید کاظمی روانه بازار شد.

۳ «استراتژی و دیگر هیچ»

کتاب «استراتژی و دیگر هیچ» به اهتمام محمد حسن روزی طلب منتشر شد. کتاب «استراتژی و



تحقیق حاضر در دو بخش به بررسی زندگی و مبارزات شهید آیت الله اشرافی اصفهانی می‌پردازد؛ بخش اول تحت عنوان «آیت الله اشرافی اصفهانی و حرکت در مسیر مبارزه» در چهار فصل به زندگی و فعالیت‌های ایشان از تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. فصل اول این بخش، تولد، پیشینه خانوادگی و دوران اقامت و تحصیل آیت الله اشرافی اصفهانی را شامل می‌شود. فصل دوم هجرت ایشان به کرمانشاه و قرار گرفتن در مسیر نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) را مورد واکاوی قرار می‌دهد. در فصل سوم به ویژگی‌ها و فضائل اخلاقی آیت الله اشرافی اصفهانی پرداخته می‌شود. و فصل چهارم نیز به فعالیت‌های ایشان در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص یافته است.

بخش دوم کتاب تحت عنوان «از مقاومت تا شهادت» در سه فصل تنظیم شده است؛ فصل اول پیروزی انقلاب اسلامی و فعالیت‌های آیت الله اشرافی اصفهانی در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب را بررسی می‌کند. فصل دوم به چگونگی شهادت آیت الله اشرافی اصفهانی اختصاص یافته و فصل سوم سیری در آثار و تألیفات و مبانی فکری او دارد. در صفحات پایانی کتاب نیز گزیده‌ای از اسناد و تصاویر مرتبط آورده شده است.

کتاب «زندگی و مبارزات آیت الله شهید اشرافی اصفهانی» به تألیف حسین کاوشی و فاطمه نظری کهره با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در ۴۰۹ صفحه به قیمت ۳۰ هزار تومان توسط مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ و روانه بازار کتاب شده است.

۴ «اطلس حماسه خرمشهر»

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس کتاب «اطلس حماسه خرمشهر» را به چاپ رساند. این مرکز تدوین اطلس‌های میسوط شهری برای شهرهای مهم و مقاوم دوران دفاع مقدس را که با روحیه‌ای حماسی در برابر تجاوز دشمن یعنی مقاومت می‌کردند و برگ زرینی در کارنامه درخشان مردمان این شهرها به یادگار گذاشتند، در دستور کار خود دارد.

در این کتاب وقایع بیش از یک ماه مقاومت جانانه مردم خرمشهر و رزمندگان اسلام در برابر ارتش متجاوز عراق، سقوط شهر و مراحل گام به گام برای بازپس گرفتن این نگین درخشان در قالب اطلس روزنگار به تصویر کشیده شده است. این اثر در ۶ فصل تدوین شده و با تاریخچه خرمشهر آغاز می‌شود، اما در فصول پایانی به نبرد بیت المقدس و پیام امام خمینی (ره) می‌رسد. در پیشگفتار کتاب آمده، ایده تدوین اطلس حماسی شهرها به اوایل دهه ۸۰ در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس برمی‌گردد که در این راستا ۱۲ جلد اطلس راهنمای شهری و استانی در این مرکز به چاپ رسید. اطلس خرمشهر دارای تصاویر متعددی از موقعیت زمانی مختلف از خرمشهر است و در پاره‌ای از فصول نیز برخی اسناد منتشر شده‌اند. کتاب در ۱۳۵ صفحه به کوشش محسن رشید به اتمام می‌رسد و تلاش دارد چهره مقاومت خرمشهر را به خوبی ترسیم کند. □

آن به مفهوم شناسی کارآمدی و رابطه آن با دستاوردها پرداخته شده است. بخش دوم کتاب به بیان اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی از جمله؛ آرمان‌های فرهنگی، اجتماعی و علمی، اهداف و آرمان‌های سیاسی و اهداف و آرمان‌های اقتصادی، اختصاص یافته است.

در بخش سوم کتاب امکانات و ظرفیت‌های موجود نظام اسلامی اعم از امکانات مادی و غیر مادی مورد بررسی قرار گرفته است. موانع پیش روی انقلاب اسلامی عنوان بخش چهارم از این کتاب است که با تقسیم موانع موجود به موانع بیرونی و درونی این بحث را دربر گرفته است. در بخش پنجم با برشمردن دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح جهان، سیاست، اقتصاد، دین و... پیشرفت‌های ایران در عمق و سطح مورد توجه قرار گرفته است. و در نهایت در بخش پایانی این کتاب به ضرورت تلاش برای کم کردن فاصله با حکومت اسلامی مطلوب و مراحل دستیابی به تمدن جهانی اسلامی پرداخته شده است.

۴ «زندگی و مبارزات آیت الله شهید اشرافی اصفهانی»

کتاب «زندگی و مبارزات آیت الله شهید اشرافی اصفهانی» از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار نشر شد. کتاب «زندگی و مبارزات آیت الله شهید اشرافی اصفهانی» از سوی مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار نشر شد.

در بخشی از مقدمه این اثر می‌خوانیم: «با طالع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، شهید آیت الله عطاالله اشرافی اصفهانی نیز در مسیر مبارزه گام نهاد و در پایگاه مبارزاتی خویش، مسجد و حوزه علمیه آیت الله بروجردی کرمانشاه، با سخنرانی‌های افشاگرانه‌ای در مقابل سیاست‌های ضد اسلامی و غیرقانونی رژیم پهلوی ایستاد و ترنم‌های آن را بر ملا کرد. رژیم که تاب تحمل این افشاگری‌ها را نداشت، بارها ایشان را دستگیر و روانه زندان و حتی در مقطعی تبعید کرد.»

قضایایی چون تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و تقابل علما با رژیم پهلوی، حمله به مدرسه فیضیه، برپایی تظاهرات تاریخی روز عاشورا در تهران و در نهایت قیام ۱۵ خرداد را در پی داشت. فصل هشتم این کتاب به عزاداری‌های سیاسی در ماه‌های محرم سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۴ نگاه می‌دارد. فصل نهم این پژوهش به نمادهای انقلاب اسلامی می‌پردازد و به دنبال آن است تا گوشه‌هایی از فعالیت‌های سیاسی روحانیان و وعاظ را از یک سو و از سوی دیگر نقش مساجد، هیئات مذهبی و حسینیه‌ها در نهضت امام خمینی (ره) را تبیین کند.

فصل دهم به عنوان آخرین فصل و با نام «محرم در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۷ ش» به فعالیت‌های مبارزان در واپسین سال‌های عمر رژیم پهلوی اشاره دارد. در این فصل سعی شده روایتی از تظاهرات روز عاشورای سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ در تهران و سایر شهرستان‌ها که در واقع مهر باطلی بر نظام پوسیده رژیم زد، مورد بازخوانی قرار گیرد.

«جان جهان»

نوع بشر از روی فطرتی که در همگان مشترک و خدادادی است، به دنیایی عاری از ظلم و زندگی پاکیزه و رفاه نسبی علاقه و کشش دارد. اجتماعی نیست که به امید روزی بهتر در ذهن خود، آمدن نجات بخشی را لحظه شماری نکند. حتی جوامعی که به ادیان الهی و معنوی اعتقاد ندارند هم برای خودشان آمدن قهرمانی را تصور می‌کنند که می‌آید و همه چیز بعد از او خوب و خوش خواهد شد.

«جان جهان» به قلم «مهدی طیب» از موضوعی اساسی و ریشه‌ای - منجی باوری - شروع می‌کند و طبق روایی منطقی و استدلالی به موضوع امام زمان و غیبت و ظهور ایشان نگاه می‌اندازد. این کتاب در هشت فصل با بحث «منجی باوری در اقوام: مذاهب و مکاتب دیگر» آغاز و سپس در فصلی دیگر به «مهدویت باور مشترک همه مذاهب اسلامی» می‌رسد. در بخش دیگری از کتاب به «مهدویت در عرصه عرفان» پرداخته می‌شود و در فصل «حضرت مهدی (عج)» به طور مستقل درباره امام زمان (عج) سخن گفته می‌شود. فصل «غیبت و دیدار»، «شیعه در عصر غیبت»، «عصر ظهور» و «سخن‌ان حضرت مهدی (عج)» از دیگر فصول این کتاب است.

«جان جهان» اثر «مهدی طیب» در ۵۸۳ صفحه با قیمت ۲۵ هزار تومان از سوی انتشارات کتاب جمکران به بازار عرضه شده است.

«معجزات قرآن»

کتاب «معجزات قرآن» نوشته هارون یحیی با ترجمه علیرضا عیاری از سوی موسسه فرهنگی منادی تربیت به چاپ سیزدهم رسید. این اثر به بررسی معجزات قرآنی که علم بشر به آن‌ها آگاهی پیدا کرده، می‌پردازد.

اثر حاضر در دو بخش با عنوان‌های «معجزات علمی قرآن کریم» و «معجزات تاریخی قرآن کریم»، به مسائلی نظیر پیدایش جهان هستی و کیفیت خلقت انسان پرداخته و

معرفی تازه‌های نشر با موضوع دین

از عاشورا تا جان جهان

«نهضت عاشورا و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن بر جامعه ایرانی»، «جان جهان»، «معجزات قرآن» و «علم و دین در افاق جهان بینی توحیدی» عناوین کتاب‌هایی هستند که به تازگی در حوزه دین منتشر شده‌اند. در این مطلب با این آثار آشنا می‌شویم. ■

«نهضت عاشورا و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن بر جامعه ایرانی»

کتاب «نهضت عاشورا و تأثیرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن بر جامعه ایرانی» اثر اعظم فولادی پناه و مهشید کبیری از سوی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد. این کتاب در تلاش است با وجود گستردگی محدوده زمانی تحقیق (۶۱-۱۳۹۹ ق) علاوه بر بهره‌مندی از کتب پژوهشی و مطالعات کتابخانه‌ای با استفاده از خاطرات و مصاحبه‌های آرشیوی موجود در مرکز اسناد انقلاب اسلامی و با شیوه تاریخ شفاهی گوشه‌ای از تحولات تاریخ معاصر ایران که سخت متأثر از نهضت اباعبدالله الحسین (ع) بوده را ثبت کرده و در اختیار آیندگان قرار دهد.

تکیه اصلی پژوهش مورد نظر، بر حوادث تاریخ معاصر (دوره پهلوی دوم) بوده و با بهره‌گیری از شیوه تاریخ شفاهی نگاشته شده است، اما با توجه به تحصیلات نویسندگان اثر مذکور در رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی فصول ابتدایی کار، در زمینه تأثیرات سیاسی و فرهنگی اجتماعی نهضت عاشورا بر تحولات جامعه ایران بزرگ از سال ۶۱ ه. تا دوران قاجار بوده است که بر جامعیت این اثر می‌افزاید.

این اثر در ده فصل تنظیم شده است. فصل اول با عنوان «قیام‌های شیعی متأثر از نهضت حسینی» به واکنش‌های قهری شیعیان در مواجهه با ظلم و ستم خاندان‌های حکومت‌گر بنی‌امیه و بنی‌عباس و سرانجام آن‌ها می‌پردازد. فصل دوم این کتاب به تاریخچه مختصری از چگونگی برپایی عزاداری برای اباعبدالله حسین (ع) از سال ۶۱ ق تا دوران زنده اشاره دارد. «قاجاریه و عزاداری سیدالشهداء (ع)» عنوان سومین فصل از این کتاب است.

فصل چهارم به روند عزاداری‌ها در دوره پهلوی اول می‌پردازد و در آن به موضوعاتی چون سیر قدرت‌یابی رضا شاه در ایران، شیوه‌های وی در محدود ساختن روحانیان و علما در کشور و در نهایت به ممنوع شدن عزاداری و همچنین برپایی مجالس مخفی عزاداری برای سالار شهیدان در این دوره نگاه می‌دارد. فصل پنجم «محرم در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۴۰ ش» با ذکر حوادثی چون ورود متفقین به ایران و خروج رضا شاه از کشور در شهریور ۱۳۲۰ ش آغاز و با بررسی سیاست‌های مذهبی محمدرضا پهلوی در قبال مجالس سوگواری امام حسین (ع) و تأثیرات نهضت حسینی بر حوادث سیاسی دهه سی به پایان می‌رسد. فصول ششم و هفتم این کتاب تاریخ شفاهی، روایت‌گر حوادث سیاسی - اجتماعی سال‌های ۱۳۴۰-۱۳۴۲ ش است.

حوادثی که با آغاز نهضت امام خمینی (ره) به وقوع پیوست و در بطن خود حوادث و



«علم و دین در افق جهان بینی توحیدی»

«علم و دین در افق جهان بینی توحیدی» با طرح بعضی از مسائل چالش برانگیزی که علم معاصر در مقابل ادیان الهی مطرح کرده به دفع شبهات پرداخته و بر ضرورت حاکمیت یک چهارچوب جامع تر بر علم آینده تأکید می‌کند.

کتاب «علم و دین در افق جهان بینی توحیدی» اثر مهدی گلشنی با پیشگفتار آیت الله سبحانی، از سوی انتشارات دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی به بازار نشر عرضه شد. در کتاب «علم و دین در افق جهان بینی توحیدی» با طرح بعضی از مهم‌ترین مسائل چالش برانگیزی که علم معاصر در مقابل ادیان الهی مطرح کرده به دفع شبهات پرداخته شده و ضرورت حاکمیت یک چهارچوب جامع تر بر علم آینده، توصیه شده است.

رابطه علم و دین در جهان اسلام، «علم و دین در اروپای قرون وسطی»، «ارتباط علم و دین»، «مسئله خودکفایی علوم تجربی»، «آیا علم و دین به دو فرهنگ تعلق دارند؟»، «کیهان‌شناسی و خلقت»، «استدلال‌ها بر وجود خداوند بر اساس شواهد علمی»، «معجزه»، «مسئله شرور در جهان»، «هدف‌داری جهان»، «معاد»، «ارزش‌ها و مسائل اخلاقی در علم و فناوری»، «چرا علم دینی؟» و «علم آینده چهارچوبی جامع‌ترین‌ها دارد»، عنوان فصل‌های این کتاب است.

در مقدمه کتاب آمده است: «علم جدید در محیطی دین‌باور شروع شد و بنیان‌گذاران علم جدید مطالعه طبیعت را یک عبادت می‌دانستند، اما کم‌کم مکاتبی که فقط برای یافته‌های تجربی شأن قائل بودند، نضج گرفتند و پیشرفت‌های علم جدید در ابعاد نظری و عملی موقعیت این مکاتب را تقویت کرد. اما با خسارات ناشی از دو جنگ جهانی و نضج‌گیری مکاتب مختلف فلسفه علم در نیمه دوم قرن بیستم، کم‌کم معلوم شد که علم به تنهایی توانایی پاسخگویی به سؤالات بنیادی بشر را ندارد و حتی توفیق خود را نمی‌تواند توجیه کند و نمی‌تواند جلوی سوءاستفاده‌های عملی از علم را بگیرد. لذا از دهه ۱۹۶۰ به بعد به تدریج بازگشت به دین را در بعضی از محافل علمی می‌بینیم. همچنین تعداد قابل توجهی از بزرگان طراز اول علم، صریحاً متدین بودن خود را ابراز داشته و با مطرح کردن نقش اصول متافیزیکی در انتخاب نظریه‌ها به دفع شبهات ملحدان و شکاکان پرداخته‌اند.» □

آن‌ها را در آیات الهی جست‌وجو می‌کند. این کتاب با توجه به مطالب علمی و تاریخی که مطرح می‌کند، به یک نتیجه مسلم و قطعی می‌رسد که همانا «قرآن، کلام خداوند است». به عقیده نویسنده، به منظور درک اعجاز علمی قرآن، ابتدا باید به سطح علم، در زمان نزول این کتاب مقدس، نگاهی بیفکنیم. در قرن هفتم، وقتی قرآن کریم نازل شد، جامعه عرب اعتقادات خرافی و بی‌اساس فراوانی درباره واقعیت و موضوعات علمی داشت. به خاطر نبود فن‌آوری برای بررسی جهان هستی و طبیعت، اعراب اولیه به افسانه‌های به ارث رسیده از نسل‌های گذشته معتقد بودند. به عنوان مثال، آن‌ها تصور می‌کردند که کوه‌ها، آسمان را بالا نگه داشته‌اند. فکر می‌کردند که زمین مسطح است و کوه‌های بلندی در هر دو سر آن وجود دارند که همچون ستون‌هایی طاق بلند بالای آسمان را حفظ می‌کنند. در هر صورت، تمامی این عقاید خرافی عرب، توسط قرآن رد شد.

در بسیاری از موضوعات دیگر، حقایقی مهم، آن‌هم در زمانی که هیچ‌کس نمی‌توانست آن‌ها را دریابد، وحی شدند. قرآن، در زمانی نازل شد که مردم در مورد نجوم، علم فیزیک یا بیولوژی، اطلاعات بسیار ناچیزی داشتند و این کتاب، حقایقی کلیدی درباره موضوعات مختلف از قبیل خلقت جهان هستی، خلقت بشر، ساختار جو، و تعادلات ظریفی که حیات بر روی زمین را ممکن می‌سازد در برمی‌گیرد. چاپ سیزدهم کتاب «معجزات قرآن» در ۸۶ صفحه با شمارگان سه هزار نسخه راهی بازار نشر شده است.

راه‌های آشنا کردن کودکان با فرهنگ مطالعه



هیچ چیز جای کتاب را نمی‌گیرد



در فراسوی افق دید روزمره تو به تو آگاهی بدهد و می‌تواند شخصیت‌هایی را در برابر تو تصویر و تجسم کند، چنان‌که احساس می‌کنی همین الآن در برابر تو زنده ایستاده‌اند و تو آن‌ها را در عالم واقعیت بسیار دیده و می‌شناسی. خواندن مهم‌ترین مهارتی است که در سال‌های اولیه مدرسه حاصل می‌شود و تأثیر آن در طول زندگی انسان باقی می‌ماند. محمدعلی شامانی، معاون دفتر انتشارات کمک آموزشی، مطالعه را پی‌جویی حقیقت و کلید ورود به دنیایی تازه می‌داند. شامانی می‌گوید: هر نوع تلاشی که ما را به فهمیدن و درک درست و آدار کند مطالعه است. در واقع مطالعه یعنی اطلاع حاصل کردن؛ اما وقتی صحبت از مطالعه می‌شود معمولاً شکل سنتی آن که کتاب خواندن است به ذهن خطور می‌کند در حالی که استفاده از کتاب تنها یکی از شیوه‌های مطالعه است.

از میزان کتاب‌خوان‌ها، نحوه کتاب‌خوانی، تعداد کتابخانه‌های عمومی، تعداد کتاب‌های به چاپ رسیده، میزان کتاب خریداری شده توسط مردم و زمانی که صرف مطالعه می‌شود می‌توان پی برد که فرهنگ مطالعه در آن

به منظور ایجاد فرهنگ مطالعه در بین کودکان باید مجموعه عواملی که باعث ایجاد علاقه به مطالعه و کتاب‌خوانی می‌شوند را شناخت و با ارائه راه‌حل‌های مناسب در حل مشکل تلاش کرد. در این مقاله ابتدا عوامل بازدارنده کودکان از مطالعه ذکر می‌شود و بعد از آن به عوامل تقویت‌کننده در مطالعه کودکان پرداخته می‌شود. هدف از این مقاله این است که به خواندن و مطالعه از دوران کودکی توجه ویژه‌ای شود که در نهایت سبب ایجاد جامعه‌ای با فرهنگ مطالعه بالا می‌شود. ■

مطالعه از باب مفاعله است و فرد با بهره جستن از آن به روشنی درونی دست می‌یابد، همان‌گونه که خورشید طلوع می‌کند و صبح روشن را مژده می‌دهد. در معنا و مفهوم مطالعه در فرهنگ عمیق‌ترین هدف‌هاست؛ اطلاع یافتن از چیزی با ادامه نظر در آن، خواندن کتاب یا نوشته دیگر و دقت کردن در آن. مطالعه راهی برای شناخت جهان علم و معرفت بشری است. امروزه مطالعه از شاخص‌های رشد و توسعه هر ملتی محسوب شده و میزان گرایش افراد به مطالعه نقش مهمی در پیشرفت و توسعه جامعه دارد. خواندن و مطالعه بیشتر، یکی از بزرگ‌ترین هدف‌هایی است که بیشتر مردم آرزویش را دارند و برای آن تلاش می‌کنند؛ و این نکته واقعاً درست است که می‌گویند یک کتاب خوب می‌تواند بیش از اندازه خودش، خرسندکننده و پاسخگوی نیازهای ما باشد. کتاب خوب می‌تواند درباره هر چیزی



.....

بدیهی است که خواندن موظف و داوطلبانه، امری است که شرایط خاص خود را طلب می‌کند. یکی از شرایط، داشتن محتوای با کیفیت است که نوعی کشش و علاقه‌مندی را در خواننده خود ایجاد می‌کند. این کشش و جاذبه در منابع چاپی زمانی بیشتر جلوه‌گر می‌شود که مخاطبان آن کودکان باشند که در منابع مورد مطالعه، به دنبال پاسخ سؤالات ذهنی خود باشند و در کنار این حس پرسشگری، خواهان کمترین زحمت برای رسیدن به پاسخ سؤالات خود هستند. علاقه‌مندی آن‌ها برای درک مطالب از طریق تصویر، موجب می‌شود تا بیشتر حجم کتاب‌های کودکان از تصاویر تشکیل شود. پس می‌توان نتیجه گرفت که نداشتن تصاویر جالب و جذاب در کتاب‌های کودکان می‌تواند به عنوان عامل بازدارنده‌ای در مطالعه و کتاب خوانی به شمار آید.

❑ عدم توجه به کتابخانه‌های مدارس

در دنیای امروز که دسترسی به کتابخانه‌های دیجیتال و مبتنی بر وب کتابخانه‌های استاندارد و دارای منابع مناسب برای کودکان به عنوان زیرساخت لازم برای فرهنگ‌سازی در نظام آموزشی به شمار می‌آید، دیگر بحث در مورد وجود کتابخانه تنها تکرار مکررات است. پس بی‌توجهی به کتابخانه‌های مدارس باعث بی‌توجهی کودکان و نوجوانان به مطالعه و خواندن و کتاب خواهد شد.

❑ نبود کتابدار متخصص در کتابخانه

نداشتن کتابدار متخصص در کتابخانه‌های مدارس، استفاده از دانش آموزان به عنوان متصدی کتابخانه در ساعت‌های آزاد و سپردن مسئولیت اداره کتابخانه به صورت پاره‌وقت به یکی از مربیان مدرسه که در بخش‌های دیگر کارایی ندارد، به معنی بی‌توجهی به مسئله مطالعه و کتاب خوانی در مدارس است. در جایی که مطالعه و فرهنگ کتاب خوانی کم‌اهمیت فرض می‌شود، چگونه می‌توان از رشد سواد و گسترش فرهنگ مطالعه صحبت کرد؟

❑ نداشتن الگوی مناسب در خانواده

فرهنگ‌پذیری از اطرافیان در دوران کودکی پایه و اساس شکل‌گیری شخصیت او است. شخصیت کودک مانند ماده خامی است که قدرت شکل‌پذیری در هر قالبی را دارد. وجود الگوی مناسب در محیط زندگی و مدرسه می‌تواند در شکل‌گیری قالب شخصیتی کودک بسیار مؤثر باشد. کودک در خانواده از والدین خود و در مدرسه از معلم و دوستان خود بیشترین تأثیرپذیری را دارد و چنانچه اعضای خانواده در طی روز مدت زمانی را به مطالعه بپردازند و یا با خواندن کتاب‌های مورد علاقه کودک صرف کنند، در علاقه‌مند کردن او به مطالعه و کتاب خوانی گام مؤثری برداشته‌اند.

❑ جایگزینی رسانه‌های تصویری به جای کتاب

تردید نیست که در عصر ارتباطات و رسانه‌های الکترونیکی نمی‌توان از کودکان انتظار داشت به اندازه

کشور در چه جایگاهی قرار دارد و از این طریق مسیر و جهت رشد و توسعه و یا افول ملتی را می‌توان مشاهده کرد.

بدون شک یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی، کودکی است؛ دورانی که شخصیت پایه‌ریزی و شکل می‌گیرد. در این دوران خواندن نخستین سنگ پایه زندگی اجتماعی کودک است. با خواندن کتاب و گفتگو پیرامون آن، کودک تجربیاتی کسب می‌کند. او یاد می‌گیرد چگونه سخن بگوید، چگونه نظرش را بیان کند، چگونه به نظر دیگران احترام بگذارد و چگونه بنویسد.

مادر سراسر جهان شاهد رشد روزافزون دانش و تکنولوژی هستیم. همگام کردن کودکان با جهان متحول امروزی برای داشتن انسان‌های آگاه و مطلع از ضروریات است زیرا آگاه نبودن و بی‌اطلاعی موجب سردرگمی و عقب‌ماندگی خواهد شد و برای رسیدن به تحولات عظیم فرهنگی همیشه باید از نقطه‌آغازین گام برداشت.

صاحب‌نظران برای شاخص اعتقاد به «نیاز به مطالعه از کودکی تا بزرگسالی» اهمیت زیادی قائل شدند و برای تقویت چنین باوری راهکارهای ذیل را پیشنهاد کردند. از جمله تقویت احساس نیاز به خود شکوفایی در جامعه، آگاهی بخشی به جامعه در خصوص اثرات مطالعه در زندگی فردی و اجتماعی، تأکید سخنرانان و رهبران اجتماعی در خصوص اهمیت کتاب خوانی، بالا بردن منزلت اجتماعی اهل مطالعه و احترام و اکرام دانشمندان به عنوان اصحاب مطالعه. برای اینکه فرهنگ مطالعه در جامعه گسترش پیدا کند ابتدا باید فرهنگ خواندن را در جامعه و بین کودکان و نوجوانان رواج دهیم و بعد فرهنگ مطالعه را. به نظر می‌رسد خواندن را باید از همان زمانی که برای کودک خود در زمان خوابش کتاب می‌خوانیم آغاز کنیم و به کودک خود یاد دهیم؛ و مطالعه را خود کودک زمانی که وارد مدرسه می‌شود خواه‌ناخواه، با علاقه یا بدون علاقه یاد خواهد گرفت؛ که اگر کودک از همان روزهای آغازین عمر خود با کتاب آشنا شده باشد مسلماً کتاب خواندن و مطالعه را دوست خواهد داشت.

❑ عوامل بازدارنده کودکان از مطالعه

اگرچه دانش آموزان فعال‌ترین خوانندگان هستند، اما هیچ‌گونه تضمینی برای تداوم خواندن آن‌ها وجود ندارد. به همین خاطر وظیفه بزرگسالان و مربیان کودکان تنها ایجاد علاقه‌مندی در کودکان نیست، بلکه تلاش در تداوم این اشتیاق به خواندن و مطالعه نیز به اندازه ایجاد علاقه‌مندی مهم است. گاه عوامل بازدارنده‌ای وجود دارند که کودک را از ایجاد حس علاقه‌مندی به مطالعه باز می‌دارند و یا علاقه به وجود آمده را به بی‌میلی و گاهی نفرت از مطالعه تبدیل می‌کنند. عواملی که موجب بازدارندگی کودکان از مطالعه می‌شود شامل موارد زیر است.

❑ کیفیت منابع چاپی

یکی از موانع جدی در مطالعه به ویژه در کودکان، بی‌کیفیتی منابع چاپی است که برای آن‌ها تهیه می‌شود.

برای اینکه فرهنگ

مطالعه در جامعه

گسترش پیدا

کند ابتدا باید

فرهنگ خواندن

را در جامعه و بین

کودکان و نوجوانان

رواج دهیم و بعد

فرهنگ مطالعه

را. به نظر می‌رسد

خواندن را باید از

همان زمانی که

برای کودک خود

در زمان خوابش

کتاب می‌خوانیم

آغاز کنیم

نسل‌های گذشته خود را مقید به کتاب و مطالب چاپی نمایند. از طرفی، هنوز وجود کتاب به عنوان رسانه‌ای فراگیر و ارزن در آموزش کودکان و نوجوانان ضرورتی انکارناپذیر است. حضور کتاب‌های چاپی در کلاس‌های درس در کنار وسایل و آموزش‌های الکترونیکی و مبتنی بر وب هنوز جایگاه این رسانه را در آموزش و در بین کودکان حفظ کرده است. متأسفانه در قبال حضور رسانه‌های الکترونیکی، نگرش‌های افراطی وجود دارد که استفاده از این تجربیات نوظهور را بسیار زودتر از آنچه تصور شود به صورت یک فرهنگ اجتماعی درآورده است. آنچه در بین خانواده‌ها و یا حداقل تجربیات روزمره خودمان به چشم می‌خورد، فرهنگ اشتباه تماشای تلویزیون و یا فیلم‌های کارتونی است که توسط والدین برای سرگرم کردن کودک و به قولی راحت شدن از سؤالات مکرر او رسیدن به آسودگی خیالی است که در خانواده‌های امروزی به چشم می‌خورد. پدر و مادری که بخش اعظم وقت خود را صرف کار کرده‌اند دیگر انرژی جهت سرگرم سازی کودک با کتاب و مطالعه ندارند و ترجیح می‌دهند که کودک خود را با برنامه‌های تلویزیونی سرگرم کنند. البته استفاده از این رسانه‌ها جز لاینفک نظام آموزشی نوین به شمار می‌آیند، اما باید توجه داشت که تمام وقت کودک نباید صرف تماشای تلویزیون شود و از عادت به مطالعه و کتاب‌خوانی غفلت نشود.

❑ عوامل ایجادکننده علاقه به مطالعه در کودکان

نهادهای متعددی وجود دارد که می‌تواند یک جامعه را جامعه‌ای کتاب‌خوان یا گریزان از کتاب باریاورد که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. واضح است که اولین و مهم‌ترین نهاد خانواده است. اگر پدر و مادری عادت به مطالعه داشته باشند و کودک ببیند که آنان کتاب می‌خوانند او نیز خیلی زود با کتاب آشنا می‌شود و به تقلید از والدین خود، کتاب را دست می‌گیرد. پس با دیدن کتاب‌های تصویری به تدریج به سوی کتاب جلب می‌شود. مطالعه با جمع خانواده فرصت گفتگو و نزدیک شدن به هم را فراهم می‌آورد. بهتر است والدین امکان پیاده کردن طرح خواندن با خانواده را به وجود آورند.

نهاد دوم مدرسه است. مدرسه عامل مهمی است که باعث علاقه مند شدن یا منزجر شدن کودک از مطالعه و کتاب می‌شود. وقتی معلم کودک را مجبور به خواندن درس می‌کند و در صورتی که کودک نتواند پاسخگوی سؤالات درسی باشد تنبیه می‌شود بدون شک که کودک از کتاب متنفر خواهد شد. معلم باید یک رابطه دوستانه بین خود کتاب و کودک ایجاد کند. تا کودک با اشتیاق کتاب‌های درسی خود و حتی مطالبی را از سایر کتاب‌ها در مورد درس خود مطالعه کند. اگر دانش‌آموز در مدرسه با کتاب آشنا شد و لذت مطالعه خودآموزی و افزایش معلومات عمومی را درک کرد و به مطالعه خو گرفت در تمام دوران زندگی از کتاب دست نمی‌کشد. نظام آموزشی مهم‌ترین عامل در توسعه و یا در عدم توسعه در جوامع به حساب می‌آید؛ و برنامه‌های مطالعه آزاد و جانبی باید در مدارس به‌گونه‌ای



پدر و مادری که بخش اعظم وقت خود را صرف کار کرده‌اند دیگر انرژی جهت سرگرم سازی کودک با کتاب و مطالعه ندارند و ترجیح می‌دهند که کودک خود را با برنامه‌های تلویزیونی سرگرم کنند. البته استفاده از این رسانه‌ها جز لاینفک نظام آموزشی نوین به شمار می‌آیند، اما باید توجه داشت که تمام وقت کودک نباید صرف تماشای تلویزیون شود و از عادت به مطالعه و کتاب‌خوانی غفلت نشود

باشد که امکانات تحقیق برای دانش‌آموزان را فراهم آورد. دانش‌آموزانی که در شان با تحقیق همراه است خود به خود به سمت مطالعه کشیده می‌شوند؛ و در اینجا وجود کتابخانه‌های آموزشی که کودک را حمایت کند بسیار با اهمیت و خدمات آن ارزنده است و می‌تواند مؤثر باشد. نهاد سوم صداوسیما است. به ندرت فیلم یا برنامه‌ای ساخته می‌شود که در آن به کودک کتاب خواندن را آموزش دهند. فرهنگ سازی کمی از جانب صداوسیما در زمینه خواندن و مطالعه کردن صورت می‌گیرد. کتابخانه می‌تواند نقش اساسی در توسعه عادت به مطالعه در کودکان داشته باشد؛ زیرا همچون پناهگاه امن اجتماعی، در محیطی سالم، محتوای منابع و اطلاعات مورد نیاز را به صورت نظام مند در اختیار کودکان قرار داده و با الگوسازی، عادت مطالعه را توسعه می‌دهد. توسعه کمی و کیفی کتابخانه‌ها، در توسعه عادت به مطالعه و ایجاد فرهنگ مطالعه در کودکان نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ اما متأسفانه کتابخانه‌ها نیز نتوانسته‌اند نقش قابل توجهی را در این زمینه بازی کنند. کتابخانه‌ها به عنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای ترویج کتاب‌خوانی تاکنون در محاق فراموشی قرار گرفته‌اند. طبیعی است که کتاب مفید و سازنده بسیار است و این تصور که کسی قادر به خریدن همه کتاب‌های مفید باشد تصوری اغراق آمیز است؛ بنابراین وجود کتابخانه‌های غنی و کارآمد برای دستیابی جامعه به مفیدترین تولیدات فرهنگی امری ضروری است که بی‌توجهی بدان نابخشودنی است. متأسفانه در کشور ما به کتابخانه‌ها آن‌گونه که شایسته است ارج‌گذاری و عنایت نشده. وجود تعداد اندک و انگشت‌شمار کتابخانه‌های غنی در سطح کشور و مهجور ماندن همین تعداد اندک از عوامل حتمی و قطعی بازدارنده در امر کتاب‌خوانی‌اند.

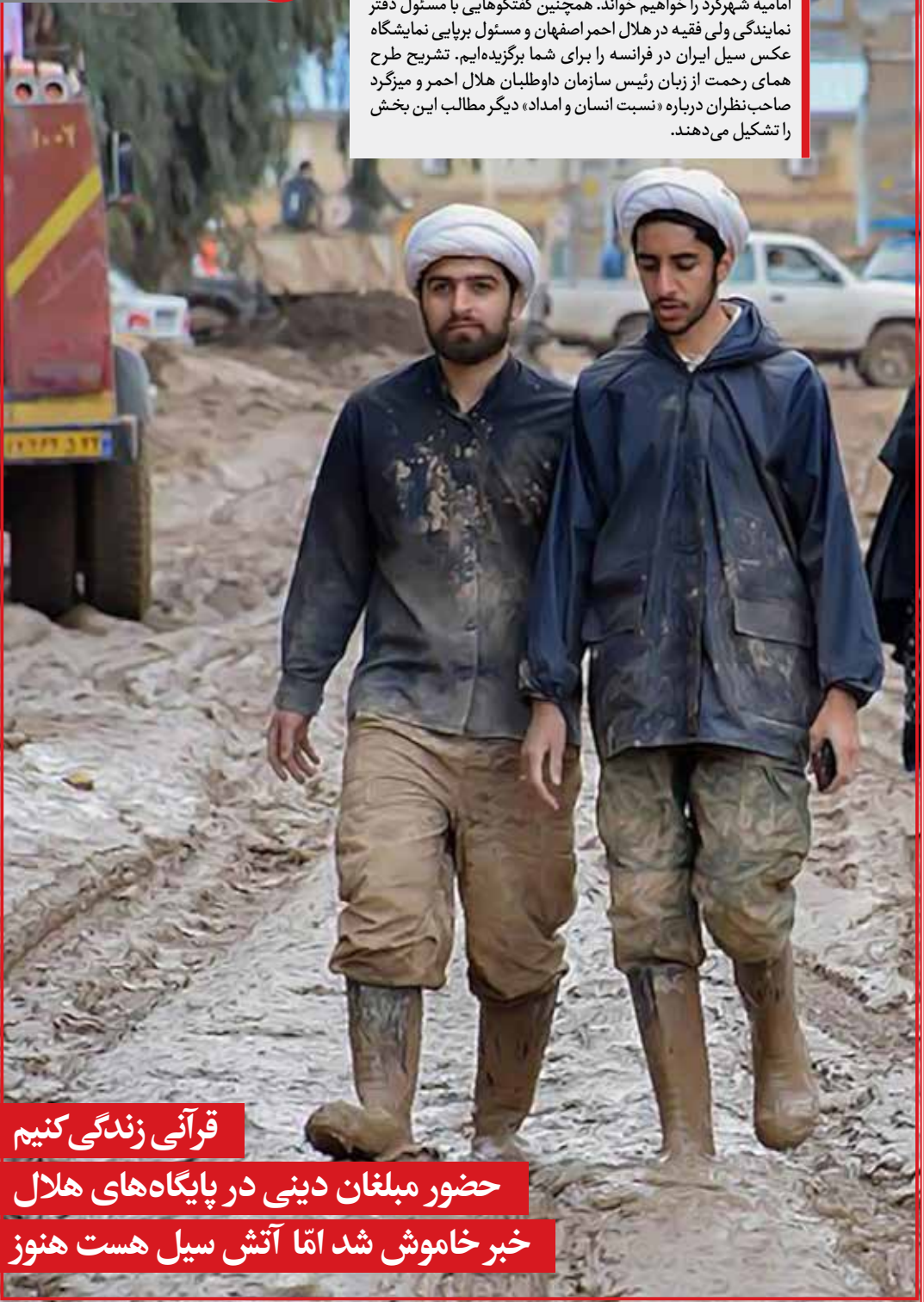
❑ تنها راه پیشرفت

مطالعه به عنوان یک مهارت اجتماعی، نردبان ترقی و تکامل هر ملت است. بین مطالعه و رشد افراد در جوامع، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. به بیان دیگر تنها راه پیشرفت هر فرد و جامعه‌ای، ارزش قائل شدن برای کتاب و کتاب‌خوانی است. مطالعه می‌تواند نقش مؤثری به شکل مستقیم و غیرمستقیم، در کاهش اثرات اجتماعی داشته باشد. برای ایجاد فرهنگ مطالعه در جامعه باید در کودکان علاقه و اشتیاق به مطالعه ایجاد کنیم. برای تبدیل این علاقه به عادت باید از دوران طفولیت شروع کنیم. پایین بودن سطح مطالعه در کشورمان ناشی از ناآشنایی و عادت نداشتن به مطالعه از دوران کودکی است. ما می‌توانیم مطمئن باشیم چنانچه فرزندانمان از کودکی شوق به خواندن پیدا کنند و انگیزه مطالعه کردن در آنان به وجود آید و مطالعه کردن را جزئی از زندگی خود بدانند بدون شک در هر دوره از زندگی خود به هر طریق که شده مواد و مطالب مورد نیاز را به دست آورده و مطالعه می‌کنند؛ بنابراین اگر عادت به مطالعه از کودکی در افراد شکل بگیرد در این صورت است که می‌توانیم جامعه‌ای با فرهنگ مطالعه بالا داشته باشیم. ❑



« هلال

در بخش هلال این شماره علاوه بر گزارشی از مراسم افتتاح دارالقرآن جمعیت هلال احمر استان تهران، خبرهایی از مراسم قدردانی از کمک خیرین و مردم شهرستان گلپایگان به سیل زدگان کشور، سفره‌های مهربانی و نشست‌های قرآنی در قم، تشریح فعالیت‌های هلال احمر خراسان رضوی در ماه مبارک رمضان و همکاری هلال و کانون طلاب امامیه شهرکرد را خواهیم خواند. همچنین گفتگوهایی با مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر اصفهان و مسئول برپایی نمایشگاه عکس سیل ایران در فرانسه را برای شما برگزیده‌ایم. تشریح طرح‌های رحمت از زبان رئیس سازمان داوطلبان هلال احمر و میزگرد صاحب‌نظران درباره «نسبت انسان و امداد» دیگر مطالب این بخش را تشکیل می‌دهند.



قرآنی زندگی کنیم

حضور مبلغان دینی در پایگاه‌های هلال

خبر خاموش شد اما آتش سیل هست هنوز



در بخش دیگری از این مراسم کلیپی از فعالیت‌ها و کمک‌های جمعیت هلال احمر استان تهران در مناطق مختلف کشور پخش شد و پس از آن نیز گروه مدیحه سرایی شمس الضحی به اجرای دو قطعه در وصف قرآن و حضرت علی (ع) پرداخت.

❑ **خدمت‌مردمی**

در ادامه مرتضی نجفی قدسی، مسئول دارالقرآن امام علی (ع) در سخنانی به ویژگی‌های ماه مبارک رمضان پرداخت و گفت: براساس روایات در ابتدای این ماه مبارک صحف حضرت ابراهیم (ع)، در شب ششم کتاب تورات بر حضرت موسی (ع)، در شب سیزدهم انجیل بر حضرت عیسی (ع)، در شب هجدهم زبور بر حضرت داوود (ع) و در شب بیست و سوم این ماه مبارک قرآن بر قلب مقدس پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. امام باقر (ع) نیز بهار قرآن را ماه مبارک رمضان معرفی کرده‌اند. لذا افتتاح این دارالقرآن در چنین ماه مبارکی بسیار خجسته و مبارک است.

نجفی قدسی با بیان اینکه جمعیت هلال احمر یک جمعیت خدمت‌مردمی و انسان‌دوستانه است، افزود: از گذشته در این جمعیت فعالیت‌های فرهنگی وجود داشته و در برخی برهه‌ها شدت و ضعف داشته است. خدا را شاکر هستیم که در رأس نمایندگی این سازمان نیز یک چهره فرهنگی حضور دارد. وجود این چهره در سازمان هلال احمر تقویت‌کننده فعالیت‌های فرهنگی خواهد بود.

وی با بیان اینکه هلال احمر ظرفیت بسیار بالایی دارد، اظهار کرد: ظرفیت این سازمان در بحث فرهنگی اگر بیشتر از برخی نهادها تخصصی فرهنگی نباشد، کمتر نیست. این سازمان می‌تواند به عنوان مکمل آن نهادها فعالیت کند. خوشبختانه مردم نیز دید مثبتی نسبت به این سازمان دارند و در عمق جان خانواده‌ها محبوبیت دارد.

مسئول دارالقرآن امام علی (ع) تصریح کرد: وقتی پیشنهاد همکاری دارالقرآن امام علی (ع) با این سازمان مطرح شد بسیار استقبال کردم، چرا که هلال احمر می‌تواند نقش بسیار خوبی در جذب جوانان و نوجوانان به سمت مسائل فرهنگی که این روزها کمتر مورد توجه است، داشته باشد.

وی با اشاره به اینکه وضعیت مساجد به لحاظ حضور مردم چندان مناسب نیست، گفت: براساس آمار ۷۵ هزار مسجد وجود دارد که نیمی از آن امام جماعت ندارد، بقیه نیز غالباً نماز مغرب در آن اقامه می‌شود، در حالی که در زمان پیامبر همه قسم فعالیت‌ها به کمترین حد خود رسیده است. وقتی حاضران فعالیت‌ها به کمترین حد خود رسیده است، وقتی مساجد کمترین برنامه‌ها را دارند، جمعیت نوجوان و جوان می‌تواند از طریق هلال احمر که وجه عمومی خوبی دارد جذب شود.

نجفی قدسی در ادامه به برنامه‌ها و فعالیت‌های دارالقرآن امام علی (ع) و علامه طباطبایی اشاره کرد و گفت: دارالقرآن امام علی (ع) یک دارالقرآن مردمی است که توانسته خوش بدرخشد و در عرصه فعالیت‌های قرآنی در کشور مطرح باشد. این دارالقرآن بزرگترین مسابقات قرآن کشور را برگزار

حجت الاسلام و المسلمین معزی در افتتاح دارالقرآن جمعیت هلال احمر استان تهران:

قرآنی زندگی کنیم

❑ مراسم افتتاح دارالقرآن جمعیت هلال احمر استان تهران با حضور نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر و جمعی از مسئولان این جمعیت برگزار شد. در ابتدای این مراسم که ۲۲ اردیبهشت ماه برپا شد یکی از قاریان جمعیت هلال احمر استان تهران به تلاوت آیاتی از کلام الله مجید پرداخت و پس از آن کلیپی از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جامعه قرآنی پخش شد و سپس یکی دیگر از قاریان جمعیت هلال احمر استان تهران آیاتی از کلام الله مجید را تلاوت کرد. در ادامه این مراسم حسین کتابدار، مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان تهران، در سخنان کوتاهی ضمن خوش آمدگویی به حاضران در این مراسم، گفت: در استان تهران برنامه‌هایی برای این دارالقرآن تدارک دیده شده است که به زودی اعلام خواهد شد.



وی در پایان سخنان خود به یکی از بیانات آیت‌الله العظمی وحید خراسانی در توصیف ماه مبارک رمضان پرداخت و گفت: براساس فرمایشی از یکی از مراجع عظیم الشان تقلید، ماه مبارک رمضان به دو دلیل ارجح بر دیگر ماه‌هاست؛ یکی به دلیل اینکه قرآن نازل شد و دیگری اینکه قرآن ناطق عروج کرد. مورد اول به نزول قرآن بر قلب پیامبر اکرم (ص) و مورد دوم نیز به شهادت امام علی (ع) اشاره دارد. امیدوارم در این ماه نورانی برکات بی پایان خداوند متعال شامل حال ما شود.

در ادامه این مراسم، گروه «غنچه‌های هلال» از شهری به همخوانی قرآن کریم پرداختند. قرائت آیات قرآن به زبان انگلیسی و فارسی از دیگر برنامه‌های این گروه بود که مورد تجلیل نماینده مقام معظم رهبری در سازمان هلال احمر نیز قرار گرفت.

❑ **چراغی درخشان**

در بخش دیگری از مراسم افتتاحیه دارالقرآن جمعیت هلال احمر استان تهران، حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی سلطانی، مسئول دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر استان تهران، به بیان سخنان کوتاهی پرداخت. وی در سخنان کوتاه خود از دست‌اندرکاران راه‌اندازی این دارالقرآن قدر دانی کرد و گفت: رؤسای شعب جمعیت در استان تهران نمایندگانی را به عنوان مسئولان شعب معرفی کرده‌اند که احکام خود را از دست نماینده مقام معظم رهبری در سازمان هلال احمر دریافت خواهند کرد. سلطانی افزود: یکی از توفیقاتی که داریم، انعقاد تفاهم‌نامه با دارالقرآن امام علی (ع) است تا در پروژه‌ها و دوره‌های آموزشی از استادان این دارالقرآن بهره‌برداری لازم را ببریم.

مسئول دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر استان تهران با تأکید بر اینکه راه‌اندازی این دارالقرآن بدون حمایت‌های حجت‌الاسلام والمسلمین معزی ممکن نبود، بیان کرد: شکفته شدن شکوفه دارالقرآن جمعیت هلال احمر استان تهران در گام دوم انقلاب اسلامی و تمدن‌سازی جهانی مؤثر خواهد بود و چراغی خواهد بود تا هلال احمر سازمانی در تراز جمهوری اسلامی باشد.

که باید مورد توجه قرار بگیرد. خوشبختانه در حال حاضر بهترین ترجمه‌های قرآنی با هر سلیقه‌ای قابل دریافت است. این همه امکانات در اختیار ماست تا با ترجمه قرآن آشنا شویم و متوجه شویم که کلمات قرآن به ما چه می‌گویند. این ترجمه و فهم قرآن باید زمینه‌ای برای تدبر در قرآن کریم شود.

معزی با اشاره به اینکه خواندن قرآن و درک نکردن معانی آن مطلوب نیست، اظهار کرد: یکی از عرفای ماه مبارک رمضان تدبر در آیات قرآن را از اعمال ماه مبارک رمضان معرفی کرده است. زندگی پیامبران در قرآن برای درآموزی و فراگرفتن سبک زندگی از آن بسیار مهم است. باید در قرآن تدبر کنیم که چرا قرآن سرگذشت پیامبران را تعریف کرده است. اگر معنا و ترجمه و فهم آیات الهی را داشته باشیم راحت به سبک زندگی پیامبران خواهیم رسید.

نمایند مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر در پایان صحبت‌های خود در این مراسم به فرموده حضرت علی (ع) در مورد قرآن اشاره کرد و گفت: باید مواظب باشیم دیگران در عمل به قرآن از ما پیشی نگیرند. قرآنی عمل کنیم و قرآنی زندگی کنیم، باید تلاش کنیم تا این دارالقرآن استمرار یابد و به فعالیت خود به خوبی ادامه دهد.

در پایان این مراسم احکام مسئولان دارالقرآن‌های شعبه جمعیت هلال احمر استان تهران در شهرستان‌های مختلف این استان اهدا شد. □



.....

بیشترین

رساله‌های

دانشگاهی در

فوق لیسانس

و دکترا در علوم

حدیث و قرآن

است. البته

مطلوب ما این

است که از هر

خانه‌ای در ایران

اسلامی صدای

قرآن برخیزد و هر

فرزند مسلمانی

بتواند قرآن قرائت

کند

می‌کند و بیشترین جوایز را نیز اهدا می‌کند. اخیراً مسابقات این دارالقرآن با حضور ۸ هزار نفر برگزار شد.

وی در پایان در مورد فعالیت‌های دارالقرآن علامه طباطبایی نیز گفت: پس از اینکه بیت علامه طباطبایی در قم خریداری شد آن را تبدیل به یک دارالقرآن کردیم که محل آمد و شد مراجع عظیم الشان تقلید است و دوره‌های تفسیر و مهارت بیان تفسیر قرآن در آن آموزش داده می‌شود. ظرفیت‌های این دو مرکز برای بهره‌برداری‌های بیشتری می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

□ صدای قرآن از هر خانه

در ادامه مراسم افتتاحیه دارالقرآن جمعیت هلال احمر استان تهران حجت الاسلام والمسلمین عبدالحسین معزی، نماینده مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر، در سخنانی راه‌اندازی این دارالقرآن را گام مطلوب جمعیت هلال احمر استان تهران بیان کرد و گفت: زمانی در حوزه علمیه قم یک حافظ قرآن به نام «شیخ غلامرضا کاردان» وجود داشت که آیت‌الله بروجردی به ایشان یک دوره وسائل الشیعه جایزه داد.

دومین حافظ قرآن حوزه آیت‌الله محمدحسین مسجدجامعی بود که در قم درخشیده بود. سومین حافظ قرآن نیز آیت‌الله خزعلی بود. در آن سال‌ها در کشور حافظ قرآن زیاد نبود اما در حال حاضر هزاران حافظ کل قرآن کریم تربیت شده است.

وی با اشاره به اینکه در گذشته درس قرآن حتی جزء دروس آموزشی مدارس نیز نبود اما پس از انقلاب جزء دروس رسمی آموزشی شده است، گفت: بیشترین رساله‌های دانشگاهی در فوق لیسانس و دکترا در علوم حدیث و قرآن است. البته مطلوب ما این است که از هر خانه‌ای در ایران اسلامی صدای قرآن برخیزد و هر فرزند مسلمانی بتواند قرآن قرائت کند.

معزی با تأکید بر اینکه مطلوب ما این است که همه مساجد مملو از جمعیت باشد، بیان کرد: در گذشته جای تعلیم قرآن فقط هیئات مذهبی بود. خدا را شاکر هستیم که در سنین مختلف گرایش به حفظ قرآن وجود دارد. شاهدیم که قاریان ایرانی با وجودی زبانشان فارسی است اما بهتر از قاریان عرب تلاوت می‌کنند و بعد از کشور مصر از بقیه کشورها جلو تر هستیم.

نمایند مقام معظم رهبری در جمعیت هلال احمر تصریح کرد: حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر دو وظیفه دارد که یکی از آن‌ها نظارت بر امور و فعالیت‌ها دارد و دیگری نیز ارتقای فرهنگ دینی است. با ظرفیتی که این سازمان دارد و مویرگی با تمام کشور ارتباط دارد می‌توان فرهنگ دینی را ارتقا داد. این جمعیت باری بردوش دولت ندارد و اگر هم پولی دریافت می‌کند بابت خدماتی است که ارائه می‌دهد.

معزی با اشاره به اینکه سازمان جوانان جمعیت هلال احمر سرمایه عظیمی است که بیش از یک میلیون عضو دارد، گفت: یکی از کارهایی که برای این جمعیت باید انجام دهیم تربیت قرآنی است. اولاً اینکه قرآن را درست تلفظ کنند و با تجوید نیز بخوانند. خواندن صحیح قرآن در راستای فهم کلمات خواهد بود. فهم معنا گام دیگر است



گرفت. دیدار با امدادگران و بررسی مشکلات و موانع موجود و همچنین بازدید از پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای استان خوزستان نیز از دیگر فعالیت‌های انجام شده در استان خوزستان بوده است.

در این مأموریت دو نفر از روحانیون امدادگر استان اصفهان نیز همراهی نمودند که در اردوگاه‌های اسکان به کار فرهنگی و اجرای برنامه برای کودکان و نوجوانان پرداختند. بهترین خاطره‌ام از این سفر جمله جوانی روستایی بود که گفت: «اینجا میهن ماست، هتل پنج ستاره نیست که اگر امکاناتش کم شد اعتراض کنیم. ما پشتیبان کشور انقلاب و رهبری هستیم».

برای آینده چه برنامه‌هایی تدارک دیده‌اید؟

در سال جدید سه برنامه مهم در دستور کار قرار دارد. اول برنامه‌های تفریحی و مذهبی برای نجاتگرانی که در حوادث خطرناک حضور پیدا می‌کنند و قصد داریم در این برنامه مشاوره را نیز داشته باشیم تا امدادگران عزیز از نظر روحی آمادگی بهتری برای فعالیتهای امدادی داشته باشند. برنامه بعدی برگزاری کارگاه‌های مشاوره برای مراجعین به توانبخشی و داروخانه جمعیت است و برنامه سوم هم ارتقاء سطح دانش مذهبی کارکنان با طرح مطالعاتی کتب شهید مطهری است.

برنامه‌های ماه مبارک رمضان به چه شکلی برگزار گردید؟

ما در ماه مبارک رمضان، روحانی به پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای اعزام شد و بر اساس توافق با معاونت امداد و نجات استان هم روحانیون امدادگر را به صورت ۲۴ ساعته و مستقر و هم برای دوره و ساعت‌های کوتاه‌تر به منظور حضور در جمع امدادگران اعزام می‌کنیم تا اقامه نماز جماعت، پاسخگویی به سؤالات دینی و مشاوره مذهبی ... را به انجام برسانند.

توصیه‌ای به جوانان عضو هلال احمر دارید؟

هلال احمر جمهوری اسلامی ایران زمینه‌ای برای خدمت خالصانه به مردم است و این خدمت از مهمترین وظایف اجتماعی هراتسانی نسبت به دیگران است که در متون دینی ما به آن سفارش شده است. جوانان عزیز عضو هلال احمر قطعاً با روحیه‌ای دینی و با سرمایه عظیم جوانی می‌توانند در فعالیتهای هلال احمر حضور پیدا کرده و همانگونه که رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب فرمودند نقش کلیدی در سرنوشت کشور داشته باشند.

وسخن پایانی؟

امدادگران و نجاتگران هلال احمر بسیجیان مخلص عرصه امداد و نجات و خدمت به مردم هستند که قدر آن‌ها مجهول است. امیدوارم خداوند خیر کثیر به این عزیزان عطا فرموده و توفیق خدمتگزاری بیش از پیش به ایشان عطا فرماید. □

جانشین دفتر نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر اصفهان:

اعضای هلال احمر بسیجیان عرصه امداد و نجات هستند

حجت الاسلام و المسلمین احمد فعال اصفهانی دارای تحصیلات حوزوی با ۱۵ سال سابقه درس خارج فقه و اصول و تحصیلات دانشگاهی تا درجه دکتری علوم و معارف نهج البلاغه است که از حدود سه سال قبل مسئولیت دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان را بر عهده دارد. به منظور آشنایی با فعالیت‌ها و اقدامات این دفتر، پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر گفتگویی را با او انجام داده است. ■

وظایف دفتر نمایندگی ولی فقیه در استان چیست؟ لطفاً کمی توضیح دهید.

دفتر نمایندگی ولی فقیه بر اساس نظام نامه ابلاغی توسط دفتر رهبر معظم انقلاب دارای دو وظیفه اصلی هدایت و نظارت است. در بعد هدایتی برنامه‌های مختلف فرهنگی را با هماهنگی با معاونت‌های دیگر جمعیت مانند جوانان، داوطلبان و امداد و



نجات انجام می‌دهیم. حضور روحانیون در پایگاه‌های امداد و نجات جاده‌ای و حضور در برنامه‌های مختلف جوانان و گفتگوی صمیمی با آن‌ها، تشکیل برنامه پسرمان و همچنین حضور در کاروان‌های سلامت و نیکوکاری و تجلیل از داوطلبان از جمله این گونه فعالیت‌ها و اقدامات است. در بعد دیگر هم نظارت بر همه امور جمعیت و بررسی تطبیق آن با شرع و قانون جمهوری اسلامی ایران از وظایف دفتر نمایندگی است که انجام می‌گیرد.

دفتر نمایندگی ولی فقیه در سیل اخیر چه وظیفه‌ای بر عهده داشت و چه خدماتی ارائه کرد؟

از جمله اموری که در بعد نظارتی در برنامه ابلاغی دفاتر است نظارت بر جمع آوری، انبار و توزیع کمک‌های مردمی و همچنین نظارت بر نحوه عملکرد در برنامه‌های امدادی است. در همین راستا نیز اقدامات لازم از سوی دفتر نمایندگی انجام گردید ضمن آن که طی ابلاغی از سوی حجت الاسلام و المسلمین معزی نماینده ولی فقیه در هلال احمر نیز به عنوان نماینده ایشان به استان خوزستان سفر نمودم و در راستای وظایف دفتر نمایندگی، وظایف محوله را پیگیری و دنبال کردیم. در این مأموریت نظارت بر انبار کمک‌های مردمی و همچنین نحوه توزیع آن‌ها در همه مناطق سیل زده از جمله فعالیت‌ها بوده است. همچنین نحوه امداد رسانی توسط نیروهای امدادی و مراکز اسکان موقت نیز مورد نظارت قرار



قدردانی از خیرین گلیایگانی

علی‌هاشمی درآیین تجلیل از خیران و داوطلبان یاری‌رسان در سیل با بیان اینکه مشارکت گلیایگانی در کمک به سیل‌زدگان در بین شهرستان‌های استان قابل تقدیر است، اظهار کرد: اصفهان - نجف‌آباد و گلیایگان بیشترین مشارکت در پرداخت کمک نقدی به سیل‌زدگان را داشتند. وی میزان کمک‌های غیر نقدی مردم گلیایگان به سیل‌زدگان را سه میلیارد و ۹۵۱ میلیون ریال اعلام کرد و گفت: جمع کمک‌های نقدی گلیایگانی‌ها به جمعیت هلال احمر برای کمک به مردم سیل‌زده یک میلیارد و ۸۱ میلیون ریال بوده است.

معاون جمعیت هلال احمر استان اصفهان با بیان اینکه استان اصفهان بالغ بر ۱۳ میلیارد ریال کمک غیر نقدی به جمعیت هلال احمر برای سیل‌زدگان کمک کردند که در بین سایر استان‌ها رکورد زد، افزود: در استان اصفهان از سوی جمعیت هلال احمر بالغ بر ۱۷ میلیارد ریال کمک نقدی برای سیل‌زدگان جمع‌آوری شده است.

وی با اشاره به اینکه در کل کشور بالغ بر ۱۷۴ میلیارد تومان به سیل‌زدگان کمک کردند، تصریح کرد: از طرف خانواده شهید علینزاده حدود ۲۰۰ میلیون تومان لوازم خانگی به سیل‌زدگان هدیه شده است.

کمک به مردم در سختی‌ها

در ادامه حسین یار محمدیان فرماندار گلیایگان با بیان اینکه مشارکت خیران و مردم با توجه به شرایط اقتصادی در پیشرفت کشور مؤثر است، اظهار کرد: خیران گلیایگانی همواره در زمینه کمک به سیل‌زدگان و آزادی زندانیان پیش‌قدم هستند.

وی افزود: مایه مباهات همه ما است که شهروندان گلیایگانی در کار خیر پیش‌قدم هستند و البته از مردم فهیم و متدین این شهرستان نیز جز این انتظاری نمی‌رود. □

« مراسم قدردانی از کمک خیرین و مردم شهرستان گلیایگان به سیل‌زدگان کشور با حضور مسئول نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان، امام جمعه گلیایگان، معاون جمعیت هلال احمر استان اصفهان و فرماندار گلیایگان برگزار شد. در این مراسم حجت‌الاسلام والمسلمین احمد فعال مسئول نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان با بیان اینکه فلسفه وجودی جمعیت هلال احمر کمک به مردم در سختی‌ها و مشقت‌های آن‌ها است، اظهار کرد: داوطلبان با تأسی از سیره و روش پیامبر (ص) در سختی‌ها به مردم نیازمند کمک می‌کنند. وی گفت: گرچه تحمل رنج و درد مردم برای داوطلبان جمعیت هلال احمر سخت و دشوار است، اما با عشق و علاقه‌ای که به انسان‌ها دارند با تأسی از آموزه‌های دینی آن‌ها را یاری می‌رسانند.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد فعال افزود: نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان بسیار خرسند است که با اقدامات فرهنگی و آموزشی خود توانسته در جهت ترغیب مردم این استان در جهت کمک به هم‌توعان و مردم آسیب‌زده پیشگام باشد.

مسئول نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان اصفهان افزود: طبق آخرین آمار فقط در شهرستان گلیایگان ۱۳۰ میلیون تومان از سوی کسبه و بازاریان، ۴۰۰ میلیون تومان کمک مردمی و همچنین یک میلیارد تومان کمک نقدی و غیر نقدی از سوی شرکت پگاه گلیایگان برای سیل‌زدگان جمع‌آوری شده است.

گره‌گشایی و سیره‌انمه

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدتقی کرامتی امام جمعه گلیایگان نیز با بیان اینکه مشارکت در کارهای نیک و خیر مصادق تقوا است، اظهار کرد: همگامی و همدلی با یکدیگر برای رفع مشکلات مردم نیازمند از شاخصه‌های مهم نظام جمهوری اسلامی است. وی با بیان اینکه مشارکت در گره‌گشایی مسلمان سیره امیرالمؤمنین (ع) است، گفت: مشارکت مردم امسال در کمک به سیل‌زدگان اعجاب‌برانگیز بود.

در این مراسم همچنین معاون جمعیت هلال احمر استان اصفهان گفت: در استان اصفهان از سوی جمعیت هلال احمر بالغ بر ۱۳۰ میلیارد ریال کمک غیر نقدی و بالغ بر ۱۷ میلیارد ریال کمک نقدی به سیل‌زدگان کمک جمع‌آوری شده است.

« طرح همای رحمت و نیابت از طرح های حمایتی سازمان داوطلبان است. داوطلبان هر شعبه بسته به نوع فعالیت ها و شناسایی نیازمندان در طول سال، در ایام ماه مبارک رمضان به کمک خانه داوطلبان بسته های غذایی را تهیه کرده و آن را به دست خانواده های نیازمندان می رسانند.»



با «همای رحمت»

سفرهای خالی نماند

محمد نصیری، رئیس سازمان داوطلبان این را می گوید و به فعالیت ۱۴۳۳ خانه داوطلب فعال در گوشه و کنار کشور اشاره می کند: «۳۶ هزار خانواده نیازمند در شهرها و روستاهای مختلف هستند که از طرح های حمایتی ما برای دریافت سبد غذایی استفاده می کنند. ایامی مثل نوروز و ماه مبارک رمضان، بهانه ای است برای ارسال دوباره این کمک ها به خانواده های نیازمند.» در این سبدها از برنج و روغن گرفته تا خرما و حبوبات، برای اینکه سفره های نیازمندان خالی نباشد، به همت خیران و جمعیت داوطلبان شهرها مهیا می شود. در حال حاضر ۹ استان ما درگیر محرومیت مضاعف هستند.

خشکسالی و از دست رفتن مشاغل و معیشت مردم و همچنین رخدادهای طبیعی مثل سیل و زلزله، از دلایل بیشتر شدن این محرومیت ها است. سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، هرمزگان، جنوب کرمان، غرب اصفهان، خوزستان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد از جمله این استان ها هستند.

نصیری همچنین در مورد برگزاری طرح نیابت می گوید: « طرح نیابت از جمله طرح های داوطلبانه ما است که در ایام رمضان، با شور و شوق بیشتری انجام می شود. تکریم خانواده شهدا و سرزدن به آن ها، سرزدن به سالخوردگانی که تنها زندگی می کنند و همچنین سرزدن به سرای سالمندان از جزییات این طرح است. گاهی به همراه اعضای داوطلبان، بهیاران و پرستاران داوطلب هم به خانه افراد سالخورده سر می زنند تا قند خون و فشار خون آن ها چک شود. در صورت نیاز پزشکان داوطلب هم به ویزیت این افراد می روند. همچنین داوطلبان فعالی داریم که در ایام ماه رمضان به فکر اهدای خون هستند و مردم را به مشارکت در این امر تشویق می کنند تا به دلیل تقارن با ماه رمضان، ذخیره بانک های خون شهرها خالی نباشد و مشکلی برای بیماران نیازمند دریافت خون و پلاکت رخ ندهد.» تهیه سبد غذایی برای نیازمندان، اهدای خون و تکریم سالمندان و خانواده شهدا، برنامه های همیشگی و مستمر سازمان داوطلبان هستند که در ایام رمضان پرشورتر و پررنگ تر از دیگر روزها انجام می شود.

افراد نیازمندی که در طرح همای رحمت شناسایی می شوند در مناسبت های ملی و مذهبی دیگر هم مورد حمایت خیران داوطلب هستند و برای تأمین هزینه های درمان، تحصیل، ازدواج، تهیه چهره و دیگر نیازهایشان روی کمک داوطلبان و خیران هلال احمر حساب می کنند. خیران و مددجویانی که تمایل به شناسایی شدن توسط دیگران نداشته باشند، اعضای خانه داوطلب هلال احمر را امین خود قرار می دهند و کمک خود را از این طریق به مددجویان می رسانند. □





سفره‌های مهربانی جمعیت هلال احمر در استان قم

بنی‌امیه برخی از چهره‌ها را پس از رحلت پیامبر(ص) مخدوش کردند که یکی از آن‌ها حضرت خدیجه (س) بود. وی بیان کرد: یکی از چیزهایی که بنی‌امیه به آن دامن زدند و هجمه وارد کردند این بود که پیامبر(ص) با زنی بیوه ازدواج کرده است در حالی که شواهدی در تاریخ نشان دهنده کذب این موضوع بود. آیت‌الله اعرافی عنوان کرد: بنی‌امیه می‌دانست که حضرت خدیجه بانوی اول اسلام است از این رو هجمه‌های دیگری در مورد سن ایشان وارد کردند که آن نیز صحت نداشت.

وی خاطر نشان کرد: ایشان در راه اسلام همه نوع فداکاری و جان فشانی کرد، این بانوی بزرگ در بسیاری از وقایع سیاسی و اجتماعی و مسیر حق پیشاهنگ و پیشتاز بود. مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور گفت: انسان‌های پیشگام حق را می‌شناسند و به آن عمل می‌کنند و حضرت خدیجه چنین شخصیتی بود.

امام جمعه قم افزود: در زمانی که جامعه در جاهلیت به سر می‌برد حضرت خدیجه با عقل و تدبیر و خطرپذیری و سخاوت و شجاعت به حمایت از اسلام پرداخت. آیت‌الله اعرافی اظهار کرد: این‌ها مدال‌های افتخار بود به همین دلیل هر وقت نام خدیجه در خانه برده می‌شد پیامبر احترام می‌گذاشت و در فراغ ایشان اشک می‌ریخت.

ضیافت سفره‌های مهربانی به همت جمعی از خیرین جمعیت هلال احمر استان قم و به مناسبت شب رحلت حضرت خدیجه (س) همچون سنوات گذشته برپا شد و تمام هزینه‌های این مراسم توسط خیرین و داوطلبان جمعیت هلال احمر استان قم تأمین شد. خاطرنشان می‌شود: مراسم مرثیه‌خوانی بخشی از این برنامه فرهنگی و معنوی بود و در نهایت این مراسم با برگزاری نماز جماعت و ضیافت افطاری به پایان رسید. □

سفره‌های مهربانی طرح همای رحمت جمعیت هلال احمر استان قم در شب رحلت حضرت خدیجه (س) برگزار شد. ■

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر به نقل از روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان قم، آیت‌الله اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور و عضو هیئت مدیره جمعیت هلال احمر در آئین سفره‌های مهربانی، طرح ملی همای رحمت جمعیت هلال احمر استان قم که با حضور مدیر عامل و ۱۰۰۰ تن از خیرین، اعضای داوطلب، امدادگران و جوانان هلال احمر استان قم و شماری از مددجویان در ساختمان این جمعیت برگزار شد، با اشاره به مقام و شخصیت حضرت خدیجه سلام الله علیها عنوان کرد: خیرین دست‌های بخشنده‌ای دارند و یکی از ویژگی‌های مهم حضرت خدیجه (س) بخشش و سخاوت است.

آیت‌الله اعرافی افزود: حضور خیرین در حوادث غیر متوقّبه و دستگیری از نیازمندان به ویژه توسط هلال احمر قم دارای ارزش فراوانی است. وی تصریح کرد: جمعیت هلال احمر و خیرین با سرعت و شتاب به حمایت آسیب دیدگان می‌پردازند و در حوادثی چون سیل و زلزله شاهد حضور امدادگران و داوطلبان هلال احمر و کمک‌های خیرین هستیم.

عضو هیئت مدیره جمعیت هلال احمر بیان کرد: این تلاش‌های ارزشمند جای تقدیر دارد؛ قم مانند همیشه در عرصه خدمت به مردم و اسلام و انقلاب پیشتاز است. وی خاطرنشان کرد: حضرت خدیجه (س) دارای شخصیت بزرگی است، ایشان بانویی بزرگ و انسانی نمونه و الگو برای همه زنان و مردان عالم است.

آیت‌الله اعرافی افزود: ایشان زنی به تمام معنا مظلوم به شمار می‌رود مظلومیت ایشان در تاریخ اسلام بی نظیر است این بانوی بزرگ در سخت‌ترین شرایط و با هزاران مشکلات و سختی‌ها به سر برد و محنت‌ها را برای اسلام تحمل کرد و بهره‌ای نبرد. وی افزود: حضرت خدیجه از زنان بزرگی بود که تمام عمر همراه با هزارا محنت زندگی‌اش سپری شد و در سختی‌های اولیه اسلام و سه سال قبل از هجرت از دنیا رفت و پیروزی‌های اسلام را به چشم خود ندید اما سختی‌ها را به جان خرید.

مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور اظهار کرد: ایشان در تاریخ اسلام نیز مظلوم واقع شد، بعد از رحلت پیامبر(ص) مورد تهمت‌های زیادی از ناحیه تاریخ‌نویسان بنی‌امیه قرار گرفت،

این حوزه فعالیت می‌کنند به اصطلاح دوگانه سوز هستند. مثل من نیستند که فقط در حوزه آکادمیک فعال باشند و کتاب و مقاله بنویسند، ولی مباحث دانشگاهی و مسائل جامعه را رصد می‌کنند. از طرفی این توانایی را دارند که با لابی‌های قدرت هم مذاکره کنند.

تعداد این آدم‌های دوزیست در جامعه ما خیلی کم است، چون سیاستگذاری‌های اجتماعی در مفهوم یک بینش هنوز در نهاد‌های آکادمیک ما جدی گرفته نشده است. و اگر هم فارغ‌التحصیلانی در این رشته وجود دارند، به صورت فعالانه در این نهادها قرار نمی‌گیرند که هم‌زمان در عرصه عمومی و سیاستمداری فعالیت کنند؛ تا بتوانند هم نبض جامعه را داشته باشند هم با اصحاب قدرت مذاکره کنند. این اتصال در جامعه ما کم است. اگر همین مدل را در حوزه امداد بیاوریم، نهادهایی که می‌توانند به صورت بنیادین در این حوزه تغییر و تحول ایجاد کنند، شاید از لحاظ سرمایه و مدیریت مشکلی نداشته باشند اما الگویی برای فعالیت‌هایشان ندارند؛ الگوهایی که بتوانند به صورت موفق امداد را در جامعه توزیع یا بحران‌ها را مدیریت کنند. سؤال اینجاست که این الگوهای رفتاری از کجا به دست می‌آیند؟ از اتصال نهاد‌های دانشگاهی با نهاد‌های امدادی می‌توان به این الگوها دست پیدا کرد. از همه مهم‌تر، هلال احمر می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین نهاد فعالیت کند.

در بحران‌های ده سال اخیر با پدیده‌ای به نام سلبریتی‌ها (در حوزه‌های مختلفی مثل سینما، فوتبال و موسیقی) مواجه بوده‌ایم. این سلبریتی‌ها برای جمع‌آوری کمک شماره حساب به مردم می‌دهند. در نگاه اول این فعالیت به نظر مفید است و باری را از دوش جامعه برمی‌دارد، اما ادامه‌دار نیست. زمانی که سیلی اتفاق می‌افتد احیای فیزیکی مانند بازسازی ساختمان‌ها بخشی از فعالیت‌های مورد نیاز است. اما کسی که سرپرست و نان‌آور خانواده‌اش را از دست داده در ۲۰ سال آینده چه کاری کند؟ سلبریتی که نمی‌تواند برای آینده او کاری انجام دهد.



میزگرد «انسان و امداد»

در حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر برگزار شد

امداد در هزارتوی ذهنیت ایرانی

میزگرد «انسان و امداد» از سری میزگردهای معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با حضور سید جواد میری (پژوهشگر و مدرس دانشگاه)، ابراهیم اکبری (دیزگاه (نویسنده، شاعر و پژوهشگر) و یاسر احمدوند (معاون فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر) برگزار شد. در مطلب پیش رو گزیده‌ای از این میزگرد را می‌خوانیم. ■

«سید جواد میری: زمانی که در مورد امداد صحبت می‌کنیم باید در نظر داشته باشیم شرایط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم چگونه است؛ نه فقط جامعه ایران، بلکه فضای کلی جامعه جهانی. جوامع امروز را چگونه توصیف می‌کنند؟ بیشتر جامعه‌شناسان متفق القول هستند که جامعه امروز ما دائماً در معرض خطر است؛ Risk Society یعنی جامعه‌ای که هر حرکتش می‌تواند به صورت دومینو وار بخش بزرگی از جامعه - نه فقط جامعه ایران، بلکه جامعه جهانی - را تحت تأثیر قرار دهد. این به این معناست که ما در فضایی در جامعه امروز زندگی می‌کنیم که دائماً در معرض رفتارهای پر مخاطره هستیم. در اغلب اوقات ما به صورت فردی یا در قالب یک کشور نمی‌توانیم آنها را کنترل کنیم. اگر ما این واقعیت را بپذیریم که در چنین وضعیتی هستیم، باید به دنبال راهکارهایی باشیم که در این وضعیت از خودمان محافظت کنیم. در بسیاری از گفتارهای داخل کشور، معمولاً رویکردهای ما بازدارنده نیستند. این معضل از آنجا نشأت می‌گیرد که قبل از اینکه دچار بحران شویم برای پیشگیری آن اقدام نمی‌کنیم.

به عنوان مثال در سیل اخیر استان گلستان، فقط بلائی طبیعی نبود که خسارت‌های مالی و جانی به بار آورد؛ بخشی از آن مربوط به عوامل انسانی بود. در مورد رودخانه جاجرود در نزدیکی تهران، زمانی که مسیر رود را تغییر داده و در بستر رودخانه ویلا، رستوران و مکان‌های تفریحی ساخته‌اند، عامل انسانی در بروز سیل در آینده تأثیر دارد. من فکر می‌کنم اگر فقط سودآوری لجام‌گسیخته فردی را در تصمیم‌گیری‌ها دخیل نکنیم و بینش علمی را در فهم اقلیم و جغرافیای منطقه مدنظر قرار دهیم، قدرت تخریب بلایای طبیعی تا حدودی کمتر شود.

در این جامعه ریسک‌پذیر که دائماً در معرض خطر است، چه کارهایی می‌توانیم انجام بدهیم؟ به نظر من این فعالیت‌ها را می‌توان در سه ساخت بررسی کنیم: اولین ساخت، ساخت سیاسی است که در آن سیاستمداران در این زمینه‌ها فعالیت می‌کنند. دومین ساخت، ساخت عمومی است که شامل افکار عمومی و مردم جامعه می‌شود. سومین ساخت در ایران اسمش وجود دارد ولی رسمش نه. این ساخت، ساخت سیاست‌گذاری (Social Policy Making) است. در دنیا ساخت سیاست‌گذاری نوعی بینش و علم است. به این معنا که مدیران و سیاستمداران لزوماً در حوزه سیاست‌گذاری موفق نیستند. افرادی که در دنیا در



.....

مرحوم دکتر قانعی راد (رئیس سابق انجمن جامعه‌شناسی ایران) در این باره می‌گفت: «ورود سلبریتی‌ها به این حوزه، به صورت مقطعی فعالیتی مثبت و ایجابی است، ولی در دراز مدت منجر به تخریب نهادها می‌شود. در مسئله امداد و بحران‌های اجتماعی و زیست‌محیطی نیازمند یک حرکت نهادی هستیم. این نهادها هستند که می‌توانند این اوضاع را مدیریت کنند. باید به دنبال راهکارهایی برای تقویت نهادها باشیم. باید محل زایش نوع تفکر نهادی در مسائل مواجهه با بحران را پیدا کنیم.» به نظر من اگر در یکی از این حوزه‌ها گفتگورا ادامه دهیم، می‌توانیم به نتایج مثبتی برسیم.

ابراهیم اکبری دیزگاه: من می‌خواهم درباره فعالیت‌های هلال احمر در این زمینه صحبت کنم. قبل از شروع این بحث می‌خواستم یک پرسش مهم را مطرح کنم: مواجهه انسان ایرانی با بحث امداد چگونه است؟ آیا انسان ایرانی به امداد می‌اندیشد یا امدادگراست؟ اگر امدادگراست چه موقع و چگونه با این مسئله مواجه می‌شود؟ به نظر من تأمل درباره این مسئله برای هلال احمر سودمند است. نکته دیگری که در دل این سؤال نهفته این است که انسان ایرانی دیگری را چگونه می‌بیند؟ یا انسان بحران‌زده را چگونه فرض می‌کند و چطور می‌خواهد به او کمک کند؟

میری: اساساً نوع تفکر ما در آموزش و پرورش توانمندسازی نیست. گرایش به امداد و کارهای داوطلبانه یک امر تئوریک نیست که در دانشگاه تدریس شود. جای این‌گونه توانمندسازی‌ها در مدرسه است. آموزش داوطلبانه در جامعه ما خیلی ضعیف است. یکی از علت‌های آن رویکرد حاکمیت نسبت به کارهای داوطلبانه است؛ فعالیت‌هایی که پایه و اساس جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند. جامعه مدنی اساساً روی شکل‌ها بنا شده است؛ شکل‌های داوطلبانه در حوزه‌های مختلف. اگر ما بتوانیم این تفکر را که شکل‌ها چگونه می‌توانند در

سید جواد میری:

سیاستگذاری‌های

اجتماعی در

مفهوم یک

هنوز در نهاد‌های

آکادمیک ما

جدی گرفته نشده

است. و اگر هم

فارغ‌التحصیلانی

در این رشته

وجود دارند، به

صورت فعالانه

در این نهادها

قرار نمی‌گیرند

که هم‌زمان در

عرصه عمومی

و سیاستمداری

فعالیت کنند؛ تا

بتوانند هم نبض

جامعه را داشته

باشند هم با

اصحاب قدرت

مذاکره کنند

جامعه شکل بگیرند و کارهای داوطلبانه بکنند، در جامعه جا بیندازیم بسیاری از مشکلاتمان حل خواهد شد. مثلاً در سوئد، زمانی که هوا خیلی سرد می‌شد در نقاط مختلف شهر کسانی بودند که به بی‌خانمان‌ها و فقرا غذای گرم می‌دادند و به گونه‌ای کمک می‌کردند. تعداد زیادی از این افراد جوان بودند و در قالب گروه‌های امدادی داوطلبانه به مردم کمک می‌کردند. در ایران این اتفاق نمی‌افتد و این‌گونه فعالیت‌ها به ترحم فردی بستگی دارد و مداوم و پیوسته نیست. ما منتظر نهاد‌های دولتی و ستاد‌های بحران‌شان هستیم، در حالی که پروسه و بوروکراسی تشکیل این نهادها زمان و هزینه زیادی می‌برد و بیشتر اوقات به صورت تخصصی به بحران‌های خاص نمی‌پردازند.

منظور من از تشکیل نهاد، نهاد‌های دولتی نیست، باید بفهمیم چگونه می‌شود جامعه را در این زمینه تقویت کرد تا تشکل‌ها و نهاد‌های مدنی شکل بگیرد.

یاسر احمدوند: یعنی شما ریشه امدادگر بودن یا نبودن انسان ایرانی را رفتار داوطلبانه می‌دانید؟

میری: بیشترین تأکید روی بحث آموزش است.

دیزگاه: آموزش زمانی اتفاق می‌افتد که طرحی در ذهن من ایرانی شکل گرفته باشد بر این مبنا که اراده من باید معطوف به کمک به دیگری باشد. این موضوع قبل از آنکه به نهادها ارتباط پیدا کند به متفکرین اجتماعی و دانشگاهی ما برمی‌گردد که روی نیاز ما به این مسئله تمرکز کنند. انسان مطلوب این انسان است؛ توانمندی قبل از آنکه در عمل صورت بگیرد باید در ذهن اتفاق بیفتد.

میری: در جامعه‌شناسی اصلاً «من» شکل نمی‌گیرد، مگر اینکه دیگری وجود داشته باشد، یعنی من در ارتباط با دیگری شکل می‌گیرد. ابتدا باید بررسی کنیم که «من» چیست و چگونه شکل می‌گیرد.

دیزگاه: مقصود من از دانشگاه، دانشگاه علوم انسانی بود. مسئله این است که انسانی که از آن صحبت می‌کنیم می‌تواند امدادگر باشد یا نه، هست یا نه؟ ما مدتی در ثلاث با باجانی اجناسی را که برای کمک می‌فرستادند تفکیک می‌کردیم. تقریباً از هر هفت هشت بسته، همراه یکی‌شان نامه بود؛ این نامه‌ها کاملاً احساساتی و همراه با همدردی با زلزله‌زدگان بودند اما در بسیاری‌شان حکومت را به خاطر کم‌کاری‌هایش سرزنش کرده بودند. بعد از بحران چراغ این احساسات خاموش می‌شود و این انسان تقریباً با دیگری کاری ندارد و دوباره مشغول زندگی عادی خودش می‌شود.

میری: جامعه ما با تشکل‌های غیرحکومتی مخالفت می‌کند. یکی از شاخصه‌های دولت مدرن این است که تشکل‌های غیرحکومتی را نابود می‌کند. در ایران کمک کردن مقطعی در زمان بحران را نباید یک ضعف بدانیم.



باید بفهمیم مشکل کار ما از نظر نهادی چیست.

انسان اگر دائماً به فکر امداد رساندن به دیگری باشد اصلاً نمی‌تواند زندگی کند. از نظر فیزیکی و فیزیولوژیکی هم امکان پذیر نیست که یک نفر دائماً مادر ترزا باشد. در این جوامع همان طور که قرارداد های اجتماعی قدرت را به پارلمان محول می‌کنند، امداد رسانی نقره به نفر را هم به تشکلی مانند هلال احمر محول می‌کنند. این موضوع را نمی‌توانیم نقض یا ایراد بدانیم. باید بفهمیم چگونه می‌شود نهادها را تقویت کرد. در یک جامعه قوی ساحت های مدنی انسان ها هم تقویت می‌شود. به نظر من مشکل اساسی ماتضعیف کردن نهاد هایمان است؛ مثلاً با تشکیل نهاد های موازی که اثر همدیگر را خنثی می‌کنند.

احمدوند: جدا از مسائل آسیب شناسی و روش شناسی که دوستان مطرح کردند، موضوع هلال احمر انسان است؛ نه فقط انسان بحران زده ای که نیاز به امداد دارد. ممکن است انسان در جوامع مختلف دچار رنج تبعیض، مشکلات اقتصادی، جنگ زدگی و... باشد. به نظر من مسئله انسان در جامعه کنونی موضوع مهمی برای گفتگو است. بحث دیگر بررسی نهادها و تشکل ها است. تشکل ها از همان ابتدا در ذهن انسان درست می‌شوند و نیازی به دستور و ابلاغ حکومتی ندارند و خطر متلاشی شدن توسط دولت هم آنها را تهدید نمی‌کند. گروهی از انسان های باورمند تشکل را شکل می‌دهند؛ نه کسی می‌تواند آنها را بسازد، نه آنها را تهدید کند.

ما بیشتر به دنبال شناخت هویت انسان ایرانی امروز هستیم. انسان ایرانی امروز تعاریفی دارد؛ بخشی از آن مربوط به تاریخ و تمدن اوست، بخشی به وضعیت اقتصادی او برمی‌گردد، بخشی ناشی از ارتباطات امروز دنیای مدرن است و... همه ما با تمام اختلافات مان در علم، تفکرات و مسائل خانوادگی انسان ایرانی هستیم. آیا این انسان ایرانی در مسائل اصلی بشری قابلیت یکپارچگی یا فکر کردن به یک موضوع واحد را دارد؟ ایرانی ها از تصور اینکه یک ایرانی در جایی دچار رنج شود، ناراحت و متأثر می‌شوند. آیا رنج یک پدیده قابل سنجش است؟ آیا رنج چیز خوبی است و برای انسان لازم است؟ چقدر از آن خوب است؟ رنج کشیدن را چطور باید ابراز کرد؟ واکنش های ما برای همدردی و کمک کردن باید چگونه باشند؟

از طرف دیگر ما همیشه به دلیل مسائل اقلیمی دچار مسائل مختلف طبیعی هم هستیم. باید بفهمیم من تهرانی بعد از سیل لرستان چه کسی هستم. بمباران اخبار و تصاویر در فضای مجازی احساسات من را برانگیخت، اما بعد از ۵ تا ۶ روز این فوران احساسات کم و کمتر شده تا جایی که قطع می‌شود. بعد از چند ماه ماجرای دیگری در بخش دیگری از کشور رخ می‌دهد و احساسات من را درگیر می‌کند. این ماجراها با من چه می‌کنند؟ آیا تکرار این بحران ها بعد از مدتی من را تبدیل می‌کنند به یک آدم بی تفاوت و بی احساس؟ بعد از دیدن حجم عظیم اخبار حوادث در دنیا این برانگیختگی در من کمتر می‌شود که اقدامی برای امداد انجام دهم؟ آیا این بی تفاوتی طبیعی است؟ اگر طبیعی است تا چه اندازه؟

ما به عنوان ساکنین این جغرافیای خاص شرایط ویژه ای داریم. همه ما دردها و رنج های مشترکی داریم که بخشی از آن مربوط به حوادث طبیعی است و بخشی از آن به مسائل عمیق تری برمی‌گردد. من فکر می‌کنم ما باید در چنین گفتگوهایی حال خودمان را در وضعیت فعلی مان بدانیم و طبیعتاً خیلی به دنبال یافتن راهکار و پیچیدن نسخه نیستیم. بیشتر به دنبال شناخت دقیقی از خودمان و وضعیت کنونی مان در جامعه مان هستیم؛ در شرایط خاص یا نسبت به مسائل خاص.

دیوگانه: برداشتی که تا اینجا گفتگو از صحبت های دوستان دارم این است که بخش بزرگی از مشکلات این حوزه به قدرت و حکومت برمی‌گردد. یکی از ویژگی های انسان ایرانی این است که همیشه دیگری را مقصر می‌داند. این ویژگی بعد از انقلاب تشدید شده است. درست است که همه به اندازه خودشان تقصیر دارند اما می‌خواهم به این نکته توجه کنیم که خود ما چقدر تقصیر داریم. من می‌گویم خود ما هم در این مورد مقصریم چون نمی‌توانیم در نهاد فعالیت کنیم. ما در این نشست این تمهید را فراهم کرده ایم که نمایندگان از حوزه های مختلف (حوزه، مدیریت فرهنگی و دانشگاهی) حضور داشته باشند و نگاه چند جانبه ای به موضوع امداد داشته باشند. درست است که عوامل مختلفی در ایجاد مشکلات این حوزه دخیل بوده اند اما ما اینجا جمع نشده ایم که تقصیر را گردن دیگران

بیندازیم. ما می‌خواهیم بفهمیم تقصیر «من» کجاست؟

میری: من نمی‌گویم که امدادگری شکل نگرفته است. همین که هلال احمر به عنوان یک نهاد در این زمینه فعالیت می‌کند نشانه این است که امدادگری وجود دارد. هلال احمر گذشته و حالی دارد و برنامه هایی برای آینده. برای من این سؤال پیش آمده که بودجه هلال احمر از کجا تأمین می‌شود؟ خیرین یا دولت؟ اگر دولت بودجه را تأمین می‌کند، آیا این بودجه متناسب با میزان بلایای طبیعی کشورمان است؟ اگر تناسب نداشت من نمی‌توانم خودم یا شما را ملامت کنم. زمانی که از قدرت حرف می‌زنیم منظورمان چند نفر در رأس حکومت نیست؛ عملکرد قدرت اجرایی است که درآمدها را توزیع می‌کند.

دیوگانه: من فرقی آدم متفکر با عامی را در همین موضوع می‌دانم. فرد عامی تمام تقصیرها را گردن حکومت می‌داند. می‌خواهم بگویم به عنوان متفکری که در این جامعه زندگی می‌کند، شما دارید درصدی کنید که انسان ایرانی به کدام سمت می‌روند. متفکر حوزه محیط زیستی که در دهه شصت هشدارهای محیط زیستی مهم را به جامعه نداده مثل کارمندی بوده که وظایف خاصی را تکرار می‌کرده؛ در دانشگاه تدریس می‌کرده، کتاب می‌نوشته و... وظیفه خود نمی‌دانسته که به عنوان یک متفکر آگاه به جامعه هشدار بدهد.

میری: ما باید بفهمیم چگونه می‌توانیم موانعی را که مصیبت های اجتماعی و زیست محیطی ایجاد می‌کنند، تقلیل دهیم. اینجا است که عنصر تدبیر باید ورود پیدا کند. وقتی در ابتدای صنعتی شدن ایران بودیم امکانات تکنولوژی خیلی پایین بود و زمانی که صحبت از بلایای طبیعی می‌کنیم محدوده وسیعی را در بر می‌گرفت. اما با پیشرفته شدن تکنولوژی، کارایی و اثربخشی تدبیر بیشتر می‌شود. امروزه در ژاپن سونامی های شدید و زلزله های



حمایت می‌کنیم. مثلاً به هنرمندها گفتیم که اگر دوست دارند به مناطق سیل و زلزله‌زده بروند و درباره اوضاع و شرایط مردم و منطقه بنویسند. البته منظورمان این نبود که مثلاً بنویسند هلال احمر در این مناطق چه کارهایی انجام داده بود. پژوهشگرهای ما می‌خواهند صبح به محل کارش بروند و عصر به خانه‌اش برگردند. کسی در این مناطق کار پژوهشی انجام نداد. سوال‌هایی که پیش می‌آید این است که آیا این مناطق ارزش پژوهش دارند؟ چرا پژوهشگران ما برای پژوهش به این مناطق نمی‌روند؟

میری: من این پیش‌فرض را در گفته‌های شما می‌بینم که فکر می‌کنید گوش شنوایی در جامعه برای شنیدن انتقادات و پیشنهادات وجود دارد. و این تعلل و کم‌کاری از سوی اصحاب دانشگاه است که نظرات کارشناسی نمی‌دهند. موضوع ما این نیست که انتقادی بیان نمی‌شود. گفتگوی زمانی شکل می‌گیرد که هم سخنی که از دهان بیرون می‌آید کارشناسی باشد، هم گوش شنوا وجود داشته باشد.

دیزگاه: این گوش‌ها همیشه ناشنوا نمی‌مانند. دلیل نمی‌شود که چون گوش شنواییست من حرف خودم را نزنم.

میری: موضوع این است که این نظرات در بدنه سیاست‌گذاری استفاده شود و به جایی برسد که در تصمیم‌گیری‌ها تاثیرگذار شود. در جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی باید مطالعات میدانی صورت بگیرد. اگر برگردیم به مفهوم انسانی که در ارتباط با ابعاد گری شکل بگیرد، یکی از قدم‌هایی که می‌توان برداشت این است که ارتباط میان هلال احمر را با مراکز آکادمیک بیشتر کرد.

احمدوند: تعدادی از دوستان این کار را انجام می‌دهند ولی ارتباطشان با حوزه علوم انسانی نیست. بیشتر با حوزه‌های صنعتی ارتباط دارند.

میری: در سوئد وقتی می‌خواهیم گواهی‌نامه رانندگی بگیریم باید موانعی را در حد کنکور تجربه کنیم. خیلی‌ها هزینه و تلاش زیادی می‌کنند ولی موفق به دریافت گواهی‌نامه نمی‌شوند. من آمار ندارم که در ایران چند نفر گواهی‌نامه رانندگی دارند ولی زمانی که ۲۱ میلیون اتومبیل هست حداقل همین تعداد هم گواهی‌نامه رانندگی وجود دارد. شاید ده میلیون نفر دیگر هم گواهی‌نامه دارند ولی توانایی خرید اتومبیل را ندارند. در ایران پروسه گرفتن گواهی‌نامه رانندگی (عملی و تئوری) دو تا سه هفته بیشتر طول نمی‌کشد. اگر این ربطی به نظارت نهاد قدرت ندارد به چه چیزی ربط دارد؟

دیزگاه: همان نهاد قدرت هم من و شما هستیم. ما نهاد قدرت را شکل داده‌ایم. پس باز هم برمی‌گردد به انسان ایرانی که باید تکلیف مان را با او مشخص کنیم. □



دیزگاه:

آموزش زمانی
اتفاق می‌افتد که
طرحی در ذهن
من ایرانی شکل
گرفته باشد بر این

مبنا که اراده‌ی
من باید معطوف
به کمک به
دیگری باشد.

توانمندی قبل
از آنکه در عمل
صورت بگیرد باید

در ذهن اتفاق
ببافتد.

احمدوند:

موضوع هلال
احمر انسان
است؛ نه

فقط انسان
بحران زده‌ای که

نیاز به امداد
دارد. گروهی

از انسان‌های

باورمند تشکل را
شکل می‌دهند؛ نه
کسی می‌تواند آنها
را بسازد، نه آنها را
تهدید کند

بالای ۹ ریشتر رخ می‌دهد ولی تعداد کشته‌شدگان انگشت‌شمار است. این نشان می‌دهد عنصر تدبیر توانسته از ابزار تکنولوژی استفاده کند.

احمدوند: عنصر تدبیر در سیل‌های اخیر هم مؤثر بود و تعداد کشته‌شدگان را به شدت تقلیل داد. به نظر من حادثه باطن آدم‌ها را نشان می‌دهد. شاید برای مطالعه ویژگی‌های واقعی جامعه ایرانی مکان‌های حادثه‌دیده مکان‌های مناسبی باشند. کسانی که برای کمک به مناطق حادثه‌دیده می‌روند نیت و قصدهای متفاوت دارند؛ بعضی برای نمایش و خودنمایی می‌روند، بعضی اهداف سیاسی دارند و بعضی هم احساس مسئولیت اجتماعی می‌کنند. پدیده‌ای که در زلزله کرمانشاه و سیل اخیر گلستان و خوزستان پیش آمد این بود که مردم دوست داشتند به این مناطق بروند و از نزدیک به حادثه‌دیدگان کمک کنند. این مسئله از سلبریتی‌هایی که شماره حساب برای کمک می‌دادند جداست. آیا در حوزه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی حوادث طبیعی سوژه‌ای برای تفکر و تحقیق است؟ آیا کسی از این گروه به این مناطق رفت تا از نزدیک تبعات حوادث را درک کند؟

بعد از این حوادث سیلی از انتقادات داشتیم؛ اینکه چرا در مسیر رود جاده ساخته شد و اگر فلان کار انجام نمی‌شد این اتفاقات نمی‌افتاد. دائماً این مطالبات را می‌شنویم. می‌گوییم انتقادهای بعد از حادثه شنیده نمی‌شود، چرا هیئت علمی‌ها در پژوهشگاه‌ها وظیفه خود نمی‌دانند که درباره این حوادث هشدار دهند؟ گروه‌های علمی و پژوهشگرها در مجموعه‌ها چه می‌کنند؟ در دوره‌ای متخصصین به ساخت و ساز زیاد در حوزه سدسازی اعتراض کردند. اما امروز می‌بینیم اگر این سدها ساخته نشده بودند در سیل اخیر کل خوزستان را آب برده بود. ملاک این انتقادات جامعه علمی ما چه بود؟ ما در هلال احمر از این انتقادات و نظرات پژوهشگران و متفکرین



گفتگو با مسئول برپایی نمایشگاه عکس سیل ایران در فرانسه

قاب مظلومیت

■ راضیه زرگری

بابک برزویه، عکاس سینماست؛ او که داوطلب جمعیت هلال احمر است و بحران‌های مردم کشور را از نزدیک مشاهده و ثبت کرده، در حاشیه هفتاد و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کن از این فرصت استفاده کرد تا با برگزاری نمایشگاه عکس با محوریت سیل‌های اخیر ایران، هنر عکاسان بحران در کشور را در قالب یک گالری خارج از مرزها به نمایش بگذارد. نمایشگاهی با عنوان «همه جا برای همه» به همت این عکاس سینمایی و با مشارکت سازمان داوطلبان جمعیت هلال احمر، بنیاد سینمایی فارابی و رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در پاریس برگزار شد. نمایشگاهی که یک هدف نهفته و بزرگتر داشت؛ نشان دادن دستاوردهای شوم تحریم‌های ناجوانمردانه علیه کشورمان. گفت‌وگوی «شهروند» با این عکاس با سابقه در مورد برگزاری این نمایشگاه و استقبال از آن را در ادامه بخوانید. ■

سینما دار در فرانسه ملاقات کردیم که فیلم‌ها را از طریق آن‌ها پخش کنیم. اینجا مجموعه‌ای وجود دارد مثل انجمن سینمای جوان ما؛ که فیلم‌های کوتاه را به نمایش می‌گذارد. دبیر جشنواره بازار برلین از ما دعوت رسمی کرد تا در برلین نمایشگاه را تکرار کنیم که این اتفاق خیلی خوبی است. همچنین با ایرانی‌های مقیم نروژ و سوئیس صحبت کردیم و یک ایرانی مسئول برگزاری جلسات ایرانی‌ها در سوئیس بسیار از نمایشگاه استقبال کرد و دعوت کردند که نمایشگاه را در سوئیس هم برگزار کنیم. به نظر من اتفاقی که در حاشیه کن افتاد، بسیار خوب بود و نمایشگاه تا حدود زیادی تأثیر خودش را گذاشت. با توجه به این‌که در روزهای پایانی کن، افتتاح نمایشگاه را در پاریس داشتیم، استقبال بسیار خوبی صورت گرفت. بازتاب گسترده‌ای در کانال‌های شبکه مجازی ایرانی‌های مقیم فرانسه داشتیم. سفیر ایران در پاریس به بازدید از نمایشگاه آمد و آقای میشل ستبون، عکاس معروف وقایع انقلاب اسلامی برای بازدید حضور پیدا کرد؛ به علاوه فرانسوی‌هایی که علاقه‌مند به ایران بودند. به طور کلی نمایشگاه تأثیرگذاری بود؛ من در این روزها اشک‌های زیادی دیدم.

نشان دادن تحریم‌های ظالمانه در مورد کشور ما چقدر در این راه برایتان اهمیت داشت و برای این منظور در نمایشگاه چه کردید؟

برای این هدف یک کار مفهومی انجام دادیم؛ صندوقی بابت کمک به سیل‌زده‌ها در این نمایشگاه قرار دادیم، اما روی آن نوشتیم: «در این صندوق پول نریزید، چرا که به دلیل تحریم‌های ناعادلانه این پول‌ها به دست سیل‌زده‌ها نخواهد رسید.» این اتفاق هم با استقبال خوبی از سوی بازدیدکنندگان روبه‌رو شد. مفهوم اصلی این ماجرا این بود که در مهد هنر و تصویر، ما با زبان تصویر گوشه‌ای از تحریم‌های ناعادلانه‌ای را که به واسطه آن مشکلات زیادی به بار آمد، نشان دهیم. مخصوصاً در جمعیت هلال احمر در تجهیز و تأمین تجهیزات یا در حوزه دارو و کمک‌های نقدی مردم جهان؛ همه این‌ها برمی‌گردد به این‌که ما تحریم هستیم.

در مورد تأثیر زبان هنر بر ترویج بشردوستی و فرهنگ داوطلبی برایمان بگویید.

من به‌عنوان هنرمند تلاش کردم با زبان هنر که رساترین زبان دنیا محسوب می‌شود، گوشه‌ای از درد و رنج مردم آسیب‌دیده و زشتی تحریم‌های سیاسی را به مردم دنیا نشان دهم. این تصاویر دنیایی از حرف است و از آنجا که جامعه هنری فرانسه تصویر را به خوبی می‌شناسد، مطمئناً تحت تأثیر این نمایشگاه قرار خواهد گرفت و چهره پلید تحریم را به خوبی درک خواهد کرد. نمایشگاه با ۵۵ اثر از عکس‌های سیل که توسط ۲۸ عکاس آماده شده بود، به مدت یک هفته از ۲۵ تا ۳۱ ماه می در محل رایزنی فرهنگی ایران برای بازدید علاقه‌مندان برپا بود. ■

چه شد که ایده برگزاری این نمایشگاه به ذهنتان رسید؟ با چه هدفی کارها و برنامه‌های برگزاری را پیش بردید؟



ایده نمایشگاه زمانی شکل گرفت که من برای عکاسی از سیل عازم خوزستان بودم. در همان روزها پیامی مبنی برویزای کشور فرانسه و حضور در جشنواره کن دریافت کردم. در حقیقت این ماجرا از همان جا کلید خورد. من به این موضوع فکری کردم که چقدر کار پسندیده‌ای است اگر بتوانیم عکس‌هایی از این سیل آماده کنیم و در حاشیه جشنواره فیلم کن که یکی از مهمترین رویدادهای فرهنگی و سینمایی جهان است به نمایش بگذاریم؛ با این هدف که مردم را آگاه کند که تحریم‌ها موجب شده کمک‌های جهانی به سیل‌زدگان ایران نرسد. با توجه به این‌که خودم عضو داوطلب جمعیت هلال احمر کشور هستم، دغدغه داشتم که کاری فراتر از مرزها داشته باشیم.

با این حال، در پروتکل‌های سیاسی نمی‌گذارند نمایشگاه عکس به صورت معمول در جشنواره کن برگزار شود؛ تصمیم گرفتیم فیلم‌های مستند آماده شود. از سعید شمس خواهش کردم این نمایشگاه را به صورت مدیای تصویری آماده کند تا آن را در قالب بنیاد سینمایی فارابی به‌عنوان پتر سینمای ایران در جشنواره کن، در بخش بازار جشنواره به نمایش درآوریم و سپس عکس‌ها را در رایزنی فرهنگی کشورمان در پاریس به معرض دید عموم بگذاریم. همزمان به این ایده هم رسیدیم که با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از طریق رایزنی فرهنگی ایران و پاریس هماهنگ کنیم که مجموعه عکس‌ها را به صورت چاپ شده در پاریس به نمایش بگذاریم که خدا را شکر هر دو اتفاق افتاد و قرار بر این شد که در دو روز پایانی فستیوال کن، فیلم و عکس‌ها را نمایش دهیم که استقبال خیلی خوبی هم از این رویداد شد.

استقبال از این نمایشگاه چطور بوده و آیا به هدفی که مدنظر داشتید، دست یافتید؟
استقبال خوبی از نمایشگاه شد؛ با دبیر بازار برلین ملاقات داشتیم؛ با یکی از دوستان



در این صندوق پول نریزید!

رضا احمدوند، عکاس

از مسابقات و جشنواره‌ها و نمایشگاه‌هایی درمی‌آورند، اما این بار نمایشگاهی متفاوت در جایی متفاوت، برای دیده شدن و برای رساندن پیام آن‌ها.

این بار ۲۸ عکاس خبری، ۵۵ تصویر را با یک پیام مشترک به نمایش گذاشتند. نمایشگاهی از ۲۵ تا ۳۱ ماه می در محل رایزنی فرهنگی ایران در پاریس و نمایشگاهی در حاشیه هفتاد و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کن که یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی و سینمایی جهان است. نمایشگاهی که «بابک بزویی» پرچم‌دار برپایی آن است با تصاویری از سیل و پیرانگراخیر در گلستان، لرستان، خوزستان و... و صحنه‌هایی از نیاز حادثه‌دیدگان که دستاوردهای شوم تحریم علیه کشور باعث شده تا دستان نیازمندان‌ها خالی بماند.

مشاهده بیش از ۵۰ قاب از ویرانی‌های سیل، کفایت می‌کند تا هر آدمی که بویی از عاطفه و نوع‌دوستی برده، دست در جیب کرده و کمکی هرچند ناچیز در صندوق جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای سیل‌زدگان بیندازد. اما تکمیل‌کننده پیام این نمایشگاه، جمله ظریفی است که با این مضمون روی صندوق نوشته شده است: «در این صندوق پول نریزید، چرا که به دلیل تحریم‌های ناعادلانه این پول‌ها به دست سیل‌زده‌ها نخواهد رسید!»

برپایی این نمایشگاه عکس در حاشیه جشنواره بین‌المللی فیلم کن، مخاطبان زیادی را به خود جلب کرده و ای‌کاش نویسندگان و سازندگان فیلم‌ها این تلنگر را حس کنند که آن‌ها هم مسئول اند تا تبعات شوم تحریم‌های ناعادلانه و قدرت‌طلبی زورگویان را به پرده نمایش بکشند. □

مدتی است که پای حوادث و بلایای طبیعی به کشورمان باز شده و در گوشه و کنار ایران، شاهد طوفان، خشک‌سالی، سیل و آب‌گرفتگی، برف و کولاک شدید، زلزله و... هستیم. همه این‌ها جزئی از معادله طبیعت است و طرف دیگر معادله، آموزش همگانی و آمادگی مواجهه با آن و البته تدابیر بیشتری همچون رعایت استانداردهای ساخت و ساز و استفاده از بیمه و... است. البته گاهی هم دو به اضافه دو، چهار نمی‌شود! زمانی که در حوادث و سوانح، نیروهای امدادی و جهادی و داوطلب پا به عرصه می‌گذارند و اتحاد جامعه برای مرتفع کردن مشکلات هم‌وطنان خود، آستین بالا می‌زنند تا سنگی از جلوی پای حادثه‌دیدگان بردارند و رنج آن‌ها را درد و رنج خود می‌دانند، این زمانی است که دو به اضافه دو، خیلی بیشتر از چهار می‌شود.

نقطه مقابل این داستان نیز وجود دارد. آن زمان که تحریم‌ها و دخالت زورگویان نمی‌خواهد بگذارد حاصل این جمع، چهار شود! سیلاب و خساراتی که از ابتدای امسال با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، شاهدهی بر این ادعاست و تحریم‌هایی که مانع رسیدن کمک‌های برون مرزی به دست سیل‌زدگان شد!

رسانه‌ها و به ویژه عکاسان خبری، جزو نخستین گروه‌هایی هستند که در بحران‌ها و حوادث طبیعی حضور پیدا می‌کنند و با هر زحمت و از هر راهی سعی می‌کنند خود را به دل حادثه برسانند تا لحظات تلخ و شیرین را ثبت کنند. تصاویری تلخ از خسارات و رنج مردم، یا شیرینی حضور نیروهای امدادی و صحنه‌هایی از ایثار و مهر زنان و مردان ایران زمین. اما عکس‌های سیل و زلزله و طوفان، عکس یادگاری نیست. تک‌تک این قاب‌ها ساند هستند. اسنادی از ابعاد حادثه و نیازهای مردم خسارت‌دیده و مصیبت‌زده. اسنادی از خدمت‌رسانی و دستان پاکی که به یاری دراز شده‌اند. اسنادی که خواندن نمی‌خواهند و دیدن می‌خواهند، اسنادی که خودشان واقعیت را روایت می‌کنند. گاهی این سندها سر



نماینده ولی فقیه در هلال احمر
به مناسبت سالگرد رحلت امام (ره):

انقلاب اسلامی به پشتیبانی ملت بزرگ ایران متکی است

نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، به مناسبت سی امین سالگرد ارتحال جانشین معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، با صدور پیامی تاکید کرد: انقلاب اسلامی با هدایت رهبر معظم انقلاب اکنون بنای استواری است بر سنگ بنای اندیشه‌های ماندگار حضرت امام (ره) و متکی به پشتیبانی ملت بزرگ ایران. ■

در چنین نقطه عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید آرمان‌هایی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) نزدیک خواهد کرد.

امروز، روز تجدید میثاق با آرمان‌های معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) است. ضمن عرض تسلیت به همه مردم ایران، به خصوص کارکنان، داوطلبان و همه زحمت‌کشان خدمت جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، از خدای متعال برای ادامه این حرکت بزرگ و اتصال آن به قیام موعود آل محمد (ص) به دست رهبر معظم انقلاب استعانت می‌جوییم. ■

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، متن پیام به این شرح است:

«رجال لانلهیهم تجارة ولا یبیع عن ذکر الله واقام الصلوة وایتاء الزکوة یخافون یوما تتقلب فیہ القلوب والابصار. لیجزیهم الله احسن ما عملوا ویزیدهم من فضله والله یرزق من یشاء به غیر حساب. سی سال از رحلت جانشین معمار عظیم‌الشان می‌گذرد و داغ این فراق هنوز در دل‌های مردم مسلمان و عدالت‌خواه و ظلم‌ستیز تازه است. امام خمینی (ره) یگانه فرزانه تاریخ، مجاهدی نمونه و بی‌مانند بود. در برابر ظلم پیاخاست و تا استقرار جمهوری اسلامی حرکت عظیم انقلابی مردم را هدایت کرد. حکومتی را بنیان نهاد که آرزویی به قدمت تاریخ مبارزات حق طلبانه جامه تحقق پوشاند و مسیری روشن در برابر دیدگان مظلومان گشود. چراغ ایزد افروزی که نور امید و استقلال را در دل‌ها می‌پروراند و چهل سال است یاری‌گر مظلوم و خار چشم مستکبرین جهان است. ملت ایران در چهارده خرداد سال شصت و هشت با امام و راهبری وداع کرد که هویت و عزت و کرامت را برای ایران به دست آورد و روحی تازه در کالبد جامعه مظلوم و مردم تحول‌خواه ایران دمید.

امانت بزرگ امام خمینی در سی سال گذشته، بالنده و استوار در راه رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی پیش می‌رود و کشتی انقلاب مسیر خود را ادامه می‌دهد. انقلاب اسلامی با هدایت رهبر معظم انقلاب اکنون بنای استواری است بر سنگ بنای اندیشه‌های ماندگار حضرت امام (ره) و متکی به پشتیبانی ملت بزرگ ایران. انقلاب اسلامی ایران در حالی قدم به دهه پنجم حیات خود نهاده که اگر چه دشمنان خوش خیالشان گمان‌های باطلی در سر دارند، اما دوست‌داران انقلاب هر روز امیدوارتر از دیروز، حافظ جمهوری اسلامی هستند.

نماینده ولی فقیه
در جمعیت هلال احمر:

مسئله فلسطین اولویت اصلی جهان اسلام است

« نماینده ولی فقیه در جمعیت هلال احمر با حضور در میان خیل عظیم روزه داران و راهپیمایان روز جهانی قدس، مسئله فلسطین را اولویت و مسئله اصلی مسلمانان و آزادی خواهان جهان دانست.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در هلال احمر، حجت الاسلام و المسلمین معزی، با اشاره به طرح‌ها و توطئه‌های فراوان نظام سلطه از ابتدای اشغال قبله اول مسلمانان تاکنون، طرح موسوم به معامله قرن را ننگین و محکوم به شکست دانسته و افزود: مسلمانان جهان و فلسطینیان مبارز قطعاً آزادی کامل قدس شریف دست از مبارزه و مقاومت نخواهند کشید. اتفاقات اخیر در منطقه به همگان ثابت کرد تنها راه احقاق حقوق از دست رفته فلسطینیان مظلوم مقاومت و ایستادگی است. آمریکا تلاش می‌کند با تهدید و تطمیع دولت‌های خودباخته موجودیت رژیم صهیونیستی را مشروعیت ببخشد. آزادگان عدالتخواه در سراسر جهان خیانت‌ها و خیانت‌ها را فراموش نخواهند کرد. دولت‌های غربی پس از شکست در راه‌اندازی گروه‌های تکفیری به منظور تضعیف جبهه مقاومت و تقویت جایگاه صهیونیست‌ها به دنبال راه دیگری برای پشتیبانی از دولت غاصب اسرائیل برآمد.

حجت الاسلام والمسلمین معزی ضمن تجلیل از حضور پرشور و همیشگی مردم ایران اسلامی در راهپیمایی‌های روز قدس، این حضور پرشور را نتیجه بصیرت ملت ایران دانست که روز قدس را تبدیل به روز دفاع از مظلوم و مبارزه از ظالمان کرده است.

یادآوری می‌شود نماینده ولی فقیه در هلال احمر ضمن حضور در پایگاه‌های جمعیت هلال احمر در طول مسیر راهپیمایی و گفتگو با امدادگران و اعضای این جمعیت از فعالیت‌ها و خدمات این نهاد مردمی و عام المنفعه در مراسم ملی و ایام الله تقدیر و تشکر نمود. □

حجت الاسلام و المسلمین معزی
در پیام عید سعید فطر:

رمضان امسال خدمت‌رسانی به مردم با عطر معنویت درهم آمیخت

« نماینده ولی فقیه در هلال احمر، به مناسبت فرارسید عید سعید فطر، ضمن تبریک این عید بزرگ گفت: رمضان امسال برای جمعیت هلال احمر همراه بود با خدمت‌رسانی به مردم حادثه‌دیده در واقعه سیلاب و عطر معنویت و خدمت درهم آمیخت و جان مومنان راستین را معطر ساخت. متن پیام به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم
خداوند متعال را شاکریم که توفیق درک ماه رضائی دیگر را به ما عطا فرمود. ماهی که از آغاز تا پایانش رحمت و برکت است. ضیافت خدا به پایان رسید در حالی که خداوند رحمان بندگانش را از خوان مغفرت و برکت سیراب کرد. مومنان یک ماه را به روزه‌داری و عبادت گذراندند و توشه برگرفتند.

خوشا به سعادت بندگان مخلص خدا که قدر فرصت دانستند و مجاهدت نمودند. اکنون نهال توبه و عبادت بارور شده و بنده‌ی صالح پرشور و شغف به استقبال عید می‌رود.
رمضان امسال برای جمعیت هلال احمر همراه بود با خدمت‌رسانی به مردم حادثه‌دیده در واقعه سیلاب. عطر معنویت و خدمت درهم آمیخت و جان مومنان راستین را معطر ساخت.
اینجانب ضمن تقدیر از همکاران پرتلاش این جمعیت در خدمت به مسلمانان روزه‌دار و حادثه‌دیده، از درگاه خداوند مهربان و میزبان بخشنده‌ی ضیافت رمضان، قبولی عبادات خالصانه آنان را مسئلت نموده و عید بندگی و عبادت را به محضر شریف حضرت ولی عصر (عج) و ولی امر مسلمین جهان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و مردم روزه‌دار و مؤمن ایران اسلامی تبریک عرض می‌نمایم. □

تجلیل از فعالان قرآنی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی

« طی مراسمی با حضور مدیرعامل و مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی از فعالان قرآنی هلال احمر در ماه مبارک رمضان تجلیل به عمل آمد.

به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی ۱۰۰ تن از کارکنان و فعالان قرآنی جمعیت هلال احمر استان آذربایجان شرقی در طول ماه مبارک رمضان با حضور حجت الاسلام واعظی مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان و سعید کنعانی مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان تجلیل به عمل آمد. به مناسبت ماه مبارک رمضان همه روزه جلسات روحوانی و ترتیل و تفسیر قرآن کریم در نمازخانه جمعیت هلال احمر استان منتهی به نماز ظهر با حضور کارکنان برگزار شد. □

این استان، پیشی گرفته. تابستان در راه است و اهالی هنوز در سوگ سیل بهار نشسته‌اند. مردم و امدادگران داوطلب می‌گویند که سیل، نزدیک به ۷۰۰ خانه در شهرستان آق‌قلا و ۷۰ خانه در روستاهای اطراف این شهرستان را تخریب کرد. مردم همان موقع در چادرها پناه داده شدند و چشمشان به دست امدادگران و خیران دوخته شده بود که یک ماه بعد، سیل، بار دیگر، به سمتشان جاری شد. زندگی اهالی دوباره خیس شد؛ تعداد آن‌هایی که در چادرها پناه گرفته بودند، بیشتر شد و حالا پس از ۷۵ روز، خیلی‌ها هنوز چادر نشین‌اند. خانه‌ها بوی فاضلاب گرفته، چاه‌های فاضلاب بر اثر سیل، سر باز کرده و راه، به سمت خانه‌ها گرفته‌اند. بوی نم همه جا را گرفته؛ گودال‌ها هنوز پر آب است و پشه‌ها امان اهالی را بریده. مهتاب سرجامی، یکی از داوطلبانی است که از نخستین روز حادثه، به کمک آمده و حالا می‌گوید تنها اتفاقی که رخ داده، فروکش کردن آب است. تصاویر منتشر شده از آق‌قلا، هنوز شرایط بحران را نشان می‌دهد. مردم چشم به راه کمک نشسته‌اند، هنوز رفت و روپ می‌کنند و گل، تمامی ندارد. آن‌ها که سن و سالی از شان گذشته، چشم به بازوان جوان ترها دوخته‌اند.

❏ سیل دوم

قربان محمد کمالی، از اهالی روستای سقربلیقی شهرستان آق‌قلاست؛ روستایی که تنها پنج کیلومتر از آق‌قلا دور است. او کارگر مخابرات روستایی است و سیل، دو هکتار از زمین‌های کشاورزی اش را ویران کرده. او می‌گوید با گذشت نزدیک به دو ماه و نیم از سیل گلستان، خیلی از خانواده‌ها همچنان در بلا تکلیفی به سر می‌برند: «خیلی از روستاها درگیر سیل شده‌اند. یک ماه بعد، سیل دوم که آمد، روستاهای بیشتری درگیر سیل شدند، مثل تازه‌آباد و حکیم‌آباد. این‌ها جزو محلات آق‌قلا حساب می‌شوند.» اهالی آق‌قلا می‌گویند سال‌ها قبل هم سیل در این منطقه آمده، اما هیچ وقت به این شدت نبوده است: «یادم می‌آید سال، ۷۱، ۷۲، سیلی آمد که خرابی زیاد داشت، اما سیل اسفند ۹۷، از آن هم شدیدتر بود.» درست زمانی که همه تصور می‌کردند، سیل در حال فروکش کردن است و به زودی از شهرهای سیل زده گلستان خارج می‌شود، سیل بند روستای یلمه خندان آق‌قلا شکست و موج جدید سیلاب، شهر را در خود گرفت.

❏ هنوز در چادر

بارندگی همیشه خبر خوبی برای شمال نشینان است، این بار اما خوبی چندانی برایشان نداشت. هر چند که اهالی باز هم می‌گویند که اوضاع نابسامان را از سر گذرانده‌اند، گل و لای خانه‌ها جمع شده و مردم، آن‌ها که خانه‌هایشان آسیب چندانی ندیده، سر خانه و زندگی‌شان برگشته‌اند: «خانه‌ها نیاز به تعمیر دارند، برخی هم باید تخریب شوند، این‌ها را بنیاد مسکن باید انجام دهد. الآن خانه ما از سیل، ترک خورده، خانه مادرم کاملا ویران شده و او به خانه ما آمده. تعدادی از خانواده ما هم از روی ناچاری به دلیل



گزارشی از گلستان، ۷۵ روز پس از حادثه

خبر خاموش شد اما آتش سیل هست هنوز

« ۷۵ روز پس از سیل ویرانگر گلستان، خبرنگار روزنامه شهروند به مناطق سیل زده رفته و از وضعیت این روزه‌های مردم سرزمین‌های شمالی نوشته است. مردمی که پس از فروکش کردن خبرهای مربوط به سیل و پس از واکنش سریع هم‌وطنان و امدادگران هلال احمر از مرحله سخت حادثه عبور کرده‌اند و حالا برای بازگشت به وضعیت عادی به حمایت‌های بنیادی‌ترین نیاز دارند.

از بالا، تصویر، تصویر شهری غوطه‌ور در آب است و گل. اول فروردین امسال، برای گلستانی‌ها شبیه به یک فالجعه بود؛ در خانه‌هایشان بودند که آب، زندگی‌شان را برد. پیش از آن، هشدارها را شنیده بودند، از ترسشان، زودتر از جان، گاو و گوسفندها را به جای دیگری بردند و حالا در آن روز، خودشان مانده بودند و خانه‌های غرق در آب، بخشی از دیوارهای ریخته و از ماشین‌ها، تنها سقفشان پیدا بود. کوچه‌ها مسیل رودخانه شد، قایق جای ماشین‌ها را گرفت. عکس‌های سیل که منتشر شد، مردم به کمک رفتند؛ آب معدنی، تن ماهی، لوازم بهداشتی و... به دست اهالی دادند و به جان خانه‌های غرق در گلشان، افتادند. شهر، نفسش گرفته بود انگار. چشم‌ها به گلستان دوخته شده بود که خبر سیل لرستان و خوزستان آمد و بحران کشور را گرفت. همین هم شد تا توجه‌ها از گلستان به سمت دواستان دیگر برود؛ آنجا هم خسارت‌ها بیشتر بود و هم قربانیان سیل. نزدیک به ۷۵ روز از سیل گلستان می‌گذرد و اهالی همچنان درگیرند. آق‌قلا و گمیشان بیشترین آسیب را از سیل دیدند و خسارت‌های آق‌قلا و ۱۰ روستای اطرافش از شهرهای دیگر

آق قلا بالاست، شاید به چشم دیده نشود، اما کمی که زمین را حفر کنند، به آب می‌رسند. هنوز در خیلی از مناطق، چاله آب وجود دارد. «اهالی آق قلا و روستاهای اطرافش، مشکل دیگری هم دارند، آب فاضلاب وارد خانه‌هایشان شده: «مستولان شهری در کوچه‌ها آهک پاشی می‌کنند، اما خیلی جوابگوی مشکلی که برای منطقه ایجاد شده نیست، از سوی دیگر پشه‌ها هم بعد از سیل بشدت زیاد شده‌اند، خیلی از مناطق لجن‌زار است و همین هم به تعداد پشه‌ها اضافه کرده.» سرجامی می‌گوید که تیم‌های داوطلب در توزیع اقلام و پاکسازی خانه‌ها نقش زیادی داشتند و حالا پس از پایان آن بخش به مردم برای تکمیل پرونده‌هایشان و همچنین پیگیری شرایط تعمیر خانه و... کمک می‌کنند.

۱ بحران روانی

ماجرای این جا ختم نمی‌شود، پس از جاری شدن سیل در گلستان، دواستان لرستان و خوزستان هم درگیر سیل شدند، آنجا مادر کنار خسارت‌های مالی، سیل قربانیانی هم داشت و با توجه به گستردگی اتفاق افتاده، شرایط بحرانی تراز گلستان شد. همین هم شد تا کمک‌های مردمی بلافاصله در گلستان کمتر شد و به سمت دواستان دیگر رفت. سرجامی می‌گوید مردم آق قلا به ویژه در روستاها بشدت به کمک‌های مردمی نیاز دارند، چراکه سیل معیشت آن‌ها را مختل کرد و آمار بیکاری را بشدت بالا برد. به گفته او همین مسأله برای اهالی بحران روانی ایجاد کرده است: «آن‌ها زود ناراحت و عصبانی می‌شوند و به سرعت در میان‌نشان درگیری ایجاد می‌شود.» او می‌گوید که کمک‌ها جوابگوی نیاز مردم سیل زده نیست. مردم باید به کمک بیایند.

کمالی از اهالی روستای سقریلقی هم از انتظار مردم برای رسیدن کمک‌ها می‌گوید: «دولت به تنهایی نمی‌تواند کار کند. همه باید کمک کنند. مردم از مسئولان می‌خواهند تا زودتر به دادشان برسند، تشکیل پرونده و تسهیلات بدهند.»

۱ کلاس‌های کانکسی

اهالی می‌گویند حدود هفت مدرسه در شهرستان آق قلا از سیل آسیب دیدند، همین هم شد تا مدرسه‌ها دو شیفت شوند و تعدادی از دانش‌آموزان هم روانه کانکس‌ها شدند. در یک سری از مناطق هم مدرسه‌ها تعطیل شدند و پایان سال تحصیلی اعلام شد. خیلی از بچه‌ها تنها یک هفته پس از تعطیلات نورو به مدرسه رفتند.

مسئولان صحبت از خسارت‌های می‌کنند، در روزهای نخست پس از سیل، امانگلدی ضمیر، فرماندار آق قلا اعلام کرده بود که حدود ۲۵ درصد از محلات شمالی شهر دچار آبگرفتگی شده‌اند و سطح آب در آن‌ها به ۴۰ تا ۹۰ سانتی‌متر رسیده، روستاهای سقریلقی، سلاق یلقی و میرزا علی یلقی بخش مرکزی آق قلا هم دچار آبگرفتگی شده‌اند. همین مسئول پس از سیل دوم درباره شرایط فعلی این منطقه توضیح داد که با استفاده از پمپ‌های آب، همه محلات و مناطق شهری و روستایی آق قلا از گل‌ولای و سیلاب تخلیه شد. □



تنها اتفاقی که

رخ داده، فروکش

کردن آب است.

تصاویر منتشر شده

از آق قلا، هنوز

شرایط بحران را

نشان می‌دهد.

مردم چشم‌به‌راه

کمک نشسته‌اند،

هنوز رفت و روب

می‌کنند و گل،

تمامی ندارد.

آن‌ها که سن

و سالی از شان

گذشته، چشم به

بازوان جوان‌ترها

دوخته‌اند

بالا رفتن جمعیت، در چادر زندگی می‌کنند.» تصویری که کمالی از آق قلا دارد، تصویر شهری همچنان گرفتار سیل است. تعدادی از محله‌ها، هنوز درگیر گل‌ولای‌اند: «آب زیاد دیده نمی‌شود، اما اثر آن وجود دارد. خانواده‌هایی هستند که همچنان در چادر زندگی می‌کنند. خانه‌ها بوی بد می‌دهد، بوی تعفن. آب فاضلاب بیرون آمده و وارد خانه‌ها شده. همین هم شده تا بعضی‌ها نخواهند داخل خانه‌هایشان بروند.» آن‌ها پیش از سیل، به هشدارها توجه کرده بودند، گاو و گوسفندها را به منطقه دیگری بردند و خودشان هم جای دیگری اسکان پیدا کردند، همین هم شد تا به گفته کمالی، خسارت سیل بیشتر از این‌ها نشود: «الآن مشکلی که داریم علوفه دام‌هاست. خودم نزدیک به یک میلیون تومان خسارت علوفه دیدم، دو هکتار از زمین‌های کشاورزی‌ام خراب شد.»

۱ ویرانی زمین‌های کشاورزی

گروه‌های داوطلب مستقر در آق قلا می‌گویند که سطح گل‌ولای در این شهرستان، از ۵ سانتی‌متر شروع شد و به ۲۰ سانتی‌متر هم رسید. همان روزهای اول، نیروهای جهادی آمدند و خانه‌ها و کوچه‌ها را تمیز کردند، سیل اسباب و اثاثیه بسیاری از خانواده‌ها را از بین برد، زمین‌های کشاورزی را خراب و کارگاه‌ها را تعطیل کرد. مهتاب سرجامی از داوطلبان مستقر در آق قلا می‌گوید که خیلی از کارگران این منطقه روزمزدند، روی زمین‌های کشاورزی کار می‌کردند و با از بین رفتن زمین‌ها، خیلی‌هایشان بیکار مانده‌اند. از سوی دیگر، در این منطقه کارگاه‌های زیادی فعال بود؛ کارگاه‌های قالبیافی و ام‌دی‌اف و... سیل که آمد، بسیاری از دستگاه‌ها را خراب کرد.

بر اساس اعلام امانگلدی ضمیر، فرماندار آق قلا در این منطقه ۵۵۰۰ واحد مسکونی و روستایی و شهری آسیب دیده‌اند که از این تعداد ۳ هزار واحد مسکونی در سطح روستاها و ۲۵۰۰ واحد در سطح شهرها هستند. به گفته او ۳۰ درصد از واحدها نیاز به بازسازی دارند و قرار است برای بازسازی واحدها، ۱۰ میلیون تومان کمک بلاعوض و ۴۰ میلیون تومان تسهیلات قرض‌الحسنه با بازپرداخت ۱۵ سال در روستاها و ۱۲ میلیون تومان کمک بلاعوض و ۵۰ میلیون تومان تسهیلات قرض‌الحسنه با بازپرداخت ۱۵ سال در شهرها پرداخت شود. برای تعمیر واحدهای مسکونی در سطح شهرها و روستاها ۲ میلیون تومان کمک بلاعوض و ۱۵ میلیون تومان تسهیلات قرض‌الحسنه با بازپرداخت پنج سال در نظر گرفته شده است.

۱ بهداشت

مشکل اهالی گلستان گرفتن وام است. سرجامی می‌گوید تکمیل‌ها وام نمی‌گیرند، چون سود بانکی را قبول ندارند، یعنی وامی که بهره‌ای داشته باشد را نمی‌پذیرند، به همین دلیل هم حالا برای گرفتن وام مشکل دارند، اگر قرار باشد به آن‌ها وامی داده شود، باید بدون بهره باشد، یعنی به صورت یک قرض به آن‌ها داده شود: «هنوز سطح آب در

همکاری هلال و کانون طلاب امامیه شهرکرد

نشست مشترک مسئول دفتر نهاد نمایندگی ولی فقیه و معاون امور جوانان جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری با مدیریت و اعضای شورای اجرایی کانون طلاب امامیه شهرکرد سه شنبه بیست و چهارم اردیبهشت ماه برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر این استان، در این نشست حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر جعفری مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان چهارمحال و بختیاری در این دیدار به ضرورت های تشکیل کانون طلاب و حضور آن ها در فعالیت های جمعیت هلال احمر اشاره کرد و گفت: جمعیت هلال احمر به ویژه سازمان جوانان یکی از نقاط حساس و بسیار مهم است که کانون طلاب می تواند در این راستا جمعیت هلال احمر را همراهی کند.

در ادامه محمدرضا عرب معاون امور جوانان جمعیت هلال احمر استان با تشریح اهداف کانون ها بر اساس اساسنامه و حضور پررنگ اعضای کانون طلاب در فعالیت های اخیر سازمان به ویژه امداد رسانی به حادثه دیدگان ناشی از سیل اخیر پرداخت.

همچنین حجت الاسلام والمسلمین فاطمی مدیر حوزه علمیه امامیه برادران استان چهارمحال و بختیاری گفت: خدمات متنوع جمعیت هلال احمر و اهمیت این خدمات این روزها بسیار پررنگ شده است. فاطمی در ادامه بیان کرد: حوزه علمیه آماده هرگونه همکاری با جمعیت هلال احمر است. و برگزاری دوره های آموزشی برای طلاب لازم است که جمعیت هلال احمر استان در این مورد با حوزه علمیه همکاری نماید. □

نشست های قرآنی در قم

دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم به مناسبت ماه مبارک رمضان همه روزه سلسله نشست های قرآنی را در هلال احمر این استان با حضور کارکنان این جمعیت برگزار کرد.

به گزارش روابط عمومی جمعیت هلال احمر استان قم؛ در این سلسله نشست های قرآنی که همزمان با ماه خدا و در ساعت نماز ظهر و عصر برگزار می شد، برنامه هایی همچون نماز جماعت، قرائت و جمع خوانی قرآن کریم و سخنرانی با مباحث قرآنی و دینی تدارک دیده شده بود.

بر اساس این گزارش، در این مراسم امام جماعت پس از برگزاری نماز و قرآن خوانی توسط کارکنان، ضمن ایراد سخنرانی به اهمیت بهره مندی از تعالیم قرآنی و فیوضات این ماه الهی با سرفصل های مختلفی همچون خانواده؛ سبک زندگی اسلامی و ارائه پژوهش های قرآنی پیرامون مباحث مختلف تاکید کرد.

همچنین، تهیه و توزیع کتاب محبوبه الرسول در خصوص ۴۰ ویژگی از خصوصیات ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری (س) به قلم سید مصطفی علامه مهری و برگزاری مسابقه فرهنگی با همین موضوع از دیگر برنامه های فرهنگی ماه مبارک رمضان بود که توسط دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان قم برنامه ریزی و اجرا شد. □

تشریح فعالیت های هلال احمر خراسان رضوی در ماه مبارک رمضان

حضور مبلغان دینی در پایگاه های هلال

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، حجت الاسلام والمسلمین اسدی در مصاحبه با این پایگاه از اجرای طرح سفیران ضیافت الهی در ماه مبارک



رمضان در استان خراسان رضوی خبر داد و گفت: در این طرح مبلغان دینی با حضور در کلیه شعب و پایگاه های امداد و نجات جاده های سراسر استان به تبیین احکام نماز، روزه و اهمیت ماه مبارک رمضان پرداختند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر خراسان رضوی، جزء خوانی قرآن در شب های ماه مبارک رمضان ویژه اعضای جمعیت هلال احمر را یکی دیگر از برنامه های در نظر گرفته شده برای این ماه الهی اعلام کرد و گفت: برگزاری مسابقات قرآنی و کتابخوانی و قرائت روزانه یک صفحه از قرآن در بین نماز ظهر و عصر در کلیه شعب جمعیت هلال احمر خراسان رضوی نیز از دیگر برنامه های فرهنگی مذهبی ویژه رمضان در هلال احمر استان بود.

وی به طرح نوسازی کتاب قرآن و ادعیه مراکز اداری و شعب جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی در ماه مبارک رمضان اشاره کرد و گفت: علاوه بر این حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان با توجه به رسالت ارتقاء فرهنگ دینی خود در بین کارکنان اقدام به برگزاری محفل انس با قرآن ویژه خانواده کارکنان و اعضای جمعیت هلال احمر استان در ایام ماه مبارک رمضان نمود.

حجت الاسلام والمسلمین اسدی با تاکید بر بهره گیری از فرصت نزدیک شدن به پروردگار و استغفار از گناهان در ماه مبارک رمضان، تدبیر و تأمل در مفاهیم قرآن را لازمه سعادت دنیای انسان دانست و افزود: به همین منظور ائمه جماعات شعب و مراکز اداری هلال احمر استان با برگزاری جلسات تفسیر قرآن کریم نقش مهمی در این زمینه ایفا کردند.

مسئول دفتر نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر استان خراسان رضوی در پایان با قدردانی از امدادگران و نجاتگران روزه داری که علاوه بر بندگی خدا و عبادت در ماه مبارک رمضان با کمک به تسکین آلام بشری و خدمت به هموعان نیز رضایت پروردگار را برای خود کسب کردند گفت: تلاش شبانه روزی این عزیزان در این ماه پر فیض و برکت، پاداشی دو چندان از سوی پروردگار خواهد داشت. □

ظهرانه هلال

قرار دوم

«ظهرانه هلال» یا همان قرار هفتگی نمازخانه صلح، وعده‌ای است که در آن یکی از اعضا و یا همکاران جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران چه از عزیزان قدیمی‌تر و چه آنهایی که هنوز به این جمعیت خدمت می‌کنند، دعوت می‌شوند تا به تناسب مناسبت تقویمی آن ایام، تجربه‌ها، خاطره‌ها و یا دانستی‌های علمی‌شان را در جمع صمیمی نمازگزاران نمازخانه صلح بازخوانی کنند. این وعده ظهرگاهی به همت معاونت فرهنگی و امور آموزشی و پژوهشی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر، پس از نماز ظهر و عصر برگزار می‌شود. هر هفته با نصب اطلاعیه‌ای، نام میهمان، وعده قرار و مناسبت و موضوع آن قرار اطلاع‌رسانی می‌شود. بدینوسیله از کارکنان گرامی جمعیت هلال احمر دعوت می‌شود با حضور در این قرار هفتگی پای صحبت یکی از همکارانشان بنشینند و دیداری تازه کنند. منتظران هستیم ...



قرار دوم



باشگاه مهروماه

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

ارتباط مستمر و مداوم با مردم

اخبار و گزارش‌ها؛ یادداشت و مقاله‌ها و صفحه اختصاصی دفاتر استانی نمایندگی ولی فقیه در جمعیت هلال احمر

www.nvhelaal.ir





زمان ارسال پیام تا ۳۱ تیر

مسابقه پیامکی مروان

علاقه مندان به شرکت در مسابقه پیامکی مهروماه می توانند با مطالعه سؤالات زیر، پاسخ آن را در بخش های مختلف مجله پیدا و به سامانه ۳۰۰۰۴۸۶۶۴۴ ارسال کنند.

پاسخ شما باید یک عدد ۸ رقمی باشد که هر رقم آن گزینه صحیح هر یک از سؤالات است. به طور مثال: در سوال یک، پاسخ شماره ۲ صحیح است و در سوال ۲ گزینه شماره ۴ و در سوال ۳ گزینه شماره ۱ و... عدد گزینه ارسالی شما این خواهد بود: ۲۴۱۰۰۰
ضمناً همراه عددهای ارسالی، نام و نام خانوادگی خود، نام استان و محل خدمت تان را قید کنید.

به برگزیدگان جوایزی اهدا می شود.



۱ آمریکا پس از هزینه کرد چه مقدار دلار مجبور شد از سوریه خارج شود؟

- (۱) ۷ تریلیون دلار (۲) ۷ میلیون دلار (۳) ۵ تریلیون دلار (۴) ۵ میلیون دلار

۲ چند میلیون کودک آمریکایی گرسنه هستند؟

- (۱) ۵ میلیون نفر (۲) ۱۰ میلیون نفر (۳) ۱۲ میلیون نفر (۴) ۱۵ میلیون نفر

۳ اولین رکن نماز چیست؟

- (۱) وضو (۲) نیت (۳) اذان و اقامه (۴) قیام

۴ حضرت حمزه سیدالشهدا در کدام غزوه به شهادت رسیدند؟

- (۱) بدر (۲) حنین (۳) تبوک (۴) احد

۵ رمان «فرار در شب» درباره چیست؟

- (۱) جنگ تحمیلی (۲) زنده به گور کردن دختران (۳) جنگ جهانی اول (۴) خشونت اعراب جاهلی

۶ داستان «ناقوس ها به صدا درمی آیند» درباره کدام شخصیت نوشته شده است؟

- (۱) حضرت علی (ع) (۲) حضرت مسیح (ع) (۳) امام رضا (ع) (۴) حضرت ابراهیم (ع)

۷ در تفسیر خطبه ۸۷ نهج البلاغه چه چیزی شیرین تر از بهشت توصیف شده است؟

- (۱) غفران الهی (۲) نیکی به والدین (۳) رضوان الهی (۴) خدمت به خلق

۸ محور موضوعی دعای نخست صحیفه سجادیه چیست؟

- (۱) حمد و ثنای الهی (۲) شکر نعمت (۳) صبر و بردباری (۴) تقوای الهی